

سال سوم شماره ۱۹
از دیهشت ۱۳۷۳
مهر ۱۹۸۲



دفتر انتشارات و چاپ سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران در سطح لاکه‌دور

اشغال سفارت کنسولگری، دفتر نمایندگی یونسکو و دفتر هواپیمائی رژیم و آکسیونهای دیگر در سراسر جهان



مهر
آکسیونهای
سراسری
۲۸ کیخبره

عملیات قهرمانانه

پیشمرگان فدائی

در

منطقه سردشت به مناسبت دومین سالروز شهادت رفقا: هادی، نظام و همزمان نشان

پیشمرگان دلیر فدائی طی دو عملیات پی در پی و قهرمانانه در روزهای ۲۵ و ۲۶ اسفندماه، یاد شکوهمند شهدای اسفندماه ۱۳۶۰، رفقا احمد غلامیان لشکرویدی (هادی) نظام، کاظم و دیگر اعضا و کادرهای سازمان که در این روز شهادت رسیدند را گرامی داشتند و ضربات سختی بر پیکر مزدوران رژیم جمهوری اسلامی وارد آوردند. پیشمرگان فدائی طی این دو عملیات، یکبار دیگر پیمان خونین خود را با شهدای اسفندماه و دیگر شهدای سازمان تجدید کرده، عزم و اراده استوارشان را در ادامه بلا نقطاع راه آنها و وفاداری به آرمان آنها که همانا آرمان کارگران و زحمتکشان سراسر ایران است، به نمایش گذاشتند.

آنان در بزرگداشت خاطره رفقای شهید کمیته مرکزی سازمان، گلوله‌های خود را بر سینه مزدوران رژیم جمهوری اسلامی نشانه رفتند و در غرش رگبارهای خود، فریاد بقیه در صفحه ۲۵



قلاشی "شورای ملی مقاومت" قطعی است

در خردادماه سال ۶۰ هنگامیکه ائتلاف رهبران سازشکار سازمان معاهدین خلق با جناحی از لیبرالها برهبری بنی‌صدر شکل رسمی و علنی بخودگرفت، انقلاب ایران بی‌از سازش خاشاکه اکثریتیها "تاضربه" دیگر از سوی رهبران معاهدین خلق روبروشد. چراکه در ماهیت امر تفاوت اساسی میان خط مشی این دو جریان وجود نداشت. یکی راه سازش با یک جناح بورژوازی سرگردمگی حزب جمهوری اسلامی را برگزید، و معاهدین خلق نیز راه سازش با جناح دیگر بورژوازی یعنی لیبرالها را برگزیدند. با این تفاوت که هنوز در آنزمان تعداد زیادی از نوده‌های مردم نمی‌توانستند ماهیت اعمال و سیاستهای سازشکارانه رهبران سازمان معاهدین خلق را درک کنند.

اما امروز پس از گذشت نزدیک به سه سال از سازش رهبران معاهدین خلق با بورژوازی لیبرال بسیاری از حقایق آشکار گشته است، و ماهیت اعمال، رفتار و سیاستهای سازشکارانه آنها بر ملا گشته است.

انقلاب به سرعت نوده‌ها را آموزش میدهد، توهمات را زایل می‌سازد، ماهیت ارتجاعی خط مشی‌های رفرمیستی و سازشکارانه را بر ملا میکند و صحت و حقیقت خط مشی انقلابی پرولتاریائی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را که پرچم مخالفت با "شورای ملی مقاومت" را سرفراشت، پیگیرانه ماهیت این ارگان و برنامه بورژوازی رفرمیستی آنرا افشا نمود و سیاست درهم نگستن آنرا که سدی بر سر راه انقلاب ایران محسوب میشود در پیشگرفت نشان داد.

امروز دیگر تردیدی باقی نمانده است که "شورای ملی مقاومت" با کلیت برنامه و تاکتیک آن مانگست روبروشده است. خروج بنی‌صدر از "شورای ملی مقاومت" که خبر آن طی این هفته انتشار یافت خود بارزترین تجلی شکست و فروپاشی "شورای ملی مقاومت" و انحلال قطعی آن محسوب میگردد. از مدتها پیش روشن بود که بی‌از شکستهای مداوم این ارگان و برنظام شدن بقیه در صفحه ۲۵



حماسه مبارزه، مقاومت و شهادت رفیق بیژن جزئی و همزمان نشان همیشه الهام بخش مبارزان راه رهایی طبقه کارگر و زحمتکشان مبین ما خواهد بود



رفیق کسری فدائی خلق، بیژن جزئی از پیشمرگان نشان دومین کشورشماره ایران

به مناسبت ۲۱ فروردین سالگرد شهادت رفیق جزئی و همزمان نشان

رادیو فدایی



همه روزه از ساعت ۶ الی ۶/۵ بعد از ظهر زوی هوج کوتاه ردیف ۴۱ امت

برای تماس با جهان با آدرس زیر مکاتبه نمایید:
JAHAN جهان
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185 U.S.A.

سخنی در حاشیه آکسیون سراسری موفق ۲۶ آوریل

موفقیت چشمگیر آکسیون ۷ نوامبر بعدی بود که عناصر منظور رژیم را وادار نمود تا برای خنثی نمودن اثرات مثبت آن در - ابتکار مردم چه در داخل و چه در خارج از ایران، به دروغ و حیل و متوسل شوند و هواداران سازمان را به آمریکا و غیره وابسته گردانند. این موفقیت زمینه ساز برنامه ریزی دیگری برای آکسیون شعری مشابهی در ابعاد وسیع تر گردید.

روز ۲۶ آوریل ۱۹۸۴ (۶ اردیبهشت) به منظور اعتراض به وضع زندانیان سیاسی در ایران و افشای شکنجه های قرون وسطایی زندانیان و با یاد دانشجویان شهید در اوایل اردیبهشت ۱۳۵۹ در دانشگاه های ایران، بار دیگر چندین مرکز رژیم در کشورهای اروپایی توسط دانشجویان هوادار سازمان چریک های فدائی خلق ایران اشغال شد. سفارت رژیم جمهوری اسلامی در لندن، کنسولگری رژیم در لندن، دفتر هواپیمائی رژیم در فرانکفورت، دفتر نمایندگی رژیم در بونسکو بطور همزمان توسط دانشجویان رزمنده و انقلابی تصرف گردید. همزمان و

بزرگ توانست توجه رسانه های خبری دنیا را به خود جلب کند. یکی تظاهرات دانشجویان ایرانی در آمریکا علیه شاه در شهر واشنگتن در سال ۱۹۷۷ که به زد و خوردی خونین با ساواکی ها، مزدوران رژیم و پلیس آمریکا منجر شد و دیگری در آستانه سقوط شاه و پایان یافتن حکومت ۵۰ ساله پهلوی در شهر لوس آنجلس، آمریکا که محل سکونت شمس پهلوی به آتش کشیده شد.

در چند سالی که از قیام بهمن ماه میگذرد، میتوان گفت که آکسیون مبارزاتی مشابهی در خارج از کشور برگزار نشده است. تنها در ۷ نوامبر ۱۹۸۳، آکسیون اشغال سفارت رژیم در بلژیک و اشغال دفاتر هواپیمائی ایران در لندن، پاریس، فرانکفورت، وین و دهلی نو توسط هواداران سچقا توانست به نحو بی سابقه ای توجیه رسانه های بین المللی را به خود جلب کند. تا آن زمان آکسیون اشغال مراکز رژیم، برجسته ترین آکسیون جنبش دانشجویی خارج از کشور بعد از سال ۱۹۷۹ بود.

به یقین میتوان گفت که در طول سه دهه حیات جنبش دانشجویی خارج از کشور و برگزاری صدها آکسیون مبارزاتی، تنها چند آکسیون توانسته است از بازتاب وسیع بین المللی برخوردار شود. موفقیت یا عدم موفقیت هر آکسیون مبارزاتی عمدتاً بستگی به میزان انعکاس آن در رسانه های بین المللی، اعم از رادیو، تلویزیون و جراید و همچنین میزان افشاکگری از جنایات رژیم و اثرات آن در افکار عمومی دارد. در دوران حاکمیت شاه، جنبش دانشجویی خارج از کشور قادر گشت نقش افشاگرانه بس مہمی در افکار عمومی جهان ایفا نماید، چهره های ماسک زده دانشجویانیکه در کنفدراسیون جهانی شکل یافته بودند، توانست در آکسیونهای خیابانی در شهرهای اروپا و آمریکا، ابعاد ترور، اختناق، شکنجه و اعدام در رژیم شاه را در اذهان تداومی کند. همچنین آکسیونهای اشغال سفارتخانه ها و مراکز ساواک و جاسوسی رژیم شاه در خارج از کشور، در تاریخ جنبش دانشجویی خارج از کشور با درخشندگی خاصی ثبت گردیده است در اواخر عمر رژیم شاه، دو آکسیون

فهرست مطالب

گزارش اشغال سفارت ، کنسولگری ، دفتر صفحه پشتک و آرو حزب معامله گرتوده	۳۶
نمایندگی یونسکو و	۵
قطعا مه آکسیون سراسری	۱۵
پیام کارکنان "جهان"	۱۵
انعکاس خبر آکسیون سراسری در مطبوعات جهان	۱۱
گشت و گذار	۱۴
اخبار ایران	۱۶
اخبار جهان	۲۵
چرا دولت ریگان برای تصویب کسر بودجه آمریکا تلاش میکند	۲۳
جنبش سوسیال دمکراسی و کمونیستی ایران	۲۶
چگونه روز جهانی کارگر بوجود آمد؟	۲۸
محال است در اسلام حکم مساوات	۳۲
مجاهدین : شکست یک استراتژی	۳۳
قطعا مه پانوم هیجدهم کمیته مرکزی حزب توده و اکثریت	۳۷
موضع ما در مقابل چرخش جدید حزب توده و اکثریت	۳۹
برگزاری مراسم قیام و سیا هکل	۴۵
گزارشهای برگزاری مراسم ۸ مارس	۴۳
گزارشهای برگزاری مراسم عید نوروز	۴۵
انقلاب آقای رجوی در علم و فلسفه	۴۷
اتهام	۵۵
بمناسبت اول اردیبهشت	۵۲
بسیج زنان : انقلاب در انقلاب (۲)	۵۷
از خوانندگان	۶۱
شعر	۶۵
کمکهای مالی	۶۶

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

بدنبال این آکسیون ها ، رفقای هوادار در کشورهای اطریش ، سوئد ، هند ، آمریکا و کانادا اقدام به برگزاری تظاهرات ، تحصن ، راه پیمایی ، اجرای نمایش های اعدام خیابانی ، اعتصاب غذا ، برگزاری نمايشگاه عکس ، پخش وسیع اعلامیه و... نمودند .

اخبار مربوط به این آکسیونها بویژه آکسیون مربوط به اشغال سفارت در هلند ، کنسولگری در انگلستان ، دفتر نما پندگی یونسکو در فرانسه و دفتر هواپیمایی رژیم در فرانکفورت توسط تمام رسانه های غربی جهان پخش گردید . بی مبالغه میتوان گفت که دهها فرستنده تلویزیونی در چندین نوبت غیر مربوط به این آکسیون را همراه با فیلم های مستندی از این آکسیون ها در سراسر جهان پخش کردند و تنها در کشور آمریکا کانالهای تلویزیونی سراسری ABC ، CBS ، NBC ، PBS و CNN در دو نوبت این اخبار را مخابره نمودند و بدنبال آنها مدعا کانال سال تلویزیونی محلی در شهرهای مختلف آمریکا خبر را رله کردند ، ایستگاههای سراسری رادیویی CBS ، NBC ، ABC ، PBS و VOA در چندین نوبت در رأس خبرهای خود بعنوان یکی از سه خبر بزرگ جهان آنها پخش نمودند . در اولین ساعات روز پنجشنبه ۲۶ آوریل خبر آکسیونهای سراسری دهن به دهن منتقل گردید و همه جا مورد ارزیابی مردم جهان قرار گرفت . بدنبال پخش خبر توسط خبرگزاریهای اروپایی و آمریکایی ، سایر خبرگزاریهای جهان این خبر را به زبانهای مختلف همراه با تفسیر و شرح سابقه تاریخی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پخش نمودند . همه جا صحبت از این آکسیون بود . ایرانیان مترقی با خوشحالی تمام غیر موفقیت آکسیون را به یکدیگر اطلاع میدادند و بی اختیار ابزار خوشحالی میکردند چرا که میدانشند که پس از مدتها سکوت ، این آکسیون توانسته بود نظر جهانیان را در مورد وضع زندانیان سیاسی و جنایات رژیم علیه آنها ، جلب نماید .

بی اغراق میتوان گفت که این خبر جنب و جوش و تحرک جدیدی در مجامع سیاسی ایرانیان خارج از کشور بوجود آورد . - انجام موفقیت آمیز این آکسیون نه تنها آنها را خوشحال کرد ، بلکه امید تازه ای در دل مبارزان خارج از کشور بوجود آورد . این حرکت به آن دسته از دانشجویانی که فعالیت در رژیم را در خارج از کشور تقبی میکردند آموزش داد که چگونه میتوان حتی در خارج از کشور چهره کزیه رژیم را به

جهاشيان نشان داد . این عمل انقلابی سرمشی بود برای آندسته از محافل سیاسی برمدعا که در خارج از کشور کنج عزلت گزیده اند و در لاک تفکرات روشنفکرانه خود فرو رفته اند . این آکسیون تعرضی به آندسته از شیروهاشیکه مبارزات دانشجویی را تا حد عملیات منفعلانه ، تظلم خواهانه و ترحم - برانگیز کاهش داده اند و بجای افشای چهره کزیه رژیم ، در جهت جلب ترحم سیاستمداران غرب تلاش میکنند ، باد داد که میثسوان همواره روحیه رزمندگی خود را حفظ نمود ، هواداران را به عملیات تعرضی فراخواند و قدر قدرتی رژیم را خدشه دار ساخت .

رمز موفقیت این آکسیون در چه بود؟ هر فرد آگاهی بخوبی میداند که انجام آکسیون مبارزاتی موفق چون آکسیون ۲۶ آوریل ، به شرایط و ویژگی های خاصی بستگی دارد که باید مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرند :

یکی از دلایل اساسی موفقیت این آکسیون را باید در سراسری بودن آن دانست و این منکن نیست فکر اینکه تشکیلاتی وسیع و منجم در کشورهای مختلف در ارتباط با یکدیگر وجود داشته باشد . اما تنها وجود تشکیلاتی سراسری کافی نیست گذشته از این ، این تشکیلات سراسری باید دارای برداشت های سیاسی و مبارزاتی واحد و یکسانی باشد و اتوریته سازمانی مشترک و متمرکزی را بپذیرد . این پیش شرط ها یک سازمان سیاسی را قادر میسازد که بطور همزمان برنامه مبارزاتی مشترکی را تدارک ببیند ، بنا براین با توجه به پراکنده گی جنبش و تبلور آن در خارج از کشور ، وجود سازمانهای سراسری هوادار که دارای خط مشی سیاسی و مبارزاتی واحد باشند و در نتیجه اتوریته سازمانی و تشکیلاتی وسیع و متمرکزی را بوجود آورند ، برای انجام موفقیت آمیز چنین آکسیونهای ضروری است از همین روست که افراد پراکنده و بی سازمان هر قدر هم که مبارز و معتقد باشند ، از آنجائیکه در تشکیلات واحد نیروی خود را کانالیزه نمیکند و در همین حال هر یک خود را "محور" جنبش می شناسند و دیگران را قبول ندارند ، قادر به انجام چنین آکسیونهایی که ضرورت آن برکی پوشیده نیست ، نمی باشند .

اما یک سازمان هوادار در خارج از کشور زمانی میتواند به چنین آکسیونهای موفق دست بزند که "سازمان مادر" داخل کشور زنده ، فعال و مبارز باشد . بنا براین

سازمانهایی که میدان مبارزه را در داخل کلاها کرده اند و در خارج از کشور کنج عزلت گزیده اند ، طبعاً نمیتوانند هواداران فعالی داشته باشند . زمانی که حداکثر فعالیت این دسته از گروهها ، مطالبه و احیاناً هرا چندگاهی انتشار جزوه ای ، آنها در نقد دیگران باشد ، از هواداران آنها نمیتوان توقعی بیش از سازمانهای مادرشان داشت .

رزم دیگر موفقیت آکسیون ۷ نوامبر و آکسیون ۲۶ آوریل ، تعرضی بودن آنها بود . در حقیقت این عملت تعرضی این آکسیونها بود که توانست توجه رسانه های بین المللی را بخود جلب کند و سکوت خبرگزاریهای بین المللی را در مورد جنایات رژیم فدیشری جمهوری اسلامی بشکند . بنا براین اعتقاد به ضرورت آکسیونهای تعرضی و رزمنده و اعتقاد به این مسئله که آکسیونها نباید همواره حالت دفاعی و غیر تعرضی داشته باشد ، در موفقیت آکسیون های سراسری ۷ نوامبر و ۲۶ آوریل نقش بسزایی داشت .

در این میان شاید از یک عامل بسیار مهم غافل ماند و آن اینکه وجود یک ستاد هماهنگ کننده ، هدایت کننده و برنامه ریز برای انجام این آکسیونها حتماً ضروری است . ستادی که خود معتقد ، مشوق و برنامه ریز انجام اینگونه آکسیونها باشد بنا براین نقش "کمیته خارج از کشور سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" در این میان بسیار برجسته است . برای درک بهتر این مسئله باید یادآور شد که حتی در زمانیکه شرایط برای انجام آکسیونهای تعرضی و حاد بیشتر از امروز فراهم بود ، جنبش دانشجویی در خارج ، از جمله هواداران چپخا قادر نگشتند آکسیون تعرضی موفق چون آکسیون ۷ نوامبر ۸۲ و آکسیون کنونی (۲۶ آوریل ۸۲) برگزار کنند . بنا براین بی آنکه بخواهیم مبالغه کنیم ، نقش "کمیته خارج از کشور" در این میان روشن و برجسته میگردد . کمیته ای که بحق نقش ارزنده ای در برنامه ریزی و هدایت برگزاری این آکسیونها داشته است . "کمیته خارج از کشور" از زمان رسمیت یافتن خود علاوه بر انجام وظائف مهم و متعدد خود در رابطه با سازمان در داخل کشور ، توانست هماهنگی و ارتباط بیشتر و عمیق تری بین تشکیلاتها در خارج از کشور بوجود آورد ، علاوه بر آن ، وجود این کمیته سبب شده است که ارتباط نزدیکتر بقیه در صفحه ۲۵

اشغال سفارت، کنسولگری، دفتر نمایندگی یونسکو و دفتر هواپیمائی رژیم و آکسیونهای دیگر در سراسر جهان



رفقا پس از اشغال سفارت در هلند توسط پلیس دستگیر و روانه زندان شدند. عکس فوق رفقا را در ماشین پلیس نشان میدهد

هلند - لاهه :

اشغال سفارت رژیم

صبح روز پنجشنبه ۲۶ آوریل، گروههای عملیات اشغال سفارت، برنامه را شروع نموده و احتمالات گوناگون در طی برنامه را مورد بررسی قرار داده و در هر مورد تدابیر از پیش اتخاذ شده را در نظر گرفتند. رأس ساعت ۱۰/۱۵ دقیقه، عملیات اشغال شروع شد و به فاصله‌ای کمتر از ۵ دقیقه رفقای انقلابی هوادار سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران بر ۳ طبقه ساختمان و زیرزمین آن کاملاً مسلط شدند.

در حین اشغال پس از غنشی نمودن مقاومت عناصر فالانز و اجیر شده رژیم ایران که قصد خوش رقصی برای آنها داشتند، بویژه شخص سفیر، تمامی کارمندان به گوشه‌های هدایت شدند، با توجه به نزدیکی محفل سفارت به پست مرکزی پلیس و قرار گرفتن آن در محله‌ای که سفارتخانه‌های خارجی در آن قرار دارد، حداکثر زمانی که برای رسیدن حتمی ماشین‌های پلیس به محل در نظر گرفته شده بود، ۳ الی ۱۰ دقیقه بود. در این فاصله علاوه بر اشغال ساختمان،

می‌بایست برخی اسناد و مدارکی که در مبارزه علیه خود رژیم از آن استفاده خواهد شد، به بیرون منتقل شد. این بخش از برنامه نیز با مهارت و سرعت رفقا، در مدت زمان پیش‌بینی شده به خوبی انجام گرفت.

در ساعت ۱۰/۳۰ دقیقه، پلیس خیابان‌های منتهی به سفارت و تمامی منطقه را محاصره کرد. گروه اشغال پس از انجام بخش اول برنامه، خود به نوشتن شعار بر روی



یکی از رفقای شرکت کننده در آکسیون اشغال سفارت، اهداف آکسیون را برای خبرنگاران توضیح میدهد.

انگلستان - لندن:

اشغال کنسولگری

همانطور که در گزارش قبلی با اطلاع رساندیم، در روز پنجشنبه ۲۶ آوریل دانشجویان هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، کنسولگری رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در لندن را اشغال انقلابی کردند.

اهداف عملیات لندن، اشغال طبقه همکف ساختمان کنسولگری و تعطیل نمودن آن در آن روز، پاشیدن کشیدن و باره کردن تماویز رهبر جماعت بدستان، نصب آرم سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، نصب شعارهای انقلابی به زبان فارسی و انگلیسی در دفاع از مبارزات خلفهای ایران و زندانیان سیاسی در بند جمهوری اسلامی، نصب پردهای با عنوان "کشتار دسته جمعی در ایران ادامه دارد و جهان در این باره ساکت است" به زبان انگلیسی بر روی پنجره و بالافره انعکاس غیر این آکسیون در مطبوعات و رادیو تلویزیون که با موفقیت کامل انجام پذیرفت.

دنیاهای سفارت و آویختن آرم سازمان پرفخا، ماندرول بزرگی که بر روی آن خواستها و اهداف آکسیون برابری نوشته شده بود، پراختند. نمایندگان خبرگزاریهای مختلف که از اشغال سفارت مطلع شده بودند، در محل حاضر شدند، طبق برنامه تعیین شده، یکی از رفقا از پنجره همکف ساختمان، قطعنامه آکسیون را در اختیار نمایندگان خبرگزاریها قرار داده و به سئوالات مختلف آنها جواب داد.

در ساعت ۱۱/۲۵، پس از تاملین اهداف مختلف آکسیون، رفقای شرکت کننده در آکسیون توسط پلیس هلند، که اجازه ورود به داخل سفارت را مستقیماً از دولت ایران گرفته بود، توقیف شدند و رفقا در حالیکه شعار "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی"، "مرگ بر خمینی"، "دوره بر فدائی" و "آزادی زندانیان سیاسی" را به زبانهای هلندی و انگلیسی میدادند، به داخل کامیونهای پلیس برده شدند.

عملیات لندن موفق شد که وضعیت زندانیان سیاسی ایران را در سطح جهان مطرح سازد و ماهیت فداانقلابی رژیم جمهوری اسلامی و دیپلماتهای جماعت بدست آنرا افشاء کند.

رفقای انقلابی ما طبق یک برنامه دقیقاً طرح ریزی شده، پس از ورود به ساختمان کنسولگری در همان لحظات اول تکمیل و جماعت داران مستقر در طبقه همکف را متهورانه خنثی ساختند. مزدوران رژیم که از حرکت سریع رفقای ما کاملاً سرسپه شده و قادر به هیچگونه عکس العملی نبودند از همان ابتدا همچون بزدلان حقیری بنیاد شیون و فریاد گفاهشتند و با ندای "کمک، کمک، کمک کنید"، فالانزهای مستقر در چهار طبقه فوقانی و طبقه زیرزمین را به امداد خود طلبیدند. این اویاشان که با عنوان دیپلمات در این مقر مستقر هستند، با جماعت چالوه پنجه بگرا از طبقات دیگر به رفقای غیر مسلح ما حمله ور میشوند. رفقای انقلابی ما موفق میشوند به مدت ۲۵ دقیقه پس از

شروع عملیات با دست خالی از خود دفاع کرده و برنامه شعبین شده را به پیش ببرند. در این فاصله که تعداد چماق بدستان به بیش از ۴۰ تن رسیده بود و موفق شده بودند تا درهای ورودی ساختمان را با سیستم قفل الکتریکی که از دیگر طبقات قابل کنترل هستند، مسدود نمایند، رفته رفته بر هواداران سازمان غالب می‌شود. رفقای ما با حفظ روحیه انقلابی و تسلیم ناپذیری خود به مدت ۸ ساعت، حتی پس از غلبه فالانژها، حرکات آنها را به استهزا گرفته و همچنان

— زنده باد سوسیالیسم

سازمان دانشجویان ایران در انگلستان
اسکاتلند و ولز، هوادار سازمان
چریکهای فدایی خلق ایران
۲۸ آوریل ۸۴

فرانسه — پاریس : اشغال دفتر نما یندگی رژیم در یونسکو

در پی یک برنامه سراسری، ساعت
یازده صبح روز پنجشنبه ۲۶ آوریل ۱۹۸۴



سراسره — پاریس نظا هرات پس از شرکت دفتر رژیم در درسا عثمان یونسکو

بسرعت در سراسر جهان انعکاس یافت. در مدتی کوتاه شمار کثیری از خبرنگاران رسانه‌های گروهی و شبکه‌های مختلف رادیو تلویزیون بین‌المللی در محل حاضر شدند. ابتدا پلیس از ورود آنها بداخل محوطه یونسکو معانعت بعمل آورد. در این میان تیم تبلیغات در بیرون از محوطه بطور گسترده به توجیح علل آکسیون و خواستهای رفقا اقدام نمود. رفقای که دفتر را در اشغال خود داشتند، در جهت تحقق خواستهای آکسیون خواهان معاحبه با خبرنگاران بودند. معاون دبیر اول یونسکو مسئولین حفاظتی و دیگر مقامات این سازمان بین‌المللی سعی بر این داشتند تا از طریق مذاکره مانع ورود خبرنگاران شده و به اشغال دفتر خاتمه دهند. زمانیکه در این امر ناموفق شدند، رفقا را تهدید به مداخله پلیسی نمودند که با برخورد قاطع رفقا مجبور به دادن اجازه ورود به برخی از خبرنگاران شدند.

رفقای هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، در فاصله ۳/۵ ساعتی که دفتر را تحت کنترل خود داشتند، موفق شدند اسناد و مدارک زیادی را مصادره و از محل خارج نمایند. پس از خاتمه عملیات،

با شعارهای انقلابی خود، به افشاکری از رژیم جنایتکاران می‌پردازند. اوباشان رژیم هنگام خروج رفقا سعی کردند با حرکات سفیهانه‌ای این عملیات متهورانه را ناموفق جلوه دهند، اما این امر خود از لحاظ تبلیغاتی بر موفق بودن عملیات افزود. رفقای ما هنگام انتقال به ماشین پلیس با شعارهایی همچون "مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی"، "زنده باد انقلاب"، "درود بر فدایی" و... در مقابل اجتماع خبرنگاران و شبکه‌های تلویزیونی اهداف خود را به جهاتیان اعلام داشتند. وسعت تبلیغات و پیش‌سریع اخبار این عملیات در سراسر ایران چنان بود که رژیم را مجبور به اقرار به شکست خود و ارائه توضیحات ابلهانه‌ای واداشت.

سردمداران جنایتکار حکومت جمهوری اسلامی باید بدانند که فرزندان دلبر خلقهای ایران لحظه‌ای مزدوران رژیم را در داخل و خارج از مرزهای ایران آسوده نخواهند گذاشت و تا سرنگونی حاکمیت ضد خلقی جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب، به مبارزاتی امان خود ادامه خواهند داد.
— سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
— زنده باد انقلاب



رفقا در صفوف فشرده، در حالیکه شعارهای انقلابی فضای یونسکو را به لرزه درآورده بود، ضمن معاحبه با اندوهی دیگر از خبرنگاران که تازه به محل رسیده بودند محوطه را با موفقیت هرچه تمامتر تسرک کردند.

انعکاس این عملیات موفقیت آمیز در اذهان بین‌المللی آنچنان گسترده بود که تمامی شبکه‌های رادیو و تلویزیون از همان لحظات اشغال اقدام به پخش اخبار آن نمودند.

چند تیم از هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران، دفتر ایران در یونسکو واقع در پاریس را علیرغم کنترل شدید محل پس از خنثی کردن کلیه تدابیر امنیتی مأمورین حفاظتی، به اشغال خود درآوردند. آنگاه رفقای هوادار شعارهای انقلابی و آرم سازمان را بر درب و دیوار اتاقها نصب و قطعنامه آکسیون سراسری را در محوطه پخش نمودند.

اخبار این عملیات که به منظور جلب افکار بین‌المللی در مورد وضعیت افسار زندانیان سیاسی در ایران صورت گرفت،

آلمان فدرال - فرانکفورت : اشغال دفتر هواپیمائی

همزمان با انجام آکسیونهای تعرضی سراسری هواداران سچفا در خارج از کشور، هواداران سازمان در آلمان فدرال و برلین غربی در یک حرکت بیرق آسا، دفتر هواپیمائی رژیم را در شهر فرانکفورت به تصرف خود درآوردند. رفقای هوادار در تیم های مختلف در ساعت ۱۱ صبح روز پنج شنبه به درون دفتر هواپیمائی راه یافتند و مؤذوران رژیم درمقدار جلوگیری از انجام حرکت ضربتی محل را به تصرف درآورده و - با نصب شعارها و اعلامیه های تبلیغی محل را ترک نمودند. یک تن از رفقای شرکت کننده در آکسیون توسط پلیس دستگیر شد. پلیس فاشیست آلمان بعد از لحظه ای، کل منطقه را که یکی از شلوغ ترین مناطق فرانکفورت میباشد، محاصره نمود که در این حین رفقای تیم تبلیغی اعلامیه های آکسیون را به زبانهای آلمانی و فارسی در بین ناظران پخش نمودند. دو نفر از رفقا نیز در حین پخش اعلامیه دستگیر و بازداشت شدند.

عمر همانروز هر سه رفیق تا زمان تشکیل دادگاه آزاد شدند. این آکسیون با زتاب وسیعی در سطح مطبوعات و رادیو و تلویزیون آلمان داشت. خبر اشغال دفتر هواپیمائی و دیگر آکسیونهای انجام شده در کشورهای دیگر در بخشهای مختلف خبری پخش شد.

سود

هواداران سازمان چریکهای فدائشی خلق ایران در سود، در مرکز شهر استکهلم، در "میدان آزادی" به منظور اعتراض به کشتار و شکنجه زندانیان سیاسی، دست به اعتصاب غذا زدند. گزارش های مربوط به این اعتصاب غذا که از روز پنجشنبه ۲۶ آوریل تا روز دوشنبه ۳۰ آوریل ادامه داشت، از طریق ایستگاههای رادیویی استکهلم پخش گردید. در ضمن یکی از ایستگاههای رادیویی مصاحبه ای بمدت ۱۰ دقیقه با یکی از رفقای هوادار را پخش نمود.

اطریش

هواداران سازمان چ.ف.خ.ا. در اطریش در شهر وین، در برابر دفتر سازمان ملل به منظور اعتراض به رفتار وحشیانه و کشتار زندانیان سیاسی توسط رژیم جمهوری اسلامی و سکوت سازمان ملل در مقابل اعمال

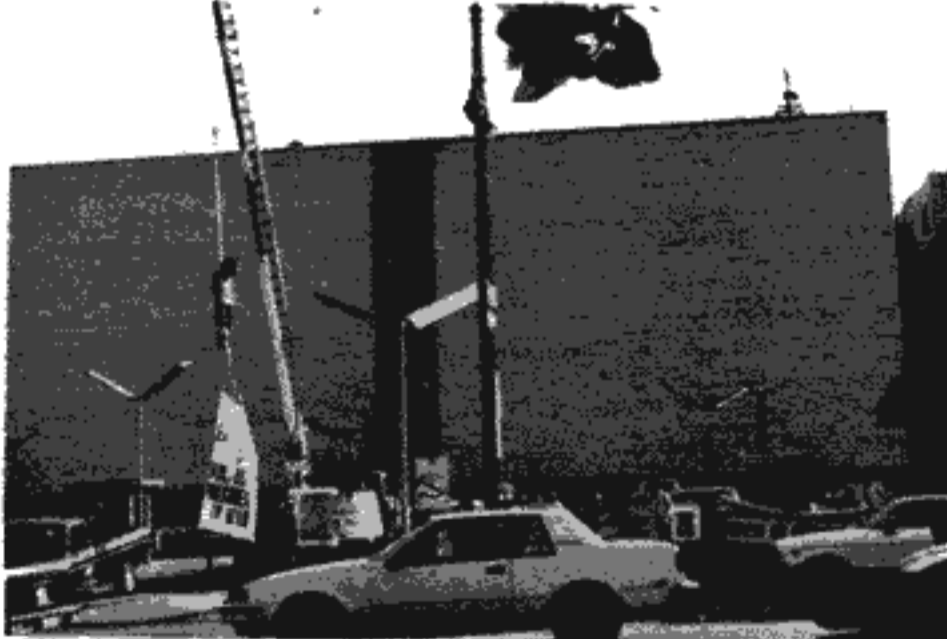
رژیم خود را بمدت سه ساعت به زنجیر بستند. گزارش مربوط به این آکسیون همراه با گزارشهای عملیات موفقیت آمیز دیگر هواداران در شهرهای اروپائی، بطور وسیع و چندین بار از طریق مطبوعات و ایستگاه های رادیو و تلویزیون اطریش پخش گردید. در طی این عملیات رفقای هوادار از دفتر سازمان علو بین المللی با بی.بی.سی. لندن تماس گرفته و گزارش آکسیون و قطعنامه را در اختیار آنها گذاشتند. رفقا از همان محل از طریق تلکسی با کمیته حقوق بشر سازمان ملل نیز تماس گرفتند. همچنین مسئولین دفتر بین المللی در وین خود مستقیماً با سفارت ایران در وین و وزارت امور خارجه ایران تماس گرفتند و قطعنامه آکسیون را به آنها تسلیم کردند.

کانادا - ۲۶ آوریل

همزمان با برگزاری آکسیون سراسری هواداران سازمان چریکهای فدائشی خلق ایران در ۲۶ آوریل ۸۲ بمقصد دفاع از زندانیان سیاسی و محکوم کردن جنگ ارتجاعی و خانمانسوز دولتین ایران و عراق که در چندین کشور اروپا، آسیا، آمریکا و کانادا برگزار گردید، هواداران سازمان در کانادا اقدام به برگزاری آکسیون در هر رفت و آمدترین محل شهر مونترال، میدان هیلپ نمودند. در این

حکومت نظامی اجرا شد، و نیز شعارهایی در جهت افشای رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از زندانیان سیاسی و مبارزات خلق کُرد و همبستگی مردم کبک و کانادا و ایران، به زبانهای فرانسه و انگلیسی داده شد که از سوی عابرین در خیابان مورد استقبال قرار گرفته و با مبارزات مردم ایران ابراز همدردی نمودند.

در طول انجام آکسیون چندین رسانه خبری و مطبوعاتی جهت تهیه گزارش خبری و انجام مصاحبه مطبوعاتی در محل حضور یافتند. رادیو و تلویزیون CTV, CBS و چند روزنامه انگلیسی و فرانسوی زبان به پخش خبر آکسیون در مونترال و پنج کشور اروپائی پرداختند. خبر برگزاری آکسیونهای سراسری و موفق رفقا در اروپا از صبح زود پنجشنبه ۲۶ آوریل تا نیمه شب از چندین کانال تلویزیونی و ایستگاه رادیویی کانادائی بطور مستمر پخش و در چند روزنامه انگلیسی و فرانسوی منعکس شد. رفقای هوادار در کانادا، بطور خلاق در این آکسیون شرکت نمودند و در حمایت از این عمل مبارزاتی نمایندگان و تعدادی از هواداران نیروهای انقلابی و مترقی بین المللی السالوادور، نیلی، فیلیپین، اروگوئه و انجمن زنان آمریکای لاتین شرکت جستند. آکسیون حدود ساعت ۳ بعد از ظهر با موفقیت به پایان رسید.

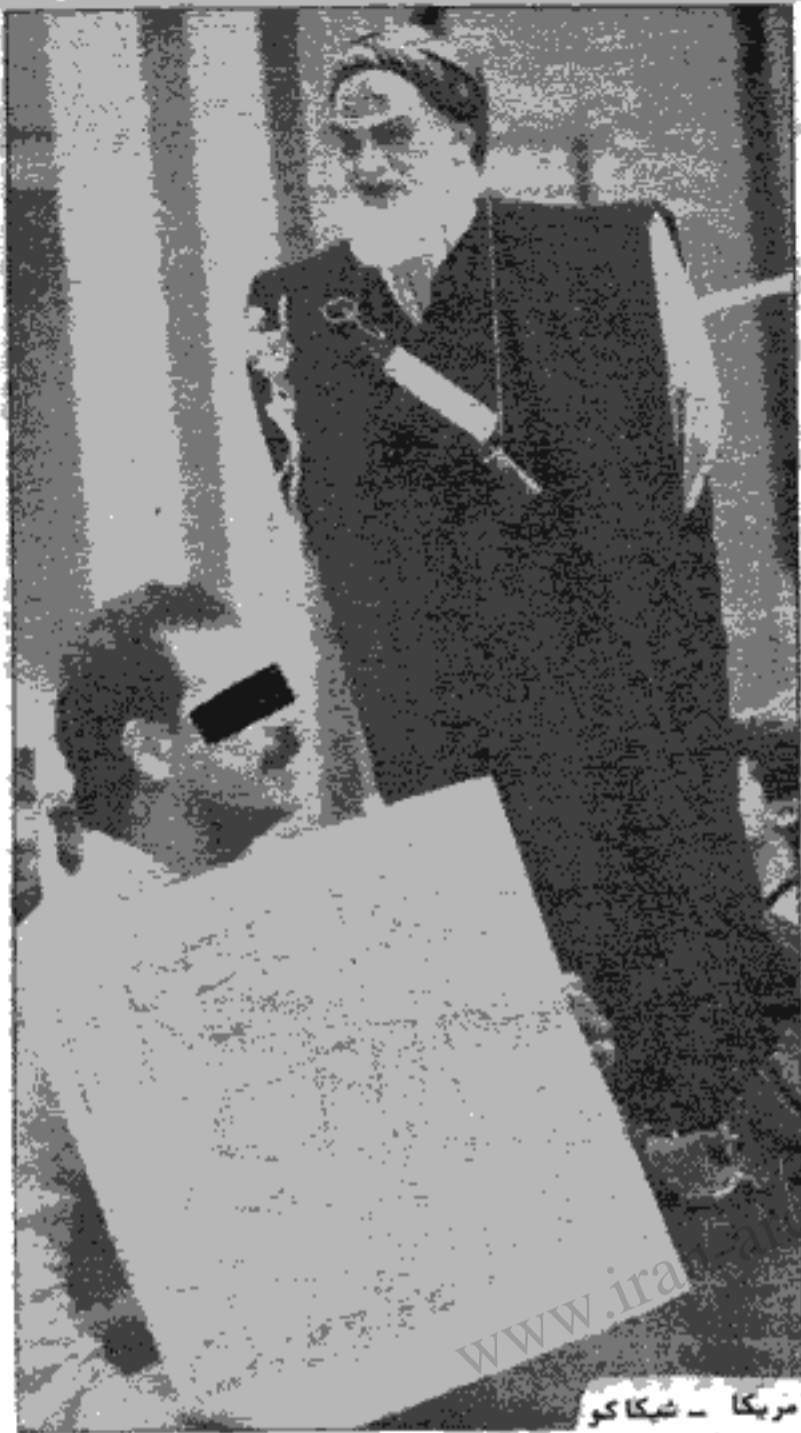


آمریکای لاتین، نمایش اعدام خیابانی بوتیکه چرا اشغال

آکسیون که از ساعت ۱۱ صبح آغاز شد، رفقای هوادار با پخش وسیع قطعنامه سراسری آکسیون و چندین اعلامیه افشاگرانه دیگر از جنایات رژیم جمهوری اسلامی به زبانهای فرانسه و انگلیسی و حمل پلاکارده پرداختند. در ادامه آکسیون اعدام نمایش زندانیان باردار، شکنجه و اعدام انقلابیون در بیدادگاههای رژیم همراه با پخش موزیک

لس آنجلس

در ارتباط با برگزاری آکسیون سراسری ۲۶ آوریل، دانشجویان هوادار سچفا در شهر لس آنجلس نیز برنامه افشاگرانه ای علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی تدارک دیدند تا



آمریکا - شیکاگو

چهره‌گریه جمهوری اسلامی را در سطح بین‌المللی بیش از پیش بشناسانند. رفقا در این شهر بسا ابتکار خود و بطور سمبلیک صحنه اعدام انقلابیون را بوسیله جراثقال، یعنی یکی از صدها وسیله اینکه جلادان جمهوری اسلامی انقلابیون را به شهادت میرسانند، را به نمایش گذاشتند.

این آکسیون که در یکی از مناطق پررفتو آمد شهر اجراء شد توجه ما بران را نسبت به آنچه امروز در ایران میگذرد جلب نمود و نفرت هر چه پیشتر آنها را نسبت به جنایات رژیم قسرون و سفاکی خمینی برانگیخت. نمایش اعدام بوسیله جراثقال با پیش اعلامیه به زبان انگلیسی و قارسی همراه بود. این برنامه با موفقیت انجام پذیرفت.

آمریکا نیویورک

تظاهرات در نیویورک ساعت ۱۱ صبح در مقابل ساختمان سازمان ملل با شرکت رفقای هوادار برگزار شد. بیعت انعکاس وسیع اخبار آکسیون های اروپا، تظاهرات نیویورک با استقبال بی نظیر خبرنگاریهای تلویزیونی و رادیویی مواجه گشت. محاسبه های از طرف شبکه های تلویزیونی و رادیویی در افشای رژیم انجام گرفت نمایش شکنجه و تلاق که از طرف رفقا برگزار شد، با استقبال عابرین روبرو شد. همچنین طی محاسبه با یکی از شبکه های تلویزیونی قطعنامه تظاهرات سراسری بطور کامل خوانده شد. بهنگام فیلم برداری از صحنه های نمایش، شعارها و سرودهای انقلابی از طرف رفقا خوانده شد.

آمریکا

شیکاگو

... بهمین مناسبت نیز تظاهراتی در شهر شیکاگو با شرکت دهها تن از دانشجویان مشرقی ایرانی برگزار گردید. در این شهر علاوه بر رفقای ما، هواداران چریکهای فدائی خلقی و دانشجویان متشکل در آنخاندیه ملی نیز شرکت داشتند. بسیاری از نمایندگان نیروهای ایرانی و غیرایرانی نیز در همبستگی با روز اعتراض به جنایات رژیم خمینی به تظاهرات پرداختند.

قهرمانی رفقای ما در اروپا آنچنان تاثیر عمیقی بر مردم آمریکا و وسایل ارتباط جمعی گذاشته بود که برای اولین بار خبرنگاران قبل از تظاهرات کنندگان در محل تظاهرات حضور یافتند! فریاد مرگ بر خمینی سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی، شکنجه و اعدام زندانیان سیاسی را در ایران متوقف کنید، بعدت چند ساعت در خیابانهای مرکز شهر شیکاگو به گوش میرسید. اخبار این

مستقر در سفارت که با مشاهده صحنه تظاهرات و جلب حمایت مردم و افشای چهره شکنج رژیم به خشم آمده بود، درصدد ایجاد درگیری بودند که با دخالت پلیس متوقف گشته یافت. این آکسیون با موفقیت و حمایت مردم روبرو شد و خبر آن در روزنامه های هند نیز منعکس گردید.

آکسیون در شام روزنامه های بزرگ شیکاگو چاپ شد و چند کانال تلویزیونی نیز صحنه های از این تظاهرات و نکاتسی از محاسبه ها را پخش نمودند. در پایتخت تظاهرات، قطعنامه های قارسی و انگلیسی آکسیون سراسری قراشت گردید.

هند

همزمان با برگزاری آکسیون سراسری رفقای هوادار در کشورهای مختلف، برنامه تظاهرات بهمراه نمایش خیابانی در دهلی نو توسط رفقای هوادار انجام گرفت. تظاهرات از یکی از خیابانهای شلوغ شهر شروع شد و بطرف سفارت رژیم جمهوری اسلامی ادامه یافت علاوه بر تظاهرات، نمایش خیابانی برای نشان دادن وضعیت زندانیان سیاسی بصورت حمل یک قفس که ۴ نفر بصورت زندانی در آن بودند، بطور سمبلیک همراه با شعار و پخش اعلامیه های مختلف در رژیم اجرا گردیدند.

علاوه بر آن مجسمه ای از خمینی جلاد از قبل فراهم شده بود که در جلوی سفارت رژیم توسط رفقا به آتش کشیده شد. فالانژهای

بر مقاله بقیه از صفحه ۲۵ این امر از این اعتقاد سرچشمه میگیرد که اگر یک سازمان سیاسی همراه با حرکت مبارزاتی و آکسیونهای تعرضی خود، در زمینه های نظری و تشویک نیز فعال و پیشگام نباشد و حرکات مبارزاتی خود را در متن یک استراتژی و برنامه سیاسی مشخص ننگانند، به عمل گواشی و خرده کاری و بی هدفی دچار خواهد شد. هشباری و آگاهی نسبت به هر دو وجه مبارزه، عامل مهمی است در تدوام حیات سازمان در همه ابعاد لازم خود.

به امید پیروزی هرچه بیشتر

ما خواهان قطع شکنجه و آزادی

زندانیان سیاسی در ایران هستیم

قریب به صد هزار زندانی سیاسی که حدود ده هزار نفر از آنان از اعضا و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران میباشد در زیر وحشیانهترین شکنجهها و در فشارترین شرایط زیستی بسر میبرند. شکنجههای "مدرن" با استفاده از دستگاههای خشک الکتریکی و شکنجههای قرون وسطائی نظیر استفاده از شلاق و غیره در زندانهای ایران اعمال میشوند.

رژیم جمهوری اسلامی ایران علاوه بر زندانهای عتاقته عده بجهت زندان مغنی نیز تاسیس نموده است که در آنها شکنجههای سادیستی انجام میگردد.

اکثر زندانیان که تن به ننگ همکاری به رژیم ندادند و از نفی نظرات خود سر باز زدند یا پس از انقضای مدت (محکومیت) همچنان در زندان نگاه داشته شدهاند و یا آنکه در حالت بلا تکلیفی (نامنصف بودن مدت زندان) بسر میبرند. آنها به عنوان گروگانها بی محسوب میشوند که در صورت بروز اعتراضات توده‌ای و یا در پاسخ به فعالیت‌های سازمان‌هایی که بدان تعلق دارند اعدام میشوند.

ملاقات با خانواده‌های زندانیان یا املاک آن‌ها ندارد و یا در شرایط بسیار سخت و مشکل برای محدودی از افراد خانواده و به فواصل زمانی طولانی امکان پذیر است. مطالعات نشریات غیر رسمی اکیدا ممنوع و ناممکن است. مکاتبات به شدیدترین وجه کنترل میشوند و گوش فرا دادن به رادیوهای خارجی غیر ممکن است.

پاسخ رژیم در مقابل اعتراضات و اعتصاب‌های زندانیانی که به وضعیت رقت‌بار زندان اعتراض کرده‌اند اعدام دسته جمعی و اعمال تنبیهات بیشتر و شدیدتر بوده است.

جنگ نفرت انگیز ایران و عراق به همراه تبلیغات برخی از رسانههای خبری تبلیغات غریب پرده‌ای بر تمامی این واقعیات وحشتناک افکنده و علیرغم قطعنامه چهلمین اجلاس کمیسیون حقوق بشر در مورد محکومیت اعدامها و شکنجه در ایران و علی‌رغم اعتراضات نهادها و سازمانهای دمکراتیک و مترقی جهان رژیم جمهوری اسلامی هیچ نوع تغییری در وضع زندانیان نداده بلکه بر وخامت وضع آنها افزوده است.

این اعتراضات تا زمانی که به یک فشار مادی تبدیل نشده است نمیتوانند به تغییری در رفتار رژیم ایران منجر شود. بویژه آنکه برخی از کشورهای خارجی نظیر آمریکا و انگلستان نه‌آنها این اسرائیل و ... با کمک تسلیحاتی و اقتصادی خود به رژیم ایران نه تنها مانعی بر سر راه وی نبوده‌اند بلکه سردمداران جنایتکار این رژیم را به ادامه اعمال خود تشویق نموده‌اند.

اکسیونهای اعتراضی ما "هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" که در این روز انجام میگردد بر مبنای خواسته‌های زیر است:

- ۱- فرستادن هیئتی جهت بررسی وضع زندانیان سیاسی در ایران و پخش گزارش این هیئت
- ۲- قطع کمکهای تسلیحاتی و اقتصادی به رژیم جنایتکار ایران

هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در کشورهای
آلمان - آمریکا - انگلستان - ایتالیا - اتریش - هلند
سوئد - کانادا - فرانسه - هند

پیام تبیک

کارکنان "جهان" به رفقای شرکت کننده در آکسیون سراسری ۲۶ آوریل

گرمترین درودها، تبریکات و مراسم همبستگی ما را بمناسبت آکسیون سراسری موفقیت آمیز ۲۶ آوریل (۶ اردیبهشت) بپذیرید. عملیات شهورانه سازمان یافته، آگاهانه، مبتکرانه و بموقع شمارفقای مبارز، بحق پاسخ نایستندای بود به وظایف‌های که جنبش خلق و موقعیت بااران دربرندمان دربرابرمانها ده است. وسعت بیسابقه این آکسیونها وانعکاس غیرحرکات شعری شما دررسانه‌های بین‌المللی، بطور بسی نظیری اذهان عمومی مردم جهان را نسبت بسه جنایات رژیم قرون وسطائی جمهوری اسلامی جلب نمود. مسئله شکنجه و اعدام ودهها هزار زندانی سیاسی نقض هرشوع حقوق و موازین انسانی بطور بیسابقه‌ای توانست چهره منفور خمینی را دربرابرانظار جهانی قرار دهد.

رفقای دلاور: میزان تهور، آگاه‌سی، رزمندگی و وفاداری شما به آرمان کارگران و زحمتکشان و احساس مسئولیت شما نسبت به سر-نوشت رزمندگان دربرنددر زندانهای قمر و این، نزل قلعه، گورهدشت و... وچکا وکهای خوتین میدانهای اعدام، تیلور خود را درموشترترین وفا طمانه‌ترین حرکت انقلابی اخیرشان بسه نمایش گذاشت و درمقابل، یکبار دیگر زبونی، زذالت، فریبکاری و شهادی و جنایت پیشگی و تروریسم مزدوران رژیم را درتمام عرصه‌های سیاسی و دیپلماتیک، خاصه درکشولگری انگلستان و سفارت رژیم درهلند به شیوه رسانید.

رفقای مبارز: براسنی که شما ادا نمیدهندگان و بیسزوان راستین سنت انقلابی فدائیان خلق هستید، براسنی که فریادهای اعتراضی شما علیه اعدامها، شکنجه زندانیان سیاسی و سایر بیادگرسیها و جنایات وستمگریهای رژیم ددمش خمینی، انعکاس شایسته و رسائی بود از فریادهای حق طلبانه ده‌ها هزار زندانی سیاسی، میلیونها تن بوده زحمتکش که در زیر سلطه وحشت زایا استبداد و ترور و خفقان، فقر، جنگ وکشتر و کرائی و نایابی حواش و جهالت قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی تاریکترین سالهای زندگی خود را میگذرانند. فریادهای اعتراضی و عملیات شعری شما انعکاس رسائی بود از فریادهای اعتراضی شما می دانشجویان و آوارگان و پناهندگان سیاسی متهمدی که بدلیل شرایط حاکم بیروطن، درکشورهای مختلف آواره گشته‌اند.

رفقای رزمنده: شما با حرکت یکبارچه، متحدانه و با پیشگامی خود دررسانه‌ها احساس غرور و تحسین همفکران خود را برانگیختید، بلکه قلب هر ایرانی متعهد و مترقی را که زخمها و داغ‌های حاصل از شکنجه‌ها و شلاق‌های جلادان رژیم را برپیکر فرزندانش

UITGAVE SWITZERLAND
TEL. 070 40001 KOSTENLOS 0200 020 00 AA *GRANDPAGAZ.
VOOR KLEINE ADVERTENTIES 070 260264

ONAFHANKELIJK DAGBLAD
VOOR DE RANDSTAD
HOOFDREDACTIE: G. A. DE WILDE

WONDERDAG 26 APRIL 1984
NR. 35331 26 PAGEN
* LOSEC WINNERS '71 '82

Ambassade van Iran even bezet



Ambassadeur H. Tazgerdon wordt gewond afgevoerd.

Den Haag — Een twintigtal Iraanse studenten heeft vannog gedurende een uur de ambassade van Iran aan de Javastraat bezet gehouden.

Twee uur voor het begin van de demonstratie aan de voorzijde van de ambassade, raakten de betrouwers slaag met ambassadeur H. Tazgerdon, die even later gewond aan het hoofd met een ambulance naar het ziekenhuis werd afgevoerd. Hij is met een knuppel op zijn hoofd geslagen. Zijn toestand is redelijk. Ook een personeelslid werd gewond aan zijn hoofd. Hij is ter plaatse behandeld.

De betrouwers werden even voor elf uur door de politie gearresteerd en met een arrestatiebus afgevoerd.

Direct na hun arrestatie werden de betrouwers in het Frans en het Engels verklaard. Dit is de reden. Ze werden door de politie gearresteerd en met een arrestatiebus afgevoerd. De politie is bezig om de betrouwers te onderzoeken.



Leiden schroefdeend wordt een van de betrouwers naar de arrestatiebus getracht.

Amrika — Rozena meden Anjles ta imz

Leun Anjles ta imz der tarix 27 آوريل مقاله مفضل پيرا مون آكسيون سراسرى 26 آوريل نوشت كه بختها شى از آن بقرار زير است:

... گروهى از دانشجويان ايرانى مخالف، روز پنجشنبه بمدت يكساعت سفارت كورشان را بعنوان بختى از يك سري جملات هماهنگ به دفاتر رسيمى دولت ايران در اروپاى غربى اشغال كردند. ... همچنين آكسيونهاى در لندن، فرانكفورت و وين انجام گرفت. در تمام اين آكسيونها دانشجويان مخالفت خود را با رژيم آيت الله خمينى در تهران و حيس و شكنجه زندانبان سياسى در ايران اعلام كردند. در لندن دانشجويانى كه خود را هوا دار سازمان چيستى فداشيان معرفى كردند، كسولگرى ايران را تصرف كردند. آنها بمدت 9 ساعت در آنجا بودند تا پليس آنها را بپرون كرد.

هلند — روزنامه DE VOLKSKRANT

... حدود 20 نفر ايرانى، سفارت را بمدت يك ساعت اشغال كردند. اشغال كنندگان هوا داران سازمان ماركسيستى چريكهاى فداشى خلق ميباشند. اشغال سفارتخانه حدودا بين 10 اتفاق افتاد. 20 نفر ايرانى كه احتمالا بوسيله يكى از كاركنان سفارتخانه به داخل راه پيدا كردند، آنجا را اشغال نمودند. با كمك يك مقام وزارت خارجه (راسل) پليس موفق شد كه يكساعت بعد به اشغال سفارتخانه پايان دهد. هنگام ورود آنها اظهار ميدارند كه مايل نيستند همچگونه رفتار خشونت آميزى پيش بيايد ولي از طرف كاركنان سفارتخانه مورد حمله واقع ميشوند. در اين حمله سفير و يك تن ديگر از كاركنان سفارتخانه زخمى ميشوند. پليس لاهه 17 نفر از آنها را دستگير كرده. سه نفر ديگر از آنها از طريق در پشت فرار كردند و با خود پول، پاسپورت و مقدار ديگرى مدارك مهم بردند.

هلند — روزنامه TROUW

... در زد و خورد خفيفى كه در داخل سفارت اتفاق افتاد سفير و يكى ديگر از اعضاء سفارتخانه از ناحيه سر مجروح شدند. بعقيده ديپلوماتى دوم سفارتخانه سفير بوسيله يك باطوم كه به پيرش وارد آمد، بيهوش شده است. خود اشغال كنندگان بوسيله يك تلفن تقاضاى يك آمبولانس كردند كه سفير بوسيله آن به بيمارستان حمل شد. در بيمارستان بنظر ميرسد كه جراحات او مهم نباشد. نفر دوم كه زخمى شده بود (از اعضاء سفارتخانه) در محل معالجه شد. بعد از يكساعت اشغال به پايان رسيد. اشغال كنندگان كه بوسيله يك اعلاميه با اطلاع رسانند كه از هوا داران سازمان چريكهاى فداشى خلق هستند، خودشان را تسليم پليس نمودند. 16 مرد (پسر) و يك دختر دستگير شدند ولي بعقيده كاركنان سفارتخانه حداقل 2 نفر از آنها از طريق در پشت فرار كردند. آنها بايد بول، پاسپورت و مدارك ديگرى را خارج کرده باشند. خرابى هاى كه به سفارتخانه زده شد، خيلي زياد بود. در ويواز با شعارهاى ضد خمينى پر شده بود. محتوى گمدها روى زمين پراكنده شده بود. ... نه فقط در لاهه كه اين آكسيون انجام شد، بلكه دفتر بونسكو در پارس و هواپيما شى مى ايران در فرانكفورت نيز بوسيله مخالفين خمينى براى مدت كوتاهى اشغال شد و در تمام آكسيونها زدو خورد هاى خفيفى وجود داشت. تمام اين آكسيونها بوسيله هوا داران سازمان چريكهاى فداشى خلق ايران انجام شد. در فرانكفورت دو نفر از كاركنان هواپيما شى مى ايران جراحات سطحى برداشتند.

Algemeen Dagblad

CORRECT VERBOUWT
CORRECT

Afgaans verzet
Russen zijn nog lang niet klaar met ons

BOB DYLAN 4 JUNI IN AHOY

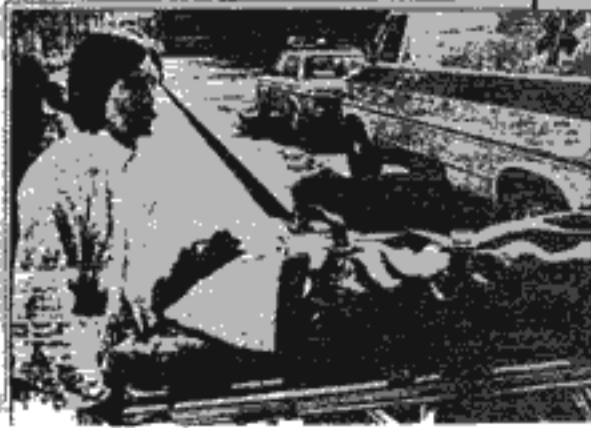
AID
doet ook eindexamen

AMSTERDAM OPGETOGEN

Ambassades Iran korte tijd bezet

Count Basie overleden

Nederland wil Olympische Spelen 1992 in hoofdstad



انعكاس خبر آكسيون سراسرى در مطبوعات جهان

Acties tegen Iran



Van de zwaai Securitas wordt afgevoerd.

UPI, DPA, AFP — De Iraanse ambassade in Den Haag was donderdag doelloos van acties. Ook het Franse consulaat in Londen en het kantoor van Iran bij de VN-organisatie voor onderwijs, wetenschap en cultuur, de Unesco, in Parijs werden door groepen van een twintal leden bezet.

De Iraniërs waren „aanhangers van de Fedajon, een revolutionaire organisatie die haar kant heeft in de noordwestelijke provincie Kordistan en in het noorden.

In een bericht aan AFP uit een van de bezetters in Parijs, dat aanhangt van een gezamenlijke organisatie van studenten, werd voor de bezetting van de ambassade in Den Haag.

Op zaterdag werd tegen de politie van de bezetters in Parijs, dat aanhangt van de marines van de Franse marine, werd in het noorden van Parijs een oproep van Amnesty International.

Deze bezetters van een internationale organisatie van de student, van de politieke organisatie in Parijs, die aanhangt van de bezetting van de ambassade in Den Haag.

...Sfartخانه ایران در لاهه، روز پنجشنبه هدف آکسیونهائی بود. همچنین کنسولگری ایران در لندن و همچنین دفتر علمی و فرهنگی سازمان ملل (یونسکو) در پاریس بوسیله یک گروه (دهها نفر) اشغال شد. اشغال کنندگان هواداران سازمان مارکسیستی چریکهای فدائی خلق هستند که پایه آن (مرکز آن) دفتر شمال غربی ایران، استان کردستان و در جنوب میباشد.

این اعتراضات بخاطر موقعیت زندانیان سیاسی در ایران و شکنجه آنها بوده است که دفتر عفو بین المللی Amnesty International یک خبر راجع به این جریان داده است (که در ایران طبق آخرین خبر این سازمان، زندانیان سیاسی شکنجه میشوند).

خواستهای آنها (اشغال کنندگان) و سایر آکسیونها، این بود که یک گروه جهت برزی به وضع زندانیان سیاسی در ایران به آنها فرستاده شود و همچنین فروش اسلحه به دولت ایران خاتمه پیدا کند...

NRC HANDELSBLAD

Maastricht 1/4e aflevering prijs per ex. Nederland 20 gld. België 25. Duitsland DM 2. — Engeland £ 0,60. Frankrijk Fr. 6. — Luxemburg 20. Dänemark 20. —

Algemeen Handelsblad (1828) en Nieuwe Rotterdamse Courant (1844) Donderdag 26 april 1984 — 14e jaargang no. 176

Khomeini protests stir across Europe

Special for USA TODAY
As the Sunday deadline loomed for the evacuation of Libyan diplomats from their homes in London, British authorities Thursday ordered a ban on Iranian protests.

A ban of 15 Iranian protesters from the 100m sq ft region through the gate of the British embassy, which is to be used for the evacuation of Libyan diplomats from their homes in London, British authorities Thursday ordered a ban on Iranian protests.

The incident in London was part of a series of protests in Europe, moreover, in which Iranian protesters harassed agents of the Khomeini regime.

The incident shows that American, French, British and other governments support Iranian protests and by ways, he said, demanding that the protesters be expelled from the country.

Sharpshooters continued to surround the embassy, where a man armed with a submachine gun fired from an embassy window April 17 — killing a policeman and wounding 11



Na de bezetting van de Iraanse ambassade versamelen in Londen velen in een demonstratie voor het vrijlaten van de gevangenen.

سفارت ایران در لاهه، برای مدت کوتاهی اشغال شد. لاهه - 26 آوریل - سفارت ایران در لاهه امروز صبح توسط 17 نفر از اعضای سازمان مارکسیستی فدائیان خلق حدود یکساعت اشغال شد. سفیر ایران در این جریان زخمی گردید. همچنین کنسولگری ایران در لندن و دفتر ایران وابسته به یونسکو در پاریس امروز صبح هدف آکسیونهای دانشجویان مارکسیست ایرانی بود. در لندن 9 نفر به ساختمان کنسولگری هجوم بردند. اطراف ساختمان بلافاصله تخلیه شد و پلیس از طریق یک پنجره شکسته شده با دانشجویان غیر مسلح وارد مذاکره شد. در یک تماس تلفنی ناشناسی با دفتر روزنامه فرانسوی AFP اعلام داده شد که دفاتر شرکت هواپیمایی ایران در آلمان هم اشغال شده اند. اهداف این آکسیونهای بدون خشونت این بود که وضعیت زندانیان سیاسی مورد بررسی قرار گیرد و به کمکهای خارجی (از طرف کشورهای اروپایی و...) به رژیم ختمی خاتمه داده شود...

Trouw VRIJDAG 27 APRIL 1984

BINNENLAND

Iraanse ambassadeur licht gewond bij korte bezetting

Ven een eeuw verpleegsters
DIE HAAG — Bij een korte bezetting van de Iraanse ambassade in Den Haag is ambassadeur M. Takardoon gesterompen licht gewond geraakt.

Ravage groot in ambassade in Den Haag

In een uur was de bezetting afgelopen. De bezetters, die via een postbus samen waren verbonden van de Politie gesterompen in Den Haag. De bezetters werden opgevoerd door een politieagent. De bezetters werden opgevoerd door een politieagent. De bezetters werden opgevoerd door een politieagent.

De bezetting werd uitgevoerd door Iraanse leden van het Bureau van de Fedajon, een revolutionaire organisatie die haar kant heeft in de noordwestelijke provincie Kordistan en in het noorden.



Bezeteld door agenten versloot een van de bezetters met opgevoerd door de Iraanse ambassade.

ambassadeur M. Takardoon gesterompen licht gewond geraakt. De bezetting werd uitgevoerd door Iraanse leden van het Bureau van de Fedajon, een revolutionaire organisatie die haar kant heeft in de noordwestelijke provincie Kordistan en in het noorden.

Iranian offices attacked

From the Times News... Leftist Iranian protesters against Ayatollah Ruhollah Khomeini in five European countries today, taking over two diplomatic missions and a UN office, leveling with officials in London and Frankfurt and leaving Iran's ambassador in the Netherlands.

A Marxist guerrilla group said the action was to protest the alleged torture of political prisoners in Iran and to try to stop foreign aid to the hard-line Islamic regime.



Police officers stand in front of the Iranian consulate in London today after anti-Khomeini Iranian youths forced their way into the building. (AP)

Dissidents Attack Iranian Installations Across Europe

By TYLER MARSHALL, Times Staff Writer... A group of dissident Iranian students took over the country's embassy here for nearly an hour Thursday as part of a series of coordinated attacks on official Iranian installations in Western Europe.



Police officers leading a demonstrator away from the Iranian consulate in London as supporters of the Khomeini regime gathered from the balcony.

Iranians Stage Protests in Europe

LONDON, April 25 (AP) — Iranian students occupied and overpowered police in five European cities today to denounce the Islamic regime led by Ayatollah Ruhollah Khomeini. Some of protesters occupied Iranian missions, and one group sprayed tear gas.

Iranian dissidents demonstrated in five European cities yesterday, occupying offices and Iranian diplomatic missions to protest what they said were mass staff executions and tortures under the Ayatollah Khomeini's regime.

Police officers in London today after anti-Khomeini Iranian youths forced their way into the building. (AP)

Police officers leading a demonstrator away from the Iranian consulate in London as supporters of the Khomeini regime gathered from the balcony.

THE WALL STREET JOURNAL

vervoerd. Daar bleken zijn v... In een reactie op de be... verveert Radio Teheran de t

Dissidents occupy Iran missions

From Chicago Tribune... IRANIAN DISSIDENTS demonstrated in five European cities Thursday, occupying offices and Iranian diplomatic missions to protest what they said were mass executions and tortures under the regime of Ayatollah Khomeini.

Iranian dissidents rage in Europe

From San-Times News... Groups of dissident Iranian students demonstrated yesterday in five European cities, attacking Tehran's embassy to the Netherlands, leveling with diplomats in London and Frankfurt and storming offices in Paris and Vienna.



Rally against a ruler... One of about 20 Iranian students holds an office of the Ayatollah Khomeini during a demonstration against the ruler of Iran yesterday at Daley Center Plaza. (San-Times Photo by Bob Bingham)

Iran students stage protests in 5 cities

Occupations continued at the Iranian consulate in London and the Amnesty International office in Vienna.



Iranaanse ambassadeur licht gewond bij... De Haagse politie heeft arrestaties aangehouden. Dit weekend werden nog vijf personen door de politie...



Ambassade Iran even bezet

Den Haag — Een twintigtal tegenstanders van het bewind-Khomeini heeft vanmorgen de ambassade van Iran aan de Javarastraat een uur bezet gehouden.



خارج از محدوده :

بار دیگر نطفه های انقلاب

شکل می گیرد !

زیست مقیم میشوند و عمدتاً از مجموع امکانات شهری (اگر موجود باشد) مثل آب و برق، مدرسه، حمام و غیره محروم هستند. سران رژیم فراموش نکرده اند که جنبش مردم علیه رژیم شاه در سال ۵۶ نیز از "خارج از محدوده" یعنی جاشیکه بیشترین فشار اقتصادی بر مردم تحمیل میشود و با شرکت زحمتکشان رانده شده از روستاها و وامانده در شهرها آغاز گردید.

استاندار در سخنرانی دیگری میگوید: "روزانه نزدیک به ۱۵۰۰ نفر مهاجر در حال تهران های میگیرند، تهران با امکانات کم خود قادر نیست جمعیت ۸ میلیونی را در درون خود جای دهد، مهاجران شهری و روستایی در کوته و کنار شهر، در آلودگیها، مسافرخانهها، حتی پارکها هر کجا که بتوانند و با اهل اندک خود را جا داده و زندگی میکنند." آقای استاندار سپس مهاجرت روستائیان فرزده و بی خانمان را یک نوع بیماری ارزیابی کرده و قول داده است که با آن مبارزه کند. ولی مسئله بعد وسیع تری پیدا کرده و سران سقیه رژیم را درست بدانند اواخر حکومت دیکتاتوری شاه که از مبارزه زحمتکشان خارج از محدوده (بخوان مهاجرین) به وحشت افتاده بود، به تکاپو و دلپره انداخته است. بدنبال مبارزه با "آفت مهاجرت روستائیان"

دانسته و آنرا حتی از شراب خوردن و رسا کردن و احتکار نیز بدتر شمرده اند. در جای دیگر استاندار تهران نیز در همین رابطه در یک مصاحبه رادیو و تلویزیونی میگوید: "مردم بدانند که در تهران هیچ خبری نیست، آنچه در اینجا دیده میشود گرفتاری و انبوه مشکلات است. بنابراین ساکنین روستاها و شهرهای کوچک فریب ظاهر امر را نخورید و قبل از مهاجرت به تهران محدودتهایی که از نظر مسکن، شغل، تهیه دفترچه بسیج و غیره را دارید در نظر بگیرید." وی سپس در ادامه صحبت هایش می افزاید: "مردم باید صبر کنند، کارها درست میشود، شهاها بدانند که مهاجرانشان به شهرها پیامدهای غیرمفید برای جامعه خواهد داشت." البته آقای استاندار به این پیامدهای غیرمفید اشاره ای نمیکند، زیرا همان چیز است که پایه های جمهوری سفیهان را بلرزده انداخته است. چرا که مهاجران روستایی که از فقر و بدبختی برای لقمه نانی روانه شهرها میشوند در "خارج از محدوده" شهرها در اسفناک ترین شرایط

"با این جوانمردی و انصاف است که آن برادر رزمنده برای یک هدف الهی از شر اجانب و آزاد کردن اسلام و مسلمین از جنگال چنانشکاران تکه پاره شود و این را تحمل کند، تا آخر عمر معلول باشد و بدنش ناقص شود ولی یک روستایی برای اینکه یک قدری آن رفاه مورد نظرش را وقتی در روستا نمیبیند، روانه شهر شود، این ضربه زدن است، این زمینه را برای تسلط دشمنان آماده کردن است که از بزرگترین گناههاست و با هیچ گناه معمولی قابل قیاس نیست، از شراب خوردن، زنا کردن، احتکار، از همه اینها بدتر است." (تاکید از ماست) این سخنان شیوا را آیت الله جنتی در نماز جمعه قم بیان داشته است. ولی راستی چرا یکباره کلیه سران جمهوری سفیهان در هر موقعیتی که دست می دهند از مسئله مهاجرت روستائیان به شهرها و بخصوص تهران صحبت میکنند. این روزها وقتی روزنامه های جمهوری سفیهان را ورق میزنیم به مسئله مهاجرت روستائیان بیش از هر مطلب دیگری بر میخوریم و نا آنجا که توانسته اند از مضرات این عمل "قبیح" پیسناد کرده اند تا جاشیکه آنرا بزرگترین گناهها

دست فروشهای کنار خیابان نمودند. در خیابان ۴۵ متری گلشهر دهکده را جمع آوری کردند و ۲ روز بعد، دهکده داران با کمی عقب نشینی از محل قبلی، دوباره دهکدهای خود را بیجا کردند. مزدوران رژیم همچنین به دستفروشیهای سیاه جهاشهر که محصول سبب زمینی و بیاز پهن کرده بودند، حمله کردند اما با مقاومت شدید دست - فروشها مواجه شدند. این زحمتکشان که شبها را نیز در هاشنجا و کنار بساطتساان میخواستند، به مامورین و مزدوران رژیم گفتند: با این سرما و با این سختی در اینجا میازیم تا زندگیمان را بگذرانیم و شما نمیتوانید ما را بیرون کنید. شما پول بدهید که شکم خانوادهمان را سیر کنیم تا اینجا را تخلیه کنیم اما مامورین شهرداری و دیگر سرکوبگران که گوششان بدهکار نبود، قصد داشتند با لودر آنها را درهم بگویند که یکی از دستفروشها با سنگ ترازوی ۲ کیلوگی به راننده لودر حمله کرده، از ناحیه سر و صورت او را - بشدت مجروح کرد و مامورین که چنین دیدند میدان را خالی کرده رفتند. غارتبیسر متواری شد اما دیگر همکاران بعد از تاراندن

شدن مامورین رژیم، همچنان در همان محل به کار خود ادامه میدهند. رژیم جمهوری اسلامی که بنا بر ماهیت ضد خلقیاش قادر به پاسخگویی به خواستهای تودهها و از جمله بیکاری گسترده نیست، و میخواهد با جمع کردن دهکدهداران و سرکوب آنان و فشار هرچه بیشتر به آنان، این زحمتکشان را وادار به رفتن به چینهها یا مزدوری در کمیتهها و سپاه و ... نماید اما این شرفنها کاری از پیش نخواهد برد. (به نقل از ضمیمه خبری کار شماره ۱۷۷)

گوشه‌ای از جنایات رژیم

در یکی از روزهای باصطلاح دهه فجر، پاسداران مزدور، جلوی ماشینهای را گرفته و به پوشش و آرایش خانم ایراد میکردند. شوهر وی میگوید بسیار خوب رعایت میکنند ولی پاسداران میگویند باید خانم با ما بیاید و اقدام به بردن او بزور میکنند. شوهر این خانم به اعتراض برخاسته و به زدوخورده با آنها میپردازند که با شلیک یک گلوله گشته میشود. در این هنگام خانم شروع به اعتراض کرده و از مردم استمداد میطلبد که ماشین گشت دیگری سر رسیده و

چون سعی پاسداران در بردن او بجاشی سمیرند، به او تیز گلوله شلیک کرده که میافتد و سپس اجساد هر دو را پاسداران میزنند در حالیکه ماشین و کودک آنها در محل باقی مانده. اینگونه اعمال که بطور روزمره در کوچه و خیابان اتفاق میافتد از بیشمار جنایاتی است که رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بکار میگیرد تا بهر نحو که گه شده تفکرات ارتجاعی خود را به مردم تحمیل نماید.

سیمه - زن و شرفر جوانی که قصد مسافرت به شهرهای شمال را داشتند، در شهر رشت توسط پاسداران دستگیر میشوند و به بهانه نداشتن مدارک لازم یک شب بازداشت و فردای آنروز آزاد میشوند و از ادامه مسافرت منصرف شده و به شهران باز میگردند همان شب زن جوان در حمام خانه خودکشی کرده و در نامه‌ای که از خود بجا میگذارد، علت خودکشی خود را تجاوز ۵ پاسدار در شب دستگیری اقلام کرده است. شوهر وی پس از حادثه دچار بیماری روانی شده است. این نیز نمونه دیگر از جنایات و تجاوزات مزدوران جنایتکار رژیم.

(به نقل از ضمیمه خبری کار شماره ۱۷۷)

گشت و گذار

حجت الاسلام مقتدانی عضو و سخنگوی شورای عالی قضائی اعلام داشت: "چنانچه مسئولین شهرداریهای نواحی ۲۵ گانه تهران نتوانند از ساختن ساختمان بدون جواز در اطراف تهران جلوگیری کنند، تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت." و شهردار تهران دستبدمان سفیدان جمهوری اسلامی شده که: "با راهتمایی های خود روستائیان را در - مهاجرت منصرف کنند." ولی مسئله دیگر از راهتمایی (بخوان فریب روستائیان) گذشته و ابعاد جهانی که جمهوری اسلامی برای زحمتکشان ساخته آنچنان وسیع است که دیگر هیچکدام از سفیدان قادر به کنترول آن نیستند. فقر و تنگدستی، مرض و بکنسا - پیراهنی، گرسنگی و بیکاری آنچنان ناقصی نقاط کشور گسترش یافته که حد و مرز نمی‌شناسد. روستائیان برای بدست آوردن لقمه‌ای نان به حرکت درآمده‌اند و همین مسئله است که جمهوری سفیدان را بوحشت انداخته است. آیت الله مشکینی در ایس رابطه میگوید: "ما از یست تریسون هر چه خواهش میکنیم که روستائیان به شهرها نیایند. اما وقتی نان در روستا پیدا نمیشود، آنها میآیند." (تاکید از ماست)

این تخریب کاملاً مجاز و شرعی میباشد. (تاکید از ماست) باز هم جنایتی دیگر. تخریب و جمهوری سفیدان درهم آمیخته شده‌اند. این بار هم تخریبی مجاز و شرعی درست به مانند تخریب کردستان، تخریب دانشگاهها، تخریب ترکمن صحرا، تخریب تودهها، تخریب جوانان و تخریب ایران. تخریب در جمهوری سفیدان حد و مرز نمی‌شناسد. آیا این موثر می‌افتد. تاریخ با صدای رسا پاسخ خود را داده است و پاسخ منفی است. اگر شاه و ساواکش توانست جلوی حرکت زحمتکشان خارج از محدوده را که آغاز شد برای سقوط رژیمش بگیرد، این جانبیان و قداره بندگان نیز موفق خواهند شد. آتشکشان خشم نسرو خورده تودهها سرانجام قوران خواهد کرد و کلیه جنایتکاران جمهوری سفیدان را در التهاب خود خواهد سوزاند.

وی پس ادامه میدهد: "حالا من از دولت خواهش میکنم که امکانات کمتری به شهرها بدهد تا آنها به روستاهای خود برگردند. البته من نمی‌گویم که موعظه تاثیر ندارد ولی موعظه برای شکم سیر خوب است نه گرسنه." (تاکید از ماست) بنا بر این - وقتی موعظه و یا عبارت صحیحتر فریب زحمتکشان سودی ندارد، زعمای سفید را که پایه‌های نژادشان بر روی سرتیژه بنا شده است، بفکر ارجاب و زور می‌اندازد. فرماندار تهران طی سخننامه‌ای از شوراها ی محلی میخواهد تا برای کسانی که واجد شرایط نیستند (مهاجرین) دفترچه بسیج اقتصادی صادر نکند. بدین جهت چنانچه این افراد به تهران مهاجرت کنند باید ارزاق خود را از بازار آزاد تهیه نمایند. ولی این نیز موثر نمی‌افتد و شکم گرسنه را سیر نمیکند. روستائیان در حرکتند و حکومت سفیدان در وحشت. رهبران سفیدان بار دیگر خود دستبکار میشوند و دستور تخریب را صادر میکنند. تخریب آلودگها، تخریب "خانه‌های ساخته شده با مقوا و حلبی، تخریب زندگی روستائیان. اما جنایتکار خطاب به ناطق نسوری، وزیر کشور میگوید: "ساختمانهای خلاف در شروج عملیات باید تخریب شوند. بنا بر این

نوبه کار اورگان سازمان جنبه‌های فدائی خلق ایران را بنویسند

تنفر از مسجد

مهدوی کنی، امام جمعه تهران در نماز جمعه گفت: "بعضی از مساجد در ختم ها و روضه ها، صدای منبرها و موعظه ها و مرثیه ها و همه اینها هم در روز هم در شب... صداهای بلند، بلند است و شما میدانید که آنها در همسایگی مساجد هستند همه پسا متعایل نیستند این صداها را بشوند و پسا مسلمانند ولی خوب همیشه دلشان نمیخواهد صدای منبر بشنوند. آنها فانی که میخواهند بشنوند خوب، میآیند توی مسجد، آنها هم که نمیخواهند بشنوند با این صدای بلندگوی بوقی که گذاشته میشود بالای مسجد، نیراز اینکه مردم تنفر پیدا کنند و ناراحت بشوند، چیز دیگری نتیجه ندارد، بلکه بیشتر تنفر پیدا میکنند."

...

قبور حیوانات

آیت الله العظمی منتظری در رابطه با مصرف گوشت گفت: "در بعضی خانواده ها چنان مصرف گوشت و برنج و دیگر مواد غذایی زیاد است که اگر مازاد آن را به چند خانواده دیگر بدهند، آنها هم مستغنی میشوند، اصولا چرا باید در حالتی که ما هنوز از خارج گوشت و برنج وارد میکنیم این قدر خودمان را به خوردن گوشت و دیگر مواد غذایی وارداتی عادت دهیم، در روایت از اینکه انسان شکم خود را قبور حیوانات کند، سخت مذمت شده است."

...

مشاق حضور

آقایان روحانیون

در جبهه ها هستند!

مدیریت حوزه علمیه قم طی اطلاعیه ای خاطر نشان ساخت: "طبق اطلاعات مکرر و تلگراف بسیاری که از جبهه های نبرد میرسد، رزمندگان اسلام مشاق حضور آقایان روحانیون و استفاده از راهنمایی های آنان هستند. بدون تردید حضور شما در جبهه رشید تاثیر عمیق و بسزایی در جنگ خواهد داشت. اکنون انتظار میرود فضایی محترم از تعطیلات دهه فجر استفاده کرده و با اهتمام بیشتر در جبهه ها شرکت کنید."

نکته جالب این است که تا بحال رؤسای جمهوری اسلامی سعی کرده اند با استفاده از اصنامات مذهبی و ناآگاهی برخی از مردم، عده ای از آنها را روانه جبهه ها کنند ولی گویا در زمینه فرستادن افراد

اهل بیت خود تا بحال موفقیتی نداشته اند. و طبیعی است وقتی دو شیاد سهم میزنند متقاعد کردن یکدیگر کار آسانی برایشان نیست.

خمینی گفت:

"چه عیدی شما دارید"

آیت الله خمینی در رابطه با درخواست اعزامین... جنگ مبتنی بر دیدار فامیل هایشان در ایام عید نوروز گفت:

بیماری سالکرا که بوسیله پشه مخصوص ایجاد میشود، تاکید کردند. وی گفت: "این پشه بخصوص اگر در گوشه و کنار جداها در جبهه ها باشند، بسیار در شیوع این بیماری که درمان آن بسیار دراز مدت است و اگر هم دیر به آن برسند، حتی استخوان را هم مانند غوره میخورد، کمک میکنند." حجت الاسلام آنگاه با غنوردی ادامه میدهد: "انشالله این مسئله را ما در تهران با مسئولین وزارت بهداشتی در میان



میگذاریم که فکر اساسی بکنند."

...

زندگی فلاکت بار

وزیر بهداشتی جمهوری اسلامی گفت: "حساب کردیم دیدیم اگر در هر سال ۵ هزار پزشک تربیت شوند، تازه بعد از ۲۰ سال یعنی در سال چهل هزار پزشک کم خواهیم داشت. اما اگر چنین نباشد و با توجه اینکه در طول این ۲۰ سال جمعیت کشورمان نیز دوبرابر خواهد شد، آنوقت دیگر زندگی فلاکت بار خواهد بود."

بزرگترین شریک

جمهوری اسلامی

وزیر صنایع سنگین در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که در حال حاضر آلمان فدرال بزرگترین شریک بازرگانی خارجی جمهوری اسلامی در بخش صنایع سنگین است. در همین زمینه وی افزود: "کشور ما در حال حاضر

"خوب شما مشغول یک عبادت بزرگ هستید. الان شما بخواهید جبهه را خدای نخواسته رها کنید و برای عید چند روزی هم بیایید اینجا، خوب چه بکنید؟ عید، چه عیدی شما دارید؟ شامی که آنجا آنطور گرفتار هستید و در آنجا بعبه های مسموم به سر شما میریزند، خوب شما چه عیدی دارید که حالا بیایید برای عید جبهه را خالی بکنید. جبهه را قوی نگذارید، عید شما آنوقتی است که شما جبهه را محکم نگذارید و آنها را از صحنه بیرون بکنید و انشاء الله، فتح بزرگ شر و فتح نهائی را بکنید."

...

شیوع بیماری سالک

حجت الاسلام ازه ای، سرپرست سازمان بهزیستی کشور که جهت دیدار از جبهه های جنگ و بررسی مشکلات خوزستان به این استان سفر کرده بود در مصاحبه ای با خبرنگار کیهان گفت: "برادران صیبال القدر شیوع

روابط چندانی با دولت شوروی در آرمینیه
منابع سنگین ندارد و زمینه این همکاری ها
نیز در آینده مشهود نیست.

مهاجرین افغانی

در طرح لیبیک
به گزارش خبرنگار کیهان در مانسور
تسرین آزادی قدس در پایگاه کرج یک گردان
از نیروهای مجاهدین افغانی شرکت داشتند.
در همین گزارش آمده که مانور تسرین آزادی
قدس با پیام خامنه‌ای آغاز شد. خامنه‌ای
در پیام خود گفت: "یگانهای آزادی قدس
باید آماده باشند تا طبق دستور در هر نقطه
از جبهه جنگ تحمیلی که بوجود آنها نیاز
است حضور یابند." گفته میشود که رژیم
جمهوری اسلامی مدتهاست از وجود مهاجرین
افغانی در جنگ استفاده میکند. چندی پیش
رژیم ایران تعداد زیادی افغانی را با
کامیون روانه پاکستان کرد. این عده
حاضر به رفتن به جبهه‌ها نبودند.

احتیاجات جبهه‌های جنگ!

ستاد تبلیغات جبهه و جنگ قرارگاه
کربلا طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که این ستاد
جهت برآوردن نیازهای تبلیغات لشکرها و
تیپ‌ها احتیاج به وسایل تبلیغات بخصوصی
مانند کاغذ و پاکت نامه دارد؛ لذا از
کلیه نهادها، ارگانها و افسار مختلف
مردم درخواست شد که در مورد تهیه و ارسال
وسائلی از قبیل کاغذ نامه، پوستر امام
و آیت‌الله العظمی منتظری و شخصیت‌ها و
قرآن جیبی ۱۱ سوره‌ای همکاری لازم را می‌ذول
فرمایند.

با ظهور مهدی،

همه ابوعلی سینا میشوند!

آیت‌الله مشکینی در نماز جمعه قم
گفت: "برخی افکار منحرف در رابطه با
ظهور حضرت مهدی میگویند فعالیت نکنند
که یک حکومت اسلامی درست شود. زیرا وقتی
جامعه اسلامی پیش‌آید، همه خوب و نیکو شدند
حضرت تشریف نمی‌آورد و برمیگردند پیش خدا
و میگویند ما دیگر بی خودیم و برگردیم
بی کارمان" وی سپس افزود: "بر طبق روایات
حضرت با ظهور خود سه قدم اساسی در میان
بشر برمی‌دارد.

قدم اول اینکه حکومت‌های جهانی را
نابود کرده و سرنگون میکند و همه حکومتها
را بصورت واحد درمی‌آورد و این سلاطین و
شاهان و روسای جمهوری و سردگان شیطان و
هوای نفس را سرنگون و جهان را از اشغال
آنها پاک میکند. مرزها و سیم‌های خار دار
و سدهای آهنین را برمی‌چیند و تمام
قوانین را از بین می‌برد و همه را شامل
یک قانون اساسی که آنها براساس اسلام است
قرار میدهد.

در قدم دوم احکام الهی را پیاده
میکند. بعدا بشر باید شروع به آموزش
و تحصیل بکند. آنروز است که علوم قرآن
آنچنان رواج پیدا میکند که هر انسان
آن زمان از ابوعلی سینا امروز بالاتر
میرود.

ناگفته نماند که در بیان همین دوره
"از تاریخ" آقای رجوی معتقد است در آن
زمان مردم بجای پول برای خرید اجناس
از طلاوات استفاده میکنند. (تیسیم جهان)
و تمام کشورها تحت ایدئولوژی توحیدی
قرار میگیرند.

طرح شناسنامه‌های جدید

از امسال کلیه شناسنامه‌ها تصویری

با اندازه بیشتر از ۲۰۰ تاکنک موثر است، زیرا
نقش روحانیون در جنگ نشانگر حضور امام
و معنویت ایشان است. حضور روحانیون
در جبهه باعث میشود رزمندگان ما در رزم -
خود با دشمن احکام اسلامی را بطور دقیق
انجام دهند. بعضی از روحانیون ممکن است
احساس کنند وجودشان در جبهه موثر نیست
و هیز رفته‌اند. لذا به این منظور باز
میگردند که چیران آن مدت زمانی طول
میکشد.

...

پیشرفته ترین قوانین دنیا

آیت‌الله موسوی اردبیلی در جمع
میهن‌انان خارجی جمهوری اسلامی گفت: "ما
با مراعات اعلام میکنیم که قوانین امروز
جمهوری اسلامی دقیق ترین و پیشرفته ترین
قوانین قضائی دنیاست و ما حاضریم با هر
کس که مدعی خلاف آنست به بحث بنشینیم."
البته آیت‌الله اشاره‌ای به قانون خون بها
که ارزشون برابر یک شتر است و مرد دو -



سعادت ابدی!

منتظری در سخنرانی در رابطه با
اعزامین به جبهه‌های جنگ گفت: "اینکه بعضی
از جوانان عزیز و قهرمان ما میگویند ما
میرویم به جبهه برای شهادت و میخواهیم
به هر نحو شده شهید شویم، منطبق درستی
نیست. آن عزیزان بروند در جبهه‌ها برای
کسب پیروزی اسلام به کفر، کشتی اگر در
فمن بدست آوردن چنین پیروزی عظیمی شهید
شدند، آن موقع به فوز عظیم و سعادت ابدی
نیز قائل شده‌اند."

هز روحانی برآبر

۲۰۰ تاکنک است
حجت‌الاسلام مصباحی در رابطه با تاثیر
شرکت روحانیون در جبهه‌ها گفت: "به ما
گفته‌اند که حضور روحانیون در هر واحد

شهر، نکرد. ناگفته نماند چندی پیش امام
جماران گفت: "منافقین میگویند قانون دست
زدن قانون اسلامی نیست، حال آنکه در قرآن
سریعا از دست زدن گفتگو شده است."

...

رادیو قرآن!

کمبودهای مردم کم کم

برطرف می‌شود!

رادیو قرآن برای اولین بار با پیام
قامنده‌ای شروع بکار کرد. ابطمی، سرپرست
رادیو قرآن گفت این رادیو فعلا سه ساعت
در روز برنامه دارد. در ۲/۵ ساعت اول ۵۰ درصد
قراحت خوب خارجی، ۵۰ درصد بقیه قراحت
درجه یک ایرانی اجرا میشود و نیم ساعت
باقیمانده برنامه، قرآن از ابتدا خوانده
میشود!

...

خواهد شد. در شناسنامه‌های جدید در صفحه پنجم آن ۳۰ خانه مربعی وجود دارد که برای ۳۰ دوره انتخابات در نظر گرفته شده است. در صفحه آخر دو قسمت برای علل فساد و شهادت در نظر گرفته شده. با اجرای این طرح جدید، دولت‌کنترل بیشتری روی مردم جهت شرکت کردن در انتخابات خواهد داشت. شهادت از مزایای بیشتری برخوردار خواهد بود.

در مجلس چه می‌گذرد

وقتی میرحسین موسوی، نخست‌وزیر بودجه سال ۶۲ را به مجلس معرفی میکرد و یکی از اختیارات برجسته بودجه سال ۶۲ را توازن نسبی درآمدها و هزینه‌ها دانست و این را نشانه‌ای از ثبات اقتصادی جمهوری اسلامی اعلام کرد. هنوز کاملاً مشخص نبود که گویا کفگیر بودجه جمهوری اسلامی به نه‌دیگ خورده و بودجه ۶۲ با رقمی در حدود ۱۵ - میلیارد تومان کسر بوده مواجه شده است. در این رابطه غلامعلی شهرکی یکی از نمایندگان مجلس اظهار داشت هزینه‌هایی که باعث ارائه متمم کسر بودجه شده غیرقابل اجتناب است. در قسمت بنیاد امور مهاجرین جنگ اعتباری در نظر گرفته شده بود که معادل آن اعتبار هزینه نشده است. اطلاع دارید که مهاجرین جنگی با توجه به ادامه جنگ روز به روز تعدادشان تغییر میکند و مشکلاتی ایجاد میکند، همچون مشکلی که باعث شد در راه آهن یکی دو ماه حقوق کارگران و کارمندان پرداخت نشود، ناشی از این بود که هزینه‌های جاری را خیلی کم در نظر گرفته بودند. در نتیجه با این مشکل، تاخیر در پرداخت روبرو شدیم و بالاخره مسئله جنگ که اگر این جنگ ۱۰ میلیارد تومان هم هزینه نیاز داشته باشد، ما نمیتوانیم آنرا بعلت نداشتن بودجه تعطیل کنیم، لذا من با تصویب این لایحه موافقم.

در همین رابطه ساوچی بعنوان اعتراضی گفت: "آیا مجریان محترم از نظر شرعی و قانونی مجاز نیستند که با افزایش بودجه‌ای که مجلس تصویب کرده از حدود آن تجاوز کرده‌اند، با توجه به اینکه ما درآمدهای کمتری میتوانیم از این منابع و طرح‌های اضافی از آن را جبران بکنیم، املا نداریم.

اما غلامحسین نادری یکی دیگر از نمایندگان این کسری بودجه را طور دیگری مطرح میکند. نامبرده در همین رابطه میگوید: "هنگامیکه ما در باره بودجه ۶۲ نسبت به درآمدها بحث میکردیم، دقیقاً مشخص

بود که این بودجه بیش از یک هزار میلیارد ریال کسری دارد، تنها نشان داده نمیشد. وقتی او یک جلسه تشکیل داد و قیمت نفت را کاهش داد ما متذکر شدیم اگر بنا باشد ما یک رقمی از نفت را که در بودجه نشان میگذاریم وصول نشود و در مقابل آن هزینه بپردازیم این هزینه‌ها چه جاری باشد چه عمرانی بیخ ریشمان مانده است، هیچ دلیلی ندارد که ما بعنوان درآمد کاذب در بودجه در مقابل آن هزینه بپردازیم و در آخر سر دچار کمبود بودجه شویم. وقتی بودجه نسبت و درآمدهای حاصل نشده نباید تعهدات سنگینی ایجاد شود."

کاهش تولید

بنا بر گزارش کیهان، سطح کشت آبی گندم در استان اصفهان در سال جاری به میزان ۶ درصد، کشت دیم گندم و جو بیش از ۶ درصد و چغندر قند ۴ درصد نسبت به سال قبل کاهش داشته است.

اظهار رضایت

جراحان آمار منتشره، عادات سوختی به ایران بجا از گزارش روزنامه سوئیس سوئیکا داگ بلادت طی ماههای نوامبر - ژانویه سال ۱۹۸۳ به میزان ۲۲۲ درصد و ارزش ۲۸۵۵ میلیون کرون افزایش یافته است. معاون وزارت خارجه و مشاور نخست‌وزیر سوئد طی ملاقاتی با ولایتی اظهار داشت که برنامه ۵ ساله اقتصادی جمهوری اسلامی ایران مورد تحسین مقامات سوئدی قرار گرفته است.

(کاروان یوم الله)

آموزش و پرورش استان تهران اعلام کرد که "کاروان یوم الله" را تشکیل میدهد. کاروان مزبور مرکب از دانش آموزان نمونه، مربیان و معلمان برای زیارت سرزمین خون و شهادت جبهه‌های اسلام و دیدار با سربازان امام زمان و بازدید از فتوحات سپاه اسلام تشکیل میشود."

نظرخواهی

در باره قانون کار به گفته دست‌اندرکاران مسائل اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی، تدوین قانون کار بر مبنای عدالت‌خواهی اسلامی و در چهارچوب پاره‌ای از عقود و احکام اسلامی مشخص و معین گردیده است. بگفته آنان در این قانون جدید سعی شده نهایت

حمایت از کارگران بشود. در همین زمینه قدرت‌الله آزاد از کارخانه برده‌ساز میگوید: "قبلاً هر کارگر ۱۲ ساله یک‌کارگر مستقل بحساب می‌آمد و هر گونه مزایای کارگری به او تعلق می‌گرفت. حالا بموجب این قانون جدید کارگر ۱۲ ساله بعنوان کارآموز از مزایای کمتری برخوردار خواهد بود." وی سپس اضافه میکند: "چرا دست‌اندرکاران در تنظیم این قانون نظرات کارگران کارخانه‌ها را در نظر نگرفته‌اند." حسین باقری، کارگر دیگر در همین رابطه میگوید: "در ازای هر سال کسار پرداخت یک روز حقوق در زمان بارندگی با توجه به تورم و هزینه سنگین زندگی برای یک کارگر کافی نیست." علی یوسفی یکی دیگر از کارگران میگوید: "در قانون قبلی مدت استراحت بعد از زایمان ۹۰ روز بود حال آنکه قانون جدید این مدت را ۷۵ روز در نظر گرفته." نامبرده نسبت به شورای مشورتی مندرج در قانون جدید، ضمن اعتراض اضافه میکند: "کارگران شوراهای مشارکتی میخواهند نه مشورتی."

سرسام آور است

بنا بر گزارش روزنامه کیهان، هزینه پزشکی در ایران سرسام آور است. بنا بر همین گزارش هزینه عمل جراحی و بستری شدن در بیمارستانهای خصوصی که از نظر دکتر و وسائل و امکانات از وضع بستری نسبت به بیمارستانهای دولتی برخوردار هستند، پرداخت هزینه یک عمل جراحی لوزه با آپاندیس، معده و ... از عهده هر بیماری بر نمی‌آید. مثلاً انجام عمل آپاندیس در یک اطاق یک تخته حدود ۱۶ هزار تومان است. علاوه بر این هزینه عمل جراحی، هزینه تخت و غذا از بیمار دریافت میشود. در همین گزارش آمده است که هزینه انجام یک عمل جراحی آپاندیس و استفاده از اطاق دوتخته در بیمارستان آپادانا ۱۴ الی ۱۵ هزار تومان است. بیمارستان آرپا واقع در بلوار کشاورزی برای یک عمل لوزه ۷۵۰۰ تومان دریافت میکند. اطاق خصوصی در بیمارستان ساسان هرتب ۷۱۰ تومان و با همراه ۹۱۰ تومان خواهد بود. در بیمارستان سجاد برای یک عمل زاریس، ۲۲ هزار تومان دریافت میکنند.

جنبش توده‌ای

مقاومت ده‌داران در مقابل موازین رژیم: کرج - هفته اول بهمن - مأمورین اداره راه و شهرداری با تفاق عده‌ای از پاسداران به جمع‌آوری دکه‌ها و سلب حقیه در صفحه ۱۶

عملکرد رژیم جمهوری اسلامی از نظر مردم به روایت روزنامه‌های رژیم

نوبتی هم که باشد نوبت خمیردندان است!

مثل اینکه کم بودن و نبودن اجناس و وسایل زندگی در بازار نوبتی است و این بار نوبت خمیر دندان و اسکاچ ظرفشویی است. چرا خمیر دندان و اسکاچ که در کشور خودمان تولید می‌شود در بازار پیدا نمی‌شود و اگر هم گریباید باقیمت چندین برابر قیمت قبلی فروخته می‌شود. آخر مگر در آمد یک خانواده معمولی چقدر است که باید برای خریدن مایحتاج ضروری میلی گزاف بدهد. همچنین چرا دولت فکری برای پایان دادن به این صفت‌های طولانی و طولانی نمی‌کند تا از این همه وقتی که صرف نوبت و صفا می‌شود مردم بتوانند بهترین استفاده منطقی را ببرند.

حسن - رستمی

برق کلاچای و چابکسر را تامین کنید

زردیگ به شمال است که برق معابر عمومی روستای لاس‌آباد علیا و قره حومه از کسوان بخش کلاچای عساکوش شده و دانش‌آموزان هنگام بازگشت از کلاس درس به منزل بسین راه دچار ترس و وحشت میشوند و همچنین مردم روستای حد گور در مواقع شب به خاطر خاموشی برق معابر عمومی، با در دست داشتن فانوس به منازل یکدیگر میروند چنانچه مسئولان اداره برق کلاچای و چابکسر در تامین روشنایی برق معابر عمومی روستای لاس‌آباد علیا اقدام نمایند.

علینکی کشاورز

چرا باید قیمت خرما کیلویی ۳۵ و ۴۰ تومان باشد در روزنامه خواندم که خرما را دریای درخت کیلویی ۳۵ الی ۴۰ ریال میخرند اکنون پایین قیمت خرما را برای چرا باید خرما را ما در شهرها کیلویی ۳۵ الی ۴۰ تومان بخریم. عثمان

گرمای سرسام‌آور قیمت پارچه

قیمت پارچه بنوعی برسام‌آوری بالا می‌رود و معلوم نیست در کجا متوقف خواهند شد. برای خرید پارچه به فروشگاهی که در روزنامه آگهی کرده بودم حراج است، رفتیم و نام‌آدم کفایت سوت می‌کند. پنج‌ترین پارچه‌های پیراهنی بالای صد تومان و پارچه‌هایی که گسی بهتر بود بالای ۳۰۰ تومان قیمت‌های ناخوش‌ناخوش گاهی پارچه روپوش می‌دهند و گاهی هم پارچه‌هایی که بیشتر بقدرد گفته بچه پاروشکی می‌خورد تا پوشیدن، چون نام‌آدم دارد و نازک آن ثابت است. اینطور که پیش می‌رود باخرس و از سبزی تا پنبه دست‌اندازگان تولید و توزیع پارچه لابد در آینده زمینگی لباس هم از اقدام فکری و نظری خواهد شد که قطع دست مستحکمان به آن خواهند رسید.

یک‌خانم‌خانه‌دار

به مشکلات کشاورزان جهاد آباد ایوانگی رسیدگی کنید.

ما کشاورزان جهاد آباد ایوانگی که در زمین رس‌گزار مسالبت کشاورزی خود را با آب خیلی کم می‌گذرانیم و قبل از انقلاب شکوهند اسلامی هیچ‌کدام مسائل زمین نبودیم از مسلمات جمهوری اسلامی انتظار داریم که سه‌ساله دیوان سالاری راز شهر ایوانگی اگر مقدور است ریشه کن نمایند و سه‌ساله بعد اینکه ۳۰۰۰ کیلومتر مربعی شده به مسوولان رسانند که دست مردم نسیرد و جواب سراجمین به بخششاری هم ضد انقلاب است و همچنین مردم را نوبی خیابان به دستور اشخاصی کنگ نزنند و فعلش نکند و خیلی گرفتاریهای دیگر موجود است که ما از مسئولین تقاضای رسیدگی عاجل داریم.

مدعی از کشاورزان جهاد آباد ایوانگی

فکری در مورد کار هنر شود

دبیر آموزش و پرورش هشتم که بعد از مرخصی بدون حقوق چون در بیمارستان بستری بودیم اما بسیار بودیم حدود یک‌ماه و امروز از مرخصی استعلاجی من قبول نشده است. پرونده من به بازسازی فرستاده شده و در مرحله رسیدگی بود که این‌ها منحل شدند. اکنون تقاضا دارم به‌وضع پرونده من که سوال است رسیدگی شده رسیدگی شود.

خانم دبیر منطقه

روستای ملی‌کندی در حال نابودی حتمی است

سلاکندی معروف به ملی‌کندی از روستاهای آذربایجان شرقی است که در حدود ۲۵ کیلومتری مشکین شهر واقع شده است. روستای ما توجه به کمبود امکانات کشاورزی و حتی زندگی در روستا و علیرغم مشکلاتی که در روستا وجود دارد هنگام با انقلاب اسلامی پیش می‌رود و حتی چند شهیدی هم در همهجا داشته است. عمده مسائلی که روستای ما با آن روبرو است و همین سه‌ساله هم باعث شده است اهالی مجبور به مهاجرت به شهرها بشوند کمبود آب - راه - معابر - برق - بهداشت و غیره می‌باشد فعلاً اگر مسئولین هر چه سریعتر اقدام به رفع کمبودهای این روستا انجام دهند از مهاجرت روستائیان به شهرها جلوگیری خواهد شد و آن دست‌های هم که فعلاً به شهرها رفته‌اند به روستا باز خواهد گشت ما از مسئولین تقاضا داریم که به مشکل ما رسیدگی نمایند.

از طرف اهالی - عباس توخیدی

مگر آوردن ده کیلو برنج آزاد نیست

طبقه قبل از جامعه رست که به تهران می‌آمدم مسئولان ۴ کیلو برنج ناسم که در بین راه گرفتند. من این برنج را کیلویی ۳۸ تومان خریدم، بعد از آنرا کیلویی ۲۲ تومان دادند سؤال اول من اینست که مگر آوردن ۱۰ کیلو برنج آزاد نیست در حالی که برنجی که کیلویی ۳۸ تومان خریدم بودم کیلویی ۲۲ تومان دادند. مگر اینکه فروش برنج ایرانی در تهران کیلویی ۲۲ تومان است.

یک‌تهرانی مسافر

فکری برای دادن شیر به اهالی شود

در حال حاضر اغلب معازعاً به افرادی که فرزندان کمتر از دو سال دارند شیر میدهند و یا باغیچ می‌چند و پزشکان به افراد بسیار. اما مسئولان افراد من و بچه‌هایم که احتیاج دارند به آنها نیز شیر داده شود. همین خاطر تقاضا دارم از شیرهایی که زیاد می‌ماند به خانواده‌ها نیز داده شود.

از کتلهای متعدد به کیهان و شما

تقاضا از مقامات مسئول

راننده از کار افتاده شرکت واحیستم که پاداشتن ۲۵ سال سابقه رانندگی پایه یکم در شرکت واحد انجام وظیفه می‌کردم. اکنون با سرعائله باحیانه ۱۹۰۰۰ تومان مستعری دریافت میکنم و مستاجر هم هستم و صاحبخانه هم مرا تهدید به تخلیه می‌کند. از مسئولان امر تقاضا دارم فکری بحال مستعری بگیرانی نظیر من برای افزایش مستعری و تامین مسکن آسان بکنند.

راننده مستعری‌گیر شرکت واحد

تور پرخطر جزیره کیش

اقامت در هتل لوکس شاپان (حرکت شنبه و سه‌شنبه هر هفته)

دیدنیها: کاخهای جزیره - کشتی یونانی - کاخ بی‌نظیر صنایع دریایی - کاخ اکواریم اسکله‌های جدید و قدیم - بازار فرانسه - دهکده و بازار سفین - رستوران برینا تفریحات و سرگرمی: استفاده از دریا و شنا در سواحل زیبای کیش - تاسیسات ورزشی از بسبال - تنیس - اسنجر - قایقرانی و غیره - نمایش ۷ فیلم سینمایی در هتل سرگرمی کودکان و نوجوانان: پارک‌های برای کودکان - نی‌وی گیم - بیگ‌بگ فوتبال دستی - شنا و نمایش فیلمهای کارتون بطریقه ویدئو سانترال

و دهها برنامه فوق‌العاده دیگر در هوای دلپذیر کیش

آژانس هواپیمایی پارس

خیابان ولیعصر - استاد مطهری شماره ۴۳ - تلفن: ۸۹۷۹۶۸ - ۸۹۷۹۵۵



آمریکای لاتین نیکاراگوئه

هفته نامه گاردین - آمریکا
دولت انقلابی نیکاراگوئه روز ۲۲ مارس با
فرستادن نامه‌ای به جرج شولتز وزیر امور -
خارجه آمریکا اعتراض خود را در رابطه با
ممنوعیت سفری در بنما در آتلانتیک و پاسیفیک در -
شهر آل بولف یکی از شهرهای بندری نیکاراگوئه
اعلام نمود. این ممنوعیتها از جانب دولت انقلابی -
نی که از جانب امپریالیسم آمریکا، دولت‌های
هندوراس و کوستاریکا حمایت میشوند در این
بنام در کار گذاشته شده بودند. در این نامه
اعتراضی آمده است که تا زمانی که کاستراس
(یکی از مخالفین رژیم ساندینیستا) از -
جانب سازمان سیا حمایت مالی میشود ما هر -
گونه خرابکاری در این بنام را از جانب
آمریکا میبینیم، کاستراس روز ۲۹ فوریه اعلام
کرده که مینهارا در نواحی آسی نیکاراگوئه
کار گذاشته اند، که در همین رابطه یک قایق
ماهیگیری هفته قبل از آن در اثر امواج تپا
مین غرق شد.

بدنبال اظهارهای پی در پی دولت انقلابی
نیکاراگوئه مبنی بر کارگذاری مین در بنام در
آسی این کشور، در اوایل آوریل چندین کشتی
حاوی مواد غذایی و دارو در اثر امواج تپا این
مین ها غرق شدند، این مسئله که از یکطرف
موجب برانگیخته شدن هر چه بیشتر خشم و نفرت
مردم نیکاراگوئه نسبت به امپریالیسم -
آمریکاست، از طرف دیگر تظاهرات دانشجویی
هیئت حاکمه امپریالیسم آمریکا را بخصوص با
نزدیک شدن انتخابات رئیس جمهوری بی -
چنان دمکراتها و جمهوریخواهان به اوج خود
رسانید، این در حالی است که هفته قبل

از آن سنای آمریکا مبلغ ۲۲ میلیون دلار کمک
برای خدانقلابیون نیکاراگوئه ای را -
تصویب رسانید.

کلمبیا

بحران اقتصادی موجود در کلمبیا که منجر
به بیکار شدن میلیونها کارگر و دهقان شده است
مشکلات سیاسی زیادی را برای دولت محافظه -
کار بلیستار ریویوتا (Belisario Betan Court)
فرام کرده است در اوایل
ماه مارس حمله ناگهانی چریکها به یکی از
مراکز نظامی در شهر فلورنسیا و مقابله با
نیروهای نظامی که منجر به کشته شدن ۲۲ تن
از مردم گردید، زمینهای ناراضی مردم از
رژیم این کشور و رشد سازمانهای چریکی در -
کلمبیا را بیش از پیش فراهم نموده است حمله
چریکها به این شهر در رابطه با برهم زدن برگزاری
انتخابات محلی بود که بنا به گزارش مطبوعاتی
مات کلمبیا ۷۵٪ از کسانی که واجد شرایط -
رای دادن بودند از رفتن به صندوقهای رای
امتناع ورزیده بودند.

در اوایل ماه مارس حدود ۱۰۰ تن از -
چریکهای کلمبیا با استفاده از اتوبوس
های عمومی به یک زندان در جنگل حمله کرده،
زندان را به اشغال خود درآوردند و پس از
۱۲۵ تن از همزمان خود را آزاد ساختند و پس از
مصادره سلاحهای زندانبانان در جنگل عقب
نشینی کردند.

برزیل

لوموند - فرانسه، چندین هزار دهقان
گرسنه در روز ۱۰ فوریه به مرکز مواد غذایی
در ایالت "کائرا" واقع در شمال شرقی برزیل
حمله کردند. در ایالت کائرا حدود ۵۰۰۰ تن



هلیکوپتر نظامی آمریکایی در قلمرو نیکاراگوئه توسط انقلابیون
این کشور سرتگون شده است. آمریکا مدعی شده است که این هلیکوپتر
تصادفاً وارد قلمرو نیکاراگوئه شده بود.

که خشکسالی مانع کشت و زرع شده است در
۴۰۰۰ تن مواد غذایی پلیس دهقانان را سرکوب
کرده است ولی در "وازاراگران" حدود یک هزار
نفر از دهقانان توانسته اند وارد یک شرکت
تعاونی شوند و حدود ۲۰ تن لوبیا و برنج را -
مصادره نمایند. در جای دیگر دهقانان بسته
انبار مواد غذایی "کمیشه دهان" حمله کرده اند
و حدود ۱۵ تن مواد غذایی مصادره کردند، این
مواد از مهمترین مصادره های چند سال اخیر
بوده اند.

آرژانتین

مدهانان از مادران و خانواده های زندانبانان
سیاسی در خیابانهای منتهویدشو به منظور
آزاد ساختن ۹۰۰۰ زندانی زن و مرد که در ظرف
چند ماه گذشته در زندانهای این کشور اسیر
میشد دست به تظاهرات زدند. ناراضیانی
های عمومی مردم نسبت به رژیم فاشیستی
از گوئه و دشمنی و کینه آنان روز به روز -
افزایش مییابد. دولت نظامی در چند ماه
گذشته با غیر قانونی اعلام کردن چندین
اتحادیه، کارگری، بستن مطبوعات و تفتیش
عقاید و با دستگیری تعدادی زیاد از مردم نقد
چلوگیری از اعتراضات کرده ای را داشته است
با این وجود مردم به خیابانها ریخته و با
شعارهایی از قبیل "اینها سرتگون خواهند شد"
به مبارزات خود ادامه میدهند.

اکوادور

در اوایل ماه مارس کارگران منابع نفت
اکوادور، در دو شهر صنعتی این کشور یعنی
"ناپو" و "اسمرادا" دست به اعتصابات
گسترده ای زدند. دولت اسوادا هوردا دو" به
منع رسیدن این غیر دستور نظامی کردن، این
دو منطقه نفتی را مصادر کرد، تا به بنوسیله
اعتصابات کارگران را سد نماید. بنا به گزارش
مطبوعات در زده خوردی که بین ما موران -
انتظامی و کارگران نفت صورت گرفت ۱۰ تن از
افراد مادی و سه تن از سربازان زخمی شدند.
با این وجود کارگران نفت موفق شدند که
سربازان را در نواحی نفت خیز خلع سلاح
نمایند.

شیلی

لوموند - فرانسه، در شب ۲۹ فوریه تا
۱۰ مارس حدود ۵۰ انفجار مختلف در تاسیسات
برق سانتیاگو و کنسپسیون رخ داد. به این
ترتیب برق دوشهر قطع شد. پلیس در کنسپسیون
حدود ۵۰ انفجار را بازداشت کرده است. در شهر
والپارایسون نیز در پی انفجار پمپ برق شهر قطع
شد. این سری عملیات همزمان با ورود پیشوا

به شهرمانتیاگو صورت گرفت. در روز ۲۶ فوریه
نظا هراتی بر ضد دولت صورت گرفته است که طی
آن ۲۶ نفر منجمله رودولفو سگوشل رهبر
سندیکا های کارگری شیلی دستگیر شده اند.

جزایر کاراشیب

جمهوری دومینیکن: در دو نظا هرات گوناگون
مدها تن از زنان کارگر با حمل نمودن یک
طرف به منظور نشان دادن از دیادگرستی در
کشور در واسط ماه مارس در شهرمان تودومینیکو
پایتخت این کشور دست به نظا هرات زدند.
نظا هرکنندگان خواهان پایین آمدن قیمت
مواد غذایی و بالابردن دستمدها بودند. دومین
نظا هرات بر علیه کرستی از جانب فدراسیون
کارگری که جمعیت زیادی را با خود به غیابانها
کشاند ترتیب داده شده بود. این نظا هرات
نیز همانا اولی بر علیه بالابردن قیمت
مواد غذایی از جانب هزاران تن از زنان و
مردان کارگرانجام گرفته بود. در ایس
اعتراضات اتحادیه های کارگری سازمانهای
انقلابی، دولت را تهدید کردند که اگر نظا طرف
۲۲ ساعت در جهت خواسته هایشان اقدامی نشود
دست به اعتصاب سرتاسری خواهند زد.

جمهوری دومینیکن

در پی دستگیری هزاران دانشجویی که بر
علیه سیاستهای دولت و تحمیل سیاستهای
استعمارگرانه صندوق بین المللی پول در
اواخر ماه مارس صورت گرفته صدها هزار دانشجو
و محصل دیگر در خیابانهای شهر سانتا دومینگو،
سانی، اسراتاز و سانفرانسسکو دی مارکوئیز
دست به اعتراضات گسترده ای زدند. در زود
خوردهائی که بین پلیس و دانشجویان رخ داد
پلیس با استفاده از گاز اشک آور نظا هرات
کنندگان را وادار به عقب نشینی کرد. یکی از
سازماندهندگان این نظا هرات (FSD)
فدراسیون دانشجویان دومینکن بود. فدراسیون
مزبور به همراه یکی از فدراسیون بزرگ کارگری
در حوادث اخیر نقش اساسی را در دانشگاه به
منظور محکوم ساختن همکاری صندوق بین المللی
پول و دولت ایفا نمود.

گرانادا

لوموند- فرانسه ۲۶ فوریه گزارشی داد،
کندریک رادیکس، وزیر رفاه اجتماعی در دولت
موريس بیسباپ اعلام کرد که اعضای جنبش
"نیوجیول" (NJW) با وجود کشتن که بر آنها
اعمال میشود، مصممند که در انتخابات آینده
شرکت کنند وی اعلام کرد که شهاجم آمریکا
نتایج اقتصادی وخیمی داشته است منجمله
اینکه ۳۰۰۰ نفر کار خود را از دست داده اند.
وی گفته است که هم اکنون گرانادا تحت
اشغال و کنترل آمریکا است و نه یک دولت

گرانادائی.

آرژانتین

کشور آرژانتین که یکی از بزرگترین
تولیدکنندگان گوشت در جهان میباشد، اعلام
کرد که محدودیتهائی را در مورد تولید گوشت
در آینده نزدیک در نظر خواهد گرفت. قیمت
گوشت که در این کشور سیر صعودی دارد اکنون
بعنوان یکی از موادیکه تنها ثروتمندان از
عهده خرید آن بر می آیند، در آمده است. در
اواسط ماه مارس کمیته زنان خانه دار بر علیه
بالا رفتن قیمت گوشت و کمبود آن دست



اجساد چند راهب آمریکائی که در حمایت از انقلابیون السالوادور
فعالیت داشتند که بطور وحشیانه ای مورد تجاوز و سپس کشتار تروریست
های وابسته به رژیم السالوادور قرار گرفتند

اعتراضات گسترده ای زدند، این اعتراضات
مورد پشتیبانی وسیع مردم واقع شد. برخلاف
سایر کشورهای آمریکای لاتین که گوشت
بعنوان یک ماده غذایی که تنها مورد استفاده
طبقات مرفه قرار میگیرد، میباشد، در آرژانتین
تولید گوشت بعنوان یکی از صادرات این کشور
مورد استقبال بازاری جهانی بوده است.
بطوریکه سالانه میلیونها پانده گوشت به
بازارهای جهانی صادر میکند، متلاذ فوریه
گذشته ۲۵۰۰۰ تن گوشت به بازارهای جهانی
از طرف آرژانتین صادر شد. با این وجود دولت
آرژانتین که امروزه میلیونها دلار به

بانکهای امیربالیستی بدهکار است و با اقتصاد
ورشکسته ای روبرو گردیده قیمت گوشت را چندین
برابر بالا برده است.

پرو
لوموند- فرانسه، در روز ۲۲ مارس
پروبا اعتصاب سراسری کارگران و زحمتکشان
که مشترکا توسط کلیه نیروهای سندیکا
سازماندهی شده بودند، بکلی فلج شد. در پی
این اعتصاب نظا هراتی در شهر لیما برگزار
شد که به شدت مورد سرکوب قرار گرفته دبیرکل
حزب کمونیست پرو (حزب رویزیونیست) آقای
جرج دل پرادو در اثر اصابت یک نارنجک گاز
اشک آوری به سینه اش شدیداً مجروح شد. وی در
مین حال سنا تور مجلس نیز هست. دولت برای
جلوگیری از برگزاری این اعتصاب استعفای
وزیرداری خود را پذیرفت شما نشانی قانون
اساسی را بعد از ۳ روز غیر قابل اجرا اعلام کرد
ولی با این حال کارگران پرو مصممند
اعتصاب خود را برگزار کردند، فرماندهی متحد
سندیکاها به دولت هشدار داده است که اگر
سیاست اقتصادی خود را تغییر ندهد مجدداً یک
اعتصاب عمومی ۴۸ ساعته و یا ۷۲ ساعته برگزار
خواهد شد.

السالوادور

لس آنجلس شاپز- در اواسط ماه مارس
مقامات پنتاگون اعلام کردند که "در تازه ترین
درگیری مستقیم نیروهای نظامی آمریکائی
در جنگ چریکی السالوادور تا به امروز،
غلبانهای نظامی آمریکائی دست به پرواز-
های تحقیقاتی بر فراز مناطق آزاد شده از
جانب چریکها زده اند. این پروازها که از
فاک هندوراس منشا میگیرد توسط هواپیما-
های دونفره جاسوسی که مجهز به دستگاه
فیلمبرداری مادون قرمز نیز میباشد،
صورت میگیرد. دوربینهای مادون قرمز قادر
است در شب هنگام از حرارت بدن اجسام عکس
برداری کنند و بدینوسیله میتوان به جابه جا
شدن چریکها، که اکثر در شب صورت میگیرد
پی برد". این تجا و زبندبال دو حرکت نظامی
دیگر نیروهای آمریکائی که در دو هفته پیش
از آن از طرف سفینگوی دولت ریگان اعلام شده
بود، یکی مانور نظامی جدید با شرکت نیروهای
هندوراسی در حاشیه مرزی دو کشور هندوراس
السالوادور و دیگری استقرار دو هزار سرباز
آمریکائی در مرز هندوراس با السالوادور،
صورت میگیرد.

کره جنوبی؛ بزرگترین عملیات مشترک نظامی آمریکا و کره؛

بیش از ۲۰۰۰۰۰۰ سرباز آمریکایی و کره‌ای در بزرگترین عملیات مشترک نظامی که از سال ۱۹۷۶ تا بحال هر ساله انجام میگردد شرکت کردند. در این عملیات نظامی که بیشترین نیرو از آغاز شروع همکاری بین آمریکا و کره صرف آن شده است نیروهای آمریکایی درگیر بیش از ۶۰۰۰۰۰ نفر میباشد که بیشتر در قسمت شمالی سخالول (پایتخت کره) مستقر گشته اند حدود ۸۰۰۰۰ تنگنادر دریایی در آبهای ژاپن مستقر میباشد که عملیاتی را بنام "عملیات واحد دریایی" انجام میدهند. قابل توضیح است که تنگنادران دریایی در این منطقه مجهز به سلاحهای اتمی میباشد، علاوه بر این تجهیزات امیربالیسم آمریکا به بهانه حملات احتمالی کره شمالی هر روز ارتش نیمه میلیونی نظری کره جنوبی را به وسایل جنگی مدرنتر و پیچیده تری مجهز میسازد تا بدینوسیله کره جنوبی نقش ژاندارم منطقه را در آسیای شمال شرقی ایفا نماید.

چین

در روز ۲۳ مارس آقای ناکاسون رئیس دولت ژاپن برای یک دیدار رسمی وارد پکن شد. مقامات دولت چین ضمن استقبال گرم از او سعی نمودند روی این دیدار تبلیغات گسترده ای صورت دهند. در مراسم استقبال به نشانه دوستی با یکدیگر تا قرن بیست و یکم ۱۹ گلرنگ توپ شلیک شده است طی این دیدار یک کمیته دوستی ژاپن - چین تا قرن بیست و یکم ایجاد شد. ناکاسون اعلام کرده است میان دو کشور نه یک تضاد وجود دارد و نه درگیری و آقای زائو در جواب گفته است "سو" فن بطور قابل ملاحظه ای کاهش یافته اند این وقایع نشان میدهد که دو کشور خواهان ایجاد ثبات و آرامش در منطقه خود میباشد دولت چین اعلام کرده است که آنها نیز متوجه خطر تهدید ۱۳۵ موشک ۲۰-اس اس در مرز شوروی میباشد و معتقدند که "خطر تهدید امنیت منطقه از طرف شوروی است ولی بیش از آن از تقویت تملیحات دوا بر قدرت بویژه در منطقه آسیا نگرانند" دولت ژاپن تصمیم گرفته است که مبلغ ۲ میلیارد دلار با بهره کم به دولت چین وام دهد. این وام میباشد در زمینه تحقیق پروژه بزرگ دریخهای راه آهن، بندر سازی، هیدرو الکتریک مورد استفاده قرار گیرند.

آفریقا

گینه: در روز ۲ آوریل یک کمیته نظامی



اجساد کافر گرانیکه در کارخانه ای در نزدیکی موبوتوا (موزامبیک) توسط مزدوران رژیم آفریقای جنوبی به قتل رسیده اند، مه ۱۹۸۳

قدرت را در این کشور در دست گرفت. این کمیته طی اطلاعیه ای کسب قدرت خویش را که از رادیوی گینه پخش شد اعلام کرد که کلیه ارگانهای "حزب دمکراتیک گینه" و نیز "مجمع ملی خلقی" را منحل کرده است و قانون اساسی را نیز ملغی نموده است این کمیته اعلام کرد که هرگونه سازمان توده ای (اتحادیه زنان، جوانان و کارگران) تا اطلاع ثانوی ممنوع میباشد. این کمیته اعلام کرده است که خواهان ایجاد پایه های واقعی دمکراسی است و امید سکوت را به اعمال دیگنا توری فردی منجم کرده است تا ایضا ارتش و ریاست جمهوری کاملاً به حزب دمکراتیک گینه وابسته بودند و فرماندهی ارتش میباشد اجباراً از اعضای حزب انشخاب میشود.

موزامبیک

در روز ۲۴ مارس پلیس موزامبیک از اعضای کنگره ملی آفریقا (ANC) که یک سازمان فدا پارناهد در آفریقا جنوبی است را در مایوتو (پایتخت موزامبیک) پس از با وجود بازداشت کرد. این عمل در چارچوب قرارداد عدم تجاوز میان آفریقای جنوبی و موزامبیک که طی آن دولت موزامبیک متعهد شده است که از فعالیتهای کنگره ملی آفریقا در موزامبیک جلوگیری کند، صورت گرفته است در موزامبیک دولت آفریقای جنوبی نیز متعهد شده است که به "جنبش مقاومت ملی" که یک سازمان فدا نقلابی در موزامبیک است هیچگونه کمکی نکند.

آمریکا

میامی، فلوریدا - در اواخر ماه مارس شهر میامی در ایالت فلوریدا برای بار دوم صحنه زدو خورد های سیاهان با پلیس فاشیست این شهر بود بطوریکه پلیس شهر میامی در مناطق سیاه نشین این شهر کوکونا دگرو، لیبرتی -

سیتی، کارلسیتی، اعلام حکومت نظامی کرد. جریان بدین ترتیب شروع شد که در ماه دسامبر سال ۱۹۸۲ یکی از پلیسهای کویا کویا مقیم آمریکا جوان سیاه پوسته ۲۰ ساله ای بنام نوبیل جانسون را بدون دلیل بوسیله شلیک گلوله ای از پای انداخت. کشته شدن جوان ۲۰ ساله منجر به زدو خورد شدید پلیس و سیاهان محله شد که در این زدو خورد نیز یک جوان سیاه دیگری قتل رسید. به دنبال این مسئله پلیس شد شورش میامی با تجهیزات فراوانی به سرکوبی سیاهان این مناطق پرداختند که در نتیجه آن تعداد زیادی دستگیر و به زندان انداخته شدند و بدینوسیله شورش تا مدت فزونی فروکش کرد. ولی بلافاصله بعد از دو سال که دادگاه که هیئت زوری آن تمام سفید بودند حکم نهائی را در مورد پلیس مذکور اعلام و اورا تبرئه نمود، عثم سیاهان این مناطق مجدداً به اوج خود رسید و زدو خورد شدیدی بین پلیس و مردم رخ داد که مجدداً تعداد کثیری بوسیله پلیس دستگیر و به زندان انداخته شدند، یکی از ناهدان مینی در این مناطق اظهار میدارد که آنها (پلیس) با وارد شدن به مناطق ما و کشتن یکی از جوانان ما از ما میخواهند که خون سرد باشیم، با اینحال ما سعی کردیم خون سردی خودمان را حفظ کنیم، اما تا وقتی که آنها با اسلحه هایشان از پشت پنجره های ماشین هایشان ما را تهدید میکنند و با گاز اشک آور به ما مقابله با ما میبرند و زنده خون سردماندن خیلی مشکلاست پلیس از ما متقابل از اعلام حکم دادگاه در مناطق سیاه نشین کمین کرده بودند و منطقه را کاملاً زیر نظر خود قرار داده بودند ما وجودیکه عناصر مترقی محلی با همکاری سیاهان محلی در سازماندهی جریان داشتند، ولی چندان در این امر موفق نشدند، چندی پس از این حادثه سازمانهای دینی و دفاع از حقوق مدنی به فعالیتهایشان در این زمینه ادامه دادند



چرا دولت ریگان برای تصویب کسری بودجه آمریکا تلاش می‌کند؟

در سال مالی جاری، دولت آمریکا مبلغ ۱۸۲/۷ میلیارد دلار کسر بودجه دارد. بینه عبارت دیگر، مبلغ ۱۸۲/۷ میلیارد دلار مخارج بیشتر از درآمدش میباشد. در سال آینده کسر بودجه دولت آمریکا نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید و طرف پنج سال آینده، طبق برآورد دولت مجموعه کسر بودجه انباشته شده آمریکا برابر با ۱ تریلیون خواهد بود. دولت آمریکا این مبلغ را هر ساله از طریق قرض از بانکها چیران خواهد کرد. اما نکته بسیار جالب در این میان سود حاصل از این کسر بودجه برای سرمایه داران و بانکداران بزرگ امپریالیستی است. در پایان سال ۱۹۸۵ بدهی دولت آمریکا به ۱/۹ تریلیون دلار خواهد رسید. روشن است که اکثر کشورهای تحت سلطه امپریالیسم بینه بانکهای امپریالیستی، بخصوص آمریکا بدهکارند که این بدهکاری از مرز ۷۰۰ میلیارد دلار گذشته است. حال پرسیدنی است

که دولت آمریکا به چه کسانی بدهکار است؟ به سرمایه داران آمریکایی!! (بسیار ساده دولت بعنوان ابزار کار سرمایه داران انجام وظیفه میکند)

تنها بهره بدهی یکساله آمریکا، ۱۲۹/۵ میلیارد دلار میباشد. این مبلغ در سال ۱۹۸۵ به ۱۶۴/۷ میلیارد دلار خواهد رسید. یعنی سالانه هر نفر آمریکایی باید مبلغ ۶۹۰ دلار بابت بهره بدهی دولت آمریکا به سرمایه داران آمریکا پرداخت کند.

روشن است که درآمد دولت آمریکا عمدتاً از طریق مالیات داخلی و چساول ذخایر ملی کشورهای تحت سلطه تأمین میشود. بنابراین با یک محاسبه ساده میتوان گفت که بهره ۱۲۹/۵ میلیارد دلاری بدهی دولت آمریکا را که مستقیماً به جیب بانکداران بزرگ میرود، زحمتکشان و محرومان جهان خواهند پرداخت. یعنی پرداخت کنندگان مالیات آمریکا در نهایت کسی جز کارگران

در سال مالی جاری، دولت آمریکا مبلغ ۱۸۲/۷ میلیارد دلار کسر بودجه دارد. بینه عبارت دیگر، مبلغ ۱۸۲/۷ میلیارد دلار مخارج بیشتر از درآمدش میباشد. در سال آینده کسر بودجه دولت آمریکا نزدیک به ۲۰۰ میلیارد دلار خواهد رسید و طرف پنج سال آینده، طبق برآورد دولت مجموعه کسر بودجه انباشته شده آمریکا برابر با ۱ تریلیون خواهد بود. دولت آمریکا این مبلغ را هر ساله از طریق قرض از بانکها چیران خواهد کرد. اما نکته بسیار جالب در این میان سود حاصل از این کسر بودجه برای سرمایه داران و بانکداران بزرگ امپریالیستی است. در پایان سال ۱۹۸۵ بدهی دولت آمریکا به ۱/۹ تریلیون دلار خواهد رسید. روشن است که اکثر کشورهای تحت سلطه امپریالیسم بینه بانکهای امپریالیستی، بخصوص آمریکا بدهکارند که این بدهکاری از مرز ۷۰۰ میلیارد دلار گذشته است. حال پرسیدنی است

و زحمتکشان هستند. حال روشن میشود که چرا دولت مافوق ارتجاعی ریگان برای تصویب کسر بودجه در کنگره آمریکا تلاش می‌ورزد. چون تنها از همین طریق بیلینون ها دلار به جیب سرمایه داران مالی و بخش نظامی سراربر میشود و اختلاف جناحهای مختلف امپریالیسم آمریکا در کنگره و مذاکرات طولانی آنها پیرامون کسر بودجه از کجا آب میشود. چون قسم هر پستکار جناحها در این میان یکشان نیست. جناح نظامی که دولت ریگان نمایندده مستقیم آنهاست، برای این کسر بودجه که عمدتاً ناشی از افزایش هزینه‌های مینتاریستی و بکار انداختن صنایع نظامی است بیشترین تلاش را برای به تصویب رساندن آن که تصویب سود مافوق تصور ها رترین بخش سرمایه داری آمریکا است، بکار گرفته است. (منبع: گزارش بیست و دومین حوزه کنگره‌ای آمریکا، بهار ۱۹۸۴)

لایحه ارتجاعی قوامی جنابات رژیم، جنگ، نقش مذهب در جامعه و بطور خاص در پایمال کردن حقوق زنان و مسئله سرنگونی و آلت‌رنا‌تیوهای موجود و برنامه عمل سازمان ادامه یافت. این سمینار با نمایش اسلایدهایی در افشا جنابات رژیم جمهوری اسلامی در کردستان، بکار خود ادامه داد. طی این مراسم، جلسات بحث، سمینار - های مختلف حول مسائل زنان و خواستهای آنان که از سوی سازمانهای مرفقی ارائه شد، توانست گوشه‌ای از ستم مضاعف بر زن را به نمایش گذارد. رفقا طی برگزاری این هفته، با ارائه نشریات و آثار سازمان به زبان آلمانی، به تبلیغ مواضع انقلابی سازمان پرداختند که مورد استقبال مسده کثیری از بازدیدکنندگان قرار گرفت. به گزارش تلویزیون آلمان، طی هفته زنان ها میورگ که امسال برای چهارمین بار برگزار میشود، ۵۰۰۰ (پنج هزار) نفر از آن بازدید کردند. ضمناً بعلمت گرایشات انحرافی غالب بر جریانات برگزار کننده این مراسم، ورود مردان به سالن ممنوع بود. برتوان باد مبارزه هزاران زن و مرد قهرمان که اکنون در زندانهای اویسن، قزل حصار، گوهردشت و... در زیر شدیدترین شکنجه‌ها، مبارزه‌ای بی‌امان را تا محو هرگونه ستم و استعمار ادامه میدهند.

"کمیته زنان" سازمان دانشجویی در آلمان فدرال و برلن غربی
 هوادار سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران (هامبورگ)



صمیمیتی که در برگزاری مراسم نیز نقش بسزایی داشتند) و ایران (کمیته زنان سچفا) انجام شد.

روز پنجشنبه ۸۴/۳/۲۹ سمیناری از سوی رفقای متشکل در "کمیته زنان" جهت افشا جنابات رژیم فداخلقی جمهوری اسلامی و تشریح وضع زنان در ایران برگزار گردید که طی ۳ ساعت بحث و بررسی و بسا حضور بیش از ۸۰ نفر از زنان مرفقی آلمانی توانست به نحوی شایسته پاسخگوی نیازهای افشاگرانه - تبلیغی این مراسم در مورد ایران باشد. بحث عمدتاً حول

بقیه از صفحه ۲۲

روز زن را بیشتر میگذاریم که با گذشت بیش از ۵ سال از حاکمیت ننگین رژیم جمهوری اسلامی، شدیدترین تضییقات بر زنان میهنمان روا شده و تمامی حقوقشان پایمال و با انواع و اقسام لواط ارتجاعی از صحنه اجتماع رانده شده‌اند.

مروری گذرا و کوتاه بر وضع زنان زحمتکش در ایران، نمایانگر عمق زخمی است که طی سالها تحقیر و ستم دوگانه بر بیکرشان نشسته است.

در این بین و در دامنه مبارزات زنان در سراسر جهان شاهدیم که بورژوازی نیز گاه و بیگاه جهت منصرف کردن خواستها و مبارزات زنان مرفقی، صحبت از باصلاح حقوق زنان میکند، و این همه، نشانگر رشد آگاهی و مبارزات زنان و ناتوانی بورژوازی در پاسخگویی به خواستهای آنان است.

بر بستر چنین شرایطی است که وظیفه ما هواداران سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران، در تجلیل و پیشبرد مبارزات زنان، در پیوند با جنبش طبقه کارگر، هرچه بیشتر و سنگین تر میشود.

رفقای کمیته زنان هوادار "سچفا" جهت پیشبرد این مهم، با شرکت در هفته زنان شهر هامبورگ، بار دیگر حضور نمود را در تمامی عرصه‌های مبارزه اشکات کردند. این مراسم با شرکت سازمانهای زنان مرفقی از کشورهای نیکارگوشه، السالوادور، ترکیه، آلمان (بعلاً جریانات

اشتباه نکنید. این تماویر صحنه‌هایی از یک فیلم وسترن و یا جنگ داخلی آمریکا در قرن ۱۹ نیست. اینها تماویری از حمله پلیس فاشیست آمریکا به تظاهرات آرام مردم در باصطلاح "مهد دمکراسی" در شهر سانفرانسیسکو آمریکا است.



کاتانادا
مونسترال - بقیه از صفحه ۴۶
 کمیته برگزار کننده شب‌نوروز (با شرکت انجمن دانشجویان ایرانی، هوادار "سپنغا" هواداران سازمان وحدت کمونیستی و هواداران سازمان خودمختاری "بتاد") در مونسترال (کاتانادا) جشن فرارسیدن عید نوروز را در روز جمعه ۲۳ مارس در محفل دانشگاه کنکوریدا تحت عنوان "بهار زمستانگان خجسته‌باد" برگزار کرد.
 برنامه شب‌نوروز که درآمد آن به جنبش انقلابی خلق کرد تعلق داشت، از سوی بیش از ۵۰ نفر از هموطنان و ملیت‌های دیگر کشورهای خارجی و کاتانادایی استقبال شد. این برنامه را پس ساعت ۷ بعد از ظهر با اعلام یک دقیقه سکوت بیاد جزو دان تمامی شهدای بخون رفته خلقهای ایران شروع گشت. آنگاه گرداننده برنامه با عرض خوشامدگویی و تبریک حلول سال نو به شرکت‌کنندگان در برنامه شب‌نوروز، نظر آنان را با اجتماع مقاله‌ای به زبان‌های فارسی و انگلیسی از فلسفه عید باستانی ایرانیان و پیام کمیته "شب‌نوروز" جلب نمود.
 آنگاه بخش هنری شب‌نوروز نمایشنامه های کوتاه حاجی فیروز، عیاش‌آقا کارگر، دادگاه (محاکنه) شرمی، زندانی آزاد شده، مباحثه کلاسیک... و ترانه سروده‌های مترقی، رقصهای محلی کردی، لری و تکلمه شو توسط گروه هنری کمیته شب‌نوروز به اجرا درآمد.

را با خود همراه داشت. با شروع تظاهرات در کنار هتل هیلتون سانفرانسیسکو، افراد سراپا مسلح پلیس سوار بر اسب، موتور-سیکلت و پای پیاده شروع به آزار تظاهرکنندگان کردند. تظاهرکنندگان متقابلاً اقدام به بستن خیابان Mason (از خیابانهای شلوغ شهر) زده و با وجود آوردن باریکارد و دراز کشیدن در وسط خیابان، عملاً توریسته پلیس فاشیست را به زیر سؤال بردند.
 شعارهای کوبنده تظاهرات نشاننده باروی از رادیکالیزه شدن جو جریان‌ناتی است که با تمام توان بر علیه میلیتاریزم حزب جمهوری خواه بسیج گشته‌اند. تنوع شعارها نشانه همبستگی گروههای مختلف بر علیه این میلیتاریزم عیان بود. عمده شعارهای تظاهرات ماهیت کیسینجر را افشاء نموده و خواستار خروج نیروهای نظامی آمریکا از منطقه آمریکای مرکزی، قطع مسابقه تسلیحاتی و پایان یافتن سیاستهای میلیتاریستی دولت ریگان بود.
 با حمله و فشار پلیس، تظاهرکنندگان بالاخره در محاصره پلیس افتاده و دستگیری از حوالی ساعت ۲/۵ بعد از ظهر شروع گشت. پلیس فاشیست با باتوم، مشت و لگدم، تظاهرکنندگان را که جرمی نداشتند جز درخواست پایان سیاستهای ارتجاعی و نظامی-گری جناح حاکم، دستگیر کردند. تعدادی از تظاهرکنندگان در حالیکه زخمهای عمیقی برداشته بودند، اول به بیمارستان و بعد به بازداشتگاه برده شدند.

دوشنبه ۱۶ آوریل ۱۹۸۲، سانفرانسیسکو بر طبق گزارش خبرنگار "جهان" در سانفرانسیسکو، در ارتباط با سخنرانی هنری کیسینجر در هتل هیلتون سانفرانسیسکو حدود هزار تن از هواداران گروههای چپ آمریکایی سازمانهای ضد جنگ و سلامتهای هسته‌ای، هواداران متشکل جنبشهای رهاشی - بخش (از جمله هواداران FMLN - FDR - جنبه ساندینیستا و هواداران سپنغا) تظاهرات وسیع در مقابل این هتل برگزار نمودند. این تظاهرات که ساعتها بطول انجامید، منجر به زدن خورد با پلیس فاشیست سانفرانسیسکو و دستگیری نزدیک به ۲۰۰ نفر از نیروهای مترقی گشت.
 سخنرانی کیسینجر، این مهره شناخته شده و یکی از مهمترین تئوریسین‌های معاصر سرمایه‌داری جهانی در ارتباط با اوضاع فعلی آمریکای لاتین انجام پذیرفت. قابل ذکر است که کیسینجر اخیراً در اس-هیکنی از طرف رونالد ریگان جهت بررسی اوضاع آمریکای مرکزی فرستاده شده بود. جمعیتی نهائی این هیئت که در ماه ژانویه گذشته انتشار یافت، کمک نظامی و سیاسی هرچه بیشتر آمریکا به دول ارتجاعی منطقه تا حد دخالت نظامی در جهت سرکوب انقلاب در این منطقه بوده است.
 تظاهرات که از یک ساعت قبل از ورود کیسینجر شروع گشت (ساعت ۱۱/۵ صبح) از همان شروع نشانه‌هایی از برخورد با پلیس

خشم و کینه کارگرانی را به زبان آوردند که وجود منحوس رژیم جمهوری اسلامی، رژیم پاسدار سرمایه و ستم، بی عدالتی، فقر، بدبختی، خفقان، شرور و اعدام‌های دسته - جمعی را به زور سوزیزه و سرکوب، بر آنها تحمیل کرده و بهترین فرزندان آنها را قربانی مطامع خود کرده است.

در روز ۲۵ اسفند ماه، پیشمرگان قهرمان فدائی در یک عملیات مشترک با پیشمرگان دلیر حزب دمکرات کردستان، در ساعت ۳/۳۰ دقیقه بعد از ظهر، جاده "ماره غانی" - سردشت را در چند نقطه بطول ۲ کیلومتر تحت کنترل خود درآوردند و به تحکیم مواضع خود پرداخته، تا راس ساعت ۴ بعد از ظهر حمله به مزدوران تاسیسات جاده را آغاز نمودند و آنان را در محاصره آتش مسلسل‌های خود قرار دادند. مزدوران رژیم که از این حمله قافلگیرانه به هراس افتاده بودند، مواضع پیشمرگان را، پایگاه‌های "گانی کیو" (گانی سب) و "ماره غانی"، "گوله" و "پورگتی" زیر آتش شدید توپخانه و خمپاره‌انداز و انواع سلاحهای سنگین و نیمه سنگین خود قرار دادند و دیوانه‌وار منطقه عملیات را به آتش بستند. طی این عملیات ۴ تن از مزدوران رژیم به هلاکت رسیدند و ۳ نفر از آنها نیز زخمی گردیدند. یکی از آنها چشاش خود فروخته‌ای بنام "محمد سیری" (حمله کس سیری) بود. در خلال این عملیات که بحدت ۲ ساعت ادامه داشت، پیشمرگان با قدرت تمام جنگیدند و عرصه را از همه سو بر مزدوران رژیم تنگ ساخته و خشم و کینه بر دشمنان زحمتگشان را، از لوله تفنگ‌هایشان در سرب‌گداخته گلوله‌هایشان بر سینه مزدوران نشانه رفتند و بعد از چند ساعت درگیری همگی سالم به پایگاه‌های خود بازمی‌گشتند. فردای آنروز، یعنی در ۲۶ اسفند ماه نیز پیشمرگان فدائی مجدداً با همکاری پیشمرگان حزب دمکرات کردستان، جاده "ربط" - سردشت را به راهی پیرانشهر را به کنترل خود درآوردند و در ساعت ۵ بعد از ظهر مزدوران رژیم را مورد حمله شدید قرار دادند و درگیری سختی آغاز گردید و هر لحظه بر ابعاد آن افزودند. مزدوران رژیم سراسیمه و وحشت‌زده با آتش شدید خمپاره و آر.پی.جی و فداوند هواشی، سنگرها و مواضع پیشمرگان را زیر آتش گرفتند. در طول این عملیات، سرنشینان اتوموبیل‌هایی که از پیرانشهر عازم سردشت بودند، به نظاره نبرد قهرمانانه پیشمرگان علیه رژیم جمهوری اسلامی ایستاده بودند و از نزدیک عجز و زبونی

و رعب و وحشت سرکوبگران و عزم و اراده فولادین فرزندان دلیر آنها مشاهده می‌نمودند.

طی این عملیات قهرمانانه، پایگاه "قولتی" توسط یک دسته دیگر از پیشمرگان با آتش موشک‌های آر.پی.جی و نارنجک‌انداز درهم کوبیده شد.

در این عملیات که تا ساعت ۷/۳۰ دقیقه بعد از ظهر ادامه داشت، ۶ تن از مزدوران رژیم به هلاکت رسیدند که دو تن از آنها سرباز و بقیه بسیجی بودند و تعدادی نیز زخمی گردیدند. بدستور فرمانده عملیات، پیشمرگان از جمع‌آوری غنائم خودداری نمودند و همگی سالم به مناطق آزاد شده باز گشتند.

- جاویدان باد خاطره شکوهمند شهدای اسفندماه ۶۰ و کلیه شهدای خلق
- هر چه گسترده‌با اتحاد عمل نیروهای مترقی و انقلابی
- پیروز باد جنبش انقلابی - دمکراتیک خلق کرد
- سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
شاخه کردستان - ۲۷ اسفند ۱۳۶۲

و ارگانیک‌تری بین هواداران و سازمان مادر برقرار گردد. وجود این کمیته سبب شد که بسیاری از توطئه‌های ساخته شده توسط عناصر، گروه‌ها و سازمان‌های ضد فدائوسی بموقع خنثی گردد. روشن است که نقش فعال و هدایت‌کننده این کمیته زمانی ممکن است که موجودیت سیاسی و مبارزاتی سازمان چریک‌های فدائی خلق در عرصه سیاسی جنبش ایران زنده و فعال باشد و وگرنه بسیاری از جریانات سیاسی، بجای کمیته خارج از کشور مجموعه رهبران تشکیلاتی خود را به خارج منتقل کرده‌اند، ولی نتوانسته‌اند هیچ نقش مؤثری بر جنبش خارج داشته باشند. بطوریکه این نوع جریانات حتی تحریک مبارزاتی یک سازمان هوادار را نیز ندارند و در واقع بتدریج به مخالفی بی عمل و روشنفکرانه بدل میشوند.

التمه باید یادآوری نمود که آکسیون‌های مبارزاتی و فعالیت‌های عملی تنها یک بعد حیات سیاسی هواداران سازمان در خارج از کشور را تشکیل میدهد. هواداران سازمان همواره در مبارزه ایدئولوژیک با نظرات و تشویرهای انحرافی و برنامه‌های فرمیستی نیز بطور فعال شرکت کرده‌اند.

بقیه از صفحه ۲
ناخوانی آن در صورت قدرت سیاسی، "شورای ملی مقاومت" با فروپاشی قریب الوقوع روبرو خواهد شد. خروج بنی‌مدراز "شورا" در حقیقت اعلان شکست برنامه و سیاست‌های این ارگان و فروپاشی قطعی آن است.

تردیدی نیست که رهبران سازشکار مجاهدین خلق که طی مدت نزدیک به سه سال گام به گام در سنجاب لیبیرالسم سقوط کرده‌اند لطامت جبران ناپذیری به انقلاب ایران وارد آورده‌اند، سازمناش خواهند کرد تا شاید این موجود محتفراکه حاصل سازش بندوست آنها با بورژوازی است حفظ کنند و حتی از طریق به اصطلاح چپ‌هاشکه ممکن است سر خود نام مارکسیست نیز گذاشته باشند، اما جز لیبیرالی‌های وامانده و بی مقدار چیز دیگری نیستند برای خود وجهه‌ای کسب کنند و شکست سیاست‌های سازشکارانه خود را برده بوشی کنند. اما انقلاب ماهیت تمام اعیال و رفتار آنها را فاش و برملا نموده است. تاریخ دست‌برد بر سینه آنها زده است و دیگر نموده مردم هرگز به آنها اجازه نخواهد داد که بنام انقلاب و خلق علیه انقلاب و خلق گام بردارند.

رشد فزاینده‌ای دروشی "شورای ملی مقاومت" کناره‌گیری بنی‌مدراز "شورا" و طبعیه‌های فروپاشی قطعی آن یکا ردیگر این طیفیت مسلم راه اشبات رساند که در شرایط کنونی هرگونه راه‌حلی‌های سینا بسنی، سازشکارانه و فرمیستی با شکست قطعی روبرو است. با فدا انقلاب متمرکز با قطعیت انقلاب. با قاطعیت انقلابی پرولتری با قاطعیت فدا انقلابی بورژوازی. این است راهی که در برابر انقلاب ایران قرار دارد. شکست "شورای ملی مقاومت" بنحیث به یک آلترنا تیفو قطعی است. تنها یک آلترنا تیفو آنچه آلترنا تیفو پرولتری قادر است نجات بخش انقلاب و پیروزی قطعی آن باشد. هر نیرویی نیز که بخواهد نام انقلابی و دمکرات بر خود بگذارد باید به رهبری طیف کارگرد انقلاب تمکین کند و برنامه حداقل پرولتاریا را در انقلاب دمکراتیک بپذیرد.

اگر اندک راه نجاتی نیز برای سازمان مجاهدین خلق وجود داشته باشد، گسست قطعی از بورژوازی، دست برداشتن از خموت و دشمنی با طبقه کارگر ایران و مظهر آگاه این طبقه یعنی سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران و پذیرش برنامه حداقل پرولتاریا در انقلاب دمکراتیک ایران. عزاین هیچ راه نجاتی برای آنها وجود نخواهد داشت.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق
تا بودا دامیرالیم جهاتی سرکردگی امیرالیم آمریکا و پایگاه داخلی
سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

جنبش سوسیال دمکراسی

توضیح

و کمونیستی ایران

مقاله حاضر در سه بخش در "جهان" درج میگردد. بخش اول به بررسی شرایط مبنی رشد و تکوین جنبش کارگری ایران میپردازد بخش دوم چگونگی تشکیل و عملکرد گروه اجتماعیهون - عامیهون (سوسیال دمکراسی)، پیدایش حزب کمونیست ایران و ... تا سال ۱۳۱۰ میپردازد. در بخش دوم جنبش کارگری ایران در سالهای ۱۳۱۰ تا ۱۳۲۰ مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت.

(بخش اول)

پرچم سرخ را همواره و همواره خواهی دید
با عشق یا نفرت - بر حسب جایگاهت در این پیکار
زیرا که با یاضی نیست
بجز پیروزی قاطع ما در همه شهرها و همه کشورها
هرجا که کارگری هست
"برتولت برشت"

امروزه در شرایطی بسر میبریم که جریانات کمونیستی و کارگری در ایران بعنوان یک رکن اساسی از نیروهای سیاسی در سطح جامعه موجودند. در ایران، جنبش کمونیستی مسیری پربینج و خم، گاهی با پیروزی و گاهی با شکست طی کرده است. از نظر تاریخی جنبش کمونیستی در بعضی دورانها به نسبت بعضی دیگر از دورانها کمتر مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. بعنوان مثال اگر در مورد حزب توده و چگونگی عملکردهایش مقالات و رسالات زیادی نوشته شده است در عوض در مورد عملکرد حزب کمونیست در سالهای ماقبل ۱۹۲۰ میلادی تحقیقات خیلی کمتری شده است. بدین لحاظ هدف این مقاله، گذری تاریخی و تحلیلی با توجه به منابع موجود در دسترس به جنبش کمونیستی و سوسیال دمکراسی ایران از آغاز پیدایش تا تشکیل حزب توده ایران در سال ۱۳۲۰ شمی می باشد.

■ ■ ■

در اوائل قرون وسطی ایران بعنوان یکی از کشورهای پیشرفته دنیا دارای ذخایر غنی از نظر علمی و دارای دانشمندان و متفکران فراوان بود. بعد از حملات مغولان و تیموریان و تخریب دستاوردهای تولیدی و تکنیکی همراه با کشتار مردم و وارد کردن صدمه به پروسه تکامل نیروهای مولده جامعه برای مدتی نسبتاً طولانی، حرکت پویای موجود از دست رفته و پیشرفت علوم و فنون در آن نسبت به سایر کشورهای جهان بخصوص تعدادی از کشورهای اروپایی به تاخیر افتاد. بعدها نیز که ایران توانست خود را از یوغ مغولان و تیموریان خلاص کند، دچار استعمارزدگی دنیای جدید یعنی اروپا گردید. نتایج منفی آن دوران از قبیل کمبود آگاهی، کمی پیشرفت، نالایقی حکمرانان و امیران و غیره دست به دست هم داده و باعث شدند که کشور ایران بعنوان کشوری تحت سلطه و در دوران ماقبل سرمایه داری باقی بماند و این در شرایطی بود که در اروپا مراحل انقلابات بورژوازی با گامهای نیرومند به پیش میرفتند. در دوران صفویان پای خارجیان برای غارت و تغذیه ماشین تازه بکسار افتاده کشورهای سرمایه داری باز شد و در پروسه ای نسبتاً کوتاه تا اواخر دوران فتحعلیشاه قاجار، ایران به کل به زیر سیطره روسیه تزاری و انگلیس درآمد. بدنبال رشد تکنولوژی و گسترش طبقه بورژوازی در غسرب،



پیدایش جنبشهای توده ای عمدتاً و در کنار آن رشد نسبی خواسته های سیاسی - اجتماعی بورژوازی ملی ایران، و پیدایش جریانات روشنفکری و مترقی، بعد از روی کار آمدن ناصرالدین شاه قاجار آغاز شدند که در تداوم خود به انقلاب نیمه کاره مشروطیت انجامید. جنبشهای اجتماعی از قبیل جنبش بابیان و تنباکوسو و پیدایش افراد مترقی مانند شیخ احمد روحی و میرزا آقا خان کرمانی و دیگران خود دلیلی است بر آنگاه شدن ایرانیان به فوق اجتماعی و سیاسی خود هرچند به شکل محدود. بفرمود باقر مومنی: "بالاخره در اثر تکنیک جدید، رقابت سرمایه داران اروپایی و نفوذ طرز تفکر مخصوص بورژوازی، تعابلات و افکار نوینی که سابقاً موجود نبود و نمیتوانست باشد از قبیل آزادی - خواهی (یعنی آزادی برای تجارت)، مساوات طلبی (یعنی تساوی با اشراف و اعیان در امتیازات قانونی و استفساده از آن امتیازات)، تمرکز جوشی (یعنی تبعیت از یک حکومت مرکزی و ایجاد امنیت برای تسهیل امور بازرگانی)، وطن پرستی (یعنی مقابله بازرگانی داخلی با سرمایه داری خارجی) و بالاخره طرفداری از انقلاب (یعنی گرفتن حکومت از دست فئودالها به نفع سرمایه داری داخلی) بوجود می آید و توسعه و نفوذ می یابد. باید دانست که این کودک نوزاد در زیر عیای دراز آخوندان و دامن قهای طبقه متوسط محافظه کار پرورده میشود و در مراحل اولیه گاهی که سر از پرده برون میکند، چهره اش رنگ مذهبی

دارد، ولی هر چه از کتاب‌شده‌ها بیشتر درس می‌خواند قیاسه جدیدی بخود می‌گیرد تا آنجا که از چراغ کئی شیخ احمد احمادی به شنگ‌داری شتار خان میرسد.^۱

در نیمه دوم قرن نوزدهم در داخل ایران بعثت خلفان و استبداد شدید دولت قاجاریه جلو هر پیشرفت علمی و فرهنگی در جامعه سد شده بود، اما افکار شرقی و آگاه‌گرانه از اروپا و روسیه بی‌توسط نویسندگان و محققین ایرانی که اکثراً در خارج از ایران ساکن بودند به درون کشور رسوخ داده میشد. روزنامه‌های ایرانی زبانی که در خارج چاپ میشدند سراسر انباشته از مطالب جدیدیه بوده و نقشی بزرگ در بیداری توده‌ها داشتند. اولین روزنامه‌ها، بلکه در این زمینه موشر واقع گردید، روزنامه "اختر" (چاپ استانبول) بود که به مدیریت محمد طاهر قزوینی در سال ۱۲۹۲ هجری قمری (۱۸۷۵ میلادی) در استانبول منتشر شد. در این روزنامه، نویسندگانی چون شیخ احمد روحی و میرزا احمد روحی و میرزا آقا خان کرمانی مطلب می‌نوشتند و علیرغم متنوع بودنش در ایران بدست علاقمندان میرسید. این روزنامه ماهیستی ضد استعماری داشت. طبق گفته کسروی این روزنامه در مورد معاهده تنباکو مردم را روشن کرد. دیگری روزنامه "قانسیمون" بود که در سال ۱۳۰۷ هجری قمری (۱۸۹۰) توسط میرزا ملکم خاں ناظم الدوله در لندن منتشر شد. روزنامه قانون چکیده افکار لیبرالی ملکم خاں بود و در آن حملات شدیدی به دربار و سیستم فئودالی ایران میشد. "حیل المنین" روزنامه دیگری بود که از سال ۱۳۱۱ هجری قمری (۱۸۹۳) توسط سید جلال الدین کاشانی (موبدالاسلام) در شهر کلکته منتشر میشد. اولین نطقه‌های جریانات سوسیالیستی در این دوران پدیدار شدند. "قدیمی ترجمین سند مغلطی که از تاریخ سوسیالیسم معاصر در ایران تا کنون ضمن پژوهش‌های خود بدان دست‌یافته‌ایم مقاله‌ای است که روزنامه "ایران" در شماره ۴۱۲ مورخه ۸ مارس ۱۸۸۰ به نقل از روزنامه "اختر" چاپ استانبول درج کرده است. ۳ در بخش‌هایی از این مقاله در مورد نظرات سوسیالیستی و کمونیستی چنین نوشته شده بود: "گروه نهیلیست و سوسیالیست که در صحافت اخبار نوشتن می‌شود، طایفه هستند که روز بروز ترقی در رواج دادن مقاصد خودشان می‌نمایند و چنانکه دیده میشود آنان از اهل (اباحه) هستند و آنان بقدر بیست سال میشود که در جمیع اروپا منتشر شده‌اند. ۴ ... این گروه از اجزای مقاصد دست‌شکسیده، آهسته آهسته در اطراف ممالک اروپا منتشر شده، تخم خیالات خودشانرا کاشند و آنان در روستان بیشتر از همه جا کار میکنند. ۵ نظرات مارکسیستی اساساً از طریق ایرانیانی که به خارج از مرزها رفته بودند به داخل رسوخ داده میشدند، بطور اخص از طریق روسیه نویسه مهاجران ایرانی.

بعثت مشکلات مالی بیش از حد و استبداد و زور و ظلم فراوان حکام قاجاریه، مردم، بخصوص کسبه خرده فروش و دهقانان مجبور به ترک خانه و گائانه خود در جستجوی یافتن کاری آواره کشورهای هم‌جوار میگرددند. بنا بر آمار استخراجی مورخان شوروی از آرشیه‌های روسیه تزاری، از سال ۱۸۴۵ به بعد هزاران مهاجر ایرانی پای پیاده از نقاط شمالی، گاه حتی از نقاط جنوبی ایران به سوی مناطق شمال مرزهای کشور کوچ میکردند. موافق بخشنامه‌هایی که از حکام دولتی این مناطق بجا مانده، دولت روسیه چنین مهاجرت‌هایی را حتی تشویق نیز میکرده است. بطور مثال مسخوان یادآور شد که تنها از شهر تبریز در سال ۱۸۹۱ نزدیک به ۲۷ هزار وینزا برای مهاجران ایرانی صادر شده است. همین رقم در سال ۱۹۰۳ به ۳۳ هزار رسید و یک‌میل بعد در

تمام ایران بیش از ۷۱ هزار وینزا برای مهاجرت برای ایرانیان صادر شد. علاوه بر این باید یادآور شد که بسیاری بدون اجازه رسمی دولت تزاری از روی استحمال، بطور غیرقانونی از مرزها می‌گذشتند و ناگزیر در شرایط بدتری استخدام میشدند. گفتنی است که تعداد روستائیان بیشتر بود، لذا کارگران غیر ماهر اکثریت نه دهم مهاجران را تشکیل میدادند. ۶



در روسیه بخاطر بنا لا گرفتن جنبش کارگری و مقاومت کارگران روسی، کارفرمایان دست به تاکتیک استفاده از مهاجرین فقیر در عوض کارگران خودی میزدند. آنها با سوء استفاده از فقر بیش از حد این مهاجرین نه تنها در مقابل کارگران مبارز بومی ایستاده، بلکه پولی کمتر هم بابت فرد می‌پرداختند. ۷ وضع رقت‌بار و زندگی بخور و شعیر ایرانیان مهاجر که پس از طی مدها کیلومتر به پای پیاده می‌نایست از دسترنج ناچیز خود بهای تکه نانی را هم پس‌انداز کنند و برای خانواده چشم براه خود بفرستند، طوری بود که به هر کاری تحت هر اوضاع و احوالی تن درمیدادند و بدین جهت مورد سوء استفاده کارفرمایان قرار میگرفتند. از جمله، بهنگام استخدام کارگران ایرانی از آنان می‌خواستند به قرآن قسم یاد کنند که به عضویت هیچ اتحادیه کارگری درنیایند. پس، از کارگران ایرانی توقع میرفت که نه تنها در اعتمادات کارگری این مناطق شرکت نکنند، بلکه عندالزوم بعنوان اعتماد بشکن نیز علیه برادران غیر ایرانی خود وارد عمل شوند. بنا بر مقاله‌ای که یکی از فعالین حزب سوسیال دمکرات کارگری روسیه در اوائل سده کنونی تحت عنوان "حوادث ایران و بازار کار در باکو" نوشت: "ارتش بیکارانی که وضعیت اقتصادی کارگران باکو را تهدید میکند عمدتاً از کارگران مهاجر ایرانی تشکیل شده است. وی می‌افزاید که اینان نه تنها به سازماندهی کم‌رو می‌آوردند، بلکه از نظر آگاهی نیز

چگونه

روز جهانی کارگر

بوجود آمد؟



اول مه ۱۸۸۶، پرتاب بمب به میان الراد پلیس از سوی عوامل خود ار در شیکاگو.

انگلستان

از آنجا که کمیته برگزارکننده جشن اول ماه مه در انگلستان تصمیم گرفت که مراسم مربوطه در روز پنجشنبه اول ماه مه در روز یکشنبه (چهارم ماه) برگزار گردد، به عده‌ای از کارگران این احساس دست داد که به قطعنامه بین‌المللی خیانت شده است. شورای فدراسیون سازمان‌های کارگری، طی فراخوانی کارگران را دعوت به تظاهرات در همان روز اول ماه مه نمود که دوهزار نفر در این تظاهرات شرکت جستند. اما در روز یکشنبه تظاهرات جشن اول ماه مه در هایدپارک برگزار شد. شرکت‌کنندگان میلیون نفر در این اجتماع باشکوه، آنرا به بزرگترین و مهمترین نمایش کارگری آن سال دنیا تبدیل نمود.

بلژیک

جشن‌اعتمادی اول ماه مه با اعتماد متعهدانه کارگران معدنی (صدهزار تن از ۱۱۰ هزار) آغاز گردید و به سرتاسر بلژیک گسترش یافت. اگرچه تعطیلی در همه رشته‌ها عملی نشد و برخی از رشته‌ها نیز تنها بعد از ظهر آن روز را دست‌از‌کار کشیدند. پلیس بلژیک کوچکترین اقدامی علیه تظاهرکنندگان بعمل نیاورد.

فرانسه

قرار بود مف‌شمایش دهندگان در پاریس تا محل پارلمان رژه بروند و در آنجا در شنبه این بخش‌ها از کتاب‌جمعه، شماره ۲۳، اردیبهشت ۱۳۵۹، استفاده شده است.

سراسر جهان مبادرت به برگزاری تظاهرات عمومی کرده و خواستار تقلیل ساعات کار به ۸ ساعت و بهبود شرایط و محیط کار کردند.

برگزاری نخستین

جشن اول ماه مه در جهان (۱۸۹۰) آلمان

در سال ۱۸۹۰ همزمان با برگزاری اولین نمایش روز جهانی کارگران، کار فرمایان و دولت سرمایه‌داری بر غلبه برگزاری این روز دست‌بکار شدند. کارفرمایان اعلام کردند که کارگرانی را که روز اول ماه مه از کار غیبت‌کنند، دیگر به کارخانه نخواهند پذیرفت. دولت نیز به پادگان برلین آماده‌باش داد و از مدیران کارخانه‌ها خواسته شد کوچکترین حرکتی را فوراً به کلانتری محل و شهربانی اطلاع دهند. اما کارگران با حفظ روحیه خود اعتمادبات اول ماه مه را آغاز کردند و در هامبورگ، روستوک، برلین، فرانکفورت، کلن، لایپزیک و مونیخ اعتمادبات تا چند روز ادامه یافت. بطوریکه بندر هامبورگ به مدت پانزده روز کاملاً فلج شده بود.

اطریش

جشن‌اعتمادی اول ماه مه با موفقیت و عمومیت چشمگیری برگزار گردید. در وین تعداد شرکت‌کنندگان تا ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده شد. در شهر بوداپست که در آن زمان جزئی از امپراطوری اتریش بود، با وجود ممنوع اعلام شدن تظاهرات، ۳۰ هزار نفر از کارگران در شهر اجتماع نمودند.

در اول ماه مه سال ۱۸۸۶، ۴۰۰ هزار نفر از کارگران ایالات متحده آمریکا در شیکاگو و بسیاری از شهرهای دیگر به تظاهرات وسیعی دست زدند. شعار اصلی این تظاهرات را "هشت ساعت کار در روز"، "بهبود شرایط کار" و "افزایش دستمزد" تشکیل می‌داد. در آن زمان ساعات کار کارگران ۱۲-۱۴ ساعت در روز بود. اگرچه تهاجم وحشیانه پلیس به صفوف تظاهرکنندگان، در بسیاری نقاط این اجتماعات را بفاک و خون کشید، اما مقاومت آنان در این روز و قهرمانی‌های کارگرانی چون "پارسنز"، الهام بخش مبارزات بعدی کارگران جهان در راه مبارزه علیه استثمار، سرمایه‌داری، و رسیدن به رفاه و سوسیالیسم گردید.

در سال ۱۸۸۸ کنگره حزب سوسیالیست کارگری آمریکا، طی قطعنامه‌ای روز اول ماه مه را به مثابه روزی که باید همه ساله کارگران در آن دست‌به‌تظاهرات بزنند، تصویب نمود و قرار شد که فدراسیون سندیکا‌های کارگری آمریکا (American Federation of Labor) برای اولین بار در سال ۱۸۹۰ روز اول ماه مه را به تظاهرات سراسری کارگران اختصاص دهد.

در ژوئیه سال ۱۸۸۹ در کنگره بین‌الملل کارگری در پاریس، طرحی از سوی گروهی از نمایندگان کارگری فرانسه به کنگره ارائه شد. بر طبق این طرح، روز اول ماه مه بعنوان روز جهانی همبستگی کارگران تعیین گردید و قرار شد هر سال کارگران

آنجا عریضه‌ای حاوی درخواست تقلیل مدت کار به هشت ساعت در روز تقدیم مجلس شود. اما تظاهرات در سراسر فرانسه، خاصه در پاریس ممنوع اعلام شد و علاوه بر ۴۴ هزار سرباز مستقر در پاریس، از شهرستانها نیز کمک خواسته شد. هیئت نمایندگی کارگران که مرکب از برخی اعضای پارلمان و رهبران جنبش سندیکائی و احزاب چپ بود، در نزدیکی میدان کونکورددستگیر شدند. پرچم‌های سرخ با شعار "اول ماه مه، هشت ساعت کار" پاشین کشیده شد و نیروهای نظامی از پیشروی جمعیت جلوگیری کرده، نمایش آرام کارگران را به زود خوردی خشن میل نمودند.

ایتالیا در شهر رم حکومت نظامی اعلام شد. نیروهای نظامی تمام خیابانها و بناهای مهم را به اشغال خود درآوردند. مغازه‌ها نیز تعطیل شد اما عملاً کارگران به هدف خود رسیدند و شهر بکلی به تعطیلی کشیده شده بود. در سایر شهرهای ایتالیا درگیری‌های بین مردم و نیروهای نظامی بوقوع پیوست و در بعضی نقاط نظیر فلورانس، تظاهرات بدون درگیری، انجام گرفت و در نقاطی دیگر نظیر شهر صنعتی تورینو در عین فشار و دستگیری‌ها، مقاومت کارگران به سنگربندی‌های خیابانی کشیده شد. تظاهرات و اعتصابات تا چند روز در شهرهای مختلف ادامه یافت.

اسپانیا تظاهرات و اعتصابات این کشور به چهل شهر کشیده شد. در اثر حمله پلیس به تظاهرات کارگری در شهر بارسلون، چندین نفر قتل رسیدند و دهها نفر زخمی گشتند. در مادرید تظاهرات با شرکت ۲۰ هزار نفر و به آرامی سرگزار گردید. قطعنامه بین المللی طی مراسمی به نخست وزیر وقت ارائه گردید.

پرتغال جزه چند تظاهرات پراکنده در شهرهای لیسبون و پرتو، گزارش دیگری در مورد اولین تظاهرات روز جهانی کارگران در پرتغال، ثبت شده است.

سوئیس نمایشات کارگری این کشور در شهرهای ژنو، برن، لوزان، زوریخ و لوسرن بدون درگیری با پلیس و با آرامش برگزار گردید.

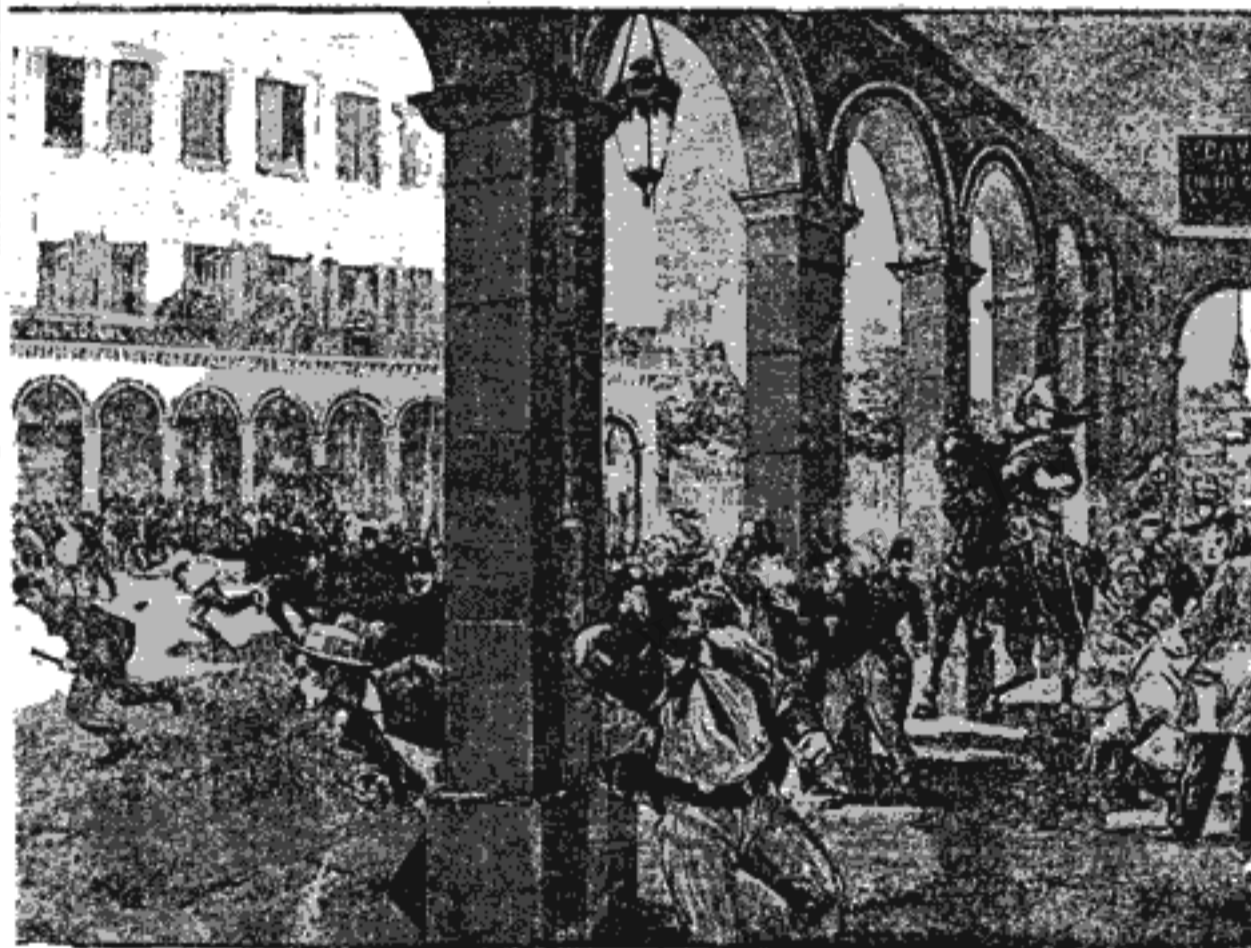
کشورهای اسکاندیناوی در این کشورها هم اعتصاب و هم تظاهرات انجام گرفت. در شهر استکهلم بیش از صد هزار نفر در اجتماع اول ماه مه گرد آمدند.

لهستان سلطه اختناق سیاسی شدید در این کشور، برگزاری تظاهرات اول ماه مه را

بسیار دشوار میکرد. از همین رو بود که نماینده روسیه (کتورگی پلخانف) در کنگره بین المللی، به تصویب قطعنامه رای مخالف داده بود زیرا تحقق برگزاری چنین مراسمی را در روسیه ناممکن میدانست. عملاً در آن سال (۱۸۹۰) تظاهراتی هم در روسیه رخ نداد، بلکه نخستین تظاهرات اول ماه مه این کشور در سال ۱۸۹۱ برگزار شد. بهرحال با وجود تمامی فشارها، در تهر ورشو کارگران صنعتی کار را تعطیل کردند و نخستین اعلامیه‌های سیاسی بمناسبت این روز در چاپخانه‌های مخفی به چاپ رسید و از همین روز نوعی مطبوعات آزاد، یعنی خارج از کنترل حکومت سرکوبگر لهستان، تولد یافت.

جهان به نمایش گذاشتند. **آمریکای لاتین** در مکزیک تعطیل در کار واقع نشد اما دوره کارگری تظاهراتی را سازمان داد که طی آن کارگران مکزیکسی و کارگران مهاجر اروپا در کنار هم شرکت جستند. در کوبا با وجود اینکه هر نسوع گردهم آشی در روز اول ماه مه ممنوع شده بود و با وجود اینکه اتحادیه کارگران سیگار سازی منحل شده بود، این کارگران همراه با کارگران نجاری دست به اعتصاب زدند.

آفریقا با توجه به سلطه استعمارگران بر این قاره و بسیاری از کشورهای آسیای



کاستیلون پاریس، از دید ژوزف بیلون

جشن نخستین ماه مه در فرانسه

و عقب ماندگی و عدم رشد طبقه کارگر در این قسمتهای جهان، اولین ماه مه به اعتصابهای کارگری چشمگیری روپرو شد. تنها عده‌ای از اروپا ثیان مقیم شهر الجزیره در این روز دست به تظاهرات زدند که توسط پلیس پراکنده شد. در کشور تونس نیز عده‌ای از آنارشست‌های ایتالیائی جلسه‌ای برپا کردند و کارگران چاپخانه‌ها نیز تنها به ارائه عریضه‌ای به والی تونس اکتفا نمودند.

ایران جشن اول ماه مه در ایران برای نخستین بار نه در ۱۸۹۰، بلکه در سال ۱۹۲۰ (۱۳۹۹) برگزار شد. در آن سال به ابتکار "شورای مرکزی اتحادیه کارگران" که از

رومانی کارگران و مبارزان کشورهای بالکان هم همبستگی خود را با کارگران سایر کشورها نشان دادند. روز چهارم ماه مه (یکشنبه) چهار هزار نفر در تظاهرات بعد از ظهر در شهر بخارست شرکت جستند. تظاهرات کنندگان با حمل پرچم سرخی که روی آن نوشته بود "هشت ساعت کار در روز و نه بیشتر" رژه رفتند.

آمریکا کارگران ایالات متحده آمریکا طی اجتماع با شرکت ۲۰ هزار نفر در شهر نیویورک و ۲۵ هزار نفر در شهر شیکاگو، و تظاهراتی با شرکت ۲۰ هزار نفر در شهر لوشی ویل، همبستگی خود را با بنیان گذاران این روز بزرگ و زحمتکشان سراسر

پانزده اتحادیه تشکیل شده بود، نظاصهرات وسیعی در تهران و شهرستانها صورت گرفت که شماری بود از جنبش کارگری و سندیکائی نوپای ایران .

در دوران خفقان و استبداد رضاخانی، کارگران ایران، روز جهانی کارگرا اغلب پنهانی برگزار میکردند، اما از سال ۱۳۲۵ (۱۹۴۱) که مبارزات ملی و کارگری ایران ابعاد گستردهتری یافت، و حکومت رضاخان نیز سقوط کرد، مراسم اول ماه مه بطور آشکاری برگزار میشد. در سال ۱۳۲۵، بیش از ۲۵۰ هزار نفر از کارگران و زحمتکشان در مراسم اول ماه مه شرکت جستند. در همان سال دهها هزار نفر از کارگران نفت جنوب دست به اعتصاب زدند و طی آن به پاره‌ای از خواستههای خود از جمله به رسمیت شناختن اول ماه مه بعنوان روز کارگر و تعطیل اعلام نمودن این روز، موقتاً دست یافتند. بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سلطه مجدد استبداد سلطنتی، و شکست جنبش کارگری خاصه در اثر رژیمیم و فرصت طلبی و فرار و خیانت رهبری حزب توده، باز هم روز کارگر بصورت پنهانی و در تجمعات پراکنده و نقاط دور افتاده توسط کارگران پیشرو و کمونیستها برگزار میگردد. بعد از سرنگونی رژیم منگور پهلوی

و استبداد سلطنتی، مراسم روز جهانی کارگران در ایران در یازدهم اردیبهشت ۱۳۵۸ دوباره بصورت علنی و باشکوهی برگزار گردید. در این مراسم که به ابتکار شورای هماهنگی برگزاری مراسم اول ماه مه" و عمدتاً بوسیله سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار گردید، صدها هزار تن از کارگران و زحمتکشان و کمونیستها و مبارزین شرکت جستند.

اما با تسلط فداانقلاب بقدرت غریبه، و حاکم شدن مجدد دشمنان کارگران و

**کارگران سراسر جهان متحد شوید
زنجیرهای بندگی را بکشاید
شما با ارتش های بزرگ خود میتوانید
بر هر خود کامگی فائق آید" برتولت برشت**

زحمتکشان، نه تنها هر نوع مبارزات اصیل کارگری خورد هجوم چماق بدستان جمهوری اسلامی تراز گرفت، بلکه تمامی نهادها و خواستههای برحق و دموکراتیک توده ها مورد شدیدترین و همه جانبه ترین سرکوبها واقع گردید.

برپائی روز جهانی کارگران در یازدهم اردیبهشت ۵۸ و شلیقات و برنامه های ترویجی وسیعی که در این رابطه از طرف کمونیستها، بویژه فدائیان دامن زده شد،

رژیم حاکم را وادار به برسمیت شناختن این روز نمود. با وجود اینکه ارتجاع حاکم شتوانسته است طی ۵ سال حکومت جنا پتیار خود، به رسمت شناختن روز کارگران را پس بگیرد، اما تلاش نموده است که با گرفتن ابتکار عمل بدست خود، این روز را از محتوای اصلی و انقلابی خود خالی کرده و آنرا به تشریفات توخالی و عوامفریبانه بدل نماید. امروز رژیم حاکم با خوانسین مافوق ارتجاعی و قرون وسطائی پهنهادی وزیر کارش، کارگر را به "آچاره" میدهد و حتی ابتدائی ترین حقوق بورژوازی کارگران را نیز بزیر پا گذاشته است. کارنامه سنگین این رژیم ضدبشری با قتل عام ها، سرکوب های وحشیانه اعتراضات کارگران، به سلاخی کفانده شدن بهترین پیشروان پرولتاریای جوان ایران، سنگین تر شده است بی شک تاریخ بازمم ورق خواهد خورد و بی شک کارگران و زحمتکشان ایران پا آگاهی، اتحاد، شکل و برپائی میلیونی خود اینبار خود سرنوشت جنبش و انقلاب را بدست خواهند گرفت و با رهبری آنان جامعه نوین عاری از بتم و استعمار، جامعه نوین سوسیالیستی برپا خواهد گشت و طی جشن های اول ماه مه دست آوردهای سالها مبارزه خونین و دلاورانه کارگران در سراسر جهان را گرامی خواهیم داشت ■

در سطح نازلی قرار دارند و درست همین مشکل بود که سوسیال دمکراتهای قفقازی را برآن داشت تا در میان کارگران ایسرانی بکار سیاسی بپردازند. از همین جا بود که نخستین نطفه های اتحادیه کارگری ایران و سپس سوسیال دمکراسی (اجتماعیون - عامیون) ایران بسته شد. ۲

یکی دیگر از عواملی که باعث پیداشدن نظریات سوسیالیستی در ایران گردید، همکاری عده ای روشنفکران ایرانی در پروسه انقلاب روسیه بوده است. در دورانی که اختناق تزاری حاکم بود انقلابیون روسی که اکثر نشریاتشان را در خارج از روسیه بطبع می رساندند از طریق کشورهای هم جوار به داخل شوروی می فرستادند یکی از این راههای ارتباطی ایران بود. بطوریکه از مکاتبات نمایندگان و خبرنگاران "ایسکرا" دیده میشود تبریز یکی از نقاطی بود که از همان آغاز انتشار این روزنامه بدین منظور مورد استفاده واقع میشد. این کار انقلابی بسیار مهم و پنهانی را نشین مشخصا رهبری میکرد. مطبوعات انقلابی از مونیخ از راه برلن - وین - تبریز - باکو به روسیه ارسال میشد. چگون آخرین مرحله این راه بوسیله چهارپاداران طی میگردد. در مکاتبات محرمانه آنها بنام "اسب" میخواندند. حمل و نقل "ایسکرای" لنینی از طریق ایران بوسیله گروهی از سوسیال دمکراتهای روسیه مقیم باکو و حاجی ترخان صورت میگرفت. ت. گالپیرین، تیوکیدزه، کتسخو ولی، گوزرنکو، کراسین و دیگران جزو این گروه بودند. در نامه ای که مارتوف از شهر مونیخ پس

از دهم ماه مه ۱۹۰۱ به وچلوو مقیم برلن نوشته متذکر میشود: "بهروز توفیق نیافتیم بسته را برای شما ارسال داریم. خودمان آنها از راه رومانی خواهیم فرستاد و برای ایران همین روزها با اولین وسیله چهار کیلو ارسال خواهیم داشت. بدین ترتیب شما باید: ۱) ایسکرا، ۲) زاریا، ۳) یاداشتهای ویتسه ۲۰ بسته دیگری که مطبوعات لازم آنها برایتان خواهند آورد به ایران بفرستید. ۸" ■

ملاحظات و مآخذ

- ۱- منظور فرستادن نشریات انقلابی به داخل روسیه از طریق تبریز است.
- ۱- "ایران در آستانه انقلاب مشروطیت و ادبیات مشروطه" نوشته باقر مومنی، ص ۶۹ - ۶۸
- ۲- "مبارزه دو ملی در جنبش مردم: جنبش شماکو - جنگل" دمکراتسیم و لیبرالیسم" از انتشارات کنتفدراسیون محطیون دانشجویان ایرانی (برای احیای سازمان واحد جنبش دانشجویی) ص ۲۳
- ۳- ۵۴-۵۵ اسناد تاریخی جنبش کارگری سوسیال دمکراسی و کمونیستی ایران "۱" ص ۵
- ۴- اسناد تاریخی جنبش کارگری ... (۱۱) ص ۱۱۱
- ۷- همان منبع، ص ۱۱۲ - ۱۱۳
- ۸- اسناد تاریخی ... (۱) ص ۱۲ - ۱۳

انجمن و همبستگی کارگران خاص پیروزی آنهاست

دوستان کارگر!

روز جمعه ۱۳ شهریور اسلامی برای تاسیس سفارش سنگی جنگ و هزینه سرسام آور ارگانهای سرکوب خنجر مد اوم جمهوری کارگران و زمینکنان بوز سرمد هر روز به بهانههای مختلفی از دستبرد تا حیر کارگران را بتاراج سرمد یکروز سود ویژه را که دستبرد کارگران میباشد به بهانه طاقوتی بودن قطع میکند روز دیگر بهانه کتک به حسیه های جنگ بخشی از حقوق کارگران را کسر میکند و امروز بی شرمی را بدانی رسانده که میخواهد در شرکت ما (در حالتی که بهانه طاقوتی بودن مدول حقوق مطلق زیادی از دستبرد کارگران را کم کند همه این کارها در شرایط انحصار است و که گمانی بداد سرمد و دستبرد هاشمی برای رفع نیازهای اولیه یک خانواده چهار نفره نوزادان نمیکند

دوستان کارگر!

چرا رژیم که ادعای دفاع از مستضعفین را دارد بهای امانه کردن دستبرد ما را صبر کند به کم کردن آن بهانه طاقوتی بودن میکند؟ راستی سود حاصله از افزایش تولید (هفتاد میلیون ریخ در روز) و افزایش محصولات کارخانه به حساب چکشی میورد؟ پاسخ سوالهای بالا آنست که رژیم ملایم جمهوری اسلامی حامی سرمایه داران و تبار بزرگ بازار و دشمن سرسخت کارگران و زمینکنان است.

کارگران مبارز!

تنها راه نجات متحد شدن برای سرنگون کردن این رژیم ضد مردمی است. با همبستگی در کشته های سیاسی اعتصاب تشکیک شوم و رژیم جمهوری اسلامی را (همسوز رژیم شاه) با برپائی اعتصاب شوم سیاسی و قیام مسلحانه سرنگون سازیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

بوقزار باد جمهوری دیمکراتیک خلق

کارگران هوادار سازمان جردنکهای فدائی خلق ایران



انتخابات فرمایشی و عکس العمل توده ها

بار دیگر رژیم جمهوری اسلامی انتخابات فرمایشی دیگری را تدارک میکند. همانطور که در انتخابات گذشته مجلس مشخص گردید و توده ها شاهد بودند تنها نمایندگان چهار سرمایه داران و زمین داران و . . . برای حفظ منافع طبقاتی خود و رژیم حاکم مجلس راه یافتند و تمامی قوانین نیز تنها در این جهت طرح و تصویب گردید. از اینرو برای کارگران و دیگر زمینکنان به تجربه ثابت شده است که تا زمانی که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی بر سر کار است هیچگاه توده ها نمیتوانند به مجلس راه یابند و در جهت تامین منافع خود اقدامی نمایند.

از هم اکنون نتیجه انتخابات کذالی مجلس از پیش معلوم است و رقابتها نیز حول جناحهای درون حاکمیت دور میزند. هر چند که توده ها در ابتدای بدترت رسیدن رژیم بدلیل توهم ناشی از نا آگاهی در انتخابات شرکت میکردند اما بویژه در سه سال اخیر که ماهیت رژیم برایشان روشن گردید تنها متحد تاثیر جو سرکوب و ارباب حاکم و جهت مهر زدن به شامناقصای خود بهراکز جمع آوری رای مراجعه کرده و با انداختن برقه سفید در صندوق لغت خود را نسبت به رژیم نشان میدادند اما اکنون حتی طریقه تشدید جو ارباب ترس توده ها تروریست است و دیگر حتی جهت مهر زدن به شامناقص نیز کمتر مراجعه خواهد کرد و با تحریم گسترده خود پشت محکم بر دهان رژیم جفاکار جمهوری اسلامی خواهند زد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

بوقزار باد جمهوری دیمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اسفند - ۶۲

بهاران نوید رهائی



نوروز فرا سرمد، هر نوروز طلوعه بهار و بهار آور طراوت و سرسوزی است. شکوفه های بهاری بر تارک درختان رخ مینمایند و شکوفه های انقسن کسه نشان خون شهیدان است از سراسر زمین فرا میروند. پس بهار نسوزد چیرگی تو بر کشته رویشانی بر تاریکی و ناپایداری زمستان و طوق زندگی تازه است.

کارگران و زمینکنان سپهتان در شرایطی بهار اسال را آغاز میکنند که بهرکت بیش از پنج سال حاکمیت جفاکار جمهوری اسلامی، سفرهایشان خالی تر گشته، سایه فقر و فلاکت، سرکوب و کشتار اندهای دسته جمعی جنگ ارتشاهی و . . . هر روز باختر است.

براستی چگونه میتوان تیره بخشی، آوارگی، بی خانمانی، بیگاری و گزافی را جشن گرفت و چگونه میتوان در شرایطی که فریاد نوزندان انقلابیان از سیاهچاله های رژیم بگوش سرمد بیاگوین بر ما است. باید عهد نوروز را به عهد واقعی کارگران و زمینکنان بدل ساخت. باید طبل اصلی همه سیزدها و تهاهیا را از میان برداشت. باید رژیم دشمن کارگران و زمینکنان و خلفهای تحت ستم نابود شود. باید جمهوری دیمکراتیک خلق ستر گردد. آنگاه عهد واقعی توده ها فرا رسیده است. پس بهار راستی و باید به بهار رهائی کارگران و زمینکنان بدل ساخت.

کارگران و زمینکنان! با همبستگی شوم، رژیم جمهوری را سرنگون سازیم. جمهوری دیمکراتیک خلق را ستر نامیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

بوقزار باد جمهوری دیمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اسفند - ۶۲

۸۰ تن از کارگران مبارز و خانیات در سیاهچاله های رژیم



کارگران آگاه و مبارز!

اکنون ۸۰ تن از همزمان شما بدلیل اعتصاب در شرکت و خانیات و بخاطر دفاع از حقوق حقه خویش در زندان گوهر دست کرج تحت شدیدترین شکنجه ها قرار دارند. آنها حتی از ابتدائی ترین حقوق یک زندانی در بند یعنی حق ملاقات محرومند.

حرم اناس استعاضات و مبارزه در مقابل توطئه های رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی حتی بر کاهش دستبرد آنان در حد سبک دستبرد ماهیانه شان میباشد. رژیم جفاکار جمهوری اسلامی جهت افزایش شدت استشار کارگران و از این طریق تاسیس سفارش جنگ ارتشاهی و . . . هر روز ما حلیسه و سیرنگی تازه دست به گاهشی دستبرد کارگران میزند و این در حالی است که حتی دستبرد معمول امان نکانوی سفارش زندگنی روز به روزشان را نمیگذرد و با توطئه تهرام انصار گسیخته و تیرانی حیرت آور کنونی، دستبرد و امن کارگران عملاً کاهش چشمگیری یافته است.

اعلام همبستگی با کارگران مبارز و خانیات نه تنها وظیفه انقلابی گنه کارگران است، بلکه خود طامی باز دارند در مثل شدن این توطئه رژیم درد بگر کارخانه ها میباشد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

بوقزار باد جمهوری دیمکراتیک خلق

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

کیمتکاری - تهران

«مجال است در اسلام حکم مساوات»

و رنو را العباد بالله از علما امت و انبیا بنی اسرائیل افضل نمی‌شمارند و اهل ذمه را بر مطالبه به مساوات با مسلمین تشجیع نمی‌نمایند... اینهاست نوبت امر معروفات و نهی‌ها از منکرات که فرقه خاله مظه از بهارستان حریت و شورویت برای ما فرستاده‌اند و وعده داده‌اند که من بعد هردم از این باغ بری برسانند تا رفته رفته آزادی عهد قباد و مساوات مذهب مزدک را رواج بدهند. (۹)

از شما می‌پرسم آیا از وقتی که اسم آزادی در این شهر شایع شده است سستی عقاید اهالی و درجه هزرگی‌ها و بی‌باکی‌ها از کجا به کجا رسیده است... امسال همگی دیدید با مستحضر شدید ذاکرین و وعظ می‌گویند که امسال مجالس روضه خوانسی و شکایای عزاداری و اهتمام مردم در این عبادت‌گاه از شعاشنر بزرگ‌شعبه خانه است نزدیک نصف تعطیل گذشت و متروک شد. (۱۰)

۱- ملکزاده، مهدی، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، جلد ۴، تهران، کتابخانه سقراط، ۱۳۳۱، ص ۱۴۷.

۲- ایضا، ص ۲۰۹.

۳- نامه رسوا، مهاجرین قم به مظفرالدین شاه، در: رساشل، اعلامیه‌ها، مکتوبات، ... و روزنامه شهید فضل الله نوری، گردآورنده، محمد ترکمان، جلد ۱، تهران، موسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۶۲، ص ۱۳۳.

۴- صورت عریضه علما، تهران به محمدعلی شاه، در: رساشل، اعلامیه‌ها، ... ص ۱۵۵.

۵- جمهوری اسلامی، به‌شبه ۱۱ مرداد ۱۳۶۲، شماره ۱۲۰۸، ص ۱.

۶- منظور قانون اساسی ۱۹۰۶ است.

۷- ملکزاده، مهدی، جلد ۴، ص ۲۱۶-۲۱۴، همچنین: رساشل، اعلامیه‌ها، ... ص ۱۵۹-۲۰۷.

۸- رسائل و اعلامیه‌ها، ... ص ۲۶۹-۲۶۸.

۹- ایضا، ص ۲۸۸-۲۸۷.

۱۰- ایضا، ص ۲۶۲.

شیخ فضل الله نوری، «سلسله مستبدین» (۱) و رهبر قند انقلابیون مشروعه طلب بود. شیخ فضل الله مشروطه را حرام و مشروطه طلب را کافر و واجب‌القتل میدانست. (۲) برای تمکین از مقام سلطنت (که) وظیفه شرعی و تکلیف دینی است (۳) علم مشروعه خواهی را برافراشت. بجای «مجلس شورای ملی» خواهان تشکیل «مجلس شورای اسلامی» شد زیرا «نتیجه آنرا جز هدم دین و هرج و مرج و هدر دما» محترمه و هتک نوا میسر اسلامی نمودیم. (۴) این خواسته خدا انقلابیون دوران جنبش مشروطیت را رژیم جمهوری اسلامی هفتاد و اندی سال بعد، با تغییر نام مجلس عملی نمود.

رژیم حاکم شیخ فضل الله را «پایه‌گذار جمهوری اسلامی» و «شهید راه ولایت فقیه» قلمداد می‌کند. (۵) آنچه که در ذیل می‌آید نمونه‌ای از آرای اوست که امروز به شکل رژیم جمهوری اسلامی تبلور خارجی یافته است.

یکی از مواد آن ظالمت‌نامه (۶) این است که افراد مملکت متساوی الحقوقند... بدانید که مملکت اسلامی مشروطه نخواهد شد زیرا که مجال است با اسلام حکم مساوات... (۷)

... ای برادر دینی اسلامی که اینقدر تفاوت گذارد بین موضوعات مختلفه در احکام چگونه میشود گفت که مساوات است جز آنکه خیال این باشد که دکانی در مقابل صاحب‌شرع باز کند و احکام جدیدی تاسیس کند اعادنا الله تعالی منه (خداوند ما را از آنان محفوظ دارد)...

ای ملحد اگر این قانون دولتی مطابق اسلام است که ممکن نیست در آن مساوات و اگر مخالف اسلام است منافعی با آنچه در چند سطر قبل نوشته شده که آنچه مخالف اسلام است قانونیت پیدا نمی‌کند...

ای بی شرف ای بی غیرت بین صاحب‌شرع برای اینکه تو منتحل به اسلامی برای تو شرف مقرر فرمود و امتیاز داد تو را و تو خودت از خودت سلب امتیاز میکنی و میگوئی من بایکد با مجوس و ارضی و بیهودی برادر و برابر باشم.

ماده دیگر که در این ظالمت‌نامه است آزادی قلم و آزادی مطبوعات است. (۷)

«یک فعل از قانونهای خارج که ترجمه کرده‌اند این است که مطبوعات مطلقاً آزاد است (یعنی هرچه را که هر کس چاپ کرد احدی را حق چون و چرا نیست) این قانون با شریعت ما منبازد... زیرا که شرک کتب فلال و اشاعه فحشاء در دین اسلام ممنوع است کسی را شرعاً نمیرسد که کتابهای گمراه کننده مردم را منتشر کند و با بدگوشی و هزرگی را در حق مسلمانی بنویسد و به مردم برساند پس چاپ کردن کتابهای ولتر فرانسوی که هفت تا سزا به انبیا علیه‌السلام و... در روز نامجات و لوايح مستعمل بر کفر و رده و سب علما اسلام تماماً در قانون قرآنی ممنوع و حرام است لامذهبا میخواهند این در باز باشد تا این کارها را بتوانند کرد.» (۸)

«آیا مجلس امر بمعروف و نهی از منکر است یا مجلس نهی از معروف و امر به منکر است آیا بواسطه شر دادن مزدکیان عصر کلمه آزادی را در این مملکت تجربات و تهنگات مردم تا چه اندازه افزوده است و فنون فحشاء و فسوق و فجور تا کجا شایع شده آیا زنهالیاس مردانه نمی‌پوشند و به‌کوچه و بازار راه نمی‌افتند... و بی محابا فاندیک و کالیله و نیوتن و کپلر و هوگو



طرحی از روزنامه ملانصرالدین، نشریه فکاهی دوران مشروطه

مجاهدین: شکست یک استراتژی

از حقوق کارگران و زحمتکشان ایران نقش آگاه گرایانه خود را در هر سطح و در هر محیط مبارزاتی و در حدی که رسالت آن را داریم، به انجام رسانیم. ناگفته نماند که وظیفه اصلی این مبارزه همه جانبه بر عهده نیروهای انقلابی داخل کشور است، اما ما نیز به عنوان هواداران سازمان چریکهای فدائیان خلق ایران وظیفه داریم که در اشاعه این مبارزه در محیطی سالم و سازنده نقش خود را ایفا نمائیم.

با توجه به دلایل بالا، نشریه جهان سلسله مقالاتی را به منظور روشن کردن خط و مرزهای نیروهای کمونیستی با انحرافات سازمان مجاهدین در زمینههای سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیک آغاز کرده است. باشد که سازمان مجاهدین خلق ایران و هواداران آنها و یاکسانی که خود را مدافع برتانه یا دیدگاه مجاهدین می‌شناسند در رد نظرات ما و اثبات حقانیت مجاهدین، نظراتشان را در معرض تفاوت دیگران قرار دهند. ما گذشته از انتشار این مقالات، برای چندمین بار هواداران سازمان مجاهدین خلق را در تمام کشورها دعوت به شرکت در مباحث مورد اختلاف در جنبش انقلابی مینمائیم. چرا که معتقدیم که صحت و سقم نظرات ما میتواند در پیرویه بحث‌های سالم و خلاق و سازنده به اثبات برسد.

شاید به جرات بتوان گفت که یکی از مهمترین اشتباهات جنبش کمونیستی ایران، عدم مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی با مجاهدین خلق و در غلطیدن به سیاست‌های آنها بوده است که البته این خود ناشی از شرایط عقلمان بار جامعه در گذشته و حال، عمده بودن مسئله مقابله با دیکتاتوری حاکم، پراکندگی و ندانم کاری جنبش چپ و بی تجربگی آن در زمینه‌های شوریک و عملی، دنباله‌روی از حوادث و عدم برخورد به سیاست‌های انحرافی مجاهدین به خاطر حرکات انقلابی آنها در گذشته... بوده است. در حالیکه تکنیک خط و مرزهای طبقاتی با جریانات غرضورز و بورژوازی و رژیم روتد حرکت آنها در شرایط مختلف از اولین وظایف ضروری جنبش چپ میباشد که متأسفانه در گذشته نیروهای چپ به آن توجهی ننمودند. برخورد با سیاست‌های انحرافی مجاهدین از جمله مبارزه همه جانبه سیاسی، ایدئولوژیک و فلسفی با آنها بعنوان نماینده اقتدار میانی و تحتانی خرده بورژوازی، تنها در کنار استمرار مبارزه قاطع طبقاتی با رژیم ممکن بود. چپ ایران این وظیفه را انجام نداد. بنظر ما اگرچه امروز نتایج عملی سیاست‌های انحرافی مجاهدین کم و بیش آشکار شده است با اینحال جنبش چپ نباید اشتباهات گذشته را تکرار کند و باید بیرحمانه به افشای ایدئولوژیک - سیاسی نظرات و عملکردهای مجاهدین بپردازد، وظیفه ما است که برای دفاع

“مصلحت بر این قرار گرفت که...”

مخدوش نمودند. ما می‌آنکه بخواهیم به نکات و مسائل مورد اختلاف بین بنی صدر و مجاهدین که منجر به این جدایی شد، بپردازیم، به ریشه‌ها و انگیزه‌های سیاسی - طبقاتی و رای این اختلاف و جدایی اشاره خواهیم کرد. هر واضح است که طرح علنی اختلافات سیاسی فرما بین مجاهدین و بنی صدر و توضیح سیاسی آنها، وظیفه خود آنهاست.

چرا اختلاف؟

مجاهدین به قصد کسب قدرت سیاسی، در شرایط ضعف و پراکندگی کمونیستها، با تحلیل غلط از موقعیت جامعه و بکارگیری حمایت از جانب پشتیبان بنی صدر، چه در سطح داخلی (از جمله ارتش) و چه در سطح بین‌المللی (سوسیال - دموکراسی اروپا) با پشت‌پا زدن به تمام اصول و موازین پیشین خود و با گرایش به خواست و برنامه بورژوازی - لیبرال، با شتاب فراوان با بنی صدر و همراهان وی اختلاف نمودند. آنها همچنین با دهن کجی مغرورانه - ای به نیروهای چپ، پیشاپیش با اصطلاح قدرت سیاسی را بین خود و بورژوازی لیبرال "برادرانه" تقسیم کردند. البته برای نمایش دستکرات منشی خود، چند عنصر غیرمذهبی را نیز چاشنی این اختلاف نمودند تا جای خالی چپ را که هم در انقلاب بهمن ۵۷ و هم در مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی نقش بسیار موثرتر و ارزنده‌تری از مجاهدین ایفا کرده بسود، با اصطلاح پر کنند.

چرا جدایی؟

گذشت زمان، ارزیابی نادرست مجاهدین از میزان پایه و

اطلاعیه شورای ملی مقاومت

از آنجا که در شرایط کنونی عملاً همکاری آقای ابوالحسن بنی صدر و شورای ملی مقاومت در چارچوب این شورا ناممکن می‌نماید، مصلحت بر این قرار گرفت که به ائتلاف سیاسی فیما بین در شکل کنونی خانه داده شود.

آقای ابوالحسن بنی صدر و شورای ملی مقاومت امیدوارند همچنانکه همکاری و اتحاد آنها طی دو سال و هشت ماه گذشته سنت نیکویی در مبارزات مردم ایران بوده است، پایان محترمانه و دوستانه آن نیز سنت حسنه دیگری در تاریخ ائتلافهای سیاسی مبین ما باشد.

بدیهی است آقای بنی صدر و شورای ملی مقاومت ضمن قدرشناسی متقابل از اقدامات و مبارزات گذشته یکدیگر در دفاع از آزادیها، دستاوردهای مشترک فعالیت ائتلافی گذشته خود در مسیر آزادی و استقلال و تمامیت ارضی کشور را مورد تأیید قرار داده و آنها را بسیار نبرخشی می‌دانند.

شورای ملی مقاومت
۴ فروردین ۱۳۶۲

شماره ۱۹۶



مجلس سنجشیه ایران زمین ۱۳۶۲
شماره ۱۹۶ (خارج از کشور سالیکه دلار)

این اصل درست است که در شرایط اوج جنبش و در زمانی که تفاد بین انقلاب و ضدانقلاب عمیق بیشتری می‌یابد، همانقدر که اختلافات و تضادهای درون مفاقد انقلاب وسعت می‌یابد، اختلافات درون مفاقد انقلاب تحت الشعاع نیاز به یگانگی و اتحاد قرار میگیرد و بر عکس در مقطع بحرانی و اغت جنبش، تمام آنچه که اعتلای جنبش پوششی بر آن نهاده بود، عریان میگردد. اختلاف و جدایی مجاهدین و بنی صدر تابعی بوده است از این قاعده. با این تفاوت که مجاهدین مفاقد انقلاب و ضد انقلاب را در مقطع اختلاف خود

نفوذ بنی صدر از یک طرف، و توان حاکمیت جمهوری اسلامی را از طرف دیگر نشان داد. گذشت زمان، استراتژی سازشکارانه و بی برنامه‌گی مجاهدین را روشن کرد، تاکتیک‌های ماجراجویانه آنها را با شکست روبرو ساخت و تلاش آنها را برای جلب توده‌ها و نیروهای واقعی چپ (که ابتدا خود را از آنها بی‌نیاز می‌دیدند) به یاس تبدیل کرد. افراد و گروه‌هایی نیز پس از درک بلوف‌های مجاهدین "بموقع" خود را کنار کشیدند. در یک جمله، آرزوی کسب قدرت سیاسی بصورت پنهان باقی ماند. آنها در عین حال نتوانستند آنقدر "فایستگی" از خود نشان دهند که حتی با وجود بنی صدر، وفایت و حمایت امپریالیستها را نیز جلب نمایند. بنا براین امپریالیستها حساب کوچکی را که برای آنها باز کرده بودند، بدون پرداخت بهره، بستند! و در عوض حساب‌های پراعتباری برای رژیم که الحق مستحق دریافت آن بود، گشودند. بنا براین بنی صدر که با سودای رهبری بلامنازع قدرت، دورخیز کرده بود، خود را محکمه این اختلاف دید. از اینرو از "شورا" قطع امید کرد و سهم باقی نمانده خود را به دیگران بخشید و "شورا" را ترک کرد. مجاهدین نیز پایان این تراژدی غم‌انگیز را با انتشار یک اطلاعیه بسیار کوتاه و پرابهام با اطلاع الباقی متوجهی رساندند. آنها خجولانه تمام حقایق را که گفتن آنها برای خود اعتراف به شکست میدانستند، در زیر کلمه "مصلحت" استنار کرده و در "طبق اخلاص" نهادند تا هر کس بر طبق سلیفه خود و فتراخور بینش سیاسی خود، هرطور که می‌خواهد، این حقایق ناگفته را تعبیر و تفسیر نماید. همچنانکه اشاره رفت، با باز شمردن این علل و نتایج، ما خود را ملزم نمیدانیم که حقایق ناگفته مجاهدین را یک‌بیک بر شمریم و تنها به آن بخش که به خودمان و مواضع مان نسبت به این آخرین تحولات "شورا" بر می‌گردد، بپردازیم.

درباره خود اطلاعیه

در تاریخ ۳ فروردین ۱۳۴۲، اطلاعیه "شورای ملی مقاومت" مبنی بر جدایی بنی صدر از "شورا" انتشار یافت. این جدایی زمانی اتفاق می‌افتد که از انتصاب بنی صدر بعنوان رئیس‌جمهور از جانب رجوی، مدت زمان بسیار کوتاهی می‌گذرد. بنی صدر با خروج خود از "شورا" عملاً کم‌دی بودن این انتصاب را به نمایش گذاشت. در اطلاعیه "شورای ملی مقاومت" هیچ سخنی از استعفا بنی صدر از ریاست جمهوری در بین نیست. انتشار اطلاعیه در واقع بیان خجولانه پایان انتظارات طرفین از توافق‌های اولیه است. مجاهدین پس از قریب به ۳ سال همکاری با بورژوازی - لیبرال، سرانجام با دشی خالی و با وضعیتی حقارت‌بار راهی فرجام را همچنان ادامه می‌دهند. این جدایی نشان می‌دهد که آنها نه تنها دستاوردی از این اختلاف نداشته‌اند، بلکه حیثیت سیاسی و حمایت مردمی خود را نیز از دست داده‌اند. چرا که امروز پس از گذشت این دوره، مهر و نشان بورژوازی لیبرال بر سارک رهبران این سازمان نقش بسته است. مهر و نشانی که با ترک بنی صدر زوده نخواهد شد.

در اطلاعیه منتشره از جانب رجوی، مجاهدین حقایق سیاسی را در پشت کلمه کشدار "مصلحت" پنهان میکنند. بسیاری از آگاهان سیاسی و اجتماعی به واژه "مصلحت" آشنایی دارند. آنها خوب میدانند که چه سازش‌ها، خیانت‌ها و جنایت‌هایی توسط رهبران مذهبی از گذشته‌های دور تاکنون در پس کلمه "مصلحت" در دل تاریخ ثبت است. مجاهدین نیز خود خوب میدانند که بسیاری از جنایاتی که هم امروز توسط رژیم جمهوری اسلامی انجام می‌گیرد، با عبارت "مصلحت اسلام بر این است"، توجیه می‌گردد. از طرف

بسیاری از نیروهای سیاسی که از آغاز این اختلاف را نادرست دانسته و ناشی از ارزیابی غلط مجاهدین از وضعیت جامعه، آرایش و توازن نیروهای سیاسی و ماهیت سازشکارانه آنها قلمداد می‌کردند، این روزها پیش‌بینی میشد. کما اینکه مسئله ثلاثی "شورای ملی مقاومت" نیز از همان ابتدا قابل پیش‌بینی بود. بنا براین از نظر ما، واقعه عجیبی رخ نداده است.

مطلب دیگری که در این اطلاعیه کوتاه به چشم می‌خورد، کاربرد عبارت "سنت‌حسنه" برای خروج "مصلحت‌آمیز" بنی صدر از "شورا" است. مجاهدین پنهان کردن حقایق را "مصلحت‌آمیز" میدانند و بدنبال بغیبه ساخت و باخت‌های قبلی خود با بنی صدر، در آخر نیز شوافی میکنند که هیچ یک از طرفین سخنی از حقایق بیان نکنند و اسم آنها هم "سنت‌حسنه" می‌گذارند! آنها با اختلافات سیاسی خود بنا براین مدعی تا حد اختلافات شخصی و خانوادگی گاهش داده‌اند و برای حفظ "آبروی" طرفین، مصلحت را بر آن دیده‌اند که بطور "حسنه" (یعنی پنهان کردن حقایق) به اتحاد سه ساله خود پایان دهند! در واقع مجاهدین باید حداقل برای طرفداران "شورا" که "ریاست جمهوری" بنی صدر را نپذیرفته بودند، توضیح دهند که آنهمه توجیهاات برای برای ضرورت وجود بنی صدر بعنوان رئیس‌جمهور از جانب مجاهدین، بخصوص تبلیغات ویژه مسعود رجوی در مورد بنی صدر چه شد؟ در واقع باید گفت شیوه مجاهدین در این مورد همان شیوه ولایت فقیه‌ی است که "بزرگان" بر مبنای "مصلحت" تصمیم می‌گیرند و سازش و اختلافی صورت می‌گیرد و زمانی دیگر باز بنا بر "مصلحت" فسخ می‌گردد بدون آنکه توضیحی لازم باشد و اسم این عمل را هم، یعنی نگشودن دلایل جدایی و اختلاف و نفی هر نوع مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک می‌بینیم. "سنت‌حسنه" نام می‌گذارند. اگر امروز از هواداران مجاهدین، حتی آشپزیکه روز و شبی غل و غش، بی آنکه خود بدانند این سازمان چه میکند و به کجا می‌رود، می‌گویند و می‌دوند، بپرسید که بنی صدر چرا از "شورا" جدا شد، پاسختان تنها یک کلمه است. نمیدانیم!

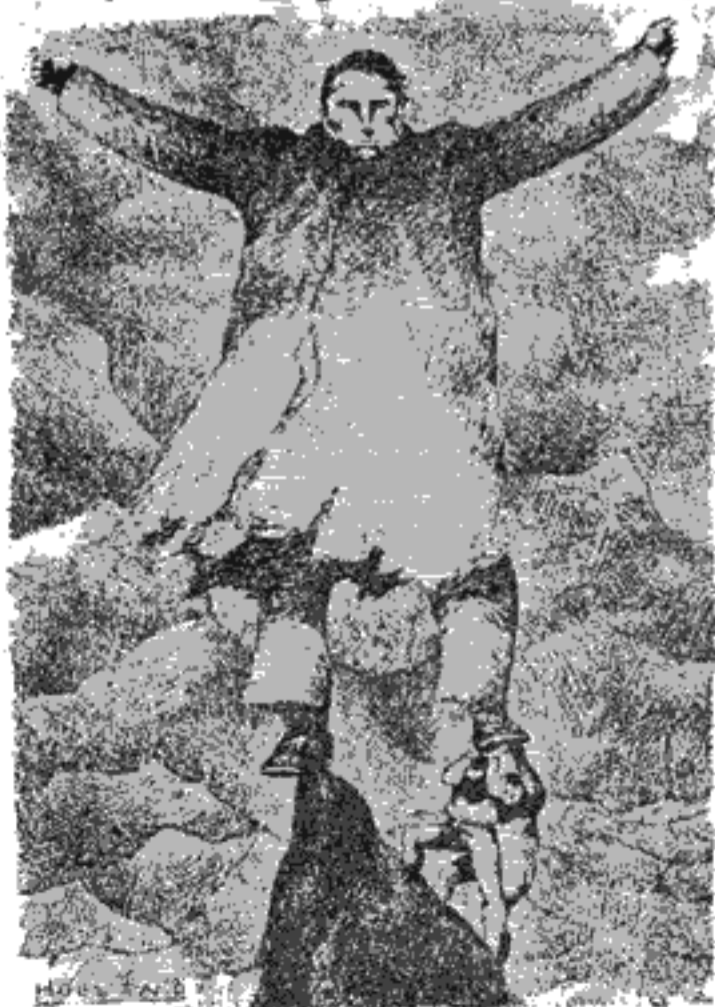
خروج بنی صدر، سرآغاز علنی شدن اختلافات دوران "شورا"

مجاهدین در آغاز اعلام تشکیل "شورای ملی مقاومت"، برای جمع‌آوری عناصر و گروه‌های بیشتر بدنبال برنامه و تشکیلات خود، توهم قدرت‌گیری سریع را پراکنده تا بحدی که بسیاری از عناصر با اصطلاح چپ‌را - بزیر پرچم رنگ و رو باخته خود کشانند. البته در آن زمان مجاهدین هم برای کشاندن افراد بیشتر بدون "شورا" و استفاده از آنها برای فراهم نمودن زمینه توجیه سازشکاری افراد با اصطلاح چپ، حقوق و امتیازات سازمان خود را تا حد حقوق این افراد کاهش دادند و آنقدر "دنگرات" شدند که حق رای مساوی برای همه اعضای "شورا"، چه سازمان‌های یکنفره و چه سازمان‌های ششگانه ستون اساسی آنها تشکیل می‌دادند "قائل" گشتند. بنا براین چنین امتیازات ظاهری در آن مقطع خاصیتی دوگانه داشت: ۱- افراد بیشتری را جلب می‌کرد، ۲- سازشکاری این افراد با "امتیاز" رای مساوی توجیه میگشت. البته نباید فراموش کرد که این افراد با اصطلاح چپ و "مفکر متفکر" جنبش‌در نهان به بهانه اینکه "مجاهدین که چیزی سرشان نمیشود" و ما از درون اینها را خط می‌دهیم و رهبری میکنیم"، سازش خود را تئوریزه می‌کردند. (مثل برخورد حزب توده نسبت به رژیم) بهر حال همین امتیازات ظاهری در اوج توهم آنها نسبت به موقعیت مجاهدین (که شاید از این نمذ کلاهی هم برای آنها فراهم شود)، طرفین را راضی مینمود که صورت ظاهر را حفظ کنند. اما گذشت زمان بسیاری از حقایق را که ما از آغاز روی

برنامه و حرکت کنونی "شورا" و گردن نهادن به برنامه حداقلی پرولتاریا است. راه دیگری برای خروج از این بن بست برای آنها وجود ندارد.

خطر جدید

مجاهدین آخرین شانسی خود را برای کسب قدرت سیاسی می‌آزمایند. آنها همانند غرق‌شدگان هستند که به هر چیز چسبند می‌اندازند تا شاید فرجی حاصل شود. خوانندگان "جهان" حتما اطلاعیه توضیحی "شورای ملی مقاومت" را در رابطه با "تایمات" ورود حزب شده به "شورای ملی مقاومت" (مجاهد شماره ۱۹۶) مطالعه کرده‌اند و اگر چنین فرستی دست نداده است، ما به هنگام توصیه می‌کنیم که آنرا مطالعه کنند. مجاهدین در این اطلاعیه با یک دست‌حزب‌شده را ظاهراً پس‌زده‌اند و با دست‌دیگر آنرا پیش‌کشیده‌اند. بررسی همه‌جانبه محتوای این اطلاعیه بسیار مهم در این مقاله نمی‌گنجد و باید در فرستی دیگر آنرا شکافست. با اینحال جان کلام مجاهدین در این اطلاعیه چنین است: دعوت غیرمستقیم از حزب شده برای پیوستن به "شورا" یا "شروطی" که رقع آنها برای حزب شده چون نوشیدن آب‌سهل است. درحقیقت مجاهدین در این اطلاعیه بطور عوام‌فربانه‌ای تلاش نمودند که زمینه‌های ذهنی لازم برای همکاری‌های بعدی با حزب شده را فراهم سازند. "فاز" جدید سیاست‌های مجاهدین، تظہیر حزب‌خائن‌شده را ضروری می‌سازد و آنها از هم‌اکنون از خیانت آن رسماً فاکتور گرفته‌اند. حتما مبارزات دلاورانه رزمندگان مجاهد در میدان‌های نبرد، رهبران آنها را در پاریس مجاز میدانند که از خیانت حزب شده، که در سرکوب انقلابیون با رژیم جمهوری اسلامی همکاری فعال داشته است، صرفنظر کنند! ما همچنانکه در بالا اشاره نمودیم، این بحث را در مقاله‌های دیگر خواهیم گشود و در اینجا صرفاً بعنوان هشدار دیگری به هواداران مجاهدین لازم دانستیم به آنها یادآور کنیم که خود را برای توجیه‌گیری‌های جدید و همانند توجیه اشتباه مجاهدین با بنی صدر آماده سازند.



وضعیت شورای ملی مقاومت "تنها آلترناتیو انقلابی"!

آن انگشت‌گذاری‌ها و بصورت‌های مختلف توفیح داده بودیم، برمی‌آید کرد. چند گروه ریز و درشت‌که وارد "شورا" شده بودند، کم‌کم با برآمدن بنی‌ریشه بودن تخیلات خود نسبت به قدرت‌گیری مجاهدین، نق زدن را آغاز کردند و بعضاً از آن خارج شده و خروج خود را نیز مثل ورود خود بنوعی بشوریزه کردند. اما امین‌پروز برخلاف گذشته، مجاهدین را این "بنی‌ریشه" "شورا" برای جلوگیری از خروج این افراد و گروه‌ها باید امتیازات ظاهری را به امتیازات واقعی بدل نمایند. از طرف دیگر این گروه‌ها و افراد که موقعیت را درک کرده‌اند، کم‌کم ادعاهای خود را مطرح خواهند کرد. مثلاً، بسیار محتمل است که مجاهدین برای رفاقت خاطر نیروهای غیر مذهبی درون "شورا" و فشارهای بیرونی، و از آنجائیکه بنی‌صدر "مسلمان راستین" هم دیگر در درون "شورا" نیست، امتیاز حذف‌کننده اصلاحی از تمام حکومت را به این نیروها بدهند که البته روشن است که اگر چنین اتفاقی هم بیفتد، مجاهدین آنرا نه عقب‌نشینی، که نشان‌دهنده از دستگرفتار بودن خود جا خواهند گشت. این‌که در مورد طرح نیم‌بند "خودمختاری کردستان" چنین گزینند: بنا براین خروج بنی‌صدر از "شورا" سرآغاز باز شدن اختلافاتی است که در بطن این نهاد وجود دارد و مجاهدین با تمام توانشان میکوشند آنها را پنهان کنند. تفادهاشیکه دیر با زود به درهم‌شکستن کامل "شورای ملی مقاومت" منجر خواهد شد. این گسست، نتیجه نهایی بحرانی است که مجاهدین خود آفریده‌اند.

آیا خروج بنی‌صدر از "شورا" می‌تواند راه ورود برای کمونیست‌ها را برداشته‌است؟

جواب منفی است. چرا؟ اولاً خروج بنی‌صدر از "شورا" هنوز به معنی جدایی مجاهدین از بورژوازی لیبرال نیست. حاکمیت و مهمتر از همه، با خروج بنی‌صدر، هیچ چیز تغییر نیافته است. اطلاعیه "شورای ملی مقاومت" در رابطه با خروج بنی‌صدر، گویای روشن این حقیقت است. آیا دلایل مخالفت ما با "شورا" تنها وجود بنی‌صدر بود؟ خیر. ما این اختلاف و مانع‌تراشی را نه در خدمت انقلاب که ضربه‌ای بر آن ارزیابی می‌کنیم. ما قبل از هر چیز و مهمتر از هر چیز برنامه و سیاست "شورا" را بورژوا - رفرمیستی تشخیص دادیم و امروز هم با خروج بنی‌صدر، هنوز تغییری در آن مشاهده نمی‌کنیم. ما مفاد برنامه "شورا" را مغایر با منافع کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، یعنی اکثریت جامعه ایران ارزیابی کردیم و امروز نیز همچنان بر این باور هستیم. ما استراتژی قدرت‌گیری مجاهدین را طرح توطئه‌گرانه و از بالا و اتسکاً به ارتش ضد خلقی و بر مبنای نفوذ خیالی بنی‌صدر در آن و جدا از راه انقلاب دانستیم و امروز صحت نظراتمان آشکار گردیده‌است. ما تاکتیک‌های مجاهدین را جدا از مردم، ما جراحوباشی‌ها و آوانتوریستی ارزیابی نمودیم. عقب‌نشینی خود مجاهدین از این تاکتیک‌ها، واقع‌نگری ما را به اثبات رسانده است. ما انگاه مجاهدین به نیروهای بین‌المللی نظیر جناح‌های "دوران‌دبستی" امپریالیستها و عدم انگاه آنها به توده‌ها را انحراف از موازین انقلابی دانستیم و امروز با خروج بنی‌صدر، هنوز تغییر در سیاست‌های ممانعت‌طلبانه مجاهدین بوجود نیامده است. ما برخورد‌های مجاهدین را نسبت به نیروهای کمونیست و اصولاً نسبت به توده‌ها کاسیکارانه و نامادقانه ارزیابی نمودیم و امروز سیاست "مصلحت‌بر این قرار گرفت... مجاهدین و پنهان کردن حقایق از مردم، محتابین ادعای ما را آشکار نمود. بنا براین بر واضح است که خروج بنی‌صدر هنوز در آنچه تاکنون بدراه اتحاد ما با مجاهدین بوده است، تغییری نداده است. ما معتقدیم، همچنانکه بارها گفته‌ایم، تنها راه برای مجاهدین رها کردن



قطعنامه پنجم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران

و سردرد مسعود رجوی

در ماسی که گذشت بی شک یکی از بهترین رویدادها سیاسی میهنان برگزاری پنجم هجدهم حزب توده ایران و مباحث جدیدی بود که این حزب در پنجم هجدهم خود به تصویب رسانید. طبیعتاً باید با در نظر گرفتن کمیت مردمی ناچیز این حزب بخصوصی اعتباری و بی حیثیتی اش در ایران تحولات در پیش آن نیز چندان پر اهمیت و حتی قابل ذکر نباشد اما بواسطه نقد مهمی که در ساله این حزب در مقام "انجمن دوستی ایران و شوروی" و جری سیاستهای آنان در ایران پس از حزب از اهمیت و توجه فراوانی در نزد ناظران سیاسی جهان برخوردار بوده است و بی تردید باید از آن دانست که تمامی سیاستهای خارجی اردگاه سوسیالیستی و چپونی بشیر آن در ایران بوسله این حزب با بی - ارادگی تمام تا کنون بخاری دوله و یگار گرفته شده است. در نتیجه عهده دار بودن چنین نقشی است (انجمن دوستی ایران و شوروی) که هویت واقعی این حزب در محافل سیاسی دنیا مشخص میگردد نه پس بر مبنای ادعای این حزب در مقام "انجمن طبیب کارگران ایران" با توجه به همین کاراکتر مشخص سیاسی است که مساهله برگزاری پنجم هجدهم و تغییر جهت سیاسی مباحث - صریح آنرا در ماه گذشته از رویداد های مهم سیاسی کشورمان نام میبریم. تصمیمات و برنامه های مصوب - پنجم که با احتیاط در قطعنامه پیرامون یک سلسله از - مسائل حاد سیاسی ایران به تصویب رسیده است - سلباً از قبل در اختیار قبضه آن دسته از مشاوران خارجی ظاهرند و نزدیک این حزب قرار گرفته و در نهایت آینده سیاستهای بعدی اردگاه سوسیالیستی در مورد ایران خواهد بود چه اگر کل آن در موضوع گیری های رسمی این کشورها نسبت به ایران انعکاس خارجی نیابد.

اختلافات پنجم جمهوری اسلام با اتحاد جماهیر شوروی وارد نگاه سوسیالیستی که چه تاکنون در مباحث سیاسی این کشورها نسبتاً با ایران تغییرات عمده ای بوجود نیاورده است اما با شنیدن سخن و گفتارهای رادیکال مسکو که در ماههای اخیر بر طبق رژیم سوسیالیستی است میتوان از عمق کاملاً محسوس این اختلافات و - تجدید نظرهای ضمنی آن مطلع گردید و همانطور که در قبل بان اشاره کرد پیشکی نیست که کل سیاست یگار گرفته شده از جانب حزب توده ایران مورد تأیید اتحاد جماهیر شوروی نیز نباشد اما شوروی همیشه ترجیح داده است از تمامی آن بطلی ((گذشتن حداقل پس از برگشتن در صورت شکست این سیاستها)) حمایت نکند تا در محافل بین المللی از طرف دیگر استقلال داخلی این حزب را حتی اگر بصورت ماهره هم که شده از جانب خود محفوظ نگاه داشته شده و نامزد سازد.

قبل از بیان اینکه مساجد بین خلق چگونه راهبردها استثنائی به تجدید نظر در مباحث تئوری شان خواهند پرداخت آیا راه را برای ورود حزب توده به شورای ملی مقاومت باز خواهند گذاشت؟ یا با آن بسدی برخورد خواهند نمود؟ لازم است نخست به روشن نمودن وسعت میدان فعلی مانورهای حزب توده در سطح جنبش ایران برای

شکستن و بهرین آدن از ایزولا سببی سیاسی کشی خود بپردازیم.

۱- تمام نیروهای چپ ایران با تفاق این حزب را - سالیست که به خیانت و داشتن انحراطات تئوریک - محکم نموده اند و تقریباً درها برای حزب توده در - این قسمت کاملاً بسته است. حزب توده این را بخوس میداند بنابراین نبردی صرف آن نخواهد نمود اما لعن خود نسبت به این سازمانها را تا زمانیکه هنوز پایتخت بر روی زمین محکم نشده است پائین نماند خواهد داشت اما بخاطر بدست آوردن دل شورا هم که شده در مورد - مائوئیست خط ۲ در درون حزب کمونیست ایران - موضوع تعرضی اتخاذ خواهد نمود.

۲- حزب دموکرات کردستان ایران: خیانت حزب - با باند شی بلوچیان بر حزب دموکرات پیشیده - نیست بخصوص که حزب توده در کردستان بخاطر اعمال ضد انقلابی و همکاران اش با رژیم کاملاً افتخار شده است اما حزب دموکرات تا کنون معمولی و تا کنون یگار بریده شده خود را یز یگار خواهد بست - بر خیانتهای خود اظهار تائید امت شکر خلق کردستان را خواهد بستید کردستان بیا باید و در رفتار سایر برادران کرد خود بجایزه بر طبقه رسم بر خیزد.

۳- سازمان مجاهدین خلق ایران: در قطعنامه پنجم دو پند ما در به سازمان مجاهدین خلق ایران و نیروهای انقلابی در کردستان اختصار داده شده است. این بخوس روشنکرد رجه اهمیت است که این دو سازمان در نزدیک حزب توده دارا میباشند. حزب توده تنها روزه امید و راه نفوذ را بصف آینه بین - همین با همین صیحات روشن میسازد. عکس العمل مجاهدین خلق همان سردردی است که در بعد به توضیح آن خواهیم پرداخت.

۱- شورای ملی مقاومت: گرچه در شورای ملی مقاومت چیز مجاهدین خلق و حزب دموکرات کردستان نیروها و شخصیتهای دیگر نیز ذی نفوذ میباشند اما عملاً به علت فقدان پایه مردمی کافی در ایران از اهمیت چندانی بر خود ارتعمیاسند و بیشتر همان سازمانها و احزاب - موجود بر روی تاقند اما تشبه این نیروها در جمع از مخالفان سر سخت و قسم خورده چندین ساله حزب توده میباشند. چه از مائوئیست های خط ۲ گرفته تا تریسکیست ها و برخی از یاران باقی مانده خللی طکی و چه از پاند - بی سر و د یگار نیروهای نزدیک بان.

۲- سلطنت طلبان و سایر گروههای نزدیک بان و جناح های از رژیم جمهوری اسلامی: که در موقعیت کشی برای حزب توده عملاً مطرح نمی باشد.

تقسیم بندی فوق پرورش حیطه عمل مانورهای سیاسی حزب توده را برای نزدیک و ایجاد مناسبات همکاری با نیروهای انقلابی دموکرات به خاطر بهرین آدن و خلاصی از ایزولا - سببی سیاسی فعلی موجود خود نشان میدهد و همچنین مشخص میسازد که این حزب روی چه نیروهائی از هم اکنون به سراغ گذاری نقشه است (مجاهدین خلق و حزب - دموکرات)

کسانی که احتمالاً از این تحلیل متعجب خواهند کرد باید

این را در نظر داشته باشند که اصلاً چگونگی ورود سیاسی این حزب به ملت نیروی کمی اجتماعی ناچیز آن در ایران - و خصوصاً انباشته ای از تئوری های مبدع را خودی و انحرافی سیاسی به اسم مارکسیسم - لنینیسم همیشه تا کنون بر روی یک سری از رده و پند های محلی وطنی و یک سلسله از مانورهای سطحی با بالائی ها صورت گرفته است تا ترویج واقعی تئوری مورد ادعای او در طبقه کارگر و - مشکل نمودن آنان. سازش و معاشات تا سرحد تقبل - خود فروشی طنی (چیزی که آقای فرخ نگیندار در نوشته - مسائل انقلاب و مباحث ما از آن بنام بودن در فاشیسم - مبارزات یاد میکند) اقلی تا کنون با و خصلت حرکت سیاسی این حزب را تا به امروز مشخص نموده است و نشاط خود - در نهایت آینده سیاسی این حزب و یگار گیری مجدد آن - میباشند.

تفسیر مباحث از حائین و وابسته دانستن میاهدین و حزب دموکرات کردستان ایران تا انقلابی دموکرات و عدل امیر - لیست بر نمودن آنها ((صرف نظر از این گردش خدمت دارا)) امروز با تئوری سنجیده و مباحثات قابل چوسایی - موجود از طرف حزب توده انجام میگردد و در آینده نزدیک همین حزب را خواهیم دید که با چه انرژی و نیروی خود را بمتابجه یاران نزدیک و بهریم پیوسته این سازمانها جای خواهد زد و چگونه به وصف متجدد و واضحه سرانی در باره مشاور ملی مقاومت و مبارزات ضد امپریالیستی آن خواهد نشست که حتی خود آقای مسعود رجوی و تمام سران شورا را هم در حجاج و لوج باقی خواهد گذارد. بیکار بینی صدر ریحی جمهوری اسبق رژیم جمهوری اسلامی و یکی از بدنامترین چهره های شناخته شده شورا را طبق به نامی شده و جزو لای طر ایران خواهد نمود و بر مناسبات شورانگیز حزب سوسیال دموکراتی را که تا دیر از طرف این حزب دستا ن امپریالیسم نامیده میشدند (کبد رستی هستند) صحنه گذاشته و آنرا مورد تشدید قرار خواهد داد.

و تازه این املی راه است و سردرد و انحراف های مسعود رجوی زمانی شروع خواهد کرد که تا زمانه رسمی حزب توده - ایران را برای ورود به شورای ملی مقاومت (که مسلماً تا کنون - نوشته شده و آماده است) روی میز کار خود طاحمه نماید. باید گفت با تمام گرایشات ضد شوروی و ضد کمونیستی سازمان مجاهدین خلق و گریز همیشگی این سازمان در برخورد با این و عدت عمل با نیروهای چپ این سازمان امروز و بخصوص بعد از جریان شکست کودتای مشترکشان با بی سر و د رسمی خرداد ۶۰ بر حسب تفسیر چپ سوسیالیستی و شرایط جدید موجود جبراً متعجب گشته که امکان بهرورد - آنان به تنهایی بر طبقه رژیم خمینی و ساقط کردن آن غیر ممکن و برابر با سرفراست. لذا پایه روی شورای ملی مقاومت و برنامه های تکلیفی بعدی آن کوششی بود در کرد آوری - نیروهای انقلابی چپ و دموکرات بزرگتر خواسته ما و - و برنامه های تحمیلی مجاهدین خلق ایران (مجاهدین پس - حتی برای همیشه تصور آنها ماسیح و فواید دت رژیم جمهوری اسلامی را نیز بشنازد گذاشتند)

با افتتاح نیروهای چپ از قبیل شرکت در شورای ملی مقاومت و انتقاد های واقع بینانه آنان از صیحات ناقص و راستگرایانه شورا از یک طرف و سیاستهای مذبذبه و ضد

جهانخوار آمریکا است. (پیام "پلنوم" ...)

و "سیاست بران جمهوری اسلامی برای احیای مواضع امپریالیسم در کشور... را سیاسی عمیقاً ضد ملی و مغایر مصالح عالیله خلق - های میهن ما میدانند." (قطعنامه "پلنوم")

اما ببینیم نظر "پلنوم" نسبت به نیروهای دیگر چیست. همانطور که انتظار میرفت حزب معامله گر توده پس از دستگیری "برادران" توده‌ای، نیروهای "ضد انقلابی" دیروز را انقلابی میدانند و خواستار اتحاد عمل با آنها میگردد. تا دیروز وجود فدائی مجاهد نفی میشد ولی حالا،... حزب توده ایران... از پایداری قهرمانانه زندانیان توده‌ای، فدائی، مجاهد و دیگر مبارزان صادق ضد امپریالیست تحت سخت ترین شرایط و زیر شدیدترین شکنجه ها قرار دارند... صحبت میکنند. (پیام به مردم ایران) "پلنوم" اظهار میدارد که: "بران رژیم میخواهند شما را... بنام مجاهد و فدائی و توده‌ای... رو در روی یکدیگر قرار دهند... ما میتوانیم و باید با اتحاد و عمل مشترک این نقشه شیطنی هیئت حاکمه را نقش بر آب کنیم" (پیام "پلنوم").

حزب معامله گر توده که زمانی همین فدائیها، مجاهدها... را لو میداد و خود در نقش بازو آنها را شکنجه میکرد هم اکنون که مدینه فاضله خود را در شورای ملی مقاومت میدانند برای بدست آوردن دل آزاده مجاهدین بعنوان محور این شورا یاد آورد میشود که: "برخی سو تفاهات و تندزوبیا در روابط متقابل حزب توده ایران و سازمان مجاهدین خلق مشکلاتی را پیش آورده که در مجموع به زبان نهفت ضد امپریالیستی مردم میهن ما تمام شد. "پلنوم" خواهان تجدید نظر مثبت در

این روابط است و به هیئت سیاسی توصیه میکند در راه ایجاد روابط سالم و سازنده با سازمان مجاهدین خلق ایران بمنابا به یکی از نیروهای ضد امپریالیستی و مردمی در اتحاد همه نیروهای انقلابی و میهن پرست کوشش نماید" (قطعنامه) و همچنین برای بدست آوردن دل حزب دمکرات کردستان، پایه دیگر شورای ملی مقاومت می‌فراید که: "حزب توده ایران کوشش‌های لازم را برای ایجاد تفاهم و تماس نزدیک با سازمانها و نیروهای مترقی انقلابی خلق کرد به عمل خواهد آورد. "پلنوم" کمیته مرکزی حزب توده ایران از - مبارزه برحق خلق کرد در راه خودمختاری در چهارچوب ایرانی مستقل و آزاد پشتیبانی میکند" (همان منبع). زمانی حزب معامله گر توده جنبش انقلابی کردستان را ارتجاعی و کار عمال امپریالیسم میدانست، اما امروز با پشتک جدید "مبارزه خلق کرد برای خودمختاری را برحق" میدانند. زهی بشرمی.

براستی علت چیست که حزب معامله گر توده بنی صدر را نظیر میکند، او را - انقلابی قلمداد میکند، به درگاه مجاهدین و حزب دمکرات طلب استغفار میکند؟ در واقع این چراغ سبز است به شورای ملی مقاومت برای بدست آوردن "پروانه کار" در شورای ملی مقاومت. "حزب" برای اینکه همخوانی برنامه خود با برنامه بورژوازی فرمیستی شورای ملی مقاومت را نشان دهد و آنها را از هر حیث آسوده خاطر سازد، تیر اصلی را رها میکند و در قطعنامه خود "ایجاد شرایط لازم برای تأمین فعالیت سودمند سرمایه داران کوچک و متوسط و دفاع از منافع آنها در قبال انحصارهای امپریالیستی (همان منبع) در جهت حفظ سیستم سرمایه داری را تصریح میکند. این همان چیزی است که

شورای ملی مقاومت اساس کار خود را بر آن استوار ساخته است. "دولت موقت (منظور دولت موقت دمکراتیک اسلامی) سرمایه داری و بازار ملی، مالکیت شخصی و خصوصی، سرمایه گذاری فردی را می‌پذیرد، مشروط بر آنکه ابعاد نامحدود و وابسته و جهت گیری کمبرادوری پیدا ننموده و توسعه اقتصادی - اجتماعی تمام جامعه و کشور را مخدوش و فلج نکند." (تذکر یک بخش استقلال، فصل سوم مواد برنامه شورای ملی مقاومت). - مقایسه‌ای بین این دو اصل از برنامه حزب معامله و شورای ملی مقاومت درمی‌یابیم که "ایجاد شرایط برای فعالیت سرمایه داران - کوچک و متوسط" از طرف حزب معامله گر توده همان "پذیرش سرمایه داری و بازار ملی و سرمایه گذاری فردی در ابعاد محدود" است که مورد قبول شورای ملی مقاومت است - بعبارتی دقیق تر "حزب" و "شورا" در مورد حفظ سیستم سرمایه داری با هم انقاف نظر دارند.

آری پشتک جدید حزب معامله گر توده با توجه به ماهیت اپورتونیستی و خط مشی کلی آن، همانطور که گفتیم آنچنان هم غیر - منتظره نبوده است. ما و نیروهای انقلابی دیگر پیش بینی این لحظه را می‌کردیم. اما نکته درخور توجه این است که قطعنامه "پلنوم حزب" نشانه‌دهنده شروع پروسه نزدیکی حزب معامله و شورای ملی مقاومت است و ما در آینده نزدیک با پستی منتظر اتحاد "حزب" و "شورا" باشیم. شورای ملی مقاومت هم برای برخورداری حمایت جهانی احزاب برادر که پشتیبان حزب معامله گر توده هستند به این اتحاد عمل بی میل نیست. روند برخوردهای اخیر مجاهدین با "حزب" این رغبت به اتحاد را نشان میدهد ■

قطعنامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی

۱- حزب توده - اکثریت از طرف دیگر مجاهدین خلق فرجه بیشتر به نفوذ راستی های شورا گفانده شده و کاربرد تاکتیکی آنان برایشان مکزتر گردد. اما امروز بعد از نوسال تبلیغ و جنجال آفرینی مستمر براساس شورا این اگر برای آقای محمود رجوی و دیگر رهبران شورای ملی مقاومت هنوز روشن نگردد به باعث حد اقل برای اکثر مردم ایران - شمر شده که:

۲- تاکتیکی سیاسی و دیپلماتی شورا گرچه بجنب حمایت احزاب کشورهای امپریالیستی از شورا انجامیده - است اما با تمام کوشش و سعی رجوی استازی باید شورا نگردد است (نباید شدن کماریهای ضد امپریالیستی در "مجاهد" بطور ناگهانی - عدم شرکت هواداران مجاهدین در خارج از کشور در تظاهرات ضد امپریالیستی از این دیدگاه نشئت میکند.)

پشتیبانی حزب کارگر انگلیس. حزب سوسیالیست میتران و هزارهک شخصیت آریائی و امریکائی از شورا شاید قادر باشد شورا را از حومه پاریس به پاریس نقل مکان دهد اما

برای انتقال آن به تهران همان دست نهیب حضرت عباس لازم است.

۲- حیظه مانورهای سیاسی شورا در نزدیکی با احزاب سیاسی اروپا حدت است که به درجه اشباح وان چراغ خطر قرمز رسیده است و جای دیگری برای لاف زدن های السکی باقی نمانده است

۳- تاکتیکی نظامی و کودتا گرانه مجاهدین با تکیه بازها برادران ایران با بجاگذازدن هزاران شهید و اسیر شکست خورده و عظیم مانده است و امروز تنها در حرکتی ضعیف در کردستان جریان دارد

۴- پایداری برای مجاهدین خلق که تمام کارتهای آس خود را بازی کرده اند و فعلا پشت دست نشینند چرخش ناگهانی حزب توده به جانب داری از آنان رویداد بسیار مهمی حساب میاید چه مجاهدین با استقبال از آن هم در تشریح پشتیبانی ضمنی و هدیه بسیار مهم شهری و در نتیجه اردوگاه سوسیالیستی و بسیاری از جنبشهای آزادی بخش کوشیده اند و هم از طرف دیگر زنجی و حاکمات حزب شده را برای هگان و بخصوص طرفدارانشان به تاپش خواهند گذارد و افشارانرا در آینده بدست خواهند داشت.

اما تمام این وظایح بسادگی انجام نخواهد پذیرفت و سپهر حوادث ثابت پیچید آدن مسائل جدی تری خواهد کرد چه مجاهدین خلق پسوی آگاهند که با عنوان کردن پذیرش حزب توده اعضا شورای ملی مقاومت را در برابر چه سؤال - مشکلی قرار خواهند داد. مجاهدین به شهرتید وی - حیثیتی این حزب در ایران واقفند و میدانند چه زبانه‌های جبران ناپذیر را با قبول آن در شورا شامل خواهند نمود که حتی بوجود بیفت شورا را نیز به خطر خواهد انداخت.

از طرف دیگر وابستگی این حزب به شهری و انعکاس برود آن به شورا در محافل سیاسی احزابی که فعلا مجاهدین بدنبال آنها چها رنعل در حال دیدن هستند بطور قطع ایجاد سوطن و بدبینی خواهد نمود که مجاهدین فیماز آن - اجتناب می‌ورزند اما وضعیت فعلی کشتی پهل نشسته شورای ملی مقاومت نیز حق انتخاب چندانی برای مجاهدین بجای نمی‌گذارد. هم حزب توده با مؤدیگری از این وضعیت طلب است و هم سردرد آقای محمود رجوی نشانی دال بر ان و برای نا ناظران بر این صحنه هیچ چیز عجیب نمی‌باشد چه اگر پیشی مدتها در این شورا در مقام ریاست جمعی آنها ظاهر میگردند حزب توده میبایستی در حکم محسب صحیح ■

موضع ما در مقابل چرخش جدید "حزب توده" و "اکثریت"

نمیباشد، که گویا بطور ویژه فقط برای اینان سفارش داده بودند، دانستند و باز به توجیه هم حکومت و هم سردمداران خود پرداختند. بسیار آموزنده است یادآور شویم که این رهبران که اینچنین در برابر جلادان و مخدومین خود زانو زده و تقاضای ترحم و بخشش از جانب آنان را نمودند، در مقابل کلیه خیانتها شبکه به خلق و انقلاب طی عمر سیاسی نتگین خود مرتکب شده اند، در آخرین باصطلاح پلنوم خود، تنها آنها یک سو، تفاهم نامیدند و با کمال وقاحت خود را، حزبی که همواره با مردم و انقلاب بوده است، معرفی کرده اند. این رسم این خاشنین است که همواره در مقابل جلادان که از او پشتیبانی کامل نیز کرده اند، زانو زده و از او تمنای ترحم و بخشش نمایند و در مقابل خلقی که عمری بدان خیانت ورزیده اند بناچهره ای طلبکارانه خود را نیروی همیشه مدافع انقلاب و مردم بدانند. اینهمه وقاحت اینهمه بی شرمی! برآستی باور کرده ای است.

خلق ایران این خاشنین را خوب شناخته است. اینان نمی توانند با اتخاذ سیاست مخالفت با حکومت جمهوری اسلامی و با حتی مبارزه! کتافات ناشی از خیانت چندین ساله خود را به کلیه مردم ایران و اشغال بیوشانند. چرا که اگر معیار ما برای انقلابی دانستن و ندانستن یک جریان، مخالفت و یا حتی مبارزه با حکومت جمهوری اسلامی بود، سلطنت طلبان بی آبرو و فذخلق نیز انقلابی می بودند. ما برای اینکه خیال این چاکر صفیان را از هرگونه وسوسه و توشل جشن به شیوه های موعظه گرایانه و عوام فریبانه از قماش شیوه های چندین ساله حزب توده آبروه کنیم، با صدائی رسا و در عمل نیز، به اینان اخطار میدهم که تکلیف شما خاشنین به انقلاب و مردم را تنها و تنها دادگاه های واقعی انقلاب معین خواهد کرد.

بنابراین موضع و سیاست ما نسبت به چرخش و پشتک و آرومی خاشنین "توده ای" - "اکثریتی" بسیار روشن و صریح است. حال اگر فرد یا افرادی از وابستگان سابق این دو جریان خود را فریب خورده اینان میدانند و امروز با دستگیری و محاکمه رهبران خود به عین خیانت و ماهیت دغلکارانه آنها پی برده اند و ضربات مهلک ارتجاع جمهوری اسلامی بر بیکر انقلاب آنها را از خواب توهم بیدار کرده است و خواهان پیوستن به صفوف مبارزه با رژیم ددمنش جمهوری اسلامی هستند باید قبل از هر چیز وظیفه خود را مقابل، مبارزه و افشای کامل "حزب توده" و "اکثریت" بدانند. به عبارت دیگر، مبارزه این دسته از فریب خورده گان توده ای - "اکثریتی" با رژیم جمهوری اسلامی قبل از هر چیز از کاتال مبارزه قاطع و بی امان با این دو جریان میگذرد نه تقویت و توجیه آنها و ادامه حرکت در زیر پرچم زرد و نتگین گذشته که چیزی نیست جز دورخیز کردن برای خیانتی دیگر در آینده. ما قاطعانه اعلام میداریم که در هیچ برنامه ای (عملی یا نظری) فرد یا افرادی را به نام "توده ای" - "اکثریتی" راه نخواهیم داد. اینان اگر خواهان مبارزه با رژیم اند، قبل از هر چیز، وظیفه دارند در تلاشی کامل حزب خاشن توده و "اکثریت" برخیزند، چرا که همانطوریکه یکی از سردمداران نبراز تجربه خیانت حزب توده، یعنی به-آدین، در دادگاه رژیم پس از در یوزگی حفیرانه ای اعلام داشت: "این حزب با اعمال و خیانتهاش که صورت داده است، الان بصورت لاشه گندیده ای است که بایست دفن شود." ■

دو مقاله صفحات نسل و جنبه مختلف از آخرین چرخش حزب خاشن توده و نوبانگان آنها، یعنی "اکثریتی" های خاشن و پی آمدهای احتمالی آن از جانب مجاهدین را مورد ارزیابی قرار داده اند. اما نکته بسیار مهمی که ذکر آن در اینجا حتی بعنوان یک هشدار به تمام نیروهای انقلابی ضروری است این است که امروز پس از بی موجب ماندن "حزب توده" و "اکثریت" در مقابل نوکسری و حلقه بیگوشی شان نسبت به رژیم جمهوری اسلامی، بار دیگر تلاش جدیدی را برای داخل نمودن خود به صفوف نیروهای انقلابی آغاز کرده اند و برای جلب نظر دیگران خود را مخالف سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی نیز وانمود میکنند. اگرچه این همدستان جمهوری اسلامی و توجیه گران جنایات پیشمار آن، هنوز امیدشان را نسبت به انطاف رژیم بطور کامل از دست نداده اند و علت قطع دفاع و همکاری علنی با رژیم را به صراحت عدم خواست آنها میدانند و گرنه این خاشنین هنوز مدافع این سیستم هستند. فرخ نگهدار منفور، این عنصر رذل و سردسته "اکثریتی" های خاشن، در دومین جزوه باصطلاح "پرسش و پاسخ" خود بنام "مسائل انقلاب و مواضع ما" که کاریکاتور مشتمل کننده و عقب مانده ای به تقلید از کیا شوری است، به صراحت خاطر نشان میسازد که:

"بنابراین در سیاست ما نسبت به حکومت، دیگر جایی برای پشتیبان حکومت بودن باقی نمانده است. با پیتر بگوشیم جایی برای این سیاست ما باقی نگذاشته است." (ص ۴)، تاکید از ماست) بنا بر این اگر حکومت به این دون صفیان هنوز هم فرصت بدهد، در لو دادن انقلابیون، در همکاری با جلادان بیدادگانه های رژیم و شکنجه گران اوین کوتاهی نخواهند کرد. در واقع این رژیم است که دیگر اجازه نمیدهد این جاسوسان بی مواجب به جاسوسی و خیانت و عوام فریبی خود ادامه دهند. وی در همین جزوه، در رابطه با وظایف نیروهای "انقلابی" با توجه به تمام جنایات رژیم می افزاید:

"وظیفه عاجل هر عنصر انقلابی بیکر دفاع جانانه از حزب توده ایران، مقابله جدی با جنجال های تبلیغاتی ضدشوروی و مخالفت صریح و استوار با سیاست حکومت جمهوری اسلامی است." (همانجا، تاکید از ماست)

نوگوشی اشکال رژیم برپائی جنجال های تبلیغاتی ضد شوروی است! و اینهمه مطابق مربوط به جنایات رژیم علیه انقلاب و انقلابیون و ویران کردن ایران برای اینان کافی نیست که امروزه "وظیفه عاجل هر عنصر انقلابی" را دفاع، آنها از شروع جانانه اش از حزب منفور و خاشن توده دانسته است. حزبی که سردمداران آن در یوزگی و حفیرانه های حزبارت پیشگویی را بجای رسانده اند که برای نجات جان حفیرشان به پای بوسی جلادان و کفتاران جمهوری اسلامی افتادند، رهبرانیکه پس از دفاع و پشتیبانی کامل از کلیه حرکات، عملیات و سیاست های رژیم طی بیش از ۴ سال سرانجام در دادگاه های جمهوری اسلامی به چنان حفارتی تن دادند که تاریخ بخود یاد ندارد، حفارت مفحکسی که ماهها برنامه های نمایشی تلویزیونی رژیم را فراهم آورد. اینان پس از اینهمه خدمت به رژیم، سرانجام در مقابل همان مخدومین خود چنان زانو زدند و چنان در لجن زار حفارت فرو رفتند و چنان به عجز و لایه افتادند که هواداران شان برای توجیه اینهمه ضعف و واماندگی آنها، آنرا ناشی از اثرات داروهای



سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران

شنبه ۲۹ بهمن ماه ۱۳۶۲
سال پنجم - شماره ۱۷۷ صفحه ۲۰

راهپیمائی ۲۲ بهمن شکست سیاسی رژیم

منفی کرده بودند به شکست کامل کشانیدند و نشان دادند که نه رژیم جمهوری اسلامی را قبول دارند و نه حاضرند به خاطر فحایح این رژیم به رژیم منحوس سلطنت روی آورند.

بی‌امتنائی و تحریم انقلابی توده‌ها منی بر عدم شرکت آنان در مراسم رژیم نشانگر خشم و نفرت عینی‌شان نسبت به رژیم است که تا کنون جز فقر و فلاکت، کشتار و بی‌خانمانی، بیکاری و ... ارمغانی برای آنان نداشته است و دیری نخواهد پایید که خشم نهفته توده‌ها به آتش‌فشانی عظیم بدل گشته و تومار ننگین رژیم جمهوری اسلامی را به گورستان تاریخ سپارد.

رژیم دارند، خانواده کشته شدگان جنگ که از رژیم مستوری دریافت میدارند و بالاخره مزدوران سپاه و بسیج و کمیته و خانواده هایشان که قشون حزب اله رژیم را تشکیل میدهند و نیروهای مسلح سازمانده از رژیم شاه که به‌عنوان پاسداران جهت رژه نمایشی رژیم گرد آمده بودند و البته فضای وسط میدان آزادی را برای این رژه گذاشتی خالی گذاشته بودند.

در ساعات برگزاری مراسم، زندگی روزمره توده‌ها در نقاط مختلف تهران ادامه یافت و این امری به‌انگیز این واقعیت بود که توده‌ها مردم ضمن اینکه در مراسم رژیم شرکت نکردند، آرزوهای موهوم سلطنت‌طلبان فراری را که از مردم دعوت به خانه نشینی و مبارزه

امثال در سالگرد قیام خونین ۲۲ بهمن بیکار دیگر اوج فلاکت و شکست سیاسی رژیم در بسیج توده‌ها بنمایش در آمد. توده‌ها مردم بی‌وزن در تهران با عدم شرکت خود در مراسم نمایشی رژیم، خشم و نفرت خود را از خمیت و دار و دسته‌اش نشان دادند.

علیرغم تبلیغات وسیع رژیم و تلاشهای گسترده‌اش جهت بمیدان کشیدن توده‌های مردم و علیرغم بکارگیری شکرده‌های مختلف در میدان آزادی از توده‌های مردم یعنی از کارگران و دیگر زحمتکشان خبری نبود و جمعیتی که بسختی میدان آزادی را پر میکرد عبارت بود از: افغانه و عراقیهای پناهنده، جنگ‌زدگان، که تحت پوشش رژیم از ارد و گامبیا بزور آورده شده بودند، معلولین که به شدت وابستگی اقتصادی به

برگزاری شب همبستگی با خلقهای ایران در "پنجمین سالگرد قیام پرشکوه بهمن ۵۷ و چهاردهمین سالگرد تولد سچفا"

مونترال

انجمن دانشجویان ایرانی در مونترال هوادار "سچفا" در مناسبت با پنجمین سالگرد قیام توده‌ای بهمن ماه ۵۷ و چهاردهمین سالروز تولد سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، برنامه بزرگداشتی تحت عنوان "شب همبستگی با خلقهای ایران" در عصر روز شنبه ۱۱ فوریه، در محل دانشگاه کنکور دنیا، برگزار کرد.



در همبستگی با خلقهای ایران و بزرگداشت قیام بهمن ۵۷ و حماسه ۱۹ بهمن هواداران نیروهای انقلابی دیگر کشورها، از جمله کمیته همبستگی با جبهه فارابوند و مارتنی مردم السالوادور (واحد کبک)، گروه اشتقاقی بر علیه دیکتاتوری مارکوس و همبستگی با مردم فیلیپین (واحد مونترال) و کمیته حمایت از زندانیان سیاسی شیلی (واحد کبک) نیز همکاری داشتند. در این برنامه که به زبانهای فارسی و فرانسه اجرا میگشت، بیش از ۲۷۰ نفر از هموطنان و هواداران نیروهای انقلابی و مترقی و

سیم کارگر، دانشجو، دهقان و سرمایه دار، و گروه هنری السالوادور به اجرای چند رقص فولکوریک آمریکای لاتین و گروه هنری فیلیپین به اجرای چند موسیقی مترقی بر علیه دیکتاتوری مارکوس پرداختند که از سوی شرکت کنندگان در برنامه به گرمی استقبال شدند. پیامهای همبستگی هواداران نیروهای انقلابی و مترقی خارجی به انجمن دانشجو-بانایرانی در مونترال، هوادار سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران بطور متناسب در طول اجرای برنامه قرائت شد. پیامهای همبستگی قرائت شده شامل: پیام کمیته همبستگی با جبهه فارابوند و مارتنی مردم السالوادور، پیام هواداران جنبش انقلابی شیلی میر (MIR)، پیام گروه اشتقاقی بر علیه دیکتاتوری مارکوس فیلیپین، پیام هواداران سازمان انقلابی کارگران ایران (راه کارگر) در کانادا بودند. و نیز پیامی از سوی کمیته دفاع از کم‌شکسان جهان سوم در کانادا دریافت شده بود.

همچنین در بخشی از برنامه یک اسلاید پرمحتوا از طرف انجمن به نمایش

نیروهای خارجی و کانادائی شرکت داشتند. برنامه در ساعت ۷ بعد از ظهر، با اعلام یک دقیقه سکوت بیاد جاودان تمامی شهدای بخون غفنه، خلق شروع شد. سپس مقاله‌ای از طرف انجمن دانشجویان ایرانی در مونترال هوادار سازمان در مناسبت با قیام توده‌ای بهمن و ۱۹ بهمن خوانده شد، که مورد استقبال حاضرین در برنامه قرار گرفت.

در بخش برنامه هنری - سیاسی، گروه هنری رقصی هوادار سچفا به اجرای چند ترانه سرود، دکلمه شعر، رقص آذری، بافتو-

گذاشته شد.

رفقای هوادار سازمان چه در هنگام اجرای برنامه، چه در حین تنفس و چه بعد از پایان برنامه، در میان شرکت کنندگان علاقمند، بویژه نیروهای خارجی به تشریح نقش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و مواضع آن در جنبش نوین کمونیستی ایران و جهان و ضرورت سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی حول برنامه عمل سچفا مشغول بودند. رفقای هوادار سازمان در هر چه بهتر برگزار نمودن این برنامه فعالانه شرکت و همکاری داشتند. این برنامه در ساعت ۱۲ شب با موفقیت به اتمام رسید.

لندن

روز شنبه ۱۱ فوریه ساعت ۶ و نیم بعد از ظهر مراسم بزرگداشتی بمناسبت قیام و سیاهکل از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز، هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با شرکت ۱۵۰ نفر در ساختمان I.L.O. برگزار گردید. در این بزرگداشت که تا ساعت ۱۱ شب ادامه داشت، پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمناسبت قیام و سیاهکل قرائت گردید و مقاله ای توسط یکی از رفقا در رابطه با مواضع اخیر سازمان ارائه شد. در طی برنامه رفقای گروه سرود چند سرود انقلابی اجرا نمودند. قسمت اعظم برنامه به بحث آزاد پیرامون مقاله اختصاص داده شده بود. بعد از نمایش فیلم "حرف بزین ترکمن" بزرگداشت با سرود انترنا - سنونال به پایان رسید.

آلمان

سازمان دانشجویان ایرانی در آلمان فدرال و برلین غربی هوادار "سچفا" سالروز رستاخیز سیاهکل و قیام توده ای بهمن ۵۷ را بحدت بیست روز در سرتاسر آلمان در شهرهای ذیل برگزار نمودند: هانور، برمن، گوتینگن، فرانکفورت، دارمشتات، ماینز، کارلسروهه، هایدبورگ، برلین غربی. در این مراسم که از هموطنان و نیروهای خارجی با بخش بیش از ده هزار اعلامیه به زبانهای آلمانی و فارسی دعوت بعمل آورده شده بود، مدعا تن شرکت نمودند.

در ابتدای برنامه پیام کمیته مرکزی "سچفا" قرائت گردید و سپس اسلاید در رابطه با مبارزات خلقها و سازمان، فیلم



گروه کر هواداران سچفا در کانادا در حال اجرای سرود

هوادار (سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) با شرکت تعداد کثیری از هواداران - دانشجویان مترقی در شهر بلونیا برگزار شد. این مراسم پس از یک دقیقه سکوت و بیاد شهدای سیاهکل و تمامی شهدای بخون غفته خلق و با قرائت پیام کمیته مرکزی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - کارگران و زحمتکشان آغاز شده و با سرود انترناسیونال به پایان رسید.

در حین این مراسم که سه ساعت بطول انجامید، گروه هنری سازمان دانشجویی برنامه هاشی شامل، کر، دکلمه، نمایشنامه و سرود به اجرا درآوردند که مورد استقبال شدید شرکت کنندگان در مراسم قرار گرفت. لازم بیادآوری است که این اولین باری بود که یک سازمان دانشجویی انقلابی دست - به اجرای برنامه ای با این مضمون میزد. این مراسم از ساعت ۸ بعد از ظهر شروع و تا ساعت ۱۱/۵ شب ادامه داشت.

در همین روز با توجه به اینکه رفقای هوادار سایر شهرها نیز میبایست در مراسم شرکت میکردند، جلسه ای فرهنگی با حضور هواداران سچفا از ساعت ۹ صبح تا بعدازظهر برگزار گردید و رفقای هوادار فعالانه در بحثهایی که شامل مقولات دوران، مرحله انقلاب نقش اردوگاه سوسیالیسم - حرکت کرده و نقطه نظرات خود را به بحث گذاردند.

جنوا، شنبه ۸۲/۱/۲۸ (۸ بهمن ۶۷) بمناسبت فرا رسیدن ماه بهمن، ماه سیاهکل و قیام، ماه خون و شهادت، جلسه

"حرف بزین ترکمن"، موسیقی مترقی خلقها و سرودهای انقلابی اجرا گردید.

در شهر برلین غربی اجرای تئاتر "ماهی سیاه کوچولو" که به وسیله یک گروه مترقی آلمانی به زبان آلمانی تهیه شده بود، به برگزاری این مراسم در حضور ۵۰۰ نفر شرکت کننده شور خاصی داد. در شهر گوتینگن نیز تئاتر "زندانی" بوسیله رفقای هوادار به زبان آلمانی به روی صحنه آمد.

اجرای موسیقی مترقی دیگر خلقهای تحت ستم (ترکیه و آمریکا لاتین) در تعدادی از شهرهای فوق بوسیله نیروهای مترقی بین المللی این مراسم را به شبهای همبستگی خلقها نیز بدل نمود.

همچنین همزمان با فرارسیدن سالروز سیاهکل، پیامهای همبستگی نیز از طرف نیروهای هواداران راه انقلابی ترکیه در آلمان، هواداران جنبش چپ انقلابی شیلی (میر)، رفقای اتحادیه کمونیستهای آلمان، هواداران حزب کارگران کردستان ترکیه، دمکراتهای سوسیالیست آلمان و حزب سبزهای آلمان، بیع سازمان بر افتخار چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان هوادار در آلمان ارسال گردید.

در طول برگزاری مراسم نیز شماره ویژه آلمانی زبان سازمان هوادار در سطح وسیع در بین نیروها و شخصتهای مترقی آلمانی توزیع گردید.

ایتالیا

بلونیا شنبه ۸۲/۲/۱۱ بمناسبت سالگرد رستاخیز سیاهکل و قیام بهمن ۵۷ مراسم بزرگداشتی از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در ایتالیا،

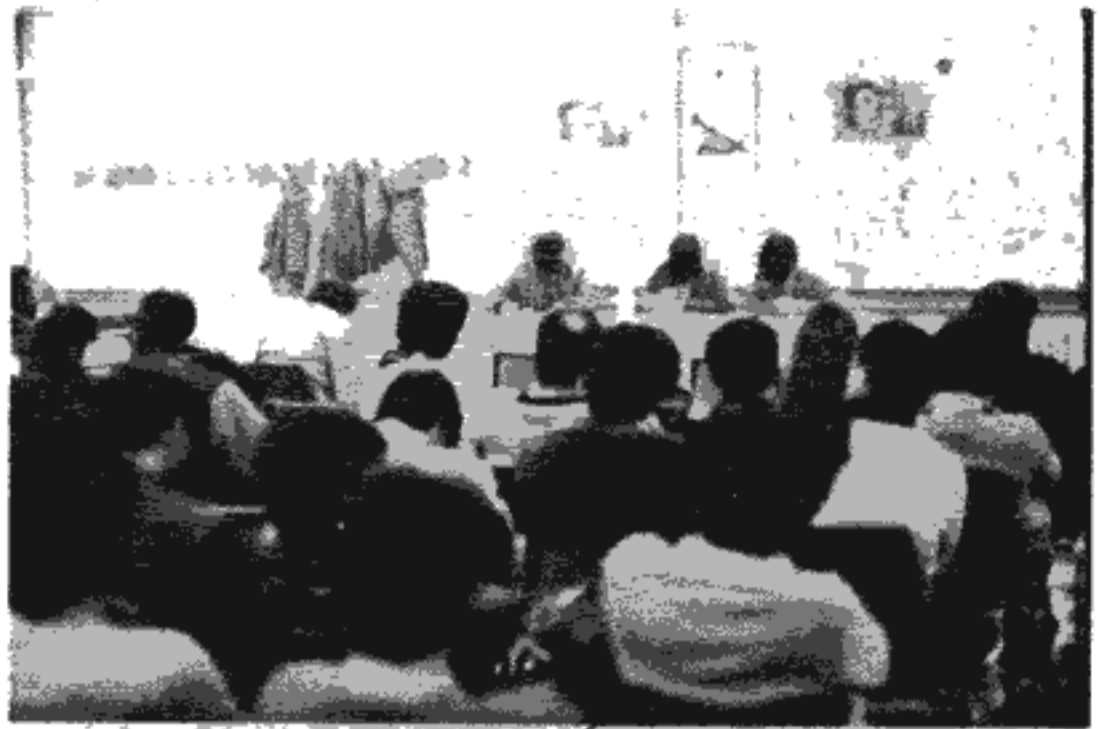
مبارزات راستین خلقهای ستمکش ایران دمیده سازمان جنبش خلقی آرامنه (در آمریکا) به سازمانهای انقلابی و خلقهای مبارز ایران درود میفرستد.

اعلامیه پیراز تشریح نقش امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا در جهان علیه جنبشهای انقلابی و ماهیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و اشاره به وضعیت استفاک حاکم بر جامعه ایران و تاکید همبستگی گسستناپذیر بین خلق ارمی و خلقهای ایران، ادامه میدهد:

"هدف سازمان جنبش انقلابی خلقی آرامنه، آزادی ارمنستان غربی از چوهر امپریالیسم سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم وابسته اش در ترکیه، که یکی از پایگاههای اصلی سیاسی - نظامی امپریا - لیسم در منطقه است، میباشد. آرامنه، در کنار دیگر خلقهای منطقه غاورمیان که اینک با خون خود مبارزه رهاشیش علیه امپریالیسم و رژیمهای دست نشانده و سرکوبگرش را به پیش میبرند، برخاسته اند. آرامنه برای رسیدن به حقوق و آزادی خویش میباید در مبارزات طبقاتی کشورهای غنود شرکت جسته و پایگاههای داخلی امپریالیسم را درهم شکنند. "ارتش سوری آرامنه برای آزادی ارمنستان" (امالا)، اولین سازمانی بود که توانست با یک برنامه عمل مترقی، با سیاستهای انحصارگراانه و ارتجاعی حزب داشناک به مبارزه برخاسته و آلترناتیوی به پیش پای زحمتکشان ارمی بگذارد..."

اعلامیه با اشاره به وجود اختناق و مخالفت اقتصادی - سیاسی در ترکیه و رابطه آن با رژیم جمهوری اسلامی، با شعارهای زیر پایان میدهد:

مرکز امپریالیسم جهانی سرکردگی آمریکا مرکز رژیم جمهوری اسلامی ایران



مراسم اجرای قیام وسياهگل در جنوا ، ایتالیا

اندیشه های کمونیستی (متشعب از چوهر کمونیست بلژیک)، با ارسال پیامهای خود، همبستگی شان را با مبارزات خلقهای ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بر علیه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی اعلام داشتند. پایان بخش برنامه سرود انترناسیونال بود که با آوای جمعی حاضرین همراه بود. در ضمن از کیژون سالن نمايشگاه عکس و پوستر برپا بود که مورد توجه علاقمندان قرار گرفت.

.....

جنبش خلقی آرامنه به مناسبت سالگرد قیام بهمن و حماسه سياهگل

اعلامیه انتشار داده است که قسمتهای از آن در اینجا درج میگردد:

"رفقا! دوستان!

به مناسبت بزرگداشت قیام پرشکوه بهمن و حماسه سياهگل که سحرى نو در -

بزرگداشتی در شهر جنوا از طرف هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برگزار گردید.

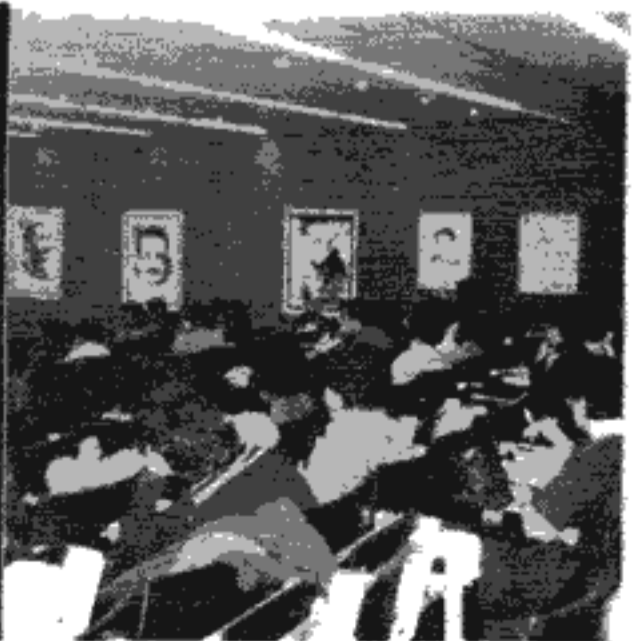
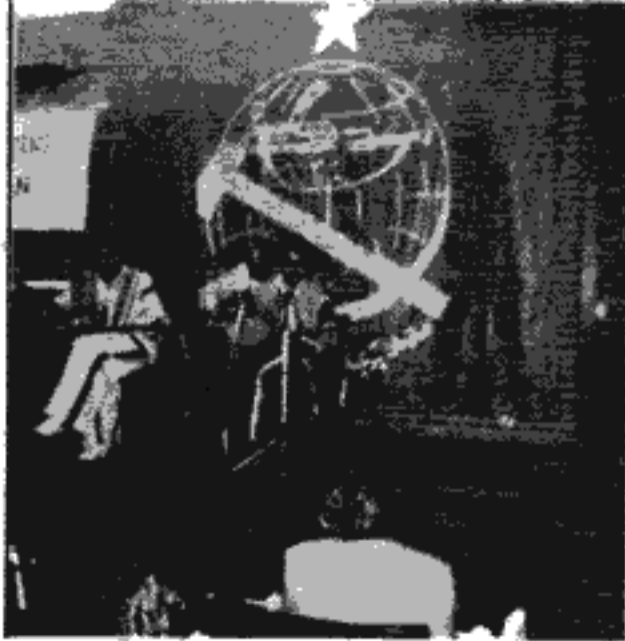
این جلسه شامل مقاله هایی در رابطه با بهمن ماه و هنر و ادبیات مترقی و انقلابی و همچنین اشعار انقلابی و مترقی همراه با ۲ طبقه فیلم از تجربیات جنبش های رهاشی بخش جهانی (شیلی) بود که با استقبال دانشجویان ایران این شهر رو سرو شد.

.....

بلژیک

پروکسل

روز سه شنبه ۲۱ فوریه، مراسم باشکوهی از طرف هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در یکی از سالنهای دانشگاه آزاد بروکسل برگزار گردید. در این مراسم که جمعی از هموطنان و نیروهای خارجی شرکت نمودند ابتدا پیام کمیته مرکزی سازمان در بین حاضرین همراه با ترجمه فرانسه آن پخش گردید. به پاس گرامیداشت یاد تمامی شهدای خلق، یک دقیقه سکوت اعلام شد و مقاله ای توضیحی در باره سياهگل و وضعیت آن دوران برای شرکت کنندگان قرائت گردید و سپس فیلم (جرف بزن ترکمن) به روی پرده آمد. در ادامه برنامه رفتاری کرد با اجرای چند ترانه انقلابی، شور خاصی به برنامه دادند و بعد پیامهای رسیده از طرف نیروهای خارجی قرائت گردید. هواداران جنبش میر شیلی، رفتاری هوادار جبهه خلق برای آزادی فلسطین (PFLP)، اتحادیه کارگران و دانشجویان کرد در بلژیک اتحادیه دانشجویان عرب، اتحادیه دانشجویان تونس، کمیته آمریکای لائین، و کانون



مراسم قیام وسياهگل در بروکسل - بلژیک

روز جهانی زن

راگرایی میدانه

گزارشهایی از
برگزاری مراسم
بزرگداشت ۸ مارس



کانادا

مونترال

انجمن دانشجویان ایرانی، هوادار سچفا، بمناسبت روز جهانی زن، برنامه بزرگداشتی در محل دانشگاه کنکوردهیا ترتیب دادند. برنامه با یکدقیقه سکوت بیاد شهدای خلق آغاز شد. مقاله‌ای به دو زبان فارسی و انگلیسی در مورد تاریخچه روز جهانی زن، مبارزات زنان ایسران و رابطه آن با مبارزات سایر بخش‌های جامعه، موقعیت‌کنونی زنان ایران و سیاست‌های اجتماعی رژیم حاکم در مورد زنان، نقش زنان در اتخاذ سیستم حکومتی که می‌تواند تضمین‌کننده رفاه زنان و مردان باشد... ارائه گردید. قسمت‌های دیگر برنامه عبارت بود از نمایش اسلاید بزبان انگلیسی در مورد موقعیت‌زنان ایران در زمان رژیم پهلوی و رژیم جمهوری اسلامی، اجرای ترانه سروده، از جمله سرود فارسی و دکلمه انگلیسی شعر "من یک زنم" و نمایش فیلم مستند از تظاهرات زنان ایران بزبان فرانسوی. این برنامه با شرکت حدود ۲۰۰ نفر ایرانی و کانادایی و افرادی از سایر ملیتها و با موفقیت و استقبال حاضرین به پایان رسید.

آمریکا

نیوبرانزویک

هواداران سچفا بمناسبت هشتم مارس (روز جهانی همبستگی زنان) برنامه‌ای با همکاری چند نیروی مترقی دیگر ترتیب دادند. این برنامه که تحت عنوان زنان در مبارزه و با همکاری چند نیروی مختلف از غاورمیانه، آفریقا و آمریکای جنوبی اسلاید و سخنرانی میشد. علاوه بر سخنرانی در مورد موقعیت‌زنان ایران و مبارزات

تشکیل یافته بود، شامل برگزاری نمایشگاه عکس و میز نشیبات، کارگاه بحث، نمایش آنها علیه رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم از طرف گروه‌های مختلف شرکت‌کننده از جمله ANG (کنگره ملی آفریقا)، JAMES السالوا - دور (نیروی سخنرانی و پیام‌های ارائه‌گردید. به نیروی اصلی برگزار کننده این برنامه عبارت بودند از:

- Black & Hispanic Graduate and Professional Students
- Iranian Student Association (supporter O.I.P.F.G.)
- African Students Organization

بعلاوه ۵ نیروی مختلف خارجی نیز از این برنامه اعلام حمایت نموده بودند.

لوس آنجلس

مناسبت روز جهانی زن برنامه‌ای در محل خانه ایران از طرف انجمن دانشجویان ایرانی هوادار سچفا ترتیب داده شد که با ارائه مقالاتی در مورد تاریخچه روز جهانی زن و مبارزات زنان ایران، مسئله زن و وظیفه نیروهای کمونیست در شمال آن... آغاز گردید. حاضرین در جلسه در بحث آزادی پیرامون نکات طرح شده در مقالات شرکت کردند. در پایان برنامه فیلمی در مورد گرایش‌بخشی از زنان به اسلام و سنس اسلامی در کشور مصر نمایش داده شد که بدنیاال‌آزهر مورد چرایی و چگونگی پیدایش چنین گرایش‌های واپسگرایانه در میان مردم کشورهای مسلمان نشین خاصه زنان بحث شد. علاوه بر برنامه فوق، رفقای کمیته زنان انجمن لوس آنجلس در یک برنامه اختلافی بمناسبت روز جهانی زن که با همکاری نیروهای مترقی خارجی ترتیب داده

شده بود، شرکت فعال داشتند. همچنین از طرف "کمیته دمکراتیک برای دفاع از حقوق زنان" که از افراد و عناصر مترقی و نیز هواداران سازمان تشکیل یافته است، طی یک برنامه اختلافی دیگر بمناسبت روز جهانی زن، سخنرانی در مورد موقعیت و نقش زنان ایران ارائه گردید.

شیکاگو

با همکاری رفقای هوادار سازمان، کمیته بزرگداشت روز جهانی زن از افسراد و عناصر مترقی تشکیل گردید و بمناسبت هشتم مارس دو برنامه فارسی و انگلیسی ترتیب یافت. در برنامه انگلیسی علاوه بر سخنرانی یکی از زنان مبارز ایرانی در مورد موقعیت و نقش زنان ایران، سخنرانان دیگری نیز در باره زنان فلسطین، آفریقا و السالوادور صحبت کردند. در این برنامه حدود ۵۰ نفر شرکت داشتند. برنامه فارسی نیز بصورت سخنرانی و بحث آزاد با شرکت دهها تن از ایرانیان علاقمند برگزار شد.

آمریکا - بستون

در تاریخ ۲۳ مارس، مراسم بزرگداشت روز جهانی زن بزبان انگلیسی و حول تم "روز جهانی زن را در همبستگی با زنان ایرانی گرامی بداریم"، توسط هواداران سازمان در بستون برگزار گردید. بخش ایرانی این برنامه شامل فراغت مقاله‌های در باره وضعیت زنان ایرانی در پروسه شکا ملی از قبل از شکل‌گیری سرمایه داری تا امروز و جنایات رژیم جمهوری اسلامی، معرفی رفیق مرضیه احمدی اسکویی و قرائت شعر "افتخار"، نمایش اسلاید شو و فیلمی

از تظاهرات زنان در ماه مارس ۱۹۷۹ در پاسخ به تعدیات رژیم جمهوری اسلامی و نمایشگاه عکس بود. در بخش بین المللی برنامه، اسلاید شوئی در باره زنان در آمریکای مرکزی نشان داده شد. همچنین نمایندگانی از Alliance Against Women's Oppression (AAWO), Casa El Salvador - Farabundo Marti and Women for Women in Lebanon در باره زندگی زنان

آمریکائی، فلسطینی و السالوادوری صحبت کردند. در این برنامه علاوه بر نیروهای فوق الذکر، گروههای Line of March, Red Books, Us Anti-Imperialist League

و برخی نیروهای ایرانی شرکت نمودند. علاوه بر برنامه یاد شده، هواداران سازمان در سه برنامه دیگر نیز در مساه مارس در سطح شهر برگزار گردید، شرکت نمودند. در ۱۰ مارس یکی از رفقای هوادار در برنامه آموزشی که در Dorchester International Women's Day Event برگزار گردید، شرکت کرده در باره زنان ایرانی مطالبی ایراد نمود. در همین روز برنامه دیگری توسط "کمیته برگزار کننده روز جهانی زن" و AAWO برگزار شد که هواداران سازمان یکی از امضا کنندگان برنامه بودند و نمایشگاه عکس نیز برپا داشتند. در ۱۷ مارس نیز برنامه‌ای در همبستگی با زنان فلسطینی و غاورمیان انجام شد. که هواداران سازمان در آن شرکت کرده و با برگزاری نمایشگاه عکس به افشای جنایات رژیم پرداختند.

در هفته بزرگداشت روز جهانی زن در ماه مارس نماینده سازمان آمریکا در نیویورک، در سه آکسیون بزرگداشت شرکت جست و به تحلیل موقعیت زن در جمهوری اسلامی و جنبش زنان در ایران پرداخت. در نخستین بزرگداشت که توسط "ائتلاف روز جهانی زن" International Women's Day Coalition برگزار گردید، نماینده سازمان آمریکا بعنوان یکی از سازماندهندگان این ائتلاف، به نمایندگی از سوی هواداران سچفا در آمریکا، در یکی از میزگردهای این برنامه تحت عنوان "موقعیت زنان قبل و بعد از انقلاب" در کنار زنان نماینده میسیون های اتحاد جماهیر شوروی، کوبا، نیکاراگوئه، کنگره ملی آفریقا، A N C و نماینده‌ای از جنبش مشرقی گراناادا، موقعیت زنان ایران را در نظام جمهوری اسلامی تشریح نمود. رفیق سخنان بحث نمود را با تشریح نقش فعال و انقلابی زنان طوسی

دوران مبارزات مردم ایران برای سرنگونی رژیم منفور شاه آغاز کرد و به تشریح مشکلات زنان در سازماندهی انتخابات معلمین، کارکنان و ساکنان ارتباط جمعی، پرستاران و ... پرداخت. آنگاه با تکیه بر این معیار که "آزادی هر جامعه توسط درجه آزادی زنان در آن جامعه محک زده میشود"، نقش گام به گام حقوق زنان در ایران را که مقدمه‌ای بر تقاضای حقوق دمکراتیک کل جامعه و دست‌آوردهای انقلاب بشمار میرفت، مورد تحلیل قرار داد. در این بخش، پیوسته به قوانین قرون وسطائی جمهوری اسلامی، و نقش درجه دوم زن در جامعه اشاره شد.

سپس بخشهایی از نامه گروهی از زنان مبارز ایران که به تشریح موقعیت عینی و روانی زنان در ایران پرداخته بود، نقل گردید. بخش‌هایی این سخنرانی به تشریح دیدگاههای جنبش چپ ایران پیرامون جنبش زنان اختصاص یافت و این نکته مورد تاکید قرار گرفت که چپ ایران در آغاز بسط و پتانسیل انقلابی زنان ایران کم بهاداد و اصولاً نسبت به مسئله زن و مبارزات و خواسته‌های دموکراتیک زنان، عقب ماندگی بینشی و سیاسی نشان داد. ولی اینک چپ انقلابی و متضاد زنان مارکسیست - لنینیست با برخوردی انتقادی و فعال نسبت به این مسئله مهم پرداخته و با کتب تجزیه از کمبودها و اشتباهات گذشته، جنبش زنان میروود که جایگاه درخور خویش را باز یابد. و این متحقق نمیشود مگر با شرکت و تشکیل وسیع و نو ده‌ای و آگاهانه خود زنان. در پایان، اذاعه سکوت برجسی از نیروهای بین المللی پیرامون جنایات جمهوری اسلامی با شرکت در این جنایات مترادف شد. و نقش جنبش همبستگی بین المللی با جنبش زنان و جنبش انقلابی ایران، مورد تاکید قرار گرفت.

این سخنرانی مورد استقبال بی سابقه شرکت کنندگان در میزگرد (Panel) رویرو گردید و از نماینده هواداران سچفا در آمریکا برای شرکت در چند سمینار و سخنرانی دیگر دعوت بعمل آمد.

در آکسیون دیگری که از سوی سازمان زنان رادیکال (Radical Women) در دانشگاه نیویورک برگزار گردید، نماینده سازمان آمریکا در کنار نماینده جنبش زنان السالوادور و نماینده کنگره ملی آفریقا (ANC) به تحلیل وضعیت زنان در جمهوری اسلامی پرداخت. ***** مراسم که از طرف Alliance Against Oppression of Women (اتحاد علیه ستم

بر زنان) ترتیب یافته بود، فرصت دیگری را برای نماینده سازمان آمریکا در نیویورک فراهم ساخت. در این مراسم نیز موقعیت زنان در ایران مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به سرکوب وحشیانه حقوق زن در جمهوری اسلامی، و ماهیت تحلیلی و افشاگرانه سخنرانی‌های فوق و استقبال بی‌سابقه شرکت کنندگان، برای نخستین بار زمینه بسیار جدی تری برای رشد جنبش همبستگی بین المللی با زنان ایران در این منطقه، فراهم گردیده است چنانکه استقبال گروهها و نیروهای مختلف بی‌سابقه بوده است.

آلمان

تموند

روز ۲۱ مارس در تموند آلمان برای همبستگی با انقلاب نیکاراگوئه، تظاهرات موفقیتی برگزار شد. تعداد شرکت کنندگان در تظاهرات قریب ۱۰۰۰ نفر بود. این تظاهرات به همت اتحادیه عمومی و دانشجویان دانشگاه در تموند و مدرسه عالی فنی در تموند (Fachhochschule) برگزار شد. در این تظاهرات نیروهای مختلف آلمانی و خارجی از جمله رفقای راه انقلاب ترکیه، KPD از آلمان (حزب کمونیست آلمان) همچنین نیروهای دیگر شرکت نمودند. در این تظاهرات روزنامه (Iran in Kaput) نشریه آلمانی هواداران سچفا در آلمان فدرال بین تظاهر کنندگان بخش شد و از آنجا که این شماره از نشریه مختص به روز ۸ مارس روز جهانی زن بود، مورد استقبال شدید نیروهای مترقی قرار گرفت. در حین تظاهرات همپلور شمارهایی به حمایت از انقلابیون السالوادور (FDR/FMLN) و همچنین بر علیه حکومت جنایتکار ترکیه داده شد. در پایان تظاهرات که در جلوی تئاتر شهر در تموند برگزار شد سخنرانانسی از السالوادور، نیکاراگوئه و اتحادیه کارگری آلمان به حمایت از نیروهای انقلابی آمریکا لاتین سخنرانی نمودند. در شب این روز نیز مراسمی در مدرسه عالی فنی در تموند برگزار شد که مورد استقبال واقع گردید.

با هم در حوالی روز بین المللی زن، همه جا مراسم بزرگداشت این روز در اثبات حقانیت مبارزات زنان به چشم میخورد. سخن از زن است، زنی که زخم سالها ستم مضاعف را بر دوش دارد، زنی که بقول رفیق "مرضیه"، "در سینه اش دلی آکنده از زخم - های چرکین خشم است". امسال در شرایطی بقیه در صفحه ۲۲

گزارشهای از برگزاری مراسم عید نوروز سال ۱۳۶۳

آمریکا

لوس آنجلس

در روز جمعه ۲۳ مارس سازمان دانشجویان ایرانی در جنوب کالیفرنیا هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و کمیته کردستان سال جدید را با امید به پیروزی زحمتکشان ایران جشن گرفتند. این برنامه ساعت ۷/۵ بعد از ظهر با یک دقیقه سکوت بیاد شهدای خلق آغاز شد و در طی آن پیام نوروزی، ترانه های مترقی از خلقهای ایران، نمایش صدا و تصویر، نمایش میان پرده و دکلمه اجرا گشتند.

بعد از تنفس شام، نمایشنامه "تعمیر مستقیم" که در افشای آزادی خواهان دروغین و ضد انقلاب مغلوب تنظیم شده بود، بسرو برده آمد و برنامه پایان یافت.

در خارج از سالن هواداران نیروهای سیاسی مترقی، با گذاشتن میز و پخش نشریات به تبلیغ نظریات خود می پرداختند. هواداران مجاهدین با غیبت سیستماتیک خود در آکسیونهایی که هواداران سلفها در این شهر برگزار میکنند، ناراضی بودند را نسبت به اینگونه برنامه ها نشان دادند.

توسان

در روز یکشنبه ۲۵ مارس رفقای هواداران سازمان همراه با سایر افراد مترقی ایرانی برنامه نوروز را بصورت دمکراتیک در شهر توسان واقع در ایالت آریزونا برگزار کردند. در این مراسم حدود ۸۰ نفر از ایرانیان و سایر ملیتهای دیگر شرکت کرده بودند. ابتدا برنامه با اعلام یک دقیقه سکوت بیاد شهدای خلق آغاز شد و با قرائت یک مقاله کوتاه از اوضاع ایران در مورد مذبذبانهای انقلابی و ضد انقلابی ادامه پیدا کرد. همچنین برنامه شامل یک اسلاید شو از نوروز خلقها در ایران، دکلمه شعر "چهار حرف" رفیق سعید سلطانپور، نمایشنامه کمدی انتقادی از اوضاع مفت خواران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی و چند ترانه مترقی بوسیله یک گروه آمریکای لاتین همراه بود. این برنامه با استقبال شرکت کنندگان روبرو گردید.

برنامه تعدادی از رفقای "کانون هنری" کنسرت موسیقی اجرا کردند که با استقبال تماشاگران روبرو شد.

آمریکا - رالا

رفقای هواداران سازمان با همکاری هواداران ارتش رهاشیکس در این شهر برنامه مید مشترکی را برگزار نمودند. در این برنامه علاوه بر نمایش فیلمی از کردستان و قرائت چند پیام، چند سرود انقلابی نیز اجرا گردید.

آطریش

اینسبورگ، برگزاری مراسم نوروز از سوی هواداران سلفها در اینسبورگ در تاریخ ۱۷ مارس ۸۴ از سوی هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در اینسبورگ، مراسمی بمناسبت فرارسیدن سال نو برگزار گردید. این مراسم شامل (۱) پخش اسلاید بزبان آلمانی که تحلیل رویدادهای ایران از ۲۸ مرداد ۳۲ تا مقطع کنونی بود، بسیار مورد توجه حاضرین در جلسه قرار گرفت. (۲) مقاله در تشریح اوضاع کنونی جامعه ایران و نظرات سازمان در این مورد، (۳) اجرای ترانه های فولکلور با لباسهای محلی، (۴) دکلمه ای از ناظم - حکمت به زبان آلمانی، (۵) اجرای چند سرود انقلابی توسط گروه کر، (۶) اجرای چند سرود کردی و (۷) در آخرین قسمت موسیقی ایرانی که اجرای چند تصنیف انقلابی و چند ترانه محلی را دربر میگرفت که شور خاصی به جشن بخشید. این برنامه با تشبک و سنشور اجرا گردید و مراسم با تشبک و حاضرین و با موفقیت به اتمام رسید.

وین

در تاریخ ۲۳ مارس ۸۴ مراسمی هنری-سیاسی از سوی سازمان دانشجویان ایرانی در وین - آطریش، هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در شهر وین برگزار شد. برنامه ها شامل: تحلیل اوضاع ایران و مواضع سلفها به زبان های فارسی و آلمانی، اجرای چند سرود انقلابی، اجرای چند دکلمه به زبان آلمانی از سعید سلطانپور، ناظم - حکمت و چند شاعر کمونیست آمریکای لاتین و آطریشی، اجرای دکلمه، شعر "من یک زن" از فدایی شهید، مرضیه احمدی اسکوتسی بمناسبت روز زن به زبان آلمانی توسط یکی از رفقای زن، اجرای موسیقی ایرانی همراه با تشبک و سنشور در دو قسمت، قسمت اول شامل اجرای تصنیف های انقلابی و قسمت دوم

ترهوت

روز یکشنبه اول آوریل ۸۴ در ساعت ۷ بعد از ظهر در شهر ترهوت (ایتدیانسا)، مراسم شب جشن نوروزی از طرف هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران ارائه گردید.

این برنامه شامل پیام نوروزی به زبانهای فارسی و انگلیسی، دکلمه به زبان انگلیسی، تقاضا (در رابطه با افشاگری از رژیم حاکم و چگونگی فشار و اعتناق و اعدام و... در ایران)، برنامه سیاسی - فکاهی به زبانهای فارسی و انگلیسی دکلمه به زبان فارسی برگزار شد. در این

اجرای چند ترانه محلی که بسیار مورد توجه و تشویق حاضرین در جلسه قرار گرفت.

در آخرین قسمت برنامه تئاتری به نام شورا که مروری بر اوضاع ترکمن صحرا، قبل و بعد از قیام و تاریخچه شکل گیری و برپایی شوراهاى خلق ترکمن و نقش رفیق توماج و همزمان و بالاخره سرکوب آن توسط ارتجاع بود، از سوی کمیته هنری سازمان دانشجویان ایرانی در وین بروی صحنه آمد.

این تئاتر که نزدیک به یک ساعت بطول انجامید، سیکی جدید در تئاتر همراه با نور و صدا و پخش انلاید و فیلم را برای اولین بار اجرا می نمود که توجه بسیار حاضرین را بخود جلب و مورد تشویق و استقبال قرار گرفت. همچنین در اسپین مراسم ۲ پیام از طرف سازمان راه کارگر و توسط خود رفقا و دیگری از سوی هواداران ارتش رهاشبیختن ترکیه در اطریش قرائت گردید. برنامه ها با شور فراوان حضار که قریب ۲۰۰ نفر میشدند با موفقیت کامل به اتمام رسید.



انگلستان

اخیرا سفارت رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی دعوتنامه هاى به آن دسته از دانشجویانی که ارز دریافت میکنند و دوره فوق لیسانس یا دکترای خود را میگذرانند، فرستاده و آنان را به شرکت در جشن پنجمین سالگرد "پیروزی انقلاب اسلامی" که در روز جمعه سوم فوریه در سفارت برگزار میشود، دعوت نمود. ضمنا یکی از نکات قیید شده در دعوتنامه این بود که دانشجویان همچنین میتوانند با مسئولین سفارت در رابطه با آینده شغلی خود در ایران مشاورت کنند. دانشجویان مبارز هموادار سازمانهای مختلف از جمله هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران پس از اطلاع از این موضوع، دسته به دسته یک تظاهرات

ایستاده همزمان با برگزاری جشن در سفارت زدند. در این تظاهرات ایستاده قریب به هفتاد نفر شرکت کردند که با افشای موفقیت رژیم پهلویان رسید.

"به نقل از خبرنامه شماره ۶، نشریه سازمان دانشجویان ایرانی در انگلستان، اسکاتلند و ولز، هوادار سفعا"

سوئد

استهکلم

در تاریخ ۸۴/۳/۲۲ در جشنی که بمناسبت فرارسیدن بهار از طرف سازمان دانشجویان ایرانی در استهکلم، هوادار سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و با همکاری دیگر نیروهای مترقی ایران انجام پذیرفت، بالغ بر ۲۵۰ نفر شرکت کردند.

این جشن که تحت عنوان "بهار کارگران و زحمتکشان ایران گرامی باد" برگزار شد، شامل برنامه های ذیل بود:

قراحت یک مقاله فارسی در رابطه با موقعیت جنبش انقلابی و وضعیت نیروهای سیاسی در ایران، قراحت یک مقاله سوئدی، اجرای تئاتر، اجرای برنامه سیاسی - اقتصادی

آن از طرف برگزارکنندگان جشن به اجرا درآمد که مورد استقبال شدید حضار قرار گرفت.

رفقای کرد ترکیه هوادار PKK (حزب کمونیست کردستان) و رفقای آمریکای لاتین با اجرای سرودها و آهنگهای انقلابی، همبستگی خود را با مبارزات خلقهای ایران اعلام داشتند.

در این جشن همچنین حاجی فیروز، کر سرودهای انقلابی ایرانی، رقسم و ترانه های محلی ایرانی بمرحله اجرا درآمد. قابل توجه است که برگزاری جشن عید از طرف هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و هواداران وحدت کمونیستی، تاثیر بسیار مثبتی بر روحیه ایرانیان و خارجیان مقیم شهر گذاشت.

در این جشن تعدادی بیش از ۲۰۰ (چهار صد) تن از ایرانیان و خارجیان شهرو کوتینگن و شهرهای اطراف شرکت داشتند.

ماینز

در شهر ماینز این مراسم بوسیله کلیه نیروهای درون جنبش دانشجویی در حضور بیش از ۸۰۰ نفر شرکت کننده برگزار گردید. در این شب که نمایش عظیمی از اتحاد جنبش دانشجویی در این شهر بود سعی شد تا گوشه هایی از فرهنگ مترقی خلقها که همه روزه بوسیله رژیم جمهوری اسلامی سرکوب میگردد، بنمایش گذارده شود. لازم به یادآوری است که هواداران مجاهدین و دیگر نیروهای شرکت کننده در "شورای ملی مقاومت" در این مراسم شرکت نداشتند.

برلن غربی

بمناسبت فرارسیدن نوروز و گرامی داشت این سنت تاریخی زحمتکشان میهنان، هواداران سازمان در آلمان با برگزاری مراسم ویژه ای به استقبال بهار زحمتکشان میروند.

فریدبرگ

در شهر فریدبرگ نیز مراسم ویژه ای بوسیله هواداران سازمان و ایرانیان مترقی در این شهر که در "انجمن فرهنگی شهر فریدبرگ" متشکل گردیده اند، اجرا گردید.

برلن غربی

در تاریخ ۶ آوریل در برلن غربی مراسم نوروزی بوسیله هواداران سازمان، هواداران راه کارگر و هواداران چریکهای فدایی خلق (ارتش رهاشبیختن) برگزار شد.

رفقای هوادار سازمان در شهر دارمشتات مراسم بزرگداشت نوروز را در تاریخ ۱۲ آوریل برگزار نمودند.

بقیه در صفحه ۲۴

حاجی فیروز، اجرای موسیقی و آواز ایرانی، دکلمه چند شعر از رفیق شهید، فدایی خلق سعید سلطانپور، شاعر زنده باد و انقلابی بهمراهی نمایش انلاید از ایران و دکلمه چند شعر مترقی دیگر، اجرای کر فارسی.

آلمان - کوتینگن

از طرف هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و هواداران وحدت کمونیستی، در روز جمعه ۸۴/۳/۲۲ مراسم باشکوهی بمناسبت فرارسیدن عید نوروز در شهر کوتینگن برگزار گردید.

در این مراسم ابتدا مقاله هاکی به زبانهای آلمانی و فارسی در افشا جنایات رژیم فداخلفی جمهوری اسلامی قرائت گردید. سپس پانزومینی در چگونگی شکل گیری رژیم جمهوری اسلامی و سیاستهای ضد انقلابی

دیدگاهها



بمنتظر بهشبرد امر مبارزه ایدئولوژیک و طرح مسائل مورد بحث در سطح جنبش انقلابی در هر شماره "جهان" مقاله یا مقالاتی در این رابطه درج خواهد شد. بدیهی است که مواضع اینگونه مقالات الزاماً با مواضع "جهان" یکی نخواهد بود.

انقلاب آقای رجوی در علم و فلسفه! : نقدی بر کتاب تبیین جهان

تحولات و واقعیات، روشن شده و انسان از این طریق راه پیدا کند. (۴) برخلاف ادعای ایشان در بسیاری از سوره‌های قرآن خدا خالق آسمانها، زمین، و هر آنچه بین ایندوست، آورده شده است. (۵) در این سوره‌ها هم پدیده‌ها بدون ارتباط با هم بطور مجزا توصیف شده و هم پیدایش آنها بطور خلق الساعه و ایستا بوده‌اند (بهون تغییر در زمان). بعنوان نمونه میتوان سوره‌های زیبا را که در آنها خدا با مکانیم "امر" و داشتن پلان (Blue Print) "مخلوقات" با ترانسفورمسیون مواد ساختمانی اولیه (آب، دود و گل) به کار خلقت همت می‌کمارد، نمود:

آسمانها و زمین پیوسته بود و از هم بازتان کردیم و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم... و در زمین لنگرها کردیم که نلرزاندتان و در آن دره‌ها و راه‌ها کردیم شاید آنها هدایت یابند. آسمانرا سقفی محفوظ کردیم... و شب که شب و روز را آفریده با خورشید و ماه که هر یک در فلکی شناورند. (۶)

و با: "تنگاه با آسمان پرداخت که بخاری نبود... و بدور روز آنرا هفت آسمان کرد و بهر آسمانی فرمان خویش وحی کرد و آسمان نزدیک را به چراغها بیماراستیم و آنرا محفوظ داشتیم. این نظم خدای نیرومند دانست. اگر روی بگردانند، بگو: من شما را از ماعقهای نظیر ماعقه عاود- نمودیم میدهیم. (۸)

نکات زیر از "عنصر فلسفی- ادراکی" در این دو سوره چشم می‌خورند:

- ۱- هر چیز زنده‌ای... از آب "نیامده، بلکه در آب، بعنوان محیط زیستی از طریق پیدایش مولکولها و ارگانیسمهای میکروبیعد ماکرو تا ماهیان که بعداً به خشکی و هوا آمده، بوجود آمده است.
- ۲- "دره‌ها و راه‌ها" ممنوع نیروهای طبیعی مانند باران، سیل و انسانها میباشد.
- ۳- با وجود "لنگرها" باز هم زمین لرزه، زلزله و آتشفشان اتفاق می‌افتد.
- ۴- خلقت آسمانها (غلا) و اصول خلقت هیچ چه معنی دارد، نیز تنها جو زمین آنهم نه از ابتدا بخار آلود بوده و از "آسمان بخار" نبوده و غلا میباشد. دیگر اینکه آسمان "سقف" (صفحه) نبوده و فضای سه بعدی است که در آن ستارگان (و سه "چراغها") در فواصل متفاوت از خورشید (ونه زمین) بخاطر نیروی جاذبه در حرکت و کون و فسادند. عدد ۷ در آسمانهایی

مقدمه

در مقاله گذشته با تشریح سیستم التقاطی مجاهدین در مورد پیدایش جهان، تناقضات آنرا با اسطوره‌های سامی از یک طرف و نظریات علمی مربوطه از طرف دیگر نشان دادیم. ما در اینجا، برخلاف "تعبیرات" مجاهدین که تنها از بخش‌های بخصوصی از قرآن (۱) و علوم جدید سود می‌جویند، تلخیمی از روایات مختلف انسان با استناد به همه سوره‌های مربوطه در قرآن، احادیث و آثار مفسرین الهیات اسلامی را، با تئوریهای علمی مربوط به پیدایش انسان مقایسه می‌کنیم. از آنجائیکه آقای رجوی نظریات علمی در مورد تکامل انواع روی زمین را ولگاریزه کرده است ما را شاگرد هرچند نموده هرچند کوتاه، تاریخچه تئوریک تکامل، تکوین فیزیکی زمین، پیدایش حیات، مکانیم تغییر انواع و پیدایش انسان را تشریح نمی‌کنیم. سپس در ادامه این بحث به سیستم التقاطی مجاهدین در مورد پیدایش انسان که در اسطوره‌های مذهبی با مقوله روح همزاد است و "جهت داری تکامل" برخورد کنیم. چرا که آقای رجوی در ۸۷۲ صفحه کتاب "تبیین جهان (قواعد و مفهوم تکامل)" مقوله روح را که پایه اصلی ایده‌آلیسم مذهبی بطور عام و توحید - نبوت - تعاد ایشان بطور خاص است، گویا سهواً از قلم انداخته‌اند!

خلقت انسان مطابق قرآن

طبیعت به لاطین Natura، یونانی Physis و عربی طبیعه از ریشه طبع میباشد. در قرآن طبیعه بکار برده نشده، ولی "طبع" چندین بار آمده و مفسرین اسلامی آنرا بمعنای "برده" ای که انسان (مخلوق) را از خدا (خالق) جدا میکند، تعبیر کرده‌اند. فخر رازی در "تفسیر کبیر" این تکه از سوره "بل طبع الله" (۲) را هم با همین تعبیر آورده است. این نشان میدهد که در قرآن دانش طبیعی در سطح حسی (بصری) مانده و به مرحله آبستراکسیون یا تعمیم نمیرسد. یعنی با شیوه متافیزیکی اجزاء طبیعت جدا جدا و بطور تکراری نامبرده میشوند و طبیعت در کل و بصورت عام مد نظر قرار نمیگیرد. و این درست نقطه مقابل برداشت آقای رجوی از "روش قرآن در رابطه با شناخت و تبیین جهان" (۳) میباشد. چرا که آقای رجوی معتقد است که قرآن در حیطه مشهودات و محسوسات متوقف نمی‌ماند، بلکه با نیروی تعقل دست به تبیین میزند. یعنی بعد از مشاهده واقعیات، بذکر، یادآوری تفکر، تدبر، تعقل و تبیین فرا میخواند تا مفهوم، مفهون و جوهر ففایا و پدیده‌ها، به عبارتی همان فلسفه حرکات و

لابتکناهی ناچیز است. آراستن آسمان نزدیک (نزدیک به زمین) یا آسمان اول (محاط بر زمین) به چراغها دیدی ابتدائی در شبهای پر ستاره کویرهای عربستان میباشد.

۵- همانطوریکه بر واضح است "شب و روز" دو پدیده جدا نبوده، بلکه از طریق گردش محوری زمین بدور خورشید حاصل میگردد.

۶- در ارتباط با خورشید و ماه تنها "حرکت" ظاهری خورشید دور زمین آنرا شبیه ماه ملاحظه نمود. تنها حجم خورشید میلیونها برابر بزرگتر از ماه میباشد. اینگونه ارزیابی سطحی قرآن از خورشید و ماه ناشی از شناخت حسی حاکم در ۱۴۰۰ سال پیش که زمین را مرکز عالم میپنداشتند، میباشد.

۷- خلقت ارگانها از طریق "امر" (بطور خلق الماده) و دید ایستا نسبت به آنها (تفسیر ناپذیر) و جداگانه (غیر تکاملی) مطابق اسطوره‌های سامی میباشد.

توجه شود که در انتهای سوره دوم، هشدار داده میشود که اگر این احکام را که "نظم خدائی" نام گرفته است (خدائی نیرومند و دانا!) نپذیرید، شما را با ماعنه تبدیل به سنگ خواهم کرد (تهدید و ارباب، برای انسان جاهل و ناآشنا با علل پدیده‌ها، منطق چنان!) خواننده خود میتواند تفاسیر توجیهات آقای رجوی را برای علمی جلوه دادن گفته‌های قرآن و این احکام که پشتوانه خود را برخلاف نظر ایشان نه بر مبنای تعقل، تفکر، تدبیر، و تبیین، که بر تهدید و ارباب‌نهاد است، دریابد. شک نیست که همین شیوه برای انسانها شکیه شناختی بسیار سطحی و جزئی از محیط و پدیده‌های پیرامون خود داشتند کارگر می‌افتند. اما برای انسان قرن بیستم چه؟

در سوره‌های دیگر خلقت زمین، تحت تاثیر تورات و انجیل و با امپرسیونیتهای محیط کویر شبه جزیره چنین آمده است: "زمین را بمانند فرشی ساختیم." و "با زمین را بستری و کوهها را میخها کردیم و شما را شرو ماده آفریده‌ایم و خلقتنشان را آرامشی و شب را پوششی کرده‌ایم و روز را (وقت) معاش کرده‌ایم و بالای شما هفت (آسمان) را محکم ساخته‌ایم و در آن چراغی فروزان نهاده‌ایم و لذا ابرهای باران زیر آیین فراوان نازل کرده‌ایم تا دانه و گیاه و باغهای انبوه بدان برآید." (۹) تاکیدات از ماست.

لازم است که با توجه به شناخت امروزین انسان از پدیده‌های مورد اشاره در این عبارات، توضیحاتی بیفزاییم:

۱- برخلاف تصور قرآن، زمین "فرش" سطح نبوده و یک کره است.

۲- کوهها از تصادم پهنه‌های کروی ساختاری (بقیبت‌بند این مقاله رجوع کنید) پوسته زمین پیدا شده‌اند. مثلا کوههای هیمالیا از تصادم شبه قاره هند با آسیا نزدیک به ۶۰ میلیون سال پیش شکل گرفتند.

۳- "آیین فراوان نازل کرده‌ایم" دیدی یکسو بوده چرا که با پیرویه نزول باران آبهای زمین داشما افزوده خواهد شد، در حالیکه سیکل بسته تبخیر - ابر باران - تبخیر مقدار آب را با جو تقریباً ثابت نگاه میدارد.

۴- "دانه و گیاه ها و باغها" همانقدر به آب احتیاج دارند که به خاک و خورشید! دیگر اینکه مطابق ادعای اراده‌گرایانه قرآن چرا در عربستان که - به آب احتیاج بیشتر دارد - باران کمتر "نازل" میشود و در انگلستان زیادتر؟! در مورد حیات، قرآن چیزی مستقیماً نمی‌گوید، معذراً خلقت آدم، عالی‌ترین شکل حیات، در ۴۶ سوره آمده است. (۱۰) در برخی

سوره‌ها، تحت تاثیر تورات و انجیل، متشابه آدم خاک میباشد. (۱۱) و در جاهای دیگر انسان از آب آفریده شده است. (۱۲) و - سرانجام در پاره‌ای از سوره‌ها، با تجربیات بصری عامیانه از گوشت و استخوان نام برده میشود. (۱۳) همچنین تناخ و قدرت حیات (دمیدن روح) و ممات (که اکنون امراض و شهادت مهلک شناخته شده‌اند) در دست خداست. "وقتی بمردید و خاک و استخوان شدید، (از گور) بیرون میشوید." (۱۴) دیگر اینکه مواد اولیه برای خلقت آسمان، زمین و انسان بلسان قرآن چنینند: "طنین الازب" یا "گل رس" "طلمال" یا لای، "الماء" یا آب، "غمام" یا ابر، "دخان" یا دود، "طنین" یا گل، "سراب" یا گردو "العمل" یا بار. بطور خلاصه مواد ساختمانی موجود در صحرای و حومه، قرا، عربستان برای خلقت کهکشانها، منظومه شمسی و موجودات زنده بکار برده شده است. بگذریم که این مواد ساختمانی خود نتیجه تکامل فیزیکی - شیمیایی گازهای اولیه بودند، یعنی در محور زمان، اینها پدیده‌های جدیدتر بوده و نمی‌توانند برای پدیده‌های قبلی بکار برده شوند (معلول نمی - شود زودتر از علت بیاید). نیروی تغییر هم "امر" است که مواد اولیه ساختمانی را با ترانسفورمسیون به اجسام و موجودات تبدیل میکند که به دومی "روح" هم اضافه میشود. ما در مقاله بعدی به مقوله "روح"، که آقای رجوی در کتابشان از فلسف انداخته، برخورد خواهیم کرد. اینکه "عنصر فلسفی - ادراکی" قرآن در سطح حسی بوده، بقول دکتر مجید علی خان، بی شک دکماتیکست سلطان هندی از نوع آقای رجوی، "در قرآن توضیح روشنی در مورد پدیده‌های علمی متعدد وجود ندارد. زیرا دیدگاه قرآن علم یا فلسفه نیست." (۱۵) بنابراین "عنصر فلسفی - ادراکی" اسلام متعلق به عهد عتیق بوده که حتی "تعبیرات" آقای رجوی هم کتکی به این "عنصر مرده" نکرده و فقط نظریات علمی را ولگاریزه کرده است.

تاریخچه تئوری تکامل

مذهبات مدیدی بود که انسانهای اعمار مختلف در چین، بابل، مصر، هند، ایران، یونان و رم، بر اساس مشاهدات سطحی و مستقیم معتقد بودند که زمین سطح و بیحرکت مانند "فرشی" (۱۶) بر نقش و نگار بوده، خورشید (با طلوع از شرق و اقول در غرب) بدور آن میچرخد و برخی اشکال حیات (حشرات، کرمها، ماهیان، پرندگان و موث) بطور خلق الساعه از لجن، پهن، گل و دیگر مواد غیرحیاتی خلق میشوند. از این نقطه نظر پیدایش خلق - الساعه حیات تنها یک مثال از تجلیات قوای خلاق خدا - یگان و شیاطین انگاشته میشد. در تورات، انجیل و قرآن در محیط پیدایش خلق الساعه حیات از اسطوره‌ها و فولکلور مصری، مصری، بابلی، یونانی، ایرانی و عربی استفاده شده است. آثار این عذرا، بصیل کبیر، اگوستین قدیس و نزاللی بعنوان اتوریته‌های ائمن مبحث مورد قبول پیروان ادیان سامی میباشد. (۱۷)

بیش از صد سال پیش تغییر در جهان بینی بشر نسبت به طبیعت اتفاق افتاد. این تغییر خود ایده تغییرات بعدی بود. تا آن زمان اسطوره‌های خلقت جهان اقوام بدوی و مذاهب سامی با نظریه ایستا در مورد جهان مبتنی بر اینکه بمجرد خلقت جهان، دیگر تغییری در آن حاصل نشد و مدت کوتاهی (حدود شش هزار سال) از خلقت جهان میگذرد، مورد قبول همگان بود. درک اینکه جهان ایستا نبوده، بلکه بطور همیشگی در حال تغییر است و اینکه نوع انسانها نتیجه تکامل است یک اثر بنیانی بر شناخت انسان گذاشت. برای نخستین بار بود که بشر بطور سیستماتیک دریافت

که زمین با موجوداتش در زمانی بسیار طولانی - که از پیش‌تعمین و برنامهریزی نشده - تکامل یافته است. زمین در تغییرات - اتفاقی از طریق پیروسی‌های طبیعی مطابق قوانین علمی محیط زیستی با ارگانسیمها که در آنها نیز تغییرات اتفاق می‌افتد (موتاسیون) اتفاق می‌افتد در تقاد قرار گرفته که حل آن بسته تکامل انواع و بقای حیات از طریق انطباق با محیط منجر می‌گردد. گذار از نظرات متافیزیکی به علمی را می‌شود در نظرات لامارک در چهار فرض زیر بوضوح دید:

- ۱- تلاش ذاتی ارگانسیم بسوی کمال .
 - ۲- ظرفیت ارگانسیمها در انطباق با شرایط (محیطی)
 - ۳- تکرار بی‌دریغی پیدایش خلق الساعه ارگانسیمها
 - ۴- ارشی شدن خصایل اکتسابی بصورت صفات ظاهری .
- می‌بینیم که فرض اول لامارک همان "سیر و جهت‌گیری همه اشیا" در جهت خدا یا کمال مطلق" (۱۸) آقای رجوی بسوده و فرض چهارم هم بر اساس داستان یعقوب در اسطوره‌های سامی است که در سفر پیدایش تورات هم آمده است. (۱۹) البته اکنون ثابت شده است که فرضهای لامارکی پایه میباشند. سرانجام با استور در ۱۸۶۲ با آزمایشات بیگنر خود ثابت کرد که تشکیل خلق الساعه ارگانسیمهای میکرو از مخلولهای آلی غیر ممکن می‌باشد.
- در مقابل تکامل عمودی (زمانی) لامارک، تکامل افقی (مکانی) داروین بر اساس مشاهداتش فرموله شدند. در اینجا تکامل بیمنتای تغییر مداوم و تدریجی انباشته شده موتاسیونهای جزئی همراه با گذار آهسته در صفات فیزیکی افراد یک جمع در یک محیط متغیر می‌باشد. داروین در ۱۸۵۹ تئوری تکامل خود را بقرار زیر فرموله کرد:

- ۱- تکامل پیروسی در زمانی طولانی است .
- ۲- جهان دائماً در حال تغییر و تکامل می‌باشد .
- ۳- یک مبدأ مشترک در حیات وجود دارد .
- ۴- تکامل از طریق انتخاب طبیعی روی داده است . (۲۰)

در سالهای ۱۸۶۰ بعد از قوانین شفتیک و شوچ را بر اساس ژنهای ناقل در وراثت ژنتیکی از والدین به نوزاد فرموله کرد. اصولاً در علوم بسیاری از اکتشافات، اختراعات و نظریات در انحصار یک فرد نبوده، بلکه بطور همزمان یا در فواصل کوتاه و مستقل چند دانشمند به پاسخهای واحد برای پرسشهای طبیعی می‌رسند. نمونه برجسته این رویداد نظریات والاس در مورد تکامل اندک که بطور مستقل و همزمان به یافته‌های داروین بسیار نزدیک می‌باشند. برعکس در مذهب، "عنصر فلسفی - ادراکی" نبی در انحصار خود او می‌باشد و تجربیات او برای دیگران قابل ردیابی نمی‌باشد. سرانجام، انگلس در سالهای ۱۸۷۰ با نوشتن کتاب "دیاکتیک طبیعت" نشان داد که حیات ابدی نبوده و بطور خلق الساعه پیدا نشده، بلکه در پیروسی ماده در هر جا و هر زمان، با شرایط لازم، تکوین پیدا کرده است تا این زمان فلسفه "در خدمت دین" بود و مسائل علوم طبیعی به کنار گذارده می‌شدند. مطالعه طبیعت، نه بصورت مشاهدات و تجربیات، بلکه بشکل مطالعه کتب مقدس سامی و دیگر نوشته‌های مذهبی فلسفاد میشد. بقول لنین "اسکولاستیکها و مبلغین مذهبی از ارسطو بجای عنصر زنده (در مطالعه طبیعت) عنصر مرده (نظرات اسپیکولاتیو) را گرفتند." (۲۱) در دهه‌های اخیر هم دانشمندان صاحب جایزه نوبل چون خورانا، واتسون و کریک با مطالعه پدیده‌های میکرو، شناخت پایه‌های ژنتیکی پدیده‌های ماکرو را میسر گردانیدند. این شناخت در گیاهان (حبوبات و میوه‌جات) و برخی جانسوران بکار گرفته شده تا برای تغذیه برخی صفات آنها را بهبود

بخشند. منابع اطلاعات ما در مورد تکامل بقرار زیرند:

- ۱- علوم تجربی، منطق و آثار دانشمندان کشورهای مختلف .
 - ۲- اوضاع طبیعی فعلی روی زمین .
 - ۳- بیوشیمی ارگانسیمهای موجود .
 - ۴- فسیلهای جمع‌آوری شده در موزه‌ها .
 - ۵- مطالعه صخره‌ها و رسوبات غیرآلی زمین .
 - ۶- پیروسی رشد جنینی حیوانات ■
- "ب- ر"

منابع

- ۱- رجوی، تبیین جهان، ج ۲، ص ۱۲
- ۲- ترجمه پاینده، قرآن، ۴: ۱۵۵
- ۳- رجوی، همانجا، ج ۲، ص ۷
- ۴- همانجا، ج ۲، ص ۱۱
- ۵- قرآن، ۲۸۲، ۱۱۷-۱۱۶، ۲: ۲۹، ۷۳، ۱۵، ۱۲، ۴: ۳، ۱۶، ۳۲، ۲: ۱۹، ۱۴، ۱۰، ۱۲، ۲۶، ۲۹، و بسیاری جاهای دیگر
- ۶- همانجا، ۳۳-۲۱: ۳۰
- ۷- قرآن، ۱۲-۱۰، ۲۱: ۱۰
- ۸- همانجا، ۱۶-۶، ۷۸: ۶-۲۰، ۸۸: ۱۹-۲۰، ۲۰: ۵۲
- ۹- همانجا، ۲۲، ۲۶، ۱۵، ۱۸۹، ۱۲، ۱۱، ۷: ۱۱، ۱۲۳، ۲: ۱، ۶: ۲
- ۱۰- همانجا، ۵۵، ۷۱، ۲۸، ۱۱، ۲۵: ۱۱، ۲۰، ۳۰، ۳۰، ۱۸: ۲۷، ۳: ۵۹
- ۱۱- همانجا، ۵۲: ۲۵
- ۱۲- همانجا، ۱۶-۱۲: ۲۳
- ۱۳- همانجا، ۳۵: ۲۳
- ۱۴- مجید علی‌خان، (۱۹۷۸)، اسلام در مورد منشاء و تکامل حیات، دهلی، ص ۵-۱۶۴، ص ۲۰۷
- ۱۵- قرآن، ۵۳: ۲۰، ۱۰: ۲۳، ۵۱: ۲۸، ۲: ۲۲، ۷۱: ۱۹
- ۱۶- اوپازین (۱۹۶۸) پیدایش و رشد تکاملی حیات، نیویورک
- ۱۷- رجوی، همانجا، ج ۶، ص ۲۸
- ۱۸- کریور، پاتای (۱۹۸۳) اساطیر عبری، نیویورک، ص ۲-۲۲۱
- ۱۹- وولپ (۱۹۷۷) تفهیم تکامل، ایووآ
- ۲۰- لنین، پادداشتهای فلسفی

بقیه از صفحه ۱۰

پیام کارکنان "جهان"

در بنده خلق فرا موش نگزده است را به هجان آورده و شما می‌جنیش مشرفی خارج از کشور را شوروشوی نوین بخشیدید صوفیت درختان و کم‌تأثیر عملیات تعرضی شما که می‌توان به جرئت ادعا کرد که در جنبش دانشجویی خارج از کشور کم‌سابقه بوده است در دل بسیاری زکوشه‌گیران و امیدباختگان نوری از امید و حرکت تا بیدو بگفته بسیاری، نشان داد که جنبش دانشجویی سرده است. مبارزه شما یکبار دیگر بر مغز ارتجاع کوردل و تارک اندیش کوبیده که با اینهمه شرور و کشتار و سرکوب، خلق ساکت شما شده است و فرزندان راستین آن در هر کجا که باشند، دشمنان خلق را رسوا کرده و شما تما می‌نیرو پورده از چهره چنان پتکار آنان برخوردار داشت، و نخواهند گذاشت دوری از میهن ما نسج همبستگی و پیوند آنان با یاران در بنده و زحمتکشان تحت ستم و بهره‌کشی سرمایه‌داران و زمین‌داران و آغوشهای مرتجع گردد.

ما کارکنان "جهان" به سهم خود دست‌های گرم و مهربان شما را صمیمانه می‌فشاریم و پیروزی هر چه بیشتر شما را در تلاش‌های مردمی و انقلابی - شان آرزو می‌کنیم .



چرا "مجاهد" ،

"مبارز و

فرزند دلاور خلق" نامیده شده است ؟!

پاسخ به مقاله :

(("فرزندان دلاور خلق" در دامان

"خرده بورژوازی لیبرال")) ،

مترجم در مجاهد شماره ۱۹۳

کمیته کارگری سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در تاریخ ۱۷ مهرماه ۱۳۶۲ اعلامیه‌ای علیه رژیم منتشر نمود که طوسی آن برای اولین بار از جنایت هولناک دیگری از جنایات رژیم پرده برمیداشت. اعلامیه حاکی از آن بود که جلادان جمهوری اسلامی برای درهم شکستن روحیه مقاوم و انقلابی زندانیان، مبارز دلاوری را بنام اکبر چوپانی در زندان تبریز با کارد سر بریدند. مجاهدین در اسفند ماه ۶۲، در مجاهد شماره ۱۹۳، در مقاله‌ای تحت عنوان "فرزندان دلاور خلق در دامان خرده بورژوازی - لیبرال" پس از یک زمینه چینی احساساتی، نسبت به فدائیان معترض شده اند که چرا اولاً اعلامیه مذکور مشخص نکرده است که اکبر چوپانی از مجاهدین بوده است و بدین طریق "شهیدگیری زیرکانه و غیر اصولی برای منافع سازمانی و گروهی" خود کرده‌اند. و ثانیاً چگونه میتوان سیاست حاکم بر شورای ملی مقاومت و مجاهدین خلق را خرده بورژوازی - لیبرال و نتیجتاً غیراصولی و غیر انقلابی نامید، ولی رزمندگان و شهدای آن را انقلابی و فرزند خلق لقب داد و از فداکاری های آنان تجلیل نمود؟

از آنجائیکه این مقاله حاوی یک دید انحرافی و شومس دیگری از فرصت طلبی های مجاهدین و در عین حال طرح سئوالی از ماست، بطور مختصر به آن می پردازیم:

مطلب اول

اتهام شهیدگیری زیرکانه و غیراصولی به سازمان ج.ف.خ.ا.
 بدلیل تجلیل بموقع سازمان از یک مبارز شهید در زندان تبریز و افشای یکی دیگر از جنایات رژیم است. گویا مجاهدین از اینکه فدائیان سریعاً پس از دریافت این خبر حتی قبل از مجاهدین نسبت به انتشار اعلامیه و افشای این جنایت رژیم دست زده‌اند، نه تنها قدردان نیستند، بلکه دلخور هم شده‌اند! مجاهدین میدانند که معمولاً نامیدن یک شهید گمنام و شناخته نشده با صفات عامی چون مبارز و فرزند دلاور خلق به این معناست که هنوز اطلاعاتی از وابستگی سازمانی او در دست نیست. و مهمتر از همه آنجا که در این میان افشای عمق ردالت رژیم جمهوری اسلامی در سطحی وسیع مهم است و با نامیدن یک شهید، از میان دهها هزار شهید خلق، بنام مجاهد یا مبارز و فرزند دلاور خلق؟! براستی چقدر باید شگ نظر و سکتاریست و فرصت طلب بود که به این نکات ارزان و شیوه‌های چندش آور پرداخت؟ مسلماً اکبر چوپانی که در زندان تبریز توسط جلادان رژیم در انظار دیگر زندانیان سیاسی سربریده شد، در زمان انتشار خبر، هویت سازمانی اش برای کمیته کارگری تبریز روشن نبوده است. آیا چون هویت سازمانی این شهید مشخص نبوده است، نمی‌بایست اعلامیه ای

انتشار می‌یافت و این جنایت بی سابقه به گوش جهانیان رسانده میشد؟ آیا اگر مجاهدین بهر دلیلی نتوانستند قبل از انتشار اعلامیه کمیته کارگری سازمان ج.ف.خ.ا. اطلاعاتی بدهند باید اعلامیه دیگران را با این شیوه‌های مضمحل کننده تخطئه نمایند؟ براستی اینهمه اتهام به سازمان چریکهای فدائی خلق ایران برای این است که در انتشار خبر اعدام قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی از یک مجاهد، مبارز و فرزند دلاور خلق نام برده شده است؟ این است اتهام؟! جالب اینجاست که کسانی این اتهام را می‌زنند که خود فدائی کبیر و کمونیست برجسته و شناخته شده‌ای چون بیژن جزئی را فقط شهید خلق خطاب کردند. (مراجعه شود به مجاهد شماره ۱۲۲ و "جهان" شماره ۱۱۰).

همگان میدانند که مجاهدین در لیست انتشار داده خود از نام شهدا، تعداد زیادی از شهدای سازمانهای سیاسی دیگر را مجاهد نامیده‌اند. و با نام‌هایی مبتنی بر این اشتباه و بیاسوا استفاده؟! مجاهدین از طرف کسانیکه آشنائی کامل و نزدیک با این شهدا داشتند، دریافت کرده‌ایم. بعنوان مثال ۲۲ نفر از ۷۲ شهید شهر بندرعباس به غلط در لیست منتشره مجاهدین، مجاهد معرفی شده‌اند. توجه داشته باشید تنها از یک شهر، یعنی بیش از ۱/۳ اسامی شهدای اعلام شده از بندرعباس که در لیست منتشره مجاهدین از آنها بنام مجاهد نام برده شده است، در واقع مجاهد نبوده‌اند، بلکه برخلاف تصور و خود مرکزبینی مجاهدین، آنها با چریک فدائی خلق و یا فدائی خلق بوده‌اند. ما اسامی این شهدا را در اینجا ضمیمه این نوشته نموده‌ایم. ولی ما حتی نسبت به این قتل مجاهدین تا بحال عکس العملی نشان نداده‌ایم. چرا که امیدواریم که ذکر نام این شهدای کمونیست بنام مجاهد از جانب مجاهدین نتیجه سهل انگاری آنها و نهایتاً اشتباهی بیش نبوده باشد. (البته بگذریم که گنجانیدن نام مرتجعین بنامی چون قطب زاده که در ردالت پیشگی دست کمی از جلادان کنونی رژیم نداشت و خسرو قشقائی و ... در کنار نام شهدای خلق سهل انگاری و اشتباه نبوده است، بلکه براساس استراتژی شکست خورده مجاهدین که لیبرالها را متحد خود نموده‌اند، بوده است.)

اما مقاله مورد بحث مجاهدین در مجاهد ۱۹۳، به مصداق این گفته که "کافر همرا به کیش خود پندارد"، این سئوال را بطور جدی برای ما مطرح می‌سازد که آیا مجاهد معرفی نموده شده‌ای از فدائیان و کمونیستها و مبارزین شهید وابسته به سایر نیروهای انقلابی در لیست منتشره مجاهدین از روی سهو بوده است یا بقول خودشان نوعی "شهید گیری زیرکانه و غیراصولی برای منافع سازمانی و گروهی؟ بطور وقتی کمیته کارگری سچفخا از یک شهید مجاهد بدلیل ناشناخته بودن وابستگی سازمانی او، تحت عنوان مبارز و دلاور خلق نام می‌برد و نه کمونیست، و با فدائی، مجاهدین این اتهام را بر ما می‌زنند، اما زمانیکه خود شهدای فدائی و کمونیست را نه مبارز و فرزند دلاور خلق (بدلیل بی اطلاعاتی از وابستگی سازمانی شان)، بلکه مجاهد معرفی میکنند لباز لب نمی‌کشایند و توضیحی برای این کار خود ندارند؟ مگر نه این است که اگر فدائیان قند "شهیدگیری زیرکانه" داشتند، اکبر چوپانی را می‌باید فدائی شهید می‌نامیدند؟ براستی نویسندگان "مجاهد" با این "کوچه علی‌چپ‌زدنها" قند تحریک احساسات چه کسانی را دارند و چرا میخواهند بجای پرداختن به مسائل اصلی مورد اختلاف بین ما و آنان، اذهان مبارزین را با این نوع مقولات مشغول دارند؟ چگونه است که مجاهدین هیچگاه برای

رد نظرات سیاسی و ایدئولوژیکی فدائیان و اثبات درستی سیاست‌های خود، مقاله‌ای بنویسند و تنها در اینگونه موارد که خونی و نام شهیدی و احساساتی در بین است دست به قلم میشوند و مقالات مجاهد را در اختیار این و آن میگذارند؟

مطلب دوم

نویسنده مقاله با مقایسه سازمانهای سیاسی از جمله سازمان مجاهدین خلق به ارگانسیم انسانی و با توسل جستن به نوعی فونکسیونالیزم غیرعلمی مترصد است که تفادی را در ارزیابی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران کشف کند. او سازمان مجاهدین خلق را به ارگانسیم زنده‌ای تشبیه میکند که دارای اندامهای مختلفی چون مغز، دست، انگشتان و غیره است که هر یک به فراخور و تناسب توان، استعداد و صلاحیتشان کساری انجام میدهند. این نوع تمثیل و این دیدگاه که در جامعه‌شناسی بورژوازی از طرف فونکسیونالیست‌های چون اسپنسر طرح شده است، معمولاً برای توجیه نتوریک جوامع طبقاتی بکارگرفته میشود. با این شیوه استدلال و مقایسه غیرعلمی ادعا میشود که همانطوریکه دست هرگز در یک ارگانسیم زنده نمیتواند به مغز تبدیل نشود، در یک سازمان و تشکیلات و یا در یک جامعه که مثل یک ارگانسیم انسانی حرکت میکند نیز نهادها و یا افرادی که نقش دست و انگشتان و پاها را ایفا میکنند (کارگران و...) نمیتوانند به حد مغز یعنی رهبری ارتقاء یابند. پس همانطوریکه بخش ارگانسیم زنده دارای کارکرد ویژه‌ای است، مغز فرمان صادر میکند و دست اجرا میکند و در سیستم اجتماعی که به آن تشبیه میشود نیز همین روابط برقرار است. حال تصور میکنید که نویسنده این مقاله از این مغز و کبرا چندان چه نتیجه‌ای میخواهد بگیرد؟

به نتیجه‌گیری بسیار درخشان ایشان توجه کنید: ایشان با تشبیه سازمان مجاهدین به ارگانسیم انسانی و قراردادن رهبری مجاهدین بجای مغز ارگان، و شاخه‌های نظامی بجای دست، و رزمندگان مجاهد بجای انگشتان، تفاد عجیب و غریبی در استدلال سازمان در مقایسه مقاله "سه آلترناتیو" حکومتی در مقابل رژیم جمهوری اسلامی مندرج در کار شماره ۱۷۱ مبتنی بر بورژوا - رفرمیست نامیدن آلترناتیو جمهوری دمکراتیک اسلامی و اعلامیه تجلیل گرایانه از مجاهد اکبر چوپانی به دست آورده است چرا که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مغز اینس بورژوا - لیبرالی میدانند و از طرف دیگر از مجاهد شهید، اکبر چوپانی تجلیل کرده است و او را بدرستی مبارز و فرزند دلاور خلق نامیده است. نویسنده مقاله با بکارگیری همان تشبیه‌سازی قبلی اش می‌پرسد: "چگونه ممکن است که رهبری یک سازمان (به تعبیر او مغز ارگانسیم) سازشکار و لیبرال باشد و عنصر مجاهدی در زندان (به تعبیر او یکی از انگشتان) مبارز و فرزند دلاور خلق باشد؟ اگر الگوی سازی غیرعلمی ایشان را مثل خود ایشان قبول داشته باشیم، نمیتوانیم بپذیریم که انگشت (عنصر مجاهد) عملی انجام دهد که برخلاف اراده مغز (رهبری) باشد! اگر ما با این تعبیر غیر علمی حرکت کنیم، باید از ایشان بپرسیم چگونه ممکن است که یکی از انگشتان (عنصر مجاهد)، این بزم شما ارگانسیم، بخش ترین شکنجه‌ها را تحمل کرده و جانش را از دست میدهد، ولی انگشت دیگری (باز هم عنصر مجاهد) در همان زندان به خیانت و سازش تن میدهد و ابزار کار نمایش‌های تلویزیونی

رژیم فدیشری خمینی میگردد! شما اگر واقعا روی استدلال و تشبیه سازمان پاپدار هستید چگونه میتوانید بگوئید عناصری از مجاهدین شناخته شده، برخلاف مجاهدی چون شهید اکبر چوپانی تمام اصرار سازمانی خود را فاش میکنند و علیه رهبری (به تعبیر شما همان مغز ارگانسیم) در تلویزیون‌های ارتجاع فحاشی می‌نمایند! اگر شما توانستید این تفاد را پاسخ دهید، بسادگی درخواستی بابت که آری ممکن است و بسیار هم ممکن است که قرضا در یک مقطع، رهبری سازمانی حتی خیانت کند و افسراد و عناصر انقلابی همواره انقلابی و پاپدار به اصول خود باقی بمانند. گاهی هم ممکن است رهبری انقلابی باقی بماند ولی عناصری از همان سازمان تن به خیانت و سازش بدهند. چرا چنین چیزی ممکن است؟ زیرا برخلاف نظر شما قانون مندی یک سازمان سیاسی و یک جامعه بطور کلی، مثل ارگانسیم انسانی نیست، بلکه این تمثیل و استدلال شما از بیخ و بن غلط و فدهلمی است ■

نام و مشخصات اصلاح شده ۲۵ تن از شهدای

شهر بندرعباس که مجاهدین آنرا بطور

مخدوش انتشار داده‌اند:

نام	چریک فدائی	ردیف	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱- احمد اسلامی	چریک فدائی	۲۲۲	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۲- کا مران اسمعیل زاده	چریک فدائی	۲۲۱	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۳- نعمت باخورد	فدائیان خلق (مطلقاً آویز)	۲۲۹	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۴- کرامت برخوردار	چریک فدائی	۲۲۳	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۵- علی برهان	چریک فدائی	۲۲۱	به اشتباه بیکار نوشته شده
۶- حسن بشیری	چریک فدائی	۲۲۵	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۷- منصور بنا زاده	چریک فدائی	۱۰۰۲	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۸- علی بهروری	چریک فدائی	۱۰۶۵	به اشتباه بیکار نوشته شده
۹- حسن پورفتوری	چریک فدائی	۱۲۲۵	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۰- محمد امین تراسی	چریک فدائی	۱۲۵۶	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۱- محمد علی تراسی	چریک فدائی	۱۲۵۸	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۲- احمد چشم براه	مجاهد	۱۲۶۵	به اشتباه فدائی خلق نوشته شده
۱۳- محمد چشم براه	فدائی خلق	۱۲۶۶	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۴- محمد طبعی	چریک فدائی	۲۲۵۱	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۵- پرویز خانگی پور	چریک فدائی	۲۲۰۹	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۶- عباسی تریفیان	فدائی خلق	۲۵۲۲	به اشتباه چریک فدائی نوشته شده
۱۷- محمد نظمی	چریک فدائی	۲۲۰۷	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۸- فتح الله فرید	چریک فدائی	۲۲۲۰	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۱۹- محمد نیروزی	فدائی خلق	۲۲۸۱	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۲۰- طهرما قاسمیان	چریک فدائی	۲۲۷۸	به اشتباه راهکارگر نوشته شده
۲۱- محمد کدانی	چریک فدائی	۵۱۲۲	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۲۲- ناصر مرادی	چریک فدائی	۵۲۸۵	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۲۳- عباس مکاری	چریک فدائی	۵۲۷۰	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۲۴- حسن مکاری	چریک فدائی	۵۲۷۲	به اشتباه مجاهد نوشته شده
۲۵- محمد بزدانی	چریک فدائی	۶۸۲۲	به اشتباه مجاهد نوشته شده



مروری بر تاریخچه دانشجویی در ایران

یورش گسترده مزدوران رژیم جهل و سرمایه به دانشگاهها و مراکز عالی آموزشی در ایران، یکی دیگر از اوراق ننگین تاریخچه حکومت جمهوری اسلامی است. طی این تهاجم که با برنامه ریزی دقیق قبلی از طرف حزب جمهوری اسلامی سازمان داده شده بود، روز اول اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۹ دانشگاه تهران، و همزمان با آن دانشگاههای دیگر و موسسات عالی آموزشی در سراسر کشور به اشغال اوباشان مسلح و پاسداران جمهوری جهل و جنایت درآمد و مقاومت قهرمانانه دانشجویان و دانش آموزان پیشگام و سایر دانشجویان مبارز به خون کشیده شد و چند ده شهید و چندی زخمین از این یورش خونین برجای ماند.

این یورش که از نخستین تهاجمات سراسری رژیم به دستاورد های پیام خونین بهمن بود، نه تنها در تهران و شهرهای دانشگاهی، بلکه در سراسر ایران انعکاس وسیعی یافت و خشم و نفرت انبوهی از کارگران و زحمتکشان را برانگیخت. رژیم ددمنش جمهوری اسلامی پیش از این یورش، در ترکمن صحرا، کردستان، در کارخانه ها و کارگاهها، در زندانها، در مدارس و دانشگاهها جنایات هولناکی آفریده بود و بارها در تهران و شهرستانها، تظاهرات توده ها را به خون کشیده بود، اما این تهاجم گسترده سراسری معیارهای تازه ای از سیاستهای سرمایه دارانه، ارتجاعی و سرکوبگرانه رژیم و خصومت عمیق آنرا بنا نیروهای انقلابی جامعه و مدافعان کارگران و زحمتکشان به نمایش گذاشت.

اگر توده ها قبلا از طریق نشریه کار و نشریات نیروهای مترقی، از ابعاد جنایات رژیم در ترکمن صحرا و کردستان آگاه میشدند، و با مبلغان و مروجان اندیشه های انقلابی، سیاستهای سرمایه دارانه رژیم جمهوری اسلامی را برایشان افشاء میکردند، در تهاجم رژیم به دانشگاهها و فرو ریختن خون بهترین فرزندان خلق در روز اول اردیبهشت - یعنی فقط یکسال پس از استقرار جمهوری اسلامی - عمق درنده خوئی و ددمنشی رژیم برای توده ها عینیت یافت و زحمتکشان سیاستهای سرمایه دارانه رژیم را در سراسر میهن از نزدیک مشاهده کردند.

امروز که دیگر سیاستهای ضدبشری و ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی برای کارگران و زحمتکشان جامعه روشن شده است، بسی گمان توده ها میتوانند دلایل دشمنی آنرا با دانشگاهها و دانشجویان مبارز دریابند و خط و مشی آنها در مقابله با دانشجویان و دانش آموزان به درستی تحلیل و ارزیابی گشتند و آنها ملاکی برای شناخت ماهیت نیروها و عناصری بشمار آورند که با ادعای آزادیخواهی و دمکراسی وارد صحنه سیاست میشوند و پس از کسب قدرت چهره واقعی خود را آشکار میکنند.

تاریخچه پر بار جنبش دانشجویی و مبارزات پیگیر دانشجویان در مقاطع مختلف تاریخی از بدو تاسیس دانشگاه در ایران نشان میدهد که این جنبش بمنزله بخشی از جنبش کارگران و زحمتکشان و خلقها، همواره نقش ارزنده ای در عرصه مبارزات مردم میهن ما ایفا کرده و دانشگاهها بمنابه سنگری شکست ناپذیر همیشه کانون مبارزه برعلیه هیئت حاکمه و حامیان آن بوده است. اصولا تاسیس دانشگاهها و موسسات عالی آموزشی در ایران

نه در راستای رشد طبیعی جامعه و نیازهای جاری اجتماعی، بلکه عمدتا در جهت رفع نیازهای جوامع امپریالیستی انجام گرفته است. کودتای سال ۱۲۹۹ که بوسیله سید ضیاء و رضا خان و با توطئه و حمایت دولت انگلیس در جهت منافع امپریالیسم سازمان داده شده بود، تاسیس نهادهای نوین اداری - آموزشی و کلا تجدید نظام سیاسی - اجتماعی ایران را ایجاد میکرد. بنا تاسیس دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳ و دانشسرایعالی در سال ۱۳۱۵ و چندین موسسه عالی آموزشی متعاقب آن، لایه اجتماعی نوینی در ایران شکل گرفت که در ابتدا اجزای آن را عمدتاً عناصری از طبقات مرفه جامعه تشکیل میدادند. در این مقطع از حیات جامعه، حرکات دانشجویی با وجود برخورداری نسبی از عنصر آگاهی، عمدتاً جنبه های منفی داشت. این شکل از مبارزه که بایستی آنرا بمنزله حالات جنبینی دانشجویی ارزیابی کرد، هنوز شخصیت سیاسی خود را نیافته و با مبارزات زحمتکشان پیوند نخورده بود. عمده ترین این حرکات، اعتصابات گسترده ای بود که در سالهای ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ دانشسرایعالی، دانشکده های فنی، پزشکی و حقوق را فرا گرفت و طی آن دانشجویان اتحاد و شکل خود را برای نخستین بار در جامعه نمایش گذاشتند.

با گذشت زمان و رشد سطح آموزش اجتماعی، و با ورود عناصری از طبقات میانی و پائینی جامعه بر دانشگاهها، قشری از روشنفکر در ایران پدیدار شد که بخش عمده ای از عناصر آن، از نظر طبقاتی با زحمتکشان جامعه پیوند و همگونی داشته و حامل مطالبات آنان در مبارزات سیاسی خود بودند. شکل گیری این قشر، با اوج خفقان و دیکتاتوری لگام گسیخته رضاخانسی در ایران همزمان بود. سطح نازل آگاهی های سوسیالیستی در میان دانشجویان، افقت مبارزات توده ها در نتیجه خفقان سیاه، شهادت رفیق ارانی و بارانش و نبودن سازمانهای سیاسی آزموده و مبارز، از عمده مسائلی است که در آن برهه از زمان کفه منفی مبارزات دانشجویی را از کفه سیاسی آن سنگینتر میکند.

با آغاز جنگ بین المللی دوم و سقوط دیکتاتوری خونین رضاخانی، مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران مرحله نوینی را آغاز کرد. با جو نیمه دموکراتیکی که بعقت سقوط دیکتاتوری در جامعه ایجاد شده بود مبارزات توده ها به سرعت اعتلا یافت و اشکال علنی بخود گرفت. در این مقطع از حیات جامعه، جنبش دانشجویی بمنزله بخشی از مبارزات توده ها هویت سیاسی خود را بازیافت. با ظهور سازمانهای سیاسی در جامعه جنبش دانشجویی حول آن سازمانها و برنامه هایشان متشکل شد. اتحادیه های دانشجویی هوادار صدق و حزب توده عمده ترین اتحادیه های دانشجویی بودند که پس از سقوط رضاخان از دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ایران اعلام موجودیت کردند. مهمترین عملت جنبش دانشجویی در آن دوره تبعیت بی چون و چرای اتحادیه های دانشجویی از سازمان مادر و دنباله روی کامل و بی قید و شرط از آنها بوده است. نتیجه این تابعیت مطلق آن بود که جنبش دانشجویی از شناخت هویت مستقل خود و کاربرد مبارزات دموکراتیک فد امپریالیستی در سطح جامعه بازماند و همه حرکات و مطالبات سیاسی خود را حول سیاستها و اهداف سازمان مادر متمرکز کند. در این دوره رابطه اتحادیه دانشجویی هوادار جبهه ملی و حزب

توده نیز براساس رابطه رهبران جبهه ملی و سردمداران حزب سمت و سو میگرفت. تا اوایل سال ۱۳۳۱ که حزب توده سیاست مقابله با دکتر مصدق را دنبال میکرد، اتحادیه دانشجویی حزب نیز بدون در نظر گرفتن ویژگیهای جنبش دانشجویی علم مخالفت با مصدق برافراشته بود. چرخش ناگهانی حزب توده بطرف مصدق پس از قیام توده ها در سیام تیر، تغییر اساسی در برخورد اتحادیه دانشجویی حزب توده نسبت به مصدق پدید آورد. اتحادیه دانشجویی جبهه ملی نیز عملکرد مشابهی را در برخورد با حزب توده پیشه کرده بود. نتیجتاً در سراسر این دوره این دو اتحادیه کسبه عمده ترین سازمانهای دانشجویی در آن مقطع حساس تاریخی بودند هرگز موفق به اتخاذ تاکتیک واحدی در برخورد با مسائل مشخصی و حاد اجتماعی نگردیدند و نیز هرگز تعابلی به نزدیکویی و همکاری متقابل از خود نشان ندادند.

اگرچه شکست دانشجویان در اشکال مختلف مبارزات در سراسر این دوره از حدت و کیفیت چشمگیری برخوردار است، اما ایمن مبارزات عمدتاً از کانال حزب توده و جبهه ملی سازمان داده میشود و تعیین کنندگی سیاستها و نظرات سازمانهای مبارزات دانشجویی را از استقلال، خودکفایی و هویت مشخص نهی میکند. لذا مبارزات دانشجویان در زمینه برنامه ریزی، طرح شعار مناسب، سازماندهی و رهبری رشد چندانی نمی یابد و بهمین سبب پس از کودتای سنگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، رژیم کودتا میتواند آنرا مورد ضربات متعددی قرار دهد و به آستانه از هم پاشیدگی بکشد. اما، با اینهمه یعنی با وجود زلزله و عدم توانایی تاریخی بورژوازی ملی از یک طرف و خیانت و تسلیم طلبی و گریز رهبران حزب توده از طرف دیگر و نیز علیرغم سرکوبی جنبش کارگران و زحمتکشان و شهادت بخشی از دلیرترین فرزندان خلق و سیطره خلق و سیطره جو خفقان در جامعه، دانشگاه بمثابة تنها سنگر مبارزاتی زحمتکشان پس از مدتی کوتاه دوباره چون شعله ای فروزان از میان خرمن خون و خاکستر فداکاریها و شرافتی که مبارزات توده ها در اثر سرکوبی وحشیانه ارتجاع چهارم افست و خمودگی شده بود و "احزاب سیاسی" با کنج عافیت را بر عرصه سیاست ترجیح داده و با بزداخانه به "دیوار غربی" است هجرت (!؟) کرده بودند" و هیچ تحلیل و جمع بندی منجممی از تحولات جامعه، مبارزات خونین توده ها، علل شکست آن و استراتژی و تاکتیک مبارزات آتی در دست نبود، دانشجویان مبارز توانستند دوباره پرچم مبارزه را برافرازند و با اعتراضات و اعتصابات گسترده تنفر عمیق خود را از رژیم کودتا و حامیان آن ابراز دارند.

نخستین حرکت اعتراضی منجم و مشکل دانشجویان در آستانه سفر نیکسون نماینده امپریالیستها برای بازدید از نتایج کودتا در ایران انجام گرفت. دامنه نظرات دانشجویان در آذر ماه سال ۱۳۳۲ آنقدر گسترده بود که رژیم کودتا ناچار شد تیسب زرهی خود را "برای حفظ آرامش" به دانشگاه تهران گسیل دارد. ارتش مسلح - این ارگان سرکوب امپریالیستی - در برابر توده های دانشجو که به ایمان، اندیشه و عشق به زحمتکشان مسلح بودند، قرار گرفت. دانشگاه به خون کشیده شد و در کارزاری نابرابر، سه دانشجوی مبارز - بزرگ نیا، قندچی و شریعت رفوی - بشهادت رسیدند. در تظاهرات ۱۸ آذر همان سال که بمناسبت سومین روز شهادت سه دانشجوی مبارز و نیز اعتراض به ورود نیکسون برگزار گردید، نیروهای اشتغال می دوباره به دانشگاه پورش آوردند و از آن تاریخ به مدت هفت سال - یعنی تا سال ۱۳۳۹ - در دانشگاه باقی ماندند تا شاید با حکومت نظامی و زور و سرنیزه مبارزات

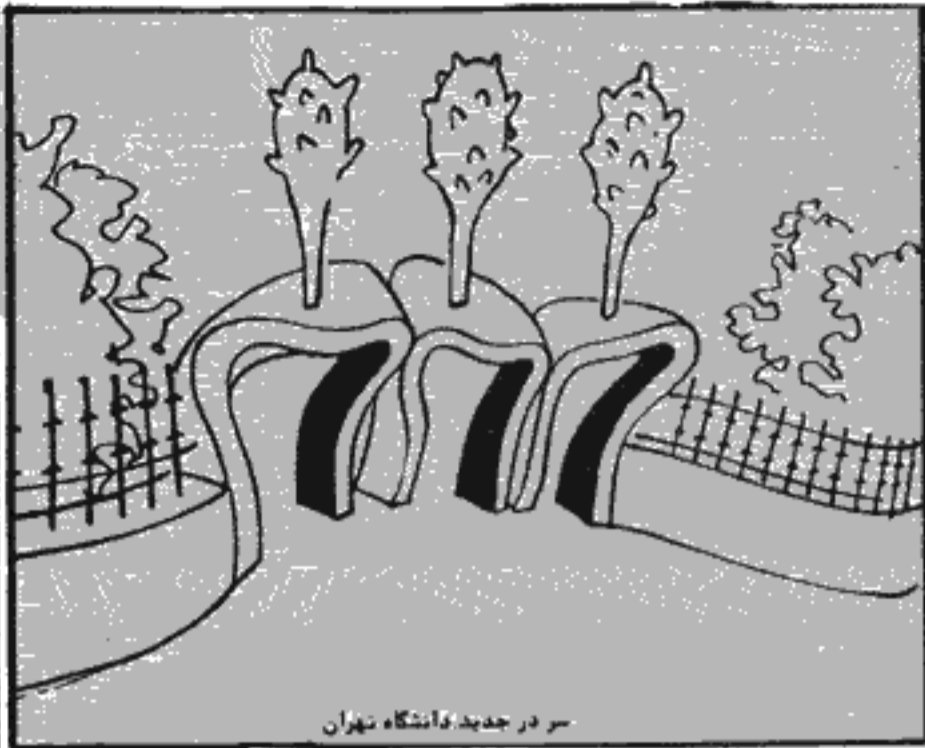
دانشجویان را درهم شکنند. اما در همان سالهای سیاه خفقان و وحشت و در زیر حکومت سرنیزه و جنایت نسل انقلابی در دانشگاه پرورده شد که نه تنها در امر سازماندهی جنبش، بلکه در تحلیل علمی از مسائل اجتماعی - تاریخی و تدوین مقدمات تشریح انقلاب ایران شایسته ترین نقش را در صحنه مبارزات مردم ایران ایفا کرد.

نخستین حرکات گسترده دانشجویان پس از استقرار قوای انتظامی در دانشگاه، در رابطه با اعتصابات کارگران کوره پز - خانه های تهران در سال ۱۳۳۸ انجام گرفت که اگرچه با سرکوبی خونین از طرف ارتجاع حاکم مواجه شد، اما پیوند متقابل زحمتکشان و دانشجویان را از همیشه استوارتر کرد.

لزوم اقدام کامل ایران در بازار جهانی سرمایه از یک سو و توطئه برای تحمیل توده ها که از فلاکت و نابسامانی و خفقان به ستوه آمده بودند، از سوی دیگر امپریالیسم را به ایجاد "اطلاعات" در مناسبات اقتصادی - اجتماعی ایران برانگیخت. در تدارک مقدمات این "اطلاعات" اقبال به ریاست دانشگاه برگزیده شد و رژیم وابسته پهلوی تبلیغات سرمام آورش را در باره "انقلاب سفید" و "دموکراسی" آغاز کرد و قوای نظامی نیز از دانشگاه برچیده شد. همزمان با این تحولات نخستین تظاهرات مشکل و اعتراضی دانشجویان در جلالتیه برگزار گردید و پس از آن "سازمان دانشجویان" که بوسیله رفیق بیژن جزئی و همزمانش رفقا ضیا، ظریفی و سمردی پی ریزی شده بود، رهبری مبارزات دانشجویان را بدست گرفت و با انتشار نشریه "پیام دانشجو" رادیکال ترین عناصر جنبش دانشجویی را در خود متشکل کرد.

پس از آن مبارزات دانشجویان به نحو چشمگیری گسترش می یابد و هر مسئله سیاسی - اجتماعی محمل مناسبی برای به صحنه آمدن دانشجویان و تظاهرات و اعتصابات آنان بر علیه رژیم وابسته پهلوی میشود. در تظاهرات گسترده و متواتر دانشجویان برای آزادی انتخابات در سال ۳۹ تعدادی از دانشجویان مبارز مجروح میشوند و دانشگاه تا اواسط فروردین سال ۴۰ تعطیل میشود. بدنبال شهادت دکتر خاتعلی، معلم مبارز "سازمان دانشجویان" تظاهرات عظیمی را تدارک می بیند و با شرکت گسترده آموزگاران و دانش آموزان توان سازماندهی خود را به نمایش میگذارد. بدنبال جریان سیل در جوادیه و خانه خرابی زحمتکشان، دانشجویان به ابتکار خود پل جوادیه را بنده میکنند و پس از وقوع زلزله در بوئین زهرای قزوین، دسته های متشکل دانشجو داوطلبانه برای کمک به آن منطقه سرازیر میشوند. در آذر ماه سال ۴۰ بزرگداشت شهدای ۱۶ آذر پوش مناسبی میشود برای برگزاری یک تظاهرات وسیع فد امپریالیستی که دانشجویان طی آن از انقلاب الجزایر و مبارزات فدا امپریالیستی مردم آن تجلیل میکنند.

در واقعه ۱۵ خرداد سال ۴۲ "سازمان دانشجویان" فعالانه شرکت میجوید و با توجه به تجربیات و قابلیت هائی که در اثر سالها فعالیت مخفی در هسته های مطالعاتی و تشکیلاتی به دست آورده، عملاً رهبری تظاهرات را در بسیاری از نقاط تهران در دست میگیرد و با سازماندهی توده ها در دسته های چند نفره آزمودگی خود را در چگونگی کاربرد عملیات قهرآمیز به درستی نشان میدهد. پس در سرکوب خونین ۱۵ خرداد "رهبران" سازمان دانشجویان، و از جمله رفیق جزئی به اتهام "تحریک مردم به قیام مسلحانه" و دفاع از مبارزات خلق و پشیمان دستگیر و زندانی میشوند.



سر در جدید دانشگاه تهران



سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سه شنبه ۱۰ آبان ۱۳۶۲

سال پنجم - شماره ۱۷۲

دانشگاه

از سنگر آزادی تالانه ارتجاع

در استانه گشایش رسمی دانشگاهها پس از سرکوب دانشگاه و کشتارهای گذری کوتاه بر وقایع پس از ارد - وسیع و دستگیریهایی گسترده ، بهشت خونین ۵۹ بسته شدن دانشگاهها تعطیل شد . و دو دانشگاهها و چگونگی پیشبرد ارگان بنامهای " ستاد انقلابی فدایی" و "سنگر آزادی و مبارزه" به تصویر کشیم در تضاد با یکدیگر بودند موجودند تا عقب وحشت رژیم را از این امر که مشکل از مزدوران و وابستگان سنگر آزادی و مبارزه ، به تصویر کشیم رژیم بود و وجه وحدت آنها سر از آنجا که بمناسبتهای گوناگون کوب دانشجویان انقلابی ، اولین و از جمله در سالگرد یورش خونین اقدام این ارگانهای سرکوب پرورشی رژیم به دانشگاهها در اول ارد - پرونده دانشجویان ، دستبندی به بهشت ۵۹ به نقش جنبش دانشجویی آدرس دانشجویان انقلابی و دستگیر در تاریخ مبارزات خلق قهرمان - آنان بود . آن بخش از دانشجویان ایران و هیئته در جریان قیام ۲۲ که به تمویض آدرس خود اقدام کرده بهمن و پس از آن بتفصیل سخن بودند و دیگر در دسترس رژیم نبود گفتیم و هیئته نقش دانشجویان انقلابی تشکیل تورهای خیابانی مشکلی بی را در افشای ماهیت جنایتکارانه از عناصر حزب اللیبی و انجمن اسلامی رژیم جمهوری اسلامی بر سردهیم دانشگاه بعضاً بدام افتادند که در اینجابه سیاستهای رژیم در تعدادی بخواه های اقدام سر - قبیل دانشگاهها پرداخته و به ده شده و بخشی نیز در زندانها و ظرافت کثونی دانشجویان در سرایت کثونی پسندیده می کشیم

در سال ۶۱ یعنی دو سال پس از

در سالهای بعد علیرغم خفقان حاکم ، حوزه فعالیتهای مبارزاتی دانشجویان به کارخانه ها و محله های کارگرنشین کشیده میشود و بخشی از دانشجویان به منزله پیشاهنگ میروند که پیوند خود را با طبقه برقرار کنند . شهادت جهان پهلوان تختی موج خشم توده ها و نیز دانشجویان را برمی انگیزد و دانشجویان با افتاء جنایت رژیم ، روز چهلم تختی مراسم را به تظاهرات توده های خشمگین بر علیه رژیم تبدیل میکنند .

بدنبال جنگ اعراب و اسرائیل ، دانشجویان مبارزه ، دفتر هواپیمایی اسرائیل را به آتش میکشند تا نفرت خود را از امپریالیسم جهانی و صهیونیسم و همدردی خود را با خلق قهرمان فلسطین ابراز دارند .

در سال ۴۸ اعتمادیات عظیم اتوبوسرانی بوسیله دانشجویان سازمان داده میشود و سرانجام با پیروزی به پایان میرسد . جنبش دانشجویی پس از رستاخیز سپاه گل وارد مرحله نوینی از حیات خود میشود . این مرحله با خون و آتش پیوند دارد و - سرشار از حرکت و حماسه است . رادیکال ترین بخش از عناصر جنبش دانشجویی حول مبارزه مسلحانه بسیج میشوند ، با جسذب جنبش مسلحانه میشوند و با به تبلیغ آن می پردازند ، زندانها از چریک و دانشجوی پر میشود . دانشجویان در زندانها چریک میشوند . و شریف ترین انسانهای عصر در اینگونه های شور به بند کشیده میشوند . دانشگاه ، کانون آتش و خون است و شعار مرگ بر شاه بصورت رایج ترین شعار در تظاهرات دانشگاه که تقریباً بصورت روزمره برگزار میشود ، جلوه میکند . در سال ۵۰ تا کنون دانشگاه را محاصره میکنند . خون بر سیزه های دانشگاه می جوشد ، خون سرخ و لزج ، سال ۵۰ سال حمله کوماندوها و استقرار گارد است . سال تجاوز ، یال کشتار و شکنجه دانشجویان و سال ۵۱ سالهای پس از آن نیز . اما دانشجویان به پیمانی که با توده ها بسته اند همچنان وفادار میمانند . کشته میشوند اما از مبارزه دست نمیکشند . و سرانجام همدوش توده ها و همگام با پیشاهنگان انقلابی خود قیام را به سر میمانند و دانشگاه به کانون مبارزات فدائیستی دانشجویان ، کارگران و توده های انقلابی تبدیل میشود .

سرنوشت در دامن گیر دانشگاه پس از استقرار حکومت شکنجین و خونسود جمهوری اسلامی و داستان بخون کشیده شدن آن بوسیله جما قدران حزب جمهوری اسلامی در معیت سید ابوالحسن بنی صدر رئیس جمهور مشترک و مخلوع رژیم جمهوری اسلامی و شورای ملی مقاومت بر کسی پوشیده نیست . اما تردیدی نیست که دانشگاه ، این موج خوف انگیز را نیز از سر میگذراند . اگر کشتار و خفقان میتواند سدی در برابر مبارزات توده ها و منجمله دانشجویان ایجاد کند ، حکومت پهلوی تا همیشه با هر جای میماند . تشدید ابعاد کشتار و جنایت خود بر ناتوانی حکومتی فد مردمی در اداره امور مملکت و چشمانداز قریب الوقوع سقوطشان دلالت دارد .

امروز مبارزات دانشجویان در جوار مبارزات کارگران و زحمتکشان ، در کارخانه ها ، کارگاهها ، در روستاها ، شهرها ، در کردستان و بلوچستان و در سراسر ایران با مناسبترین شکل ممکن و عمدتاً در راستای برنامه عمل سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ، ادامه دارد و دیری نیست روزی که اعتضالی ایست مبارزات دستگاه ستم جمهوری اسلامی را نیز به زباله دانی تاریخ روانه کند و با استقرار جمهوری دموکراتیک توده ای ، پیوند استوار دانشجویان و کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش تحکیم بخشد



فدائی شهید، رفیق فرزند بیگلری

دانشگاهها بار دیگر تعدادی از کارکنان دانشگاه تهران که عمدتاً استادان را شامل میشود از سوی هیئت باصلاح بازسازی دانشگاه - اخراج و برخی نیز باز نشسته شد -

سائی و تعقیب استادان آگاه و مبارز آغاز شد و این امر ابتدا مشمول عناصر شناخته شده و فعال گردید که در جریان قیام و پس از آن نقش برجسته ای در همپایی با دانشجویان انقلابی ایفا کردند. مدتی پس از قیام در تشکیل کانین دیکراتیک استادان نقش داشتند. استادان مبارز و انقلابی عمدتاً "نگیر و در بندی جدا گانه در اوین جای داده شدند و تعدادی نیز بجو خه - های اعدام سپرده شدند که از جمله آنها رفیق شهید فدائی خلق فرزند بیگلری استاد دانشگاه صنعتی بود. سپس آنها که مخالف رژیم بودند اما فعالیت بیگمیری نداشتند مشمول تصفیه های رژیم شدند و این تصفیه ها همچنان ادامه دارد بطوریکه طی هفته های اخیر با گشوده شدن

ادرتین و با سوادترین شرکت کنندگان در کنگور مردود شده - اند و این امر اعتراض بسیاری را برانگیخت و هنگامیکه این باصطلاح مردودین به همراه خانواده خود در محل وزارت علوم و آموزش عالی تجمع کردند و با اعتراض دسته جمعی خود مزد و ران رژیم را مورد بازخواست قرار دادند. از سویی با پاسداران سرمایه - مواجه گردیدند که جهت سرکوب اجتماع کنندگان بانان پرورش آورده بودند و از سوی دیگر یکی از مسئولین وزارت علوم صریحاً اعلام کرد که شرط قبولی کسب نمره نیست بلکه اعتقاد به جمهوری اسلامی است. بایسن ترتیب جدا از سهمیه ارگانهای سرکوب و شرکت کنندگان در جنگ ارتجائی و معلولین که بهر حال بیش از نصف قبول شدگان را تشکیل میداد و البته شرکت انبهار کنگور جنبه تشریفاتی داشت و از قبل در لیست قبولی جای داشتند بقیه قبول شدگان طیوبم تلاش رژیم بدین دلیل که نارضایتی عمومی از رژیم بسیار گسترده است در تحقیقات سطحی در موارد بسیاری از صافی های رژیم امکان عبور یافتند چرا که مردم حاضر به همکاری با رژیم نشدند و البته این عده رقم زیاد را تشکیل نمیدهند. باین صورت بود که سال اول تعدادی از رشته های مختلف از جمله رشته های پزشکی آغاز بکار کرد و کنگور برای سایر دانشکده ها نیز بهمین ترتیب انجام شده است و اکنون که چند ماه از برگزاری کنگور رشته های فنی میگذرد هنوز نتایج آن اعلام نشده و دوره تحقیقات و تفتیش عقاید را میگذراند البته رژیم از آن رو مرحله به مرحله دانشکده ها را اجازه گشایش داد تا بتدریج سا - زماند هم لازم برای کنترل همه جانبه بر آنها را پدید آورد. این در حالی است که جمع کثیری از دانشجویان را سر سپردگان به رژیم تشکیل میدهند و تمامی این ترغندها اوج وحشت رژیم از دانشگاهها را نشان میدهد. این روند در مورد استادان نیز پیشرفت. همزمان و مدتی پس از سرکوب دانشگاهها شناسا -

بستن دانشگاهها رژیم اعلام کرد که دانشجویان برای پر کردن فرمهای مخصوص و ادامه تحصیل مراجعه کنند و از این رهگذر نیز تعدادی را بدام افکند. در این مرحله تودهایها و اکثریتی های خائن با پاسخگویی به پرسشنامه های رژیم مبنی بر معرفی فعالین جنبش دانشجویی کمک شایان توجهی به رژیم جفاپنکار جمهوری اسلامی کردند و تعدادی از مبارزین را به سلخ رژیم کشیدند. بگذریم از این که با این خیانت نتوانستند موجب ورود خود به دانشگاهها را فراهم کنند و تماماً اخراج اعلام شدند. اندسته از دانشجویان که جهت پاسخ به پرسشنامه مراجعه نکردند بودند نیز بعنوان فراری تحت تعقیب قرار گرفتند که عکس و مشخصات آنها به تورهای خیابانی سپرده شده است بیان این نکته نیز ضروریست که وابستگان به رژیم گذشته و ساواکی ها مشمول این تصفیه ها نشدند و در توجیه این امر مسئولین مربوطه متذکر شدند که آنها برای رژیم خطر نی اندارند. پس از گذشت این مرحله که دیگر به تصور رژیم "پاکسازی" کامل از دانشجویان آگاه و مبارز صورت گرفته بود و زمینه برای گشوده شدن دانشگاههای "بی خطر" آماده شده بود تعدادی از دانشکده ها از جمله رشته های پزشکی، کشاورزی و برخی رشته های مهندسی شروع بکار کرد و مسئله کنگور و گزینش برای سال اول دانشکده ها اعلام شد. سر انجام در پانز سال گذشته کنگور انجام شد اما نتایج آن تا اردیبهشت سال ۶۲ بطول انجامید. در این مدت جدا از سهمیه های مربوط به سپاه و بسیج و معلولین جنگ و... آمده از محصلین که از لحاظ نمره حد نصاب لازم را آورده بودند در تحقیقات محلی که پیرامون سوابق آنها صورت گرفت و توسط مزد و ران محلی انجام شد از لیست قبول شدگان حذف گردیدند بطوریکه پس از چند ماه که نتایج اعلام شد مشخص گردید که تعدادی از بااستعد -

Official document from the Ministry of Education and Higher Education (وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه). The document is titled 'حکم اولی' (First Decree) and contains several sections: 'اسامی' (Names), 'مقامات' (Positions), and 'تاریخ' (Date). It lists various university officials and their roles, including the names of several professors and administrators. The document is signed by the Minister of Education and Higher Education.

است، کوچکترین تخلف در مورد عدم رعایت... سوسیالیزم و اخراج دانشجو... در روند روزه رشد جنبش و گسترش نا رضایتی عمومی از رژیم جدا شده و تنها بخشی از آنها که کاملاً سرسپرده و مزد بگیرند باقی خواهند ماند که بتدریج منزوی و همچون ساواکهای دوران شاه مطرو د میشوند و در اقلیت قرار خواهند گرفت به علاوه برای یک انقلابی هر چند هم که شرایط دشوار باشد راه مبارزه گشوده خواهد شد و تنها انتصاب درست تاکتیک متنا... سبب با شرایط است و هم اکثرین بدلیل جو غفقتان حاکم بردا... نگاهها، پنهانکاری و رعایت اصول و ضوابط امنیتی بسیار با اهمیت میباشد شناخت دقیق دا... نشجویان و ایجاد ارتباط خارج از دانشگاه و ایجاد هسته های مقاومت قطعاً امکان پذیر است که باید از طریق اتحاد عمل با دیگر دانشجویان انقلابی صورت گیرد جدا از هسته های مقاومت که متکی بر ایدئولوژی نیست و هوا... داران سازمان باید با تشکیل هسته های سرخ منسجم و آموزش سیاسی ایدئولوژیک و مطالعه دقیق نشریات سازمان و کسب رهنمودهای لازم به تقویت تشکیلات خود بپردازند و در عین حال فعالانه در کمیته های مقاومت شرکت کنند... دانشگاهیان آگاه و مبارز باید تلاش کنند تا نقش واقعی خود یعنی

نماید که شامل هم نفر از دانشکده علوم و استاد از علوم اجتماعی جدا نفر از علوم تربیتی و تعدادی نیز از واحدهای دیگر اخراج شده اند... طالب اینکه احکام آنها مستقیماً ابلاغ نشده تا امکان اعتراض و تقاضای تجدیدنظر داشته باشند (مهلت اعتراض از تاریخ اعلام حکم ۱۵ روز است) و این عجله بدین خاطر بوده است که مهلت کار این هیئت پایان یافته بود و میخواست در آخرین روزهای ماه موریت نتگین خود به وظایف ضد انقلابی خود تمام و کامل پاسخ مثبت گوید... طالب تر اینکه طبق قوانین خود رژیم هیئت های بازسازی باید قبل از صدور حکم برای هر فرد به وی فرصت دهند تا طرف یک هفته بطور کتبی یا شفاهی از خود دفاع کند این امر نیز صورت نگرفته و تنها روز آخر ماه موریت خود افراد اخراج شده را احضار و آخر وقت همان روز نیز احکام اخراج را صادر کردند... اما خدمات شایان آنها به رژیم ضد انقلابی موجب گردید که علیرغم پایان یافتن ماه موریت ضد مرد میشان بهار دیگر در تاریخ ۱۴ مهر لایحه تعدیل فعالیت هیئت های "بازسازی" دانشگاه با قید و فوریت به مجلس رود (برای مدت ۵ ماه) که همانروز و فوریت آن بتصویب رسید و خود قانون نیز در ۱۷ مهر تصویب شد تا کار تصفیه های آنان همچنان تداوم یابد... همین هم در حالی است که رژیم به شدت با کمبود استاد مواجه است و از آموزش و پرورش و حوزه های علمی "استاد" به دانشگاه فرستاده اند در این میان جدا از تصفیه ها تعدادی از استادان که حتی وابستگی به هیچ سازمان انقلابی هم ندارند و مخالف رژیم هستند حاضر به همکاری با رژیم نشده اند و این نیز کمبود استاد را شدت بخشیده است... هم اکنون که حدود شش هفته از گشایش تعدادی از دانشگاه ها میگذرد، جو غفقتان و سرکوب بر دانشگاهها سایه افکننده

میونهر چه بیشتر با توده های کارگر بار دیگر دست یابد و بار دیگر دا... وزحمتکش و شرکت فعال در مبارزات نگاهها در خدمت آگاهی بخشیدن ضد امپریالیستی و مکرانیک توده ها به مردم تحت ستم قرار گیرد

پسندیدنی
دانشگاه صنعتی شریف
حکم تجدید نظر شورای پذیرش
تاریخ
شماره
پوست
آقای
دانشجوی رشته
دانشکده
شماره دانشجویی
سال ورود به دانشگاه
تعداد واحد گذرانده
معدل کل
اعتراف شما و شما هم آن در تاریخ
به شورای پذیرش دانشگاه
واصل گردید
ورسیدگی مجدد به پرونده و اعتراض ناخشان و شما هم آن در تاریخ
شروع و در تاریخ
خاصه اینکه است و رای تجدید نظر این شورا
به اطلاع آری
قرار
است
بنا بر
گزارش گروه تمسک
استاد و مدارک موجود
شهود مورد وثوق شورای پذیرش
اعتراف خودشان
اظهار نظر مزاج قداسی
و در نظر گرفتن ادبای شبه شما
الذ - مطابق ماده اول بدنب
و ماده
و ماده
آیین نامه پذیرش دانشجویان توسط ستاد انقلاب فرهنگی که طی بخشنامه شماره ۱۷۲/۲۲ مورخ ۲۲/۱/۲۹ از وزارت فرهنگ و آموزش عالی به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور ابلاغ شده است.
بمطابق بند
شواهد موسمی گزینش ها توسط هیئت عالی گزینش ستاد پس گیری فرمان امام
طبق نظر هیئت مرکزی گزینش و وزارت فرهنگ و آموزش عالی
با ادامه تحصیل شما به علت باقی بودن در روال تحصیل و حذف وابستگی گروهی تان در وقت
در ضمن طبق ماده ۱۱ بند - آئین نامه فوق الذکر
تاثیر متبادل فوق دیپلم و معادل لیسانس به دانشجویان توسط ستاد انقلاب فرهنگی درخواست گواهی نامه نمائید.
تذکره:
۱- از مراجعات مکرر و بی مورد به دانشگاه یا سایر مسئولین خودداری نمائید.
۲- برای سفید کردن توجیحات و راهاندازی بیشتر نمیتوانید در تاریخ
ساعت در محل
به رابط
شورای پذیرش مراجعه نمائید.
۳- در صورتی که به رای صادره معترض هستید میبایست اعتراض خود را با استناد و دلایل و مدارک احتمالی با ذکر تمامی دقیقان و دستورات امکان شماره تلفنی که بتوان در صورت ضروری سرچینا با شما تماس گرفت حد اکثر تا تاریخ... با هیئت سفارشی در قفسه برای رفیس دانشگاه ارسال و یا به دفتر ایشان تحویل و رسید دریافت دارند و طالبان اعتراض شما و شما هم آنرا به همراه پرونده کامل پذیرش تان جهت تصمیم گیری نهایی برای شورای مرکزی پذیرش ارسال نماید.
۴- در اعتراض هایی که فاقد آدرس دقیق دانشجوی معترض باشد ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۵- در صورت اعتراض شما شورای مرکزی پذیرش پس از بررسی اعتراض و پرونده شما حد اکثر تا پایان سال تحصیلی جاری در مورد شما رای نهایی را صادر و برای شما ارسال مینماید.
در توجیحات
دانشگاه صنعتی شریف



بسیج زنان:

انقلاب

در

انقلاب

(۲)



مبارزات زنان و جنبشهای زنان و مبارزات آزادیبخش در کشورهای جهان سوم

بودند، آنها درک نمی‌کردند که با تحت‌تسم بودن زنان، روند رهایی ملی طولانی تر می‌شود. وقتی زنان بخشی از جنبش مقاومت نمی‌بودند به آسانی می‌توانستند، با زیچیه دست نیروهای امپریالیستی شوند و به پایگاهی برای سیاستهای ارتجاعی آنها تبدیل گردند.

شکل سازمانی این اقدام در جنبشها مختلف است نقش نظامی زنان در ویتنام و آفریقا از چین بیشتر بود. در مدزنانی که کادرهای کمونیست را تشکیل می‌دادند نسبتاً در همه جنبشها کم بوده است (گردآوری آمار در این زمینه مشکل است) اما تعداد زنانی که در سازمانهای توده‌ای متشکل شدند و در رهبری قسمتهای معینی سازمانها ی توده‌ای قرار گرفتند، نسبتاً زیاد است.

اتحادیه‌ها و سازمانهای زنان که در سالهای ۳۵-۱۹۳۴ در آفریقا، آسیا، بومیایی بزرگ در چین بوجود آمدند، مسئولیت تعلیم و سازماندهی زنان، محافظت زنان از تسم جنسی، جلب آنان به فعالیتهای انقلابی و تولیدی، توجه به نمونه‌های بد رفتاری (شوهران) با همسرانشان، ساختن لحاف و بالابوشه اونیفورم و لباس برای ارتش جاده هشتم را برعهده داشتند (Goldwasser and Dowty, 1975, 136).

در مصاحبه‌ای که اخیراً یک کادر عضو حزب کمونیست چین با آمریکا - بی‌هایی که به چین رفته بودند به عمل آورده، سیاست "زن - کار" حزب را به گونه زیرتسمین نمود:

"ما سعی داریم مسئله زنان را به وسیله و در سه جنبه حل نماییم: نخست در جنبه ایدئولوژیک ما زنان و مردان را تعلیم می‌دهیم و بر علیه عقاید کهن که زنان را از شرکت در تولید باز می‌دارد، مبارزه می‌کنیم، ما بر علیه ذهنیت فئودالی می‌جنگیم. جنبه دوم حل مسائل شخصی است: به عنوان نمونه ما سعی در حل مشکلات عملی که زنان در منزل با آنها روبرو هستند، می‌کنیم، وسوم باید اطمینان حاصل کنیم که زنان در رهبری شرکت جویند. باید مطمئن

بدون تردید روشن ترین فرمول بندی در مورد رابطه بین مبارزه طبقاتی و مبارزه علیه جنبه‌های ایدئولوژیک فئودالیستی و بورژوازی نظیر پدرسالاری ۶ در برخی مبارزات آزادیبخش ملی تحت رهبری احزاب کمونیستی انقلابی و یا تحت نفوذ مارکسیست-لنینیستها ارائه شده است در چین، ویتنام، کامبوج، آنگولا، موزامبیک و زیمبابوه. اقدام زنان در حزب و جنبشهای توده‌ای - زنان تحت رهبری حزب و حتی در واحدهای رزمنده در اغلب موارد - مورد تاکید قرار گرفته است در سالهای دهه ۲۰ این قرن ما متوسطه دون در نوشته‌های درباره جنبش زنان کشاورز در هونان، تسم کشیدگی زنان چینی را چنین تجزیه و تحلیل نمود:

"در چین مردان معمولاً در زیر تسم اقتدار قرار گرفته‌اند: ۱) تسم دولتی (قدرت سیاسی) ۲۰۰۰ تسم قبیلگی (قدرت قبیلگی) ۳۰۰۰ تسم قدرتهای مافوق طبیعی (قدرت مذهبی) ... اما زنان علاوه بر اینها در زیر اقتدار - مردها (قدرت شوهران) هم قرار دارند. این چهار شکل قدرت سیاسی، قبیلگی، مذهبی و شوهری مبین مجموعه ایدئولوژی و تسم فئودالی - پدرسالاری است و چون چهار ریسمان کلفتی است که خلق چین و بویژه دهقانان را در بند کرده است" (۱۹۶۷: ۴۴)

مبارزه برای پیوند زدن "ریسمان چهارم" به دیگر ریسمانها ارتباط نزدیکی با توانایی افراد در پیوند دادن "سه ریسمان" دیگر با هم داشت: هرکوش همه جانبه برای رهاگشتن زنان تنها منوط به زبرو رو نمودن تمامی ساخت اجتماعی و تغییر عمیقی در رابطه نیروهای که برای دستیابی به قدرت مبارزه می‌نمودند، بود" (Beldori, 1970, 310-311)

یک سخنران اتحادیه زنان زیمبابوه توضیح می‌دهد که چگونه جنبش زنان در آنجا هم به همین درک از رابطه مبارزه زنان و مبارزه طبقاتی رسید: "برای مدت مدیدی مردان ستم دیده از درک لزوم درگیری کامل زنان در مبارزات آزادیبخش ناتوان



روترو بگیرمان عموداره میاد

امکان پذیر باشد، میتواند مورد بحث قرار گیرد. این طرز تفکر در کوبا حاکم بوده است و قانون خانواده جدید مردان را نیز موظف به همکاری در کار منزل مینماید تا همسرانشان بتوانند شرکت بیشتری در فعالیتهای اقتصادی و سیاسی داشته باشند و کوشش برای به اجرا درآوردن این سیاست در سطوح مختلف مورد ترفیب قرار گرفته است.

مطرح نمودن این مسایل (علیرغم نظریه‌ریزی از رفقا) سبب تفرقه نمیشود. برعکس مطرح نکردن این مسایل است که به جدایی میانجامد. چرا که وقتی مسایل عنوان نگشته اند، جدایی عینی که از طرف جامعه طبقاتی تحمیل میشود، به عنوان چیزی عادی در نظر گرفته شده، مستحکم و دائمی میگردد. اگرچه این حقیقت دارد که نابرابریهای جامعه طبقاتی را نمیتوان بدون از بین بردن خود طبقات (که روندی طولانی میباشد) محو نمود، اما این نیز حقیقت دارد که در روند توفیق بر جامعه طبقاتی، میتوان نمونه‌هایی از آنچه که سوسیالیستی است را خلق نمود. این ایده به خوبی در گزارش کنفرانس زنان موزامبیک که در مارس ۱۹۷۲ برگزار گردید، بیان شده است. شرکت کنندگان در کنفرانس به اهمیت شرکت مستقیم زنان در همه جوانب انقلاب موزامبیک تاکید نمودند:

"به این طریق ... (زنان) مستقیماً در پیروزی انقلاب که در واقع نزدیک ترک کردن روزآزادی خودشان است سهم خواهد بود. به علاوه بایست به مبارزه در سطوح مختلف آن، آنها چشم انداز نوینی برای آینده‌شان می‌کشایند و مفاهیمی را که به آنان نقشی منفعل در جامعه میداد، از این طریق در عمل از بین میبرند. غلامه کنیم، آنها شرایط شرکت در اعمال قدرت و به کف آوردن سر نوشتشان را خلق میکنند" (L. M. S: 1974: 21)

جنبشهای آزادیبخش در آفریقا و آسیا در دوره‌های قبل از پیروزی انقلاب و انقلاب کوبا پس از پیروزی و تصویر از روابط اجتماعی و چگونگی تغییر آنها در روند انقلاب راه ما ارائه میدهند. آنها نمونه‌هایی از اینگونه که چگونه حزب میتواند نقش رهبری کننده‌ای در خلق این تغییرات ایفا کند را، بدست میدهند و این علیرغم این

باشیم که آنها در ارگانهای رهبری باشند. این امر مهمی است چرا که سبب میشود به زنان احترام گذاشته شود و به عنوان یک رهبر به آنها نگریسته شود. این سبب ارتقا - آنها به سطح مساوی مردان میشود. همچنین زنان باید در این ارگانهای رهبری باشند چرا که آنان مشکلات زنان را بهتر از ما مردان میدانند (Goldwasser and Dowty: 1975: 199-40). چندانکه مهم باید در ارتباط با شیوه‌ای که جنبشها به مبارزه علیه پدرسالاری مینگرند، تذکر داده شود. نخستین شیوه این است که حزب به نمایندگی از طرف زنان می‌جنگد و زنان به نمایندگی از طبقه بسیج میشوند، اما زنان به خاطر آزادی خودشان که هم آزادی طبقه و هم آزادی زنان شمعیده است نیز می‌جنگند. معنای چنین رابطه‌ای این است که این جنبشها به یکدیگر پیوسته اند، اما کاملاً یکی نیستند. سازمانهای زنان تحت تاثیر (رهبری) حزب قرار دارند، اما آنها نیز به نوبه خود بر حزب تاثیر می‌گذارند. این دو بُعد، در نقل قول زیر از فدراسیون زنان چین منعکس شده است:

"تحت رهبری حزب فدراسیون زنان باید کارهایش را در سطوح مختلف همگام با کار مرکزی حزب نگاه دارد. این همگامی غامض مهمی است که همکاری نزدیک با بخشهای مربوطه و بطور کلی گسترش کار در میان زنان را، که بخشی از برنامه عمل مرکزی حزب است، میسر میکند، برنامه عمل مرکزی که توسط حزب تعیین میشود نیز در دوره‌های گوناگون اساس کار فدراسیونهای زنان میباشد. کار زنان باید در انطباق با نیازهای حزب باشد و سیاستهای حزب باید در میان توده‌های زنان به کار افتد. عقاید و خواسته‌های زنان نیز باید به نوبه خود کاملاً در حزب منعکس شوند و راه حل برای مشکلات مربوطه بدست داده شود، و از طرف همه رهبری و کمیته‌های حزب به کار گرفته شوند. تنها از این طریق امکان رشد موزون وضعیت زنان وجود دارد" (Oroll: 1974: 7)

تبعیض روند تاثیر حزب و جنبشهای زنان بر یکدیگر به این شیوه دیالکتیکی، به معنی کم بهادادن به کشمکشها و تضادهای اجتناب ناپذیری که بر سر راه قرار میگیرند، نمیشود. چنین نمونه خوبی برای نشان دادن این است که چگونه رابطه بین جنبشهای زنان و حزب در مراحل مختلف تغییر میکند و چگونه این رابطه در دوره بعد از انقلاب تحت تاثیر اهمیت دادن به پیشرفت اقتصادی بجای تغییر دادن روابط اجتماعی و سیاسی، قرار گرفت (Stacey: 1977: 408). ارزیابی این روابط تغییرکننده غالباً دشوار میباشد. مثلاً در دوران انقلاب فرهنگی (۱۹۶۸-۱۹۶۶) جنبشهای رهائی زنان از هم پاشیده شد، تعلیم و تربیت، سوادآموزی، مبارزه برای کنترل موالید موقتاً مسکوت گذاشته شدند و ازدواج در بین جوانان افزایش یافت، اما در همین حال "انقلاب فرهنگی خانواده را از نابودی نجات داد. مردان و زنان به توانایی‌های تولیدی سیاسی و فرهنگی، زنان اوج بیشتری قابل شدند. این یک پیروزی ایدئولوژیک بود که کم بهادادن به آن امکان میدهد" (جنبش زنان و مبارزه طبقاتی ارتباط و پیوستگی متقابلی دارند، گرچه در همه رقابتهای هر دو آنها به یک اندازه پیشرفت نمی‌یابند.

ملاحظات تئوریک:

جنبشهای طبقاتی و جنبشهای زنان

در روند بوجود آمدن یک انقلاب شرایط موفقیت آن نیز بوجود می‌آیند. تغییر روابط اجتماعی حتی قبل از تغییر کامل شرایط مادی در دوران ساختمان سوسیالیستی میتواند شروع شوند مسئله تقسیم کار در خانواده حتی قبل از اینکه اجتماعی نمودن کامل کار منزل و نگهداری فرزندان و ادغام زنان در تولید اجتماعی



حقیقت است که در احزاب و جنبشهایی که آغازگر و برخی اوقات حتی رهبری کننده جنبشهای سوسیالیستی زنان بوده اند، مردان در اکثریت بوده اند، این نکته سبب شده است که برخی از فمینیستها به تعهد این سازمانها نسبت به مسئله زنان شک کنند. توانایی این احزاب در تغییر وضعیت زنان را نمی نمایند. اما از نظر ما آنچه مهم است این نیست که در سازمانهای آغازگر و هدایت کننده مبارزات زنان - مردان عضو در اکثریتند (حالتی که در بیشتر سازمانهای موجود در جامعه طبقاتی چه در مالک پیشرفته و چه عقب مانده به چشم میخورد)، بلکه این است که آیا این سازمانها شرایطی را فراهم میآورند تا توده های زنان نقش مستقیمی در آزادی شان ایفا نمایند. اینکه آیا این سازمانها چنین شرایطی را فراهم میکنند یا نه بستگی به این دارد که آیا آنان بنیان - ستم کشیدگی زنان را درک میکنند و قادرند تا این درک را به یک برنامه انقلابی ارتقا دهند. همچنین به این بستگی دارد که تا چه حد عضو شدن و رهبری کردن زنان، مدنظر حزب میباشد. اما مهم تر از همه منوط به درک حزب از رابطه با سازمانهای توده ای غیر حزبی میباشد.

بنابراین، من از یک سو با اوموت هم عقیده ام که جنبشهای سوسیالیستی زنان که بدوا توسط حزب پیش آهنگ که اکثر اعضای آن از مردان میباشد بوجود آمده است، جنبشهای راستین زنان میباشد:

"اگر رهبران یک جنبش دهقانی میتوانند غیر دهقانان باشند، چرا باید رهبران جنبش زنان لزوماً و تنها زنان باشند؟ اگر بپنداریم که جنبش زنان تنها توسط زنان میتواند سازمان داده شود، باید از تعریف مان از جنبش زنان، جنبش زنان در رویش نام و اتحادیه های زنان موزامبیک را حذف کنیم چرا که این سازمانها توسط سازمانهای سیاسی ای که اکثریت آنها را مردان تشکیل میدادند، پایه ریزی گشتند و مورد حمایت چشمگیری قرار گرفته و تصمیم گیریهای اساسی نیز توسط این سازمانها انجام گرفت. و این مسئله - ای است که فمینیستهای غربی گرایش به دامن زدن بدان را دارند." (Onvedt, 1977:7)

از سوی دیگر مهم است که در این سازمانها اکثریت همیشه با مردان نباشد و شرکت زنان در آنها یک معیار پیشرفت به سوی رهائی باشد. هر دو جنبش که اوموت به عنوان مثال ارائه میدهد برای اقدام زنان در احزاب پیشرو و سازمانهای ویژه زنان اولویت است فراوانی قابل میباشد. اما تعداد کادرهای زن در حزب به خودی خود به هیچ وجه ضامن این نیست که حزب بیاتر منافع زنان است. بویژه به این دلیل که موقعیت خانوادگی کادرهای زن عموماً مشابه موقعیت خانوادگی دیگر زنان نیست جلب زنان به حزب باید با رابطه "صحیح" با سازمانهای توده ای متشکل از زنان با آن سازمان هایی که زنان بخشی از آنها هستند، همراه باشد. رابطه حزب با این سازمانها باید دوطرفه باشد که بر طبق آن هر یک دیگری را تحت تاثیر قرار میدهد حزب باید به زنان آگاهی بدهد و زنان باید به حزب فشار آورند تا خواسته های آنان را برآورده سازد. هرگاه این رابطه یک جانبه باشد احتمال به نظر میرسد که رابطه بین استعمار جنسی و استعمار طبقاتی به استعمار طبقاتی تنزل یابد:

"یک حزب باید گروه سازمان دهنده ممکن است به ستم پدیکه زنان اذعان کند و آنرا به شیوه ای سازمان دهد، اما اگر معتقد باشد که ستم بر زنان تنها از طریق انقلابات مسلح خواهد گشت اگر آنها زنان را شخصاً در ارتباط با خواسته های مشترک مردان طبقه شان سازمان دهند و از بر خورد با تضاد

منافع بین مردان و زنان رویگردانند، اگر آنها بیسبب مبارزه زنان را قربانی اهداف سیاسی حزب گردانند، آنگاه دیگر نمیتوانیم از وجود "جنبش زنان" حرفی به میان آورد. اعتراض زنان آمریکای شمالی که خودشان را "سوسیالیست فمینیست" میخوانند به یک جنبش زنان تحت رهبری حزب پیشاهنگ ناشی از تجربه منفی آنان از سازمانهای چپ و سکتاریست (که اکثر آنها دارای رهبری خرده بورژوازی میباشد) میباشد. این گروهها نه تنها موضعی "عقب گرا" در رابطه با مسائل مبارزه حول برتری - طلبی مردان نشان داده اند، بلکه جهانی را نیز نسبت به مبارزات توده ای در حالت عام آن به نمایش گذارده اند. توده هایی که این گروهها در پی رهبری شان میباشد نیز به نوبه خود آنها را مشتکی امر ونهی کننده ای که توده ها را مستمک خواسته های سیاسی خویش قرار میدهند، میخوانند.

با در نظر گرفتن چنین پیشینه ای، دعوت به یک جنبش خود مختار (Autonomous) سوسیالیستی زنان قابل درک است اما معنای واقعی خود مختاری چیست؟ مسلماً به معنی مستقل از طبقات اجتماعی نیست اگر این دعوت به این معناست که جنبش زنان همواره باید مستقل از رهبری کادر مارکسیست - لنینیست باشد، پس تحت چه نوع رهبری خواهد بود و چه نوع سیاسی را منعکس خواهد نمود؟ آیا سوسیالیست فمینیستهای مستقل مخالف پیروزی یک رهبری لنینیست بر سازمانهای توده ای، نه از طریق مستمک قرار دادن آنان بلکه از طریق عمل شایسته و نشان دادن قابلیت رهبری موفقیت آمیز مبارزات میباشد؟ در صورتی که پاسخ منفی است بنا بر این مسئله این میباشد که اطمینان حاصل شود که رابطه بین حزب و سازمانهای توده ای به گونه ای باشد که هم مبارزه طبقاتی را به پیش براند و هم تحت تاثیر توده ها باشد.

چه معتقد باشیم که یک جنبش مستقل زنان باید وجود داشته باشد یا نه (یعنوان مسئله ای در حیطه اصول و یا مسئله استراتژی در دوران تاریخی خاص)، از نظر تاریخی رابطه بین جنبشهای زنان و جنبشهای چپ همواره نزدیک بوده است و جنبشهای زنان اغلب در جریان مبارزه طبقاتی شکل میگیرند. در ایالات متحده در سالهای ۱۹۶۰، تولد مجدد مبارزات فمینیستی با جریان نهضت برای احقاق حقوق مدنی (Civil Right Movement) و جنبشهای دانشجویی همزمان بود و تنها هنگامی که رهبری مردانه این جنبشها از پاسخگوئی به

اعتراغات برحق زنان درباره چگونگی برخورد به زنان در جنبش و اولویت دادن به سازماندهی جداگانه زنان ناتوان ماند به شکل یک جنبش جداگانه درآمد. در مالک نواستعماری نظیر هندوستان نیز جنبشهای زنان در متن یک مبارزه عمومی تر وسیعتری که زنان درگیر آشفته رخ میدهند مثلاً جنبه ۷۵-۱۹۷۳ برای مبارزه با افزایش قیمتها در هند) و در جریان این مبارزه وسیعتر به رهبری کارهای کمونیست است که "خواستهای ویژه زنان" به همراه خواستهای عمومی طبقاتی طرح میگردد.

جنبشهای سوسیالیستی بسیاری از مسایل متفاوتی که بر زندگی زنان تاثیر مستقیم دارند را به خواستهای کوتاه مدت و بلند مدت تقسیم نموده اند. در مالکی که قوانین و سن فحودالی محکمی حاکم است تاثیر مبارزه بر علیه شرایط فحودالی مسلط بر زندگی زنان و نظیر مهریه، ازدواج غرضناک (تولد بیوگان و غیره) بسیار شدید بوده است (نمونه‌های چین، ویتنام و هندوستان). همان شرایطی که در گذشته زنان را در بندنگاه میداشتند به مجزاینگه جنبش به مبارزه علیه آنها برخاست، به شرایطی تبدیل گشتند که زنان را به اعمال رزم آورانه سوق دادند.

سن فحودالی حاکم در آمریکا لاتین امروزه شدت نسبی حاکم برجین، ویتنام و موزامبیک پیش از انقلاب نمیشدند. در بسیاری مناطق و بویژه در مراکز شهری جدایی کار منزل از تولید اجتماعی (که به کارمنزوی زنان در منزل منجر میگردد) هم اکنون به وقوع پیوسته است. قوانینی که شرایط طلاق را تسهیل مینمایند، به رسمیت شناختن ازدواجهای غیررسمی و فرزندان نامشروع، و حمایت از زنان کارگر در بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین (اگرچه نه در همه آنها) در دوره، و رفاههای ملی وضع گشته اند. برای حصول به برابری حقوقی در آمریکا لاتین همانند ایالات متحده، هنوز فرسنگها راه در پیش است بنا بر این جنبش سوسیالیستی زنان در آمریکا لاتین در وهله نخست مبارزه‌ای علیه قوانین و سن ماقبل سرمایه‌داری - نخواهد بود (اگرچه این را نیز شامل میشود) بلکه مبارزه‌ای خواهد بود برای به پایان رساندن انقلاب بورژوا - دمکراتیک و بنیان نهادن پایه‌های آزادی زنان (یعنی شرکت کامل زنان در همه جنبه‌های تولید و زندگی سیاسی در حالتی که بار کارمنزول و نگهداری فرزندان از دوششان برداشته شود، پایان دادن به رابطه سلطه جویانه مردان در خانواده، و یا تغییر در خود خانواده، و فرهنگی نوین که خواستار برابری زن و مرد میباشد). آنجا که باقیمانده‌های ماقبل سرمایه‌داری خیلی قوی میباشد، آهنگ این تغییر به مراتب کندتر خواهد بود و خواسته‌هایی که در سطح پایین تری میباشد مهمتر خواهند بود تا در مالک پیشرفته‌ای که سرمایه‌داری انحصاری روابط تولیدی، کارگر و خانواده را دستخوش تغییرات شدیدی نموده است.

برای سوسیالیستها و کمونیستها دامن زدن به مبارزه در جوامعی که تعداد وسیعی از زنان در تولید اجتماعی سهم نمیشدند (یعنی اغلب کشورهای نواستعماری) وجه در مالک پیشرفته که درآمد زیادی از زنان وارد فعالیت تولیدی خارج از خانه گشته اند، ضروری است تا زمانی که ایدئولوژی بورژوازی در روابط سلطه جویانه با زنان کارگر حاکم است. مبارزه طبقاتی به اشکال مختلف با مخالفت این روابط روبرو خواهد شد. همانطور که دیکنسون مینویسد:

"تصرف معمول زن "قابلاً احترام" به عنوان همسران و مادران پایین بودن شعور طبقاتی و رشد محدود سیاسی زنان کارگر میباشد چرا که در هنگام کار کردن غالباً به عنوان همسر - با همسر آینده - و مادر مشخص میگرددند، تا کارگر مزد بگیر، در نتیجه زنان به شوهرانشان مرتبط میشوند و نه به سرمایه با به فرزندان و نه به مبارزه با سرمایه، به جنسیتشان

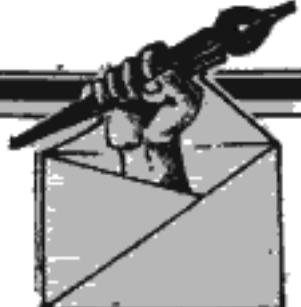
و دنیای مادونی که آنها در آن خود را انسانهایی منفعل وابسته و جدا افتاده مینمایند. خانم خانه‌دار از خود بیگانه و منزوی، مادر با همسری که اعتماد را میشکند، کارگر زن غیرسیاسی، منفعل و فرمان بردار در کارخانه بحثاً نتیجیسه تسلیم به اخلاقیات بورژوازی میباشد که توسط تعصب مردان و واقعیتهای استثمار زنان میباشد... از نظر تاریخی، تسلیم شدن سبب ایجاد آگاهی طبقاتی نازل و سدی دژ برابر رشد سیاسی زنان گشته است دست و پنجه نرم نکرده بسا واقعیت استثمار زنان تنها سبب دامن شدن آن چیزی میگردد که خواست سرمایه میباشد: ناراحت رزم آوری نیمه مونت پرولتاریا نبودن". (Dixon; 1977: 24)

بدیهی است که ایدئولوژی بورژوازی همواره در غفله نسودن رزم آوری زنان تابان حد که آرزو میکنند، موفق نیست. در بسیاری از خانواده‌های تحت ستم، زنان به مبارزه در جنبه کارگران و شوهران کارگران میپردازند تا در جنبه کارفرمایان آنان، زنان کارگر نیز گران بار از مسئولیت‌های کم‌رنگ خانگی، گاهی حتی غلبه مخالف خانواده‌شان فرصت و انرژی مبارزه علیه سرمایه را یافته‌اند زمانی که به‌بودیه عنوان یک مادر میگردند و نه عضو یک طبقه، به مبارزه - علیه بورژوازی به خاطر فرزندانشان روی آورده‌اند. اما رزم آوری خود بخودی و مجزا از هم افراد یا بخش کوچکی از زنان تنه‌زمانی به یک نیروی بنیان کن تبدیل خواهد گشت که نیروهای بازدارنده آن (فرمانبرداری، عدم اطمینان، عدم تجربه رهبری، کار سنگین و - مسئولیت بچه‌داری) مورد حمله قرار گیرند. تنه‌زمانی که شوق - زنان به شرکت برابر در مبارزه مورد حمایت و تشویق عملی قرار



قرار گیرد، کوشش آنها به رزم آوری توده‌های وسیعتری تبدیل میگردد.

بنا بر این روند انقلاب روند تغییر شرایط مادی، روابط اجتماعی و عقاید هست. این روند، در مرحله قبل از اوجگیری انقلاب شروع میگردد. با تصرف قدرت دولتی شدت مییابد و در دوران تحول سوسیالیستی ژرف تر میگردد. هر جا که تصرف قدرت دولتی از طریق یک جنگ طولانی توده‌ای صورت گرفته است تغییر روابط اجتماعی (بویژه روابط بین زن و مرد) بیشتر صورت گرفته است هر چه تغییرات دوره‌های آغازین انقلاب بزرگ تر باشد، دستاورد های انقلاب نیز ژرف تر خواهد بود. تغییر روابط بر مبنای جنسیت معباری برای سنجش روابط اجتماعی در حالت کلی آن (رابطه بین پرولتاریا بورژوازی) و میزانی برای سنجش آهنگ پیشرفت بسوی سوسیالیسم میباشد. دوتن از رهبران جنبش آزادیبخش آفریقا این مطلب را به خوبی بیان کردند: "یکی از اصول جنگ، این است که خلق، هرگز آزاد نخواهد بود مگر اینکه زنان نیز آزاد باشند" (Amílcar Cabral, quoted in LSM) آزادی زنان پیش شرط اساسی انقلاب و ما من تداوم و پیش شرط پیروزی آن است. (Samora Machel, quoted in L S M, 1974: 24)



از خوانندگان

● آمریکا - کالیفرنیا، "رسم": دوست عزیز شعر ارمالی شما بدستمان رسید. با تشکر، بموقع از آن استفاده میشود.

● آمریکا - فلوریدا، ج: با تشکر، چک شما رسید. نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - کاربندل، رفیق ج: با تشکر نامه شما دریافت گردید. اقدام لازم بعمل آمد. موفق باشید.

● کویت، رفیق ا: عکس‌های ارسالی شما در ارتباط با اسرای ایرانی در عراق بدستمان رسید. با تشکر فراوان از تعدادی از آنها استفاده خواهد شد.

● پاکستان - پيشاور، رفقای هوادار سازمان در این شهر با ارسال گزارشی تحت عنوان "استخدام مزدور افغانی جهت جنگ خانمانسوز ایران و عراق از غلاتهای مزدوران در پاکستان برده بر میدارند. رفقا در بخشی از گزارش خود مینویسند: رژیم "روزانه مبالغ هنگفتی صرف پخش نشریات اعلامیه‌ها، پوسترها و... مینماید. رژیم برای پخش این نشریات از مزدوران افغانی سود می‌جوید. اما جالب توجه اینکه بیشتر این نشریات که تعدادشان بیشمار است، به قصابی‌ها و دکاندارها جهت پیچیدن گوشت و دیگر مواد غذایی، توسط همان افغانی‌هاشیکه برای پخش آنها اجیر شده‌اند، فروخته میشود و منبع درآمدی برای این قبیل افراد شده است. در همین گزارش آخافه شده است که یکی دیگر از وظائف کنسولگری رژیم در پيشاور، استخدام مزدور برای اعزام به جبهه جنگ ارتجاعی ایران و عراق است که تحت پوشش "زیارت" به ایران اعزام میگردد. این افراد توسط "حزب اسلامی افغانستان" بسیج و معرفی میگرددند.

● آمریکا - میلواکی، اکبر: نامه شما دریافت شد. با تشکر از احساس مسئولیت شما ما مسئله را مورد پیگیری قرار خواهیم داد. در ضمن برای آشنایی شما از موضع ما در مورد مواضع اخیر حزب توده و "اکثریت" میتوانید به مقالاتی که در همین شماره "جهان" درج گردیده است، مراجعه نمایید.

● آلمان - تموند، رفیق ج: گزارش شما بدست ما رسید. ما ضمن تشکر از احساس مسئولیت شما، لازم میدانیم اشاره نمائیم که هر نیروی در ارتباط با کاری که انجام میدهد، خود مشغول است. ذکر اینگونه

موازد در نشریه درست نیست چرا که آنها اگر با قصد گزارش دهی اقدام به این عمل کرده باشند، میتوانند این عمل را مخفیانه انجام دهند. بنابراین در مسورد کاری که آنها انجام داده‌اند، در سطحی که شما اطلاع دارید، نمیتوان به آنها خرده گرفت.

● امارات متحده عربی - رفیق ج - م: نامه شما بدستمان رسید. ما نیز خوشحالیم که نشریات سازمان بدست شما میرسد. ما نمیتوانیم برای رفقا تیکه باندازه کافی احساس مسئولیت نمیکند، وظیفه تعیین نمائیم. شما بهتر است خود با رفقای ساکن آنجا در این مورد صحبت نمائید. در مورد سفر، در حال حاضر هیچگونه امکانی نیست. در صورت فراهم شدن امکانات، مستقیماً با شما تماس گرفته میشود. در مورد مقاله "درک مادی از تاریخ"، نامه‌های مشابهی نیز مبنی بر تشبیه بودن نوشته دریافت کرده‌ایم و به شما حق میدهیم. در مورد "متحدین سرمایه‌دار شوروی" در مقاله کمینترن، منظور احزاب و دولت‌های بورژوازی بوده که خود مورد هجوم فاشیسم واقع شده بودند لیکن بدلیل گسترش روزافزون کمونیسم و به‌مخاطره افشادن منافع طبقاتی آنها از نزدیک شدن به جبهه ضد فاشیسم که کمونیست‌ها بدلیل فداکاری‌های بی شائبه خود نفوذ روزافزونی در آن بدست می‌آوردند، ابا داشتند.

● آمریکا - نیویورک، رفقای هوادار چریک‌های فدائی خلق ایران: اطلاعاتی شما مربوط به برگزاری آکسیون اعتصاب غذا برای فضای جنایات رژیم خمینی بدستمان رسید. متشکریم.

● آمریکا - کالیفرنیا، رفیق مرزیه: با دداشت درخواستی شما برای دریافت "جهان" بدست ما رسید. برای اطلاع شما لازم است یادآوری شود که هر ماه چندین نامه برای دریافت نشریه جهان بطور رایگان بدستمان میرسد. شما خودتان میتوانید حدس بزنید برای ما که منبع درآمدی برای هزینه چاپ و انتشار "جهان" جز خوانندگان آن نداریم. مقدور نیست بهمه این درخواست‌ها پاسخ مثبت بدهیم. درحالیکه شما خوب میدانید مخارج ۱ دلار در ماه برای دریافت نشریه جهان در مقابل مخارج یک دانشجو مثل شما در آمریکا که ماهانه بیست‌ساز چند صد دلار میشود، بسیار ناچیز است.

بهرحال ما برای شما یک شماره "جهان" ارسال میکنیم. اگر جداً قادر به پرداخت ۱ دلار در ماه نیستید، میتوانید با مراجعه به میز نشریات رفقای ما در شهر برکلی، آنرا مجاناً دریافت نمائید تا ما حداقل هزینه پست جداگانه نپردازیم.

● هند - دهلی، رفیق رفیق: با تشکر مجدد و پوزش در ارسال هدیه‌ای که به شما وعده داده شده بود، نسبت به ارسال آن اقدام لازم بعمل آمد. امیدواریم که تا بحال آنرا دریافت کرده باشید.

● آمریکا - نیویورک، آقای دکتر ف: و: نامه شما دریافت شد. ضمن تشکر، شما تماس گرفته خواهد شد.

● آلمان - رفیق ج: نامه پیشنهادی شما در مورد مسئله زن و سازمان مستقل زنان دریافت گردید. ما ضمن تشکر از برخورد مسئولانه شما و تأکید مطالب نامه‌تان، یادآور میشویم که هم‌اکنون در بسیاری از شهرها و کشورها، زمینه‌های لازم برای ایجاد چنین سازمانی بتدریج بوجود می‌آید. هواداران سازمان بویژه در آمریکا به سهم خود و پیشروان بسیاری از نیروهای دیگر بیش از دو سال است که دست به ایجاد "کمیته دفاع از حقوق زنان" زده است و تا بحال قادر بوده است نقش مهمی در تبلیغ و ترویج مسئله زن، موقعیت زنان ایران و سایر کل و مبارزات آنان بین ایرانیان و نیروهای خارجی ایفا کند. گذشته از برگزاری آکسیون‌های مختلف مربوط به زنان، تا بحال نشریات و کتبی به زبانهای فارسی و انگلیسی انتشار داده است. ده هزار نسخه از هر نشریه "زن و مبارزه" که به زبانهای فارسی و انگلیسی چاپ میشود، انتشار یافته است. تا آنجا شیکه اطلاع داریم حرکات مشابهی در کشورهای دیگر از جانب هواداران و نیروها و عناصر مترقی شکل گرفته و یا در شرف شکل گرفتن است. در ضمن نکات مطروحه در نامه شما درباره انحرافات موجود در جنبش زنان مهم و قابل بررسی است که در همین حال مسئولیت کونیست‌ها را در مقابل این مسئله سنگین

تعیین میکنیم. ما نامه شما را در اختیار مسئولین "کمیته دفاع از حقوق زنان" قرار خواهیم داد.

● آمریکا - کالیفرنیا، آقای ب. ر: کارت شما رسید. ضمن تشکر اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - اوکلاهما، آقای ا. ش: ضمن تشکر فراوان، کارت تبریک شما رسید. ما

هم بنوبه خود فرا رسیدن بهار را به شما تبریک گفته، امیدواریم که سال جاری، سالی پر بار در مسیر مبارزات انقلابی و جنبشی خلقهای ما در راه استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم باشد.

● آمریکا - بوستن، رفقای مبارز، متن کامل برنامه دولت موقت الما لوادور و ترجمه آن بدست ما رسید. متشکریم. بموقع از آن در مقالات مربوط استفاده خواهد شد.

● آمریکا - اوهایو، دوستان عزیز م. ن. ب.، چک ارسالی شما رسید. با تشکر فراوان نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● هلند - رفیق ک. وجه ارسالی شما دریافت شد. متشکریم.

● سوئد - حال ستاهامر، رفیق ک. ع. : نامه شما دریافت شد. با تشکر از شما، باید یادآور شویم که پاسخ به سئوالاتی که در نامهتان طرح نموده‌اید در این بخش عملی نخواهد بود چرا که برای پاسخ دادن روشن و صریح بهر یک از سئوالات شما لازم است مقاله‌ای مستدل و قانع‌کننده نوشته شود. ما سعی خواهیم کرد که در آینده در باره سیستم‌های حاکم بر آلبانی، چین و یوگسلاوی مقالاتی در "جهان" درج نمائیم.

● ایتالیا - بولونیا، رفیق الف. ز : شعر شما دریافت شد. ضمن تشکر، منتظر دریافت اشعار بهتری از شما هستیم.

● فراشه - لیل، رفیق پ. لک : شعر "فزل زمانه" شما دریافت شد. با تشکر، منتظر دریافت اشعار دیگری از شما هستیم.

● ایتالیا - بلونیا، م. ج. دوست عزیز ترجمه مقاله‌ایکه از روزنامه "کارلینو" انجام داده‌اید، بدستمان رسید. ضمن تشکر فراوان از زحمات شما، برای ترجمه و ارسال این مقاله نکاتی را یادآور می‌شویم.

روشن است که ذکر این نکات نافی زحمات شما نخواهد بود. مقاله برای چاپ در نشریه جهان مناسب نیست زیرا یک مقاله کاملاً ژورنالیستی است. نویسنده در این مقاله توجه خواننده را به جنگ و خونریزی بی‌حدی که در سراسر جهان بین نیروهای متخاصم انجام میگیرد، معطوف مینماید بی آنکه تحلیلی ریشه‌ای از علل این جنگها بنماید و با اینکه تفکیکی بین جنگهای ارضاعی و جنگهای انقلابی رها فیض قائل شود. او جنگ را محکوم میکند و ما نیز. ولی ما برای متوقف کردن جنگ ناچاریم به جنگی که از آن بیزاریم، متوسل شویم. برای مثال برای پایان دادن به سلطه حکومت جمهوری اسلامی که با تکوین جبهه‌های جنگ با عراق از یک طرف و علیه نیروهای انقلابی از طرف دیگر، مبارزان آزادی خواه

و استقلال طلب را وادار به مقابله میکند، چه باید کرد؟ مسلم است که مردم کردستان همچون ما از جنگ بیزاریم و تشنه صلح و استقلال اند، لیکن برای دستیابی به آن، رژیم جمهوری اسلامی راهی جز جنگ برای آنها باقی نگذاشته است.

در مقاله ارسالی شما کوچکترین اشاره و تفکیکی در این زمینه انجام نگرفته است. ما در اینجا قصد شکافتن مقاله مذکور را نداریم تنها نمونه‌ای از بی جهت بودن مقاله را ذکر نمودیم. بی جهت بودن نه به معنای علمی، بیطرف بودن و واقع‌نگر بودن، بلکه به معنای دیوانه‌گری و فراموش کردن علتهای همه را با یک چوب زدن، چه انقلاب و چه ارتجاع. نویسنده مقاله با حفظ همین اسلوب چهارچوب ژورنالیستی مقاله خود را حفظ کرده است. درحالیکه توجه دارید سعی می‌شود مقالاتی در "جهان" بعنوان یک نشریه سیاسی درج گردد که کاملاً هدفمند و در جهت استراتژی انقلاب زآرمان زحمتکشان باشد. مقالات "جهان" برخلاف مقاله مذکور همه را خوشحال و با همه را ناراحت نخواهد کرد. مقالات ما دوستداران انقلاب را، دوستداران آزادی و استقلال را خوشحال خواهد نمود و دشمنان را حتی تا سرحد جنون عصیانی خواهد کرد. چرا که منافع آنها را بخطر می‌اندازد. بهر حال امیدواریم با ذکر این نمونه کوچک معیار درستی بدستان داده باشیم همگاری خودتان را با ما ادامه دهید. شما میتوانید در صورت تمایل، با رفقای ما در ایتالیا به آدرسی که در "جهان" درج گردیده است، تماس بگیرید. موفق باشید.

● سوئد - استهگلم، رفیق پویا : با تشکر نامه شما در ارضاط با جشن عید رفقای ما در سوئد بدستمان رسید. شما ضمن انتقاد از برگزاری جشن عید، نوشته‌اید که: "عید نوروز (اول فروردین) که وابسته است به پیدایش شاه در ایران، عید هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران نیست. عید کمونیستهای جهان، روز اول ماه مه است. عید هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق ایران باید روز سیاهگل باشد." ما نیز معتقدیم روز بزرگی چون اول ماه مه (روز کارگران) و یا "روز سیاهگل" باید از طرف کمونیستها جشن گرفته شود. اما در ارتباط با عید نوروز، برخلاف نظر شما، تنها جنبه‌ای که امروز مردم در برگزاری عید نوروز از آن یاد میکنند، ارتباط دادن نوروز به مسئله شاه و غیره است و امروز عید نوروز بصورت یک سنت نیکو در فرهنگ مردم جا افتاده است. از آن گذشته

اخروز در خارج از کشور عید نوروز از - روزهای است که نیروها و افراد مترقی و طرفدار انقلاب با تجمع وسیع و برگزاری مراسم سیاسی - فرهنگی - هنری، در عین برگزاری جشن، اهداف سیاسی ویژه‌ای را نیز به پیش می‌برند. آیا این برگزاری جشن عید با چنین خصوصیات و ویژگی، مغایرتی با برگزاری بزرگداشت‌های روزهای تاریخی و مهمی چون روز اول ماه مه و ۱۹ بهمن (سیاهگل) دارد؟ از دید ما، خیر.

● آمریکا - دالاس، رفقای مبارز، عکسهای ارسالی شما رسید. متشکریم. بموقع از آنها استفاده میشود.

● پاکستان - کراچی، رفیق هوادار : گزارش نسبتاً مفصل شما در مورد "انحلال اتحادیه‌های دانشجویی و تشدید اختناق" در پاکستان بدست ما رسید. ضمن تشکر از احساس مسئولیت و همکاری شما در مورد ارسال این گزارش نکاتی را یادآور می‌شویم. از آنجائیکه این گزارش مربوط به دانشجویان غیر ایرانی است و شما در این مطلب از تشکیلات مختلف دانشجویی نام برده - اید که برای خوانندگان "جهان" نا آشناست. (چرا که مثل شما در بطن مسائل دانشجویی پاکستان قرار ندارند). بنا براین درج این گزارش برای همه قابل لمس نخواهد بود. اگرچه گزارش شما گسترش جو اختناق و حکومت نظامی پاکستان را در محیط‌های دانشگاهی بخوبی ترسیم میکند و شامی از آنچه در پاکستان میگذرد را، نشان میدهد. بهر حال ما منتظر دریافت گزارشات دیگری از شما، خصوصاً در ارضاط با وضعیت ایرانیان آواره در پاکستان هستیم.

● آلمان - فرانکفورت، رفیق عزیز : با تشکر از اخبار ارسالی شما، قسمت‌هایی از آن مورد استفاده قرار خواهد گرفت. - همکاری خود را با ما حفظ نمائید. موفق باشید.

● آمریکا - میلواکی، م. ا. : با تشکر، وجه ارسالی شما رسید. نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد. در ضمن پاسخ ما نسبت به پیشنهاد شما مثبت است. ما منتظر دریافت آنها هستیم. موفق باشید.

● آمریکا - کالیفرنیا، رفیق لوس آنجلس مقاله شما با عنوان "سالی که نکوست، از بهارش پیداست" بدست ما رسید. از آنجائیکه ما در ارتباط با مسئله شهید اکبر جویانی مقاله جداگانه‌ای در همین شماره "جهان" درج کرده‌ایم، چاپ مقاله شما را لازم ندانستیم. سیاست هواداران مجاهدین نسبت به جزئی و بارانش از همان قدیم است

رهبران شان علیه این رفیق نشست میگیرد. ما تعجب نخواهیم کرد که هواداران شان در تلفن خبری شان نیز از بردن نام فدائی برای رفیق بیژن جزئی، که از رهبران این سازمان بوده است، ظفره روند. چرا که سازمان مجاهدین در نشریه مجاهد این سیاست را به هواداران شان نیز آموزش داده اند.

● آمریکا - کالیفرنیا، رفیق حمید: دو قطعه چکارسانی شما رسید. با تشکر فراوان نسبت به درخواست شما نیز اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - اوکلاهوا، ج-ب: با تشکر، چکارسانی شما رسید. نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد.

● آمریکا - فلوریدا - آقای ع: با عرض پوزش نسبت به درخواست شما مجدداً اقدام بعمل آمد.

● هلند - کمیته موقت هواداران سفید: با تشکر، لیست جدید درخواستی شما رسید. برای اقدامات لازم به مسئولین مربوطه ارجاع گردید.

● آمریکا - لوس آنجلس، رفیق مزیز ف: متأسفانه نامه، مقاله و جدول مورد اشاره شما را تاکنون دریافت نکرده ایم. ضمن پوزش، نسبت به درخواست شما اقدام لازم بعمل آمد. اگر وجهی همراه نامه اولیه تان برای ما ارسال داشته اید، ما را مطلع نمائید.

● آلمان - کیل، رفقای مبارز: مطالب ارسالی شما دریافت گردید. قبل از هر چیزی ما نیز از همکاری متقابل شما رفقای مبارز بسیار خرسندیم. شما در یادداشت توضیحی تان که همراه مطالب ارسالی شماست در مورد دو خبر مهم در رابطه با جنبش فلسطین اشاره کرده اید که متأسفانه ما از اجل خبر بی اطلاعیم و نتوانستیم از توضیحات شما استفاده نماییم. در مورد سؤال شما همانطوریکه در همین شماره ملاحظه می نمائید، اقدام نمودیم. همکاری شما در این زمینه و با هر مورد دیگر، باعث خوشحالی ما خواهد بود. در باره مقاله "دولت بحران..." سعی میشود با تغییرات جزئی در آینده از آن استفاده شود. در این مورد با شما تماس گرفته خواهد شد.

● اطریش - وین، رفقای مبارز: طسرج شما بمناسبت اول ماه مه، روز کارگر، دریافت شد. متشکریم. از آن استفاده خواهد شد.

● آلمان - برلن غربی، رفیق پ: نوشته مفصل و مسئولانه شما که حاکی از جسارت و صمیمیت، تعهد و احساسات پاک و اعتقادات شما نسبت به کارگران و زحمتکشان و

رفقای فدائی میباشد، بدستمان رسید. ما در عین ارج نهادن به زحمات و احساسات مسئولیت شما، نوشته را در اختیار رفقای مسئول قرار میدهیم و سعی خواهیم کرد با شما در تماس و تبادل نظر بیشتری قرارگیریم.

● آلمان - دارمشتات، رفقای کمیته ترجمه: با تشکر فراوان مطالب ارسالی شما درباره "چگونگی احداث کانال کرکوم" که مقاله جالب و آموزنده ای است بدستمان رسید. امیدواریم بتوانیم در آینده از آن استفاده نمائیم. پیشنهاد میشود رفقاتوان خود را روی ترجمه مطالبی ملموس تر برای خوانندگان نشریه جهان، بعنوان نشریه ای سیاسی، متمرکز نمائید. با امید موفقیت بیشتر.

● آلمان - آقای کندوله ای: مقاله شما تحت عنوان "سخنی با غیر دمکراتهایی که پرچمدار دمکراسی شده اند" بدستمان رسید.

پاسخ به یک هوادار مجاهد

● آمریکا - لوسیزبانا، آقای ا.ع: دوست عزیز از هواداران سازمان مجاهدین خلق ضمن ارسال نامه نسبتاً مفصلي، مطالبی را بیان داشته اند که ما به اختصار به آنها پاسخ میدهیم. در ابتدا لازم است از برخورد مسئولان ایشان برای ارسال این نامه تشکر نمائیم. این مطلب نشان میدهد که همه هواداران مجاهدین خواندن نشریه جهان را تحریم نکرده اند! ایشان در آغاز نامه شان اشاره کرده اند که:

"... نشریه مجاهدین چندی قبل سالگشت شهادت فدائیان شهید جزئی و یارانانش را منعکس نموده بود و از اسم فدائی، که هویت سازمانی شان بوده، خودداری کرده بود. با بعثت فلط چاپی یا به منظور دیگر، اشتباهی در این شماره نشریه مجاهد صورت گرفت و آنرا روزنامه کار، ارگان حزب (سازمان چریکهای فدائی خلق ایران (اقلیت)) منعکس و با درج اینکه مجاهدین خلق از فدائیان وحشت دارند و یا... با آب و تاب به آن حمله نموده و سازمان مجاهدین را ضمیمه محاکمه، تهدید هم کرده اند. حال در جهان شماره ۱۷ صفحه ۱۲ خبری راجع به شهید اکبر چوپانی که... این مبارز عضو سازمان مجاهدین خلق ایران بود و شما هم از نوشتن نام مجاهد که هویت سازمانی این شهید بوده خودداری نمودید. آیا شما هم از سازمان مجاهدین خلق وحشت دارید؟ اگر حرکت مجاهدین نسبت به شهید جزئی و یارانانش اشتباه بود، شما چرا همان اشتباه را تکرار کردید؟" (تاکیه از ماست).

در مورد مطلب مربوط به شهید چوپانی

شما میتوانید به مقاله "اتهام" مندرج در صفحه ۵۵ همین شماره "جهان" مراجعه نمائید و ما را از توضیح مجدد معاف دارید. و اما در مورد سایر مطالب، متأسفانه اطلاعات شما بسیار ناقص و غلط است. هیچ وقت سازمان چ.ف.خ.ا. در مورد اصطلاح "اشتباه مجاهدین در ذکر نکردن فدائی بودن رفیق جزئی چیزی ننوشتند. که اولاً بقول شما با آب و تاب حمله کنند و ثانیاً مجاهدین را محاکمه کنند و ثالثاً آنها را تهدید نمایند. تذکر این مطلب در "جهان" شماره ۱۵ صفحه ۴۲، نشریه هواداران سازمان چ.ف.خ.ا. فقط در یک پاراگراف آمده است. شما بهتر است خود به آن مراجعه کنید تا تبلیغات مسموم علیه فدائیان را بازغناسید. مطلب دیگری که ایشان بدان پرداخته اند، مقایسه حرکت سازمان مجاهدین در مورد مهدی سامع و علم کردن او علیه سازمان و چاپ اطلاعاتی های بی در پی او علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در مجاهد، ارگان رسمی مجاهدین و بقیه ماجراها که همگان با آن آشنائی دارند، بعنوان دخالت در امور داخلی یک سازمان دیگر و درج خبر چند سطر مربوط به خارج شدن عده ای از داخل سازمان مجاهدین که خود مجاهدین آنرا پنهان کرده اند، میباشد.

ما فکر میکنیم خبر خارج شدن دهها نفر از دورن مجاهدین بسیار مهمتر از وارد شدن یک همافر و غیره باشد که مجاهدین برای یکی هياهو زیادی برای می اندازند و برای دیگری، سکوت مطلق! درج یک خبر بمعنای دخالت در امور داخلی یک سازمان نیست. در مورد مهدی سامع، مجاهدین خبر اخراج او را درج نکرده، بلکه تلاش کردند که با انواع "حیلتهای شرمی" از او سازمان چریکهای فدائی خلق ایران مدافع شورا بسازند.

مطلب سوم ایشان در مورد خارج شدن پایه گذاران سازمان مجاهدین خلق از نهضت آزادی است. ایشان به اشتباه تصور کرده اند که ما در مقاله "مجاهدین، شکست یک استراژی"، به خارج شدن پایه گذاران مجاهدین از نهضت آزادی ابراد گرفته ایم. درست برعکس، ما آنرا تحسین کرده ایم. لطفاً مجدداً به مقاله مذکور مراجعه نمائید. چهارمین بند نامه ایشان در مورد مقاله "بحران فلسطین" مندرج در "جهان" شماره ۱۷ است. ایشان گفته اند "تذکر اشتباهات سازمانهای جنبش فلسطین" دخالت در امور سیاسی یک سازمان انقلابی است. ما فکر میکنیم تحویل و بیان اشتباهات

هر سازمان سیاسی و دادن آموزش درست در باره آن، نه "دعالت"، که وظیفه یک سازمان سیاسی است و این دید شما ناقصی از آموزش طوطی‌وارانه‌ای است که متأسفانه نشریه مجاهد به شما منتقل نمیکند.

نکته پنجم ایشان در باره کاریکاتور است که از نشریه "آهنگر" در "جهان" شماره ۱۷ در باره هیأت‌های حزب توده چاپ شده است. ایشان ابراهیم گرفته‌اند که ما (در واقع آهنگر) نوشته‌اند حیانت به جنبش چپ و مرفعی ایران، در حالیکه حیانت حزب توده به کل جنبش، انقلاب و مردم ایران بوده است و نیروی چپ تنها قسمت کوچکی از آن است. همانطوریکه خودتان ذکر کرده‌اید، در کاریکاتور تنها کلمه چپ بکار نرفته، بلکه جنبش چپ و مرفعی نوشته شده و این یعنی همان کل جنبش که مورد نظر شماست.

نکته ششم، ایشان نوشته‌اند که: "در نشریاتشان، مقاله‌ها، و نوشته‌های دیگر همیشه سعی میشود خواننده را بی سواد، بی معلومات تلقی کنید، چون ضمن درج مقاله، خودتان هم تفاوت میکنید... ما بسیار متأسفیم که چنین برداشتی برای شما پیش آمده است و اگر نحوه نوشته‌های ما باعث این برداشت بوده است، از این بابت پوزش میطلبیم. اگر چه چنانچه این چندین تصور نداشتیم و نداریم، البته دلیلی که شما فکر کرده‌اید و ما را هم متهم به "خودستایی" نموده‌اید، درست نیست. بهتر بود شما به مورد مشخصی اشاره میکردید. چرا که تفاوت ما در مورد یک مقاله بمعنایی نیست که شما برداشت کرده‌اید.

نکته هفتم نامه ایشان در مورد نشریه ایران‌شهر است. از آنجائیکه ایشان خود نوشته‌اند که: "متأسفانه تاکنون یک شماره آنرا هم مطالعه نکرده‌ام و از محتویات آن بی اطلاع هستم..." ما نیز از اظهار نظر بهرامون مطلب ایشان خودداری نمیکنیم.

نکته هشتم نامه ایشان ارزیابی شان درباره صفحات شورای مجاهد است که آنرا مثبت ارزیابی کرده‌اند!

نکته نهم نامه ایشان در باره نشریه "آلترناتیو انقلابی" جامعه ایران است که میپرسند مگر شما از مردم رای گیری کرده‌اید که شعار جمهوری دمکراتیک خلق را بدهید و آلترناتیو شورای ملی مقاومت را رد میکنند و میگویند که خلق دیگر فریب این آلترناتیوهای پوئالی را نخواهد خورد.

اولاً شما حتما میدانید که مجاهدین هم برای آلترناتیو خودشان از مردم رأی -

چهارم از مقالات دیگر استفاده شده است. البته با اجازه شما برای قسمتهای بعدی نیز از همان عنوان کلی مقاله شما استفاده شده و میشود. منتظر دریافت نوشته‌های جدید دیگری از شما هستیم.

نشریات رسیده

با تشکر فراوان از ارسال کنندگان نشریات. خبرنامه سپاهک - نشریه هواداران س. چ. ف. خ. ا. در بانکوک تایلند شماره‌های ۱۷ و ۱۸ و ویژه درگذشت کارل مارکس.

فهریات - نشریه هواداران س. چ. ف. خ. ا. در ترونت، آمریکا.

کاربین الملی - به انگلیسی، ترجمه به عربی، گزیده مقالاتی از نشریه کارگران س. چ. ف. خ. ا.

خبرنامه - نشریه دانشجویان ایرانی - هوادار س. چ. ف. خ. ا. در انگلستان، اسکا-تلند و لز. شماره‌های ۸۰۷، ۸۰۶ و ۹.

خبرنامه - نشریه سازمان دانشجویان ایرانی در هند هوادار س. چ. ف. خ. ا. شماره ۱۲ همراه با ترجمه مقاله‌های تحت عنوان: "آلترناتیو استراتژیک برای توسعه" و ترجمه مقالات کار.

خبرنامه - نشریه فدراسیون هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در ترکیه شماره‌های ۵۰۲ و ۶۰.

مجموعه مقالات - "سبک کار کومله برای تشکیل حزب کمونیست"، سلسله مقالاتی از ریگای گدل، نشریه سچفا شاخه کردستان.

راه، راه، راه دمکراسی واقعی است، نوشته‌های از مگری، پاسخی به نوشته علی اصغر حاج سید جوادی، تحت عنوان "راه از کدام طرف است".

آگاه - نشریه دانشجویان ایرانی هوادار جنبش چپ در بتن روز، شماره‌های ۲۰۱ و ۲۰۲ (ویژه نوروژ).

علم و جامعه - نشریه مستقل، شماره‌های ۲۵ و ۲۶.

انقلاب و آزادی - ارگان ناچمن آزادی شماره ۱۰.

آبگون - "نشریه‌ای دیگر"، شماره‌های ۵۰۲ و ۶۰.

خبرنامه - نشریه دانشجویان ایرانی در ایتالیا، هوادار سچفا شماره ۲.

"ضرورت جدایی دین از دولت" از نشریه کار هفته نامه خبری - نشریه انجمنهای دانشجویان ایرانی در کانادا هوادار سچفا، شماره ۲۳.

بیکار اول اردیبهشت - شماره ۲.

گیری نکرده‌اند. ثانیاً لازم به توضیح است که نفی آلترناتیو شورا به این دلیل است که محتوای برنامه آن منافع اکثریت مردم جامعه ایران که کارگران و زحمتکشان شهر و روستا باشند را در برنمیگیرد. در حالیکه برنامه آلترناتیو جمهوری دمکراتیک خلق با محتواییکه سازمان چ. ف. خ. ا. پیشنهاد داده است، در برگیرنده منافع طبقه کارگر و اکثریت زحمتکشان ایران است. بسیاری اثبات این مطلب شما میتوانید برنامه عمل سازمان چ. ف. خ. ا. را با برنامه دولت موقت شورای ملی مقاومت مطالعه و مقایسه نمایید. و بالاخره ایشان نامه خودشان را با شعار مرگ بر امپریالیسم، مرگ بر خمینی، پایان داده‌اند. شاید ایشان فراموش کرده‌اند که شعار مرگ بر امپریالیسم، از قطع سازش مجاهدین با لیبرالها، از نشریه مجاهد محو شده است! بهتر است ایشان به سازمان مجاهدین نیز نامه‌ای بنویسند و دلیل آنرا چویا شوند. مجاهدین در مسورد پرش ما که پاسخی ندادند!!

● آمریکا - نیوجرسی، رفیق م. بخدری: داستان ارتالی شما دریافت گردید. متشکریم. برای استفاده آن در نشریه جهان مورد بررسی قرار میگردد.

● آمریکا - برکلی، رفیق م. مطلب ارتالی شما تحت عنوان "سری در هنر و ادبیات بالنده"، نیما یوشیج آ بدست ما رسید. بسیار متشکرم مطالب شما در نوشته‌های جهان مسورد استفاده قرار خواهد گرفت.

● آمریکا - بسن، رفیق ک. ع. مقاله شما تحت عنوان "چپ در اعتدالی نیرو-های زندگی خواه" که در پاسخ مقاله "نقش چپ در تضعیف حرکت‌های زندگی خواه" منتشر در "ایران‌شهر" شماره ۲۲۰ نگاشته اید به دستمان رسید. از آنجائیکه این مقاله بسیار برای "ایران‌شهر" نوشته و ارسال شده است ما نیز مثل شما امیدوار بودیم که ایران‌شهر آنرا به چاپ برساند. بهر باتشکر از شما سعی میشود مقاله شما بیک نحوی مورد استفاده قرار گیرد.

● آمریکا - برکلی، دوست عزیز پروین ش: نامه محبت آمیز شما رسید و از انتقادات بجا و سمورده‌تان در باره غلط‌های املائی، اشتباهات تایپی و نارساییهای ادبی بخش اول مقاله "بازتاب رویدادهای تاریخی و اجتماعی در شعر ناری" که مسئولیت همه آنها به ما برمیگردد متشکریم. از آنجائیکه قسمت‌های دیگر مقاله شما با هدنی برای درج این سری مقاد در "جهان" در نظر گرفته شده است انطباق کامل نداشت و از طرفی تغییرات کلی در مقاله شما را اصولی تشخیص ندادیم. در بخشهای دوم، سوم و



اول ماه مه

چیز مهمی نیست، تنها یکی از ما
تنها حیات حقیر انسانی، ویران شده،
تنها ذره‌ای ناچیز از جهان
در جهنم ماشین‌ها، کارخانه‌ها و خرده پاش‌ها
در هم شکسته است، خرد شده است، متلاشی شده است...

بگذار خدا نداند و تار از بود زندگی بگسلد.
بهندای بهار، ناگاه الهمنی بر حرارت
آنان را گرفته برافروخته است.
در جهشی ناگهانی از عشق
در خیزی از نفرت
پس مانده‌های پامال شده به یکدیگر در آمیخته‌اند
به توده‌های سوزان و آتش‌فشانی
جوشان و راز آمیز، مبدل شده‌اند.

و امروز، اینکه آن توده، مانیم.
جوانی ما - که دیری است از یاد رفته
در نهان به گمان دریافته و هرگز تصاحب نشده -
امیال ما - که به تدریج از دست رفته‌اند -
رویاهای ما - که هرگز تاجی از پیروزی بر سر نهاده‌اند -
زندگی ما - دستخوش تیره روزی و شرمساری -
همه ناگاه از این حرارت سوزان شعله‌ور می‌شوند
و بلندی و تابناک زبانه می‌کشند.

هر چند اکنون به وضوح نمی‌توانیم شادی کنیم
و نمی‌توانیم در آرامش به مسوی هدف‌های نجیب خویش گام
برداریم، با این همه ما خداوند سرنوشت خویشیم، بهاریم، جوانی
هستیم.

سپیده دمیم!

و نخستین روز مه، روز ماست، از آن ماست.

اعتصاب

اعتصابی می‌خواهم من، اعتصابی همه‌گیر
اعتصاب بازوها، پاها، موها
اعتصابی که از تنها مان همواره باز برود
اعتصابی می‌خواهم من،
اعتصاب کارگران، راننده‌های اتوبوس،
تکنسین‌ها، پزنگان
اعتصاب گیبوتران، گلها، کودکان و زنها
اعتصابی چنان هولناک، که ...
راه به عشق بگشاید!
اعتصابی که همه چیزها را از کار بازدارد
ساعتها را، کودکانها را، اتوبوس‌ها را
خیابانها را
کارخانه‌ها را، مدارس را، بیمارستانها را،
بنادر را
اعتصاب چشمها، دستها، بوسه‌ها
اعتصابی نفس‌گیر
آنچنان که

سکوت را

برویاند

تا خلق در زمینه‌آن، مدای قدمه‌های

(Gloconda Belli)

که شاعری از نیکاراگوئه -
می‌گردد، ترجمه از متن آلمانی

پی‌یترو گوری Pietro gore

(شاعر انقلابی ایتالیایی)

بیا، ای ماه مه!

بیا ای ماه مه
خلق‌ها انتظارت را می‌کشند
جان‌های آزاد بر تو درود می‌فرستند
ای عیدمهربان کارگران!
به افتخار آفتاب تابان شو.

دست‌های نینه‌بسته‌مان را برافرازیم
تانیرونی بارور تشکیل دهند.
ما بر آنیم که جهان را آزاد کنیم
از ستمگران و از بی‌کاری و از طلا

پس ای سرود امیدهای بلند پرواز، طنین افکن شو
به خاطر نیروئی که میوه‌ها را می‌رساند
به خاطر شکوفه‌باران بی‌نهایت دلخواهی که در آن
آینده، لرزان می‌درخشد
جوانی، دردها، آرمان‌ها.

و بهاران، با ملاحات اسرار آمیزشان.
ای ماه مه سبز، از تبار آدمیزادان!
به قلب‌ها شهادت و ایمان عطا کن.

به یاد رفیق شهید "حمه‌مه‌کس"
(محمد کس زانی)

بذر کُمون

عطر اندیشه‌ات در کوه طوفان آفرید
دریای تنگت را به باد سپردی
به رگبار
بر فلات:
با شیار خشم تفنگت
با زود خون آوندهای جوشانت
با اندیشه سترگ جوشانت
بذرهای کاشتی
بذر کُمون
ای بیاد ماندنی

انسان‌رود غروشان
ملاطبت دشت‌های پر طیش‌کار
در تنگنای ستم‌زده کار و سرمایه
در کارزار بودن
و نبودن

در تقابل رشادت و رذالت
دستان تو بود
که تلاشی شب‌را نوید میداد
و تفنگت که سیاهی را میشکافت
و مشعل وار
بر ره ستاره می‌باراند
ای جسم جاودانه سوسیالیسم!
زحمتکشان فردا
انگاه که تان

کار
و آزادی
"به تساوی تقسیم میکنند"
ای مهربان
کمون‌های سرخ
نام والای ترا
ای بلشویکی!
در کشت جمعی،
در کشتزارهای سرخ
سرود میخوانند

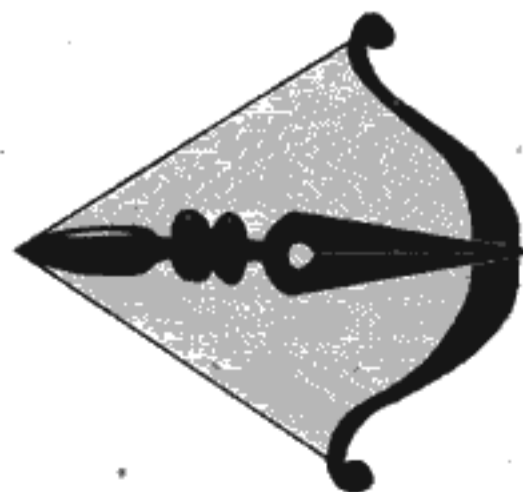
ترکیه، م. ۲۲/۱۲/۱۲

به "جهان"
(جهان‌گیر قلعه میاندوآب)
به مناسبت روز کارگر

جهان ای تندرو طوفان
جهان جولانگه گردان
ز شیران نام بگرفتی
ز پیلان نام بگرفتی
سبکبال و سرود گویان
پر پرواز بگرفتی
به سر شور و شر داری
به دل عشق وطن داری
وطن خاک و اسپری نیست
تو دنیا شای دگر داری
جهان ای تندرو طوفان
جهان جولانگه گردان
ز دنیا بخت چه داریم ننگ
همه خوشدل، همه بگوش
اگر دشمن بما یازد
بناریم با سلاح جنگ
جهان ای تندر آتش
جهان طوفان نگر و سرکش
تو شمشیر از نیام برکش
هزیمان را بهم درکش
چو رویاه راه پس گیرند
رها کن شیر از سرکش
جهان ای تندرو طوفان
جهان جولانگه گردان
عدا بخت زنده و گرم بخت
ز تو زحمتکشان سر بخت
به ایران کزنداری ره
ز تو دنیا کنیم بگدست
دلبران سخت در کارند
پلان در فکر بیکارند
ز ترس خشم و قهر خلق
سران غم بیمارند
جهان ای تندرو طوفان
جهان جولانگه گردان
به ایران باز خواهی گشت
به آذربایجان و رشت
به کردستان و خوزستان
همه ایران کنیم گل‌دشت
جهان نام شو جاوید است
دلت از خشم پر کین است
ز خون پیشگامانت
بهار خلق نزدیک است
جهان جاری بمان، بسبزش
بربران را ز زمین درویش
اگر از ما قلم گیرند
ز خون جوهر قلم آمیز

الف - ج ۶۲/۱/۲۵

شعر فوق توسط یکی از دوستان نزدیک
رفیق "جهان" از ایران ارسال
گردیده است.



هموطن! نشریه جهان را برای خود و دوستان خود مشترک شوید!

تعا می‌توانید نشریات "کار"، "زیگای گدل" و "جهان" را از طریق آدرس های زیر تهیه نمائید.

اتریش
ISV
IRANISCHER STUDENTENVERBAND
PF 370-1061
WIEN, AUSTRIA
۱۳۰ شیلینگ برای ۶ شماره
۲۳۰ شیلینگ برای ۱۲ شماره

آلمان غربی
POSTFACH | 3653
7500 KARLSRUHE, W.GERMANY
۱۵ مارک برای ۶ شماره
۲۵ مارک برای ۱۲ شماره

آمریکا
JAHAN
P.O. BOX 540
N.Y., N.Y. 10185
U.S.A.
۸ دلار برای ۶ شماره
۱۵ دلار برای ۱۲ شماره

انگلستان
OIS
BM-KAR
LONDON, WC IN3XX
ENGLAND
۵ پوند برای ۶ شماره
۹ پوند برای ۱۲ شماره

ایتالیا
M.C.P. 6329
ROMA PRATI
ITALI
۹۰۰۰ لیر برای ۶ شماره
۱۷۰۰۰ لیر برای ۱۲ شماره

بلژیک
E.I.
B.P. 8
1050 BRUXELLES 5
BELGIQUE
۵۰۰ فرانک برای ۶ شماره
۹۰۰ فرانک برای ۱۲ شماره

سوئد
ISS
BOX 50057
10405 STOCKHOLM
SWEDEN
۸۰ کرون برای ۶ شماره
۱۲۰ کرون برای ۱۲ شماره

فرانسه
A.C.P.
B.P. 54
75261 PARIS CEDEX 06
FRANCE
۷۰ فرانک برای ۶ شماره
۱۲۰ فرانک برای ۱۲ شماره

کانادا
ISS
P.O. BOX 101, STATION H
MONTREAL,
QUEBEC H3G2K5
CANADA
۶۰ دلار برای ۶ شماره
۱۸۰ دلار برای ۱۲ شماره

با کمکهای مالی خود، سازمان جهانی را
دعای خیرات
و مراسم خیرات برای شما

محل مسلمانان برکلی	۱۵
مکانیک برکلی	۲۰
رفیق جزئی برکلی	۱۶/۲۵
رفیق هادی	۲۰
بولتن ۷	۲۰
رفقای ما می استاز	۳۰
رفیق عباس	۵۰
بولتن ۷	۲۵
برکلی	۸۰
شوراها و کارگری (۱)	۳۶
سپروز - پ	۱۵
آرلینگتون ۱۰۴	۱۲۰
آرلینگتون ۱۰۵	۱۰۰
بیزن - برکلی	۴۰۰
ت	۱۷
محسن	۴۰
نیویورک	۳۱
سیاهکل	۸۲/۵۶
رفقای ما غده نظامی	۲۲۰
شورای عالی	۵۳۰
بستون رفیق	۲۰
مادر	۲۰
اسکندر	۷۳
ناظمی	۲۹
امید ایران	۳۵
فریبا	۵
برکلی - عید	۲۸۲
بستون همه کس	۲۲۹/۵۰
بستون - حسین	۲۲
الله یازی	۲۰۰
لنبن - آریزونا	۲۰۰
نوروز خلق - آریزونا	۲۰۰
بستون	۱۵۰
مارچ ۱۲	۶۰
عید	۸۰
ش	۱۰
کلمبوس - رفیق	۵۰
مادریک	۵۰
بستون کلمبوس	۲۳
بستون اسکندر	۲۱
بستون سیاهکل	۱۸۱/۵۰
بستون بستون	۳۰
فدائی	۲۱/۲۰
م	۲۷۰
بستون ایالتی	۲۰۱
آهایو	۴۰
آهایو ۵	۲۰
زحمتکشان	۲۰
عید	۵۰
واقعی	۲۰
توده ها	۵۰
حشمت	۵۰
اسکندر	۵۰

انتهای کمکهای مالی ارسال شده

فرانک	۲۰	فرانسه	۲۰
رفیق شهرام میرانی	۳۰	شهادی چاپ و انتشارات	۱۰۰
فریده یکمدها نگشتری	۲۰۰	شهید فدائی	۱۰۰
مونتیرال - جنبش خلق کره	۱۸۰	ایوا لفضل قزاق باقی	۱۰۰
طینک	۲۰۰۰	شهید فدائی خلق هادی	۱۰۰
رفقای لندن	۲۰۰۰	شهید فدائی	۱۰۰
مارک	۲۰۰	حمید آزادی	۱۰۰
آلمان	۲۵۶	کد	۲۵۶
کلس - کردستان	۱۹۵	کد	۲۵۶
کلس - بهمن آرزنگ	۶۵	پرورش	۲۰۰
دارمشتات	۵۰۰	رفقای	۲۰۰
دارمشتات	۵۰	استراسبورگ	۲۶۵
کردستان	۵۰	داریوش	۱۶۲
فرانکفورت شورا	۲۰۰	پاریس سینزین	۱۳۰
فرانکفورت اسکندر	۱۵۰	رفیق هادی	۱۲۰۰
درمن سیاهکل	۱۰۰	رفقای لیل	۲۴۰۰
مونتیر	۵۰۰	گرونو	۲۰۰
هانور - شورا	۱۰۰	نانسی	۱۰۰
کیس	۲۰	استراسبورگ	۲۰۰
بیراسری	۱۰۳۷	تولوز	۱۰۰
زن	۲۰۰	فریبا	۲۰۰
انگلستان	۲۸۲	رفقای پاریس	۱۵۰۰
رفیق سینا کارگر	۵۰	بستون همه کس	۲۲۹/۵۰
ک - د	۶	بستون - حسین	۲۲
سوازی	۶۰	الله یازی	۲۰۰
لندن	۱۴۰	لنبن - آریزونا	۲۰۰
علیرضا نابدل	۵	نوروز خلق - آریزونا	۲۰۰
احمدزاده	۱۰	بستون	۱۵۰
پویان	۱۰	مارچ ۱۲	۶۰
منچستر	۱۳۷	عید	۸۰
کاردید	۸	ش	۱۰
بیزن	۵۰	کلمبوس - رفیق	۵۰
فرهاد	۸۰	مادریک	۵۰
لندن - ۲	۲۳	بستون کلمبوس	۲۳
لندن - ۳	۲۱	بستون اسکندر	۲۱
لندن - ۱	۹	بستون سیاهکل	۱۸۱/۵۰
انکی	۷۰	بستون بستون	۳۰
حمید اشرف	۶۱/۵۰	فدائی	۲۱/۲۰
اسپارثاکوس	۴۰	م	۲۷۰
آبردین	۲۰	بستون ایالتی	۲۰۱
آسترالیا	۲۵	آهایو	۴۰
بزرگداشت لندن	۶۷	آهایو ۵	۲۰
جلسه میدلزبرو	۲۸	کردستان	۲۰
آسترالیا	۲۰	س - م	۵۰
صمدالمنچستر	۲۰	ا - م برکلی	۲۰
یدالله زارع	۱۰	رفیق کاظم	۲۰
ف. لیدز	۲۰	احمد - برکلی	۲
لنبن	۷۰	رفیق سیامک	۵۰
رفقای نشریه جهان	۱۰۰	اشدیان	۵۰

پاکستان	روپیہ
فدائی شهید شفی	۲۰۰
محمد زینا لدینی	۱۸۰۰
فرخون مالی	۱۸۰۰
ترکیه	مارک
دوراہ بیشتر	۲۰۰۰
وجود ندارد	۹۰
آرمان - ر	۳۹۰
آرمان ۳۰	۳۹۰
شهرین	انگشتر
جزئی	۵۰۰۰ لیر
آشتیانی	۶۰۰۰ لیر
هادی	۶۸۰۰ تومان
نظام	۸۰۰۰۰ لیر
تکنیک	۲۰۰۰ لیر
هادی	کردن بند
نظام	۱۰۰
مرضیه اسکولی	۱۰۰۰۰ لیر
عمومی	۱۶۰۰ لیر
۳۳۱	۱۰۰۰ لیر
نظام	انگشتر
اسکندر	۲۰۰۰۰ لیر
حمید اشرف	۵۰۰ لیر
رفیق داود - دو انگشتر	۱۰۰
یک جفت گوشواره	-
۴۸۰ تومان	۶۵ دلار
۲۰ فرانک	۲۵۰ مارک
۶۰۰۰۰ لیر	۱۲۰۰ مارک
آسیانیا	پروتا
مادرید	۳۵۰۰
ایتالیا	لیر
رفیق محمد علی	۱۰۰۰۰۰۰
قمایی	۹۰۰۰۰
۵۵ تریست	۹۰۰۰۰
سوئد	کرون
سازمان دانشجویان ایرانی در انگلهم	۶۹۰۰
چین سیاهکل - انگلهم	۲۲۳۰
رفقای مالمو	۲۲۰
رفقای ویستلاند	۳۵۰
رفیق سن - امشو	۲۰۰
به پیشمرگان فدائی در کردستان	-
انگلهم	-
احمد ونسین	۵۰۰
محسن	۱۰۰
همدم	۵۰
کانادا	دلار
رفیق مادر	۷۳/۶۵
به پیش رفقا	۲۶/۳۵
ستیز	۳۰
شورا	۲۰

بمناسبت تولد و. اے. لنین



ПОЧТА СССР



В. И. ЛЕНИН



1870

1924



ПОЧТА СССР

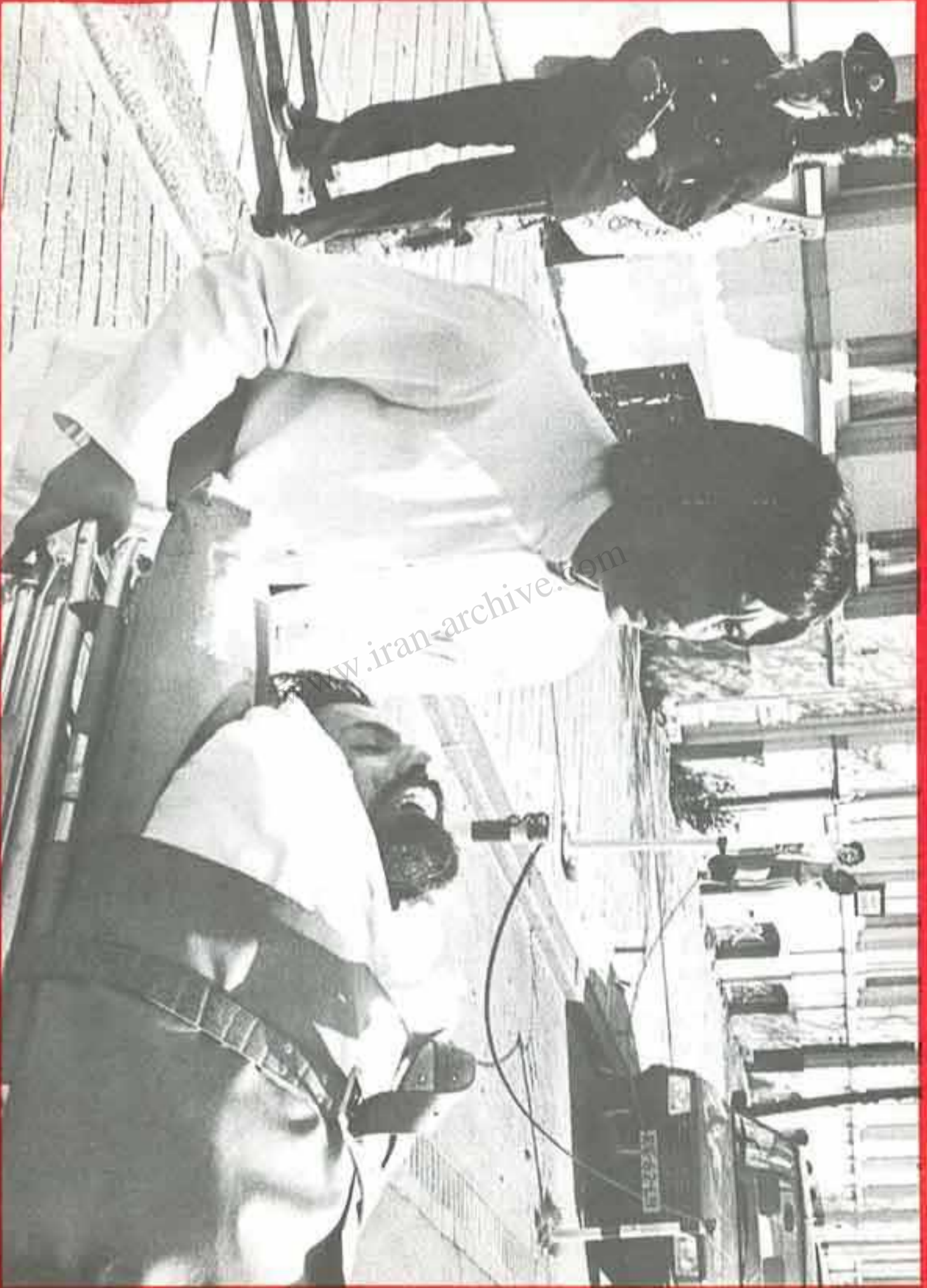


ПОЧТА СССР



ПОЧТА СССР





در جریان حمله به ساختمان جلی محمد انصاری حاکم رژیم و اعضای و تکلیف ریحانگان سلطنتی با
اعضای حمله و سرکشی عالی گنبد و موبایل رژیم احسان کریمی و دیگر اعضای احسان کریمی